

انقلاب اسلامی

پیشش محور



برمدار امید

نگارش:
جمع نویسندگان





طرح پرسش محور

بر مدار امید

نسخه انتشار در فضای مجازی

﴿ انقلاب اسلامی ﴾

مدیریت امور دروس معارف



خداوندی که تمام عمر جری در دستگیر
معاونت آموزش و پرورش و استادان معارف

شماره: ۴۰۲/۱۰۰۶
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

شناسه درسینامه

(تأییدیه متن درسی معارف اسلامی)

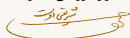
در راستای بهبود محتوا و سامان بخشی به دروس معارف اسلامی دانشگاه، بدینوسیله «شناسه درسینامه» کتاب «بر مدار امید (انقلاب اسلامی ایران - طرح پرسش محور)» برای تدریس در مقطع کارشناسی صادر می شود.

کد شناسه: ۱۳۹

نام کتاب: بر مدار امید (طرح پرسش محور)		
مؤلف: جمعی از نویسندگان	گرایش: انقلاب اسلامی	دانشگاه های قابل تدریس: دانشگاه های سراسر کشور
تعداد واحد: ۲ واحد		

از خداوند منان برای مؤلفان محترم، توفیق مضاعف در عرصه جهاد تبیین طلب می کنیم.

مدیریت امور دروس معارف اسلامی



طرح پرسش محور

بر مدار امید

(درس انقلاب اسلامی)



●● گروه تدوین ●●

●● دکتر مسلم زمانیان ●● محسن محمدی ●●

●● سرویراستار: عباس محمدی کلهر ●● ویراستار: مجید هاشمی نژاد ●● مدیر هنری: محمدصادق صالحی ●●

●● تیراژ: ۲۰۰۰ جلد ●● قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان ●●

●● معاونت آموزشی «استادان و دروس معارف اسلامی» ●●

●● مدیریت امور دروس معارف اسلامی ●●

فصل اول

چرا انقلاب کردیم ۱۱

۱. چه اطلاع دقیق فنی و آماری و مستند از عقب ماندگی زمان پهلوی وجود دارد؟ مهم ترین ابعاد انحطاط فرهنگی و عقب ماندگی اقتصادی ایران دوره پهلوی چیست؟ ۱۳
۲. حالا که مدل حکومت های سکولار دنیا کارآمدتر است، چه نیازی به تشکیل حکومت دینی است؟ ۲۰
۳. این همه کشور مسلمان، چرا فقط در ایران باید دین با سیاست یکی باشد؟ ۲۵
۴. اگر انقلاب کار خود غربی ها نبود، پس چرا شاه از وقتی گفت: «ما دیگر به چشم آبی ها باج نمی دهیم» انقلاب شد؟ ۲۸
۵. جمهوریت یا اسلام؟ مسئله کدام است!! ۳۴
۶. چطور غربی ها که پیشرفته ترند و آزادی بیشتری هم دارند مشکلی ندارند؟ محدودیت فقط برای ایران است؟ ۳۷
۷. آقای جمهوری اسلامی چرا فراندوم نمی گذاری؟ ۴۱
۸. حالا که می گویی این نظام مقبولیت دارد پس این اعتراضات نشانه چیست؟ ۴۴
۹. خودتان که تظاهرات می کردید، اموال دولتی را خراب می کردید. حالا چرا به اغتشاش گر ها می گوئید خرابکار؟ ۴۷

- ۵۴ ۱۰. زمان شاه به خشونت می‌گفتید انقلابی‌گری؛ حالا نوبت اغتشاش‌گرها که رسید، شد جرم؟
- ۵۷ ۱۱. اگر اجازه راهپیمایی نمی‌دهید پس چرا قانون اساسی اصل ۲۷ دارد؟
- ۶۲ ۱۲. یعنی می‌شود باز انقلاب شود؟ انقلاب کردن چه جور است؟

● فصل دوم

۶۷ ساختار جمهوری اسلامی

- ۶۹ ۱۳. وقتی این همه تحصیل کرده در رشته‌های مختلف فنی، اقتصادی، سیاسی و علوم اجتماعی وجود دارد؛ چرا باید کسی که فقط فقه خوانده است بر همه مردم حکمرانی کند؟
- ۷۱ ۱۴. چرا دوره رهبری در قانون اساسی محدود نشده است؟
- ۷۳ ۱۵. چرا نباید مردم خودشان مستقیماً ولی فقیه را انتخاب کنند؟
- ۷۴ ۱۶. آیا انتخاب اعضای شورای نگهبان - ۶ فقیه توسط رهبری و ۶ حقوقدان توسط رییس قوه قضاییه منتخب رهبری - سوء استفاده رهبری از قانون نیست؟ آیا حق با کسانی که شبهه دور در انتخابات را مطرح می‌کنند نیست؟
- ۷۷ ۱۷. شورای نگهبان همواره کاری می‌کند تا مردم بین بد و بدتر انتخاب کنند؛ چرا باید نظارت استصوابی باشد تا این همه مشکل درست شود؟

● فصل سوم

۸۳ مواضع و تصمیم‌گیری‌های جمهوری اسلامی

- ۸۵ ۱۸. با وجود این همه فساد؛ چرا رهبری از مشکلات، چیزی نمی‌گوید و سکوت کرده است؟
- ۹۲ ۱۹. چرا همه گروه‌ها از جمله بهائیت اجازه کاندیداتوری مجلس و ریاست جمهوری را ندارند؟
- ۹۵ ۲۰. جریان‌های سیاسی مبارز با رژیم پهلوی، چرا از همان اول انقلاب، بدون دادن مسئولیت کنار گذاشته شدند؟
- ۹۹ ۲۱. چرا همه رؤسای جمهور پس از پایان دوره ریاست جمهوری طرد شده و خائن تلقی می‌شوند؟ این‌ها اگر خائن بوده‌اند چرا از ابتدا شورای نگهبان تأییدشان کرد؟

- ۱۰۴ ۲۲. طبق وعده امام خمینی رحمته الله علیه آب و برق مجانی چه شد؟
- ۱۰۷ ۲۳. حالا که انرژی هسته‌ای در جهان «چراغ نفتی» شده و همه سراغ انرژی‌های خورشیدی رفته‌اند، ما چرا باید این همه برایش هزینه کنیم؟
- ۱۱۳ ۲۴. چرا بابا در بند «مرگ بر آمریکا» و آوازده‌اش شهروند غرب و اروپاست؟!
- ۱۱۶ ۲۵. آیا ۴۰ سال زمان کافی برای نشان دادن کارآمدی یک حکومت نیست؟ چرا پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی هنوز مردم ایران این همه فقر و بدبختی دارند؟
- ۱۲۱ ۲۶. چرا امام قطعنامه‌های اتمام جنگ را نمی‌پذیرفت؟ چرا سخنان تحریک‌آمیز علیه صدام زد تا عراق به ایران حمله کند؟ آیا خود ما عامل ایجاد جنگ و ادامه آن نبودیم؟
- ۱۲۳ ۲۷. چرا حکومت ایران کاری کرده است که یک دوست، بین کشورهای مهم و بزرگ جهان ندارد؟
- ۱۳۰ ۲۸. تاریخ می‌گوید فلسطین سرزمین یهود بوده است. حالا ما چرا باید از فلسطینی‌هایی که خودشان به اسرائیل زمین فروختند حمایت کنیم؟
- ۱۳۴ ۲۹. وقتی خودمان غرق مشکل اقتصادی هستیم کمک به فلسطین و لبنان و سوریه چه معنی دارد؟
- ۱۴۳ ۳۰. چرا با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم تا از این فلاکت‌های اقتصادی نجات پیدا کنیم؟
- ۱۵۸ ۳۱. با این همه شعار (مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم و شعارنویسی روی موشک و...) آیا مقصد دشمنی آمریکا و اسرائیل با ایران، خود مسئولین و مواضع جمهوری اسلامی نیست؟
- ۱۶۵ ۳۲. ایران قبل از انقلاب اسلامی، وابسته غرب بود، الآن هم که متمایل به شرق (روسیه و چین) است؛ پس چه فرقی کرد؟
- ۱۷۰ ۳۳. در زمان شاه، با پاسپورت معتبر، با تمام دنیا تعامل داشتیم، تازه ژاندارم منطقه هم بودیم؛ چرا جمهوری اسلامی تمام این‌ها را گرفت؟

فصل چهارم

کارنامه و کارآمدی نظام

۱۷۷

۳۴. اصلاً انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی دارد؟

۱۷۹

۳۵. آیا ۴۰ سال زمان کافی برای نشان دادن کارآمدی یک حکومت

۲۰۳

نیست؟ چرا پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی هنوز

مردم ایران این همه فقر و بدبختی دارند؟

۳۶. این همه کشور پیشرفته در جهان، چرا ایران را با همسایه‌هایش

۲۰۸

مقایسه می‌کنید؟

۳۷. دستاوردهایی که برای نظام شمرده می‌شود چه ربطی به انقلاب

۲۱۵

دارد؟ اگر پهلوی هم می‌ماند همین پیشرفت‌ها بود!

۳۸. واقعاً جمهوری اسلامی موجب دین‌زدگی مردم شده است؟

۲۲۱

فهرست منابع

۲۲۷

مقدمه

اوست دانای بی‌هتا

متن پیش‌رو، دربرگیرنده پرتکرارترین پرسش‌های دانشجویی در موضوع انقلاب اسلامی است. سعی‌مان برآن بوده علاوه بر پاسخ‌گویی به ابهام‌ها و سؤال‌ها، شیوه نگارش هم جوان‌پسند و دانشجویی باشد.

پیش‌فرض ما این نبوده که کلاس معارف باید شبهه‌محور اداره شود، اما باور ما این است که الگوی پرسش و پاسخ، تعامل‌ساز است و میان استاد معارف و دانشجو مفاهیم می‌سازد و الگویی است که با ایجاد مشارکت در کلاس‌های معارف، تدریس یک‌طرفه و سخنرانی را کنار می‌راند و با هدایت دروس معارف به آزادراه مسئله‌محوری آن‌ها را کاربردی‌تر و مؤثرتر می‌کند.

ادعا نداریم که مطالب، کامل و بی‌عیب و نقص است؛ اما تلاش شده پاسخ‌ها رضایت‌بخش و قانع‌کننده باشد. بی‌تردید غالب پاسخ‌ها امکان ارتقا و روزآمدسازی دارند. برخی پاسخ‌ها نیازمند آمار و داده‌های بیشتر هستند و برخی پاسخ‌ها نیازمند مثال و مصادیق جدیدترند و برخی استدلال‌ها برای آنکه «حَلّی و نقضی» شوند به غنی‌سازی نیازمندند. بماند که حتماً سؤالات مهم دیگری بوده که از قلم افتاده و می‌بایست اضافه شوند.

صمیمانه به سوی همت بلند و طبع کریم استادان و نگاه تیزبین دانشجویان محترم دست نیاز دراز می‌کنیم تا با ارسال یافته‌های خود-در-چهار محور غنا بخشی داده‌ها، طرح مثال‌های نو، ارائه پاسخ‌های نقضی و حلّی و ارسال سؤالات پرتکرار جدید- یاریگر و همکار ما باشند تا در ویراست بعدی به نام خودشان چاپ و منتشر شود.

از گروه تدوین که با صبر و حوصله به آماده‌سازی پاسخ‌ها همت گماشتند، صمیمانه سپاسگزاریم.



چرا انقلاب کردیم



فصل اول



عقب ماندگی های دوران پهلوی را بشناس

پرسش:

۱. چه اطلاع دقیق فنی و آماری و مستند از عقب ماندگی زمان پهلوی وجود دارد؟ مهم ترین ابعاد انحطاط فرهنگی و عقب ماندگی اقتصادی ایران دوره پهلوی چیست؟

پاسخ:

در تحلیل و بررسی شرایط، باید به این نکته دقت کرد که رژیم پهلوی از جهات مختلف زمینه رشد و توسعه را داشت؛ از حمایت خارجی و بین المللی برخوردار بود، هیچ تحریمی متوجه رژیم پهلوی نبود، درآمد نفت در بالاترین سقف خود قرار داشت.^۱ با وجود این همه شرایط و زمینه ها انتظار توسعه و پیشرفت زیادی برای کشور می رفت ولی دستاورد و خروجی چیز دیگری بود. حسین فردوست یکی از نزدیک ترین افراد به محمدرضا پهلوی و دربار، کلیت فضای اقتصادی و سیاسی امنیتی رژیم پهلوی را چنین بیان

۱. درآمد نفتی شاه از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۶ از ۱۸۷۰ میلیون دلار به ۲۰۷۳۵ میلیون دلار رسید. (افزایش یازده برابری) (ملک محمدی، از توسعه لرزان تا سقوط شتابان، ص ۱۵۱).

می‌کند: «در هیچ زمانی به اندازه دوران هویدا فساد گسترده نبود».^۱ دریافت وام‌های کلان و بازپرداخت آن‌ها- به‌ویژه بهره آن‌ها به‌منظور خودشیرینی- باعث تاراج ثروت ملی و دلارهای نفتی حاصل از فروش نفت خام شد. جالب اینجا است که کشور در سال‌های شوک نفتی (۱۳۵۲-۱۳۵۴) که درآمدهای کلانی به دست آورده بود، به کشورهای مختلف وام می‌داد و از سویی، به دلایلی وام می‌گرفت. پس از این‌که درآمد نفت و صادرات نفت خام کم شد، مشکلات یکی پس از دیگری جامعه را با بحران مواجه کرد. اجرای سیاست‌های دروازه باز باعث شد که واردات به ۵ برابر صادرات برسد. برای این‌که ایران نقطه امنی باشد و سپر دفاعی آمریکا در مقابل کمونیست محسوب شود، هزینه‌های نظامی نیز افزایش یافت. این وضعیت تنها باعث ثروتمندتر شدن عده‌ای محدود و فقیر شدن قشر عظیمی از جامعه شد.

فساد، رشوه‌خواری و سوءاستفاده‌های مالی به همراه ترویج عادات اجتماعی غیربومی و ارزش‌های غیرسنتی طبقه حکومتی و دولتمردان، دلیل تنفر و پریشانی عموم ملت بود. این فساد با افزایش شدید قیمت نفت به اوج خود رسید، شاه و دولت دست‌نشانده هویدا نیز همیشه میزان معینی فساد و رشوه را در میان مقامات ضروری می‌دانستند و به آن عمل می‌کردند. فساد در رژیم پهلوی به نهایت خود رسیده بود و میلیاردها دلار توسط عمال داخلی و حتی خارجی از طریق عمال فاسد جابه‌جا می‌شد. حتی طبق یک برآورد، میزان فساد صورت گرفته بین سال‌های ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۵ حدود یک میلیارد دلار بود. جالب‌تر این‌که دولت آمریکا نیز از گستردگی مفاسد مالی در ایران ابراز نگرانی می‌کرد و کمک‌های خود را به دولت تنها به صورت تبلیغات دروغین کم می‌کرد درحالی‌که میزان کمک‌های بلاعوض

۱. فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۶۶.

و وام‌های دولت آمریکا به ایران به‌طور متوسط در سال حدود ۱۰۰ میلیون دلار بود.^۱

موارد عقب‌ماندگی و انحطاط رژیم پهلوی را مرور کنیم:

● افزایش تعداد بی‌سوادها

تعداد بی‌سوادها از ۱۳ میلیون در دهه چهل به ۱۵ میلیون در دهه پنجاه رسید. در سال ۱۳۵۵، جمعیت ۱۵ سال و بالاتر حدود ۱۸/۷ میلیون نفر بوده است که با نسبت‌های مساوی بین زن و مرد و نیز شهر و روستا توزیع شده بود. وجود ۶/۷ میلیون نفر با سواد در سال ۱۳۵۵ در گروه سنی ۱۵ سال و بیشتر، نشان می‌دهد آمار باسوادی در این رده سنی تنها ۳۵/۹ درصد بوده است. این شاخص نشان‌دهنده این است که بیش از ۶۴ درصد جمعیت ۱۵ ساله در سال ۱۳۵۵ بی‌سواد مطلق بوده‌اند.^۲

● روند افزایشی تورم

تورم و افزایش قیمت کالاها و اقلام راهبردی در دهه پنجاه یکی از مشکلات اقتصادی پهلوی دوم بود. دولت مصرف‌گرا و محدودیت برای ارائه خدمات عمومی به مردم منجر به ناتوانی مردم در خرید کالاهای اساسی و ضروری زندگی شد.^۳ بیش از ۸۰ درصد از جمعیت کشور نیز قربانی گرانی و تورم بودند.^۴ از نیمه دوم دهه چهل، نرخ رشد اقتصادی کاهش یافته و نرخ تورم در دهه ۵۰ افزایش یافته است.^۵

۱. دادگر، فساد مالی در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۷.

۲. <https://irdc.ir/fa/news/5233>.

۳. مجیدی، خاطرات عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و رییس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۱-۱۳۵۶)، ص ۱۶۳-۱۶۲.

۴. رهبری، اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۳۳.

۵. غنی‌نژاد، اقتصاد و دولت در ایران: پژوهشی درباره ریشه‌ها و علل تداوم اقتصاد دولتی در ایران، ص ۲۶۵.

● روند کاهش بهره‌مندی از مسکن

وضعیت مسکن در دهه آخر حکومت پهلوی از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ رو به وخامت نهاد. آمار خانواده‌های شهری که در یک اتاق زندگی می‌کردند از ۳۶٪ به ۴۳٪ جمعیت افزایش پیدا کرد؛ یعنی تقریباً نیمی از جمعیت کشور در یک اتاق زندگی می‌کردند.^۱

● افزایش وابستگی اقتصادی

پیش‌تر به بخشی از سیاست‌های اقتصادی ایران در زمان پهلوی اشاره شد. اقتصاد ایران در دو دهه پایانی رژیم پهلوی با چالش‌های فراوان مواجه بود، که منجر به وابستگی و شکست برنامه‌های اقتصادی پنج‌ساله شد.^۲ تا جایی‌که روزه‌روز بر فقر و بیچارگی مردم افزوده شده، ورشکستگی اقتصاد کشور را به دنبال داشت. فقر و گرسنگی ملت، ورشکستگی بازار، بیکاری، اختلال وضع کشاورزی، تسلط آمریکا و کشورهای اروپایی و اسرائیل بر شئون اقتصادی و فرهنگی کشور، حضور مستشاران آمریکایی و اسرائیلی در مراکز مختلف نظامی و اقتصادی، سپردن سرنوشت ایران به دست تربیت‌شدگان مکتب غرب، حبس‌ها و تبعیدهای غیرقانونی، تسلیم ذخایر ملت به بیگانگان و... از جمله دستاوردهای پهلوی طی دهه ۴۰ تا سقوط این رژیم در ایران بود.^۳

از سال ۱۳۳۲-۱۳۵۶ واردات ایران از اروپا و آمریکا از ۵۶۰ میلیون دلار به ۱۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار رسید (حدود ۳۲ برابر). این آمار نشان‌دهنده روند افزایشی وابستگی اقتصادی کشور است.^۴ در سال ۱۳۴۲ فروش نفت و گاز

۱. آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۵۰.

۲. حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۳۴۷.

۳. مرکز بررسی اسناد تاریخی، امیرعباس هویدا به روایت اسناد ساواک، ص ۷.

۴. مشیری، دولت و انقلاب اجتماعی در ایران (چشم‌انداز نظری)، ص ۶۴-۶۵.

۷۷ درصد همه صادرات ایران را از لحاظ ارزش تشکیل می‌داد، این رقم در ۱۳۵۱ به ۸۵ درصد و با افزایش قیمت نفت، در سال ۱۳۵۷ به رقم باورنکردنی ۹۸ درصد رسیده بود. عملکرد فراورده‌های صنعتی در بخش صادرات غیرنفتی نیز به همین اندازه مایوس‌کننده بود. در ۱۳۵۶ صنعت جدید ۲۱ درصد صادرات غیرنفتی ایران را بر عهده داشت. درحالی‌که کشاورزی ۲۶۴ میلیون دلار و صنایع سنتی ۲۸ درصد (۱۴۸ میلیون دلار) را به خود اختصاص داده بودند. بدین ترتیب استراتژی جایگزینی واردات موجب شد، تولید صنعتی ایران، بازار داخلی را تأمین کند اما در بازار جهانی عملکردی نداشت. ماهیت واردات نیز روند وابستگی در توسعه ایران را تأکید می‌کند.^۱

۱۷

بر مدار امید

• افزایش آمار مزدبگیران

آبراهامیان در کتاب "ایران بین دو انقلاب" اشاره می‌کند: «مهاجران فقیر روستایی، این افراد طبقه پایین، در حلیه‌آبادهای جدید بی دروپیکر چمباتمه می‌زدند و با هزار زحمت، از راه بنایی، عملگی و دست‌فروشی، دوره‌گردی، نوکری و حتی گدایی، پول ناچیزی به دست می‌آوردند. اگر مزدبگیران روستایی را هم به شمار آوریم، رقم کلی مورد اشاره به ۳/۵۰۰/۰۰۰ می‌رسد. بدین ترتیب طبقه مزدبگیر که در دهه ۱۳۲۰ تنها ۱۶ درصد کل نیروی کار را تشکیل می‌داد، در اواسط دهه ۱۳۵۰، ۳۴ درصد از نیروی کار را دربر می‌گرفت».^۲

۱. فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی،

ص ۵۰۷-۵۰۶.

۲. آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۳۴.

• افزایش نابرابری اجتماعی و اختلافات طبقاتی

در سال ۱۳۵۱، بیش از ۱۳ میلیون نفر از جمعیت کشور، غذای کافی برای تأمین سلامت در اختیار نداشتند و بر اساس نتایج همین مطالعه در همین سال، حدود ۷۶ درصد از جمعیت شهری یعنی حدود ۸/۸ میلیون نفر دچار فقر غذایی بودند.^۱ که ۶۴ درصد آن‌ها دچار سوءتغذیه بوده و حتی ۲۵ درصد آنان وضع تغذیه‌شان بسیار بد بود.^۲

• فساد اقتصادی گسترده و سیستمی

کابینه‌های تشکیل شده در پهلوی دوم طی دهه ۴۰ و ۵۰ مترصد غارت بیت‌المال بوده و در این مسیر از هیچ فساد اقتصادی رویگردان نبودند.^۳ فریدون هویدا در باب فساد گسترده و سیستمی این دوران در کتاب "سقوط شاه" اشاره می‌کند: «به خاطر فساد گسترده و عدم کارایی در امور کشور، تمام درآمد نفتی به هدر می‌رفت و یک‌بار دیگر، ایران در معرض تهدید و ورشکستگی قرار گرفته بود... فساد همه‌جانبه در کشور رواج داشت و مبارزه با فساد هم از مقالات روزنامه‌ها و بعضی سخنرانی‌های دل‌خوش‌کننده، فراتر نمی‌رفت».^۴

عبدالمجید مجیدی مشاور و رییس سازمان برنامه‌وبودجه ایران در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ درباره فساد گسترده در کشور به شاه می‌گوید: «یک عده که نزدیک دولت هستند، نزدیک مقامات دولتی هستند، نزدیک دربار هستند، نزدیک و اطراف خانواده سلطنتی هستند، این‌ها

۱. رهبری، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران، ص ۵۰-۴۷.

۲. فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۹۲.

۳. دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، نیمه پنهان: سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست: امیرعباس

هویدا، ص ۹۹-۹۶.

۴. همان.

یک بهره‌گیری‌هایی از کار و فعالیت‌هایشان می‌کنند که منطقی نیست. حتی برایشان مثال زدم یک قراردادی که امضا می‌شود؛ یک طرحی که اجرا می‌شود، بین پنج تا ده درصد و بعضی مواقع ممکن است از ده درصد هم بیشتر، گیر یک بابایی بیاید که این کار را راه انداخته یا واسطه بوده یا دلال این کار بوده که این صحیح نیست. این است که مردم عصبانی می‌شوند. ناراحت هستند از این که چنین فسادی در مملکت وجود دارد یا این که به چشمشان می‌بینند اشخاصی که یک دفعه میلیونر می‌شوند بدون این که حقشان باشد»^۱.

در کتاب «سقوط شاه» آمده است: «وقتی در زمان نخست‌وزیری هویدا از او پرسیده شد که چرا با تجار فاسد مبارزه نمی‌کنید؟ گفت: چه فایده! چون آب از سرچشمه گل‌آلود است و اگر قصد مبارزه با این مفسدین باشد، باید از بالا شروع کرد و اول از همه شاه، خانواده و اطرافیانش را به محاکمه کشید. اگر هر کار دیگری هم غیر از این انجام شود، بی‌نتیجه است»^۲.

● وضعیت صنعت و نابودی توانمندی داخلی اسفناک بود

عقب‌ماندگی کشور در دوره پهلوی نتیجه همین وابستگی صنعتی بود؛ به نحوی که تأسیس و اداره صنایع ایران به بیگانگان تعلق داشت؛ برای نمونه می‌توان به تأسیس اداره برق در تهران با کمک بلژیکی‌ها، واگذاری اکتشاف و استخراج برخی معادن به شرکت‌های هلندی، اختیارات آلمان‌ها در صنایع نساجی، احداث خطوط راه‌آهن توسط آمریکایی‌ها، تشکیل اداره جنگلبانی توسط اتریشی‌ها و تأسیس کارخانه قندسازی توسط شرکت‌هایی از آلمان و چکسلواکی اشاره کرد.^۳

۱. همان.

۲. دادگر، فساد مالی در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۷.

۳. عسگری، مستشاران نظامی آمریکا در ایران، ص ۸۲-۹۰.

اکثر صنایع ایران، مونتاژی و ساخته دست خارجیان بود و توان فکری نیروهای داخلی کمتر مورد استفاده قرار گرفته بود. بسیاری از وام‌های خارجی دریافت شده دولت، منجر به انباشته شدن هر چه بیشتر جیب وابستگان دربار شاهنشاهی می‌شد و وضعیت اقتصادی ایران به گونه‌ای نبود که بتواند در برابر واردات روزافزون، صادراتی متوازن داشته باشد؛ هرچند برآیندهای کلی اقتصادی در برخی سال‌ها نشانگر رشد ظاهری اقتصاد ملی بود اما درعین حال اقتصاد ایران با مشکلات پایه‌ای و بنیادین در حوزه صنایع و اقتصاد داخلی روبرو بود.^۱

واردات بی‌رویه که ارمغان افزایش بی‌سابقه قیمت نفت و افزایش تقاضای داخلی بود؛ ضربه نهایی را به این توسعه نامتوازن می‌زد؛ به طوری که طی سال‌های ۵۱ تا ۵۷ واردات کالا از ۲۵۷۰ میلیون دلار به ۱۴۶۲۶ میلیون دلار رسید.^۲

چرا انقلاب اتفاق افتاد؟

ایدئولوژی انقلاب چیست؟

پرسش:

۲. حالا که مدل حکومت‌های سکولار دنیا کارآمدتر است، چه نیازی به تشکیل حکومت دینی است؟

پاسخ:

جوابش در این چند نکته است:

۱. فایضی، هویدا از آغاز تا پایان، ص ۵۲.

۲. پرخیده، صنعت و تجربه سیاست‌گذاری صنعتی در ایران، ص ۱۳۹.

دین در تعیین قلمرو، خودمختار است

انسان وقتی دینی را می‌پذیرد باید کاملاً تابع آن باشد، نه اینکه برای آن دین قلمرو تعیین کند، در ادیانی مثل مسیحیت که در آن‌ها قلمرو دین از دنیا جدا است انسان می‌تواند به سکولاریسم معتقد باشد؛ اما در دین اسلام که بسیاری از احکام آن سیاسی و حکومتی است، انسانی که حقانیت را در اسلام یافته است، نمی‌تواند به سکولاریسم و جدایی دین از حکومت و دنیا معتقد باشد. چراکه ذات اسلام همواره خواهان حضور در حاکمیت و سیاست است.

تعالیم دین، حاکمیت سیاسی پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و نیز شهادت ۱۱ امام معصوم نشان می‌دهد که همگی آن‌ها انگیزه‌های سیاسی داشته و بعضی رقیب جریان حاکم زمان خود نیز بوده‌اند.

اسلام به معنی روح دین، هم سیاسی است!

کسانی که حاکمیت دنیا را از دین جدا می‌دانند، به اهمیت این عرصه و نقش آن در پیش‌برد اهداف دینی توجه ندارند. به‌راستی مگر می‌شود راه سعادت آخرت از دنیا بگذرد و دین حق نسبت به دنیا و مدیریت آن بی‌تفاوت باشد؟ مگر می‌شود دینی که باید برای سعادت اخروی برنامه بدهد، نسبت به قوانین اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه بی‌تفاوت باشد. مگر با رها کردن عرصه اجتماعی و تأکید بر عبادت‌های فردی، جامعه‌ای دینی ساخته می‌شود؟ آیا خداوند حکیم در کامل‌ترین دین خودش سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی و آموزشی، رسانه‌ای و تبلیغات را فراموش کرده و انجام آن را به حکومت غیردینی سپرده و بدان رضایت داده است؟

اگر حاکمیت غیردینی شود، اصل دین به خطر می‌افتد. آن مقامی از امامت

که حضرت زهرا علیها السلام برای آن جان دادند، بُعد سیاسی ولایت امام علی علیه السلام بوده است، زیرا ولایت تکوینی ایشان در معرض خطر نبود و فقط حاکمیت سیاسی ایشان غصب شده بود و ولایت تشریعی ایشان نیز تحت تأثیر این مسئله آسیب دید.

اتفاقاً در تاریخ هرچه از مقابله با مستکبرین روایت شده است، از همین نوع دین‌داری سیاسی است. چراکه ورود دین به عرصه حاکمیت دنیا در حقیقت ورود به قلمرو ایشان است. بدیهی است جبهه طاغوت هرگز با نمازخواندن و حج و روزه مشکلی نداشته و ندارد. امروز هم این‌که می‌بینیم کشورهای مستکبر دنیا، مواضع بسیار دوگانه‌ای نسبت به ایران و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس دارند، از همین جهت است که یکی اسلام را خلاصه کرده است در نماز و روزه و حج.

۱. سکولاریسم، نیم برنامه تمام اجرا و اسلام، برنامه کامل نیم اجرا!!!

برای قضاوت و کشف میزان کارآمدی و پیشرفته‌تر بودن یک نظریه باید همزمان، اصول نظری حاکم بر آن نظریه را با نتایج عملی به دست آمده بررسی کنیم. زیرا امکان دارد یک برنامه کامل، خوب عمل نشود، اما یک برنامه نیم بند کاملاً عملیاتی شود و نتیجه بهتری بدهد.

اسلام که دینی کامل است از لوازم عدالت، دعوت به علم‌آموزی، شایسته‌سالاری و هر چیز مورد نیاز دیگری که برای پیشرفت لازم است را دارد. بنابراین در تحلیل می‌توان گفت هرگز حکومت اسلامی ارتباطی با عقب‌ماندگی ندارد. اما در امور سیاسی، سکولاریسم، برخلاف اسلام، چون با هر اعتقاد درست و نادرستی ممزوج و مشابه است لزوماً موجب پیشرفت نمی‌شود.

بنابراین عقب‌ماندگی در جوامع اسلامی را باید در عامل دیگری غیر از حکومت دینی جُست، همان‌طور که برای پیشرفت در حکومت‌های سکولار نیز باید علتی غیر از اصل سکولاریسم پیدا کرد.

۲. گزینشی مقایسه می‌کنم پس هستم!

در بررسی کشورهای پیشرفته‌ی دنیا، عمدتاً پیشرفت آن‌ها را به سکولاریسم نسبت می‌دهند اگر این رابطه درست باشد باید هرکجا که سکولاریسم هست پیشرفت هم باشد، که چنین نیست.

به‌عنوان نمونه اگر دارویی را روی ۲۰۰ نفر آزمایش کردیم و ۲۰ یا ۳۰ نفر از آن‌ها در طول مدت درمان بهبودی یافتند، نمی‌توان این بهبودی را ناشی از آن دارو دانست، چون اگر این عامل درمان بود، دست‌کم روی اکثریت قاطع نتیجه می‌داد. در بررسی کشورهای پیشرفته، مغالطه و برداشت نادرستی که پیش آمده این است که سکولاریسم عامل پیشرفت دانسته شده است. چون در مقام مقایسه فقط کشورهای سکولاری که پیشرفته هستند، دیده می‌شوند و بقیه اکثریتی که آن‌ها هم سکولار هستند، در این مقایسه جایگاهی ندارند. اگر عامل پیشرفت منحصر به سلطه سکولاریسم بود باید در کشورهای مشابه نیز این نتیجه را می‌دیدیم. این نتیجه نشان می‌دهد که عموم کسانی که این تصور را دارند، دچار نگاهی گزینشی و پیش فرض غلط درباره حکومت‌های سکولار هستند.

۳. تمدن طلایی داشتیم وقتی که دنیا چراغ نفتی هم نداشت!

توانمندی اسلام به عنوان عامل تمدن‌سازی پیشرفته در تاریخ ثبت شده است. زمانی که جهان غرب در قعر ظلمت به سر می‌برد، جهان اسلام در اوج شکوفایی می‌زیست و فارابی، ابن‌سینا و خواجه نصیرها را می‌پروراند؛

حتی شرق شناسان نیز به این مطلب اعتراف کرده‌اند که مهم‌ترین عامل ظهور چنین تمدنی در شرق، اضافه شدن فرهنگ اسلامی است.^۱ بنابراین نه‌تنها حاکمیت اسلام را نمی‌توان مانع پیشرفت دانست، که اتفاقاً باید آن را عامل اصلی پیشرفت یک کشور نیز به حساب آورد.

برخی به اشتباه کنار گذاشته شدن کلیسا از حاکمیت را در غرب، عامل رونق علمی و پیشرفت اروپا دانسته و با فرض آن به عنوان نسخه عمومی برای سایر کشورها نتیجه گرفته‌اند، هر نوع حکومت دینی عامل عقب‌ماندگی است. در حالی که به صرف اشتراک دو آیین و مکتب تعلیمی در نام «دین»، نمی‌شود در مورد آن‌ها نظر یکسانی ارائه داد. تعارض علم و دین و محاکمه دانشمندان چون گالیله در تاریخ حکومت دینی غرب در حالی مطرح است که در اسلام نه تنها اساساً این دوگانگی مطرح نبوده، بلکه در بسیاری از اوقات بزرگ‌ترین دانشمندان تجربی شاخص‌ترین دانشمندان دینی نیز بوده‌اند.

در دوره معاصر و مقایسه پیشرفت‌های علمی و شاخص‌های توسعه انسانی در جمهوری اسلامی و حکومت پهلوی نیز ابعاد تأثیرگذاری حاکمیت اسلام در جامعه اسلامی ایران، عیان است.

به عنوان نمونه فقط در عرصه علمی بر اساس اطلاعات پایگاه علمی «کلاریویت آنالیتیکس» یا ISI سرعت رشد علمی در ایران، یازده برابر متوسط جهانی بوده است.^۲ همچنین طبق نتایجی که پایگاه استنادی اسکوپوس منتشر کرده است، رتبه ایران در تولیدات علمی جهان از ۵۳ به ۱۵ ارتقا پیدا کرده است.^۳

۱. لوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۷۵۴.

2. https://www.newscientist.com/article/dn18546_iran_showing_fastest_scientific_growth_of_any_country.

3. <https://scimagojr.com/countryrank.php?year=1996>

در عرصه بهداشت و پزشکی نیز پیشرفت ایران چشم‌گیر است و این در حالی است که در سال ۱۳۵۶ در نسبت پزشک به بیمار و مرگ‌ومیر نوزادان جزو بدترین کشورهای منطقه بودیم.^۱

پرسش:

۳. این همه کشور مسلمان، چرا فقط در ایران باید دین با سیاست یکی باشد؟

پاسخ:

پیش‌تر در مباحث ابتدایی به سکولاریسم و نسبت آن با اسلام پرداختیم. پاسخ این سؤال تا حدودی این بحث را روشن می‌کند. اما برای پاسخ تفصیلی به این سؤال باید به گرایش‌های مطرح در بین اندیشمندان مسلمان توجه داشت و نگرش آن‌ها به رابطه دین و سیاست و مناقشه‌ها و نزاع جدی برآمده از آن در جهان اسلام را شناخت. بعضی از این مناقشه‌ها را مرور می‌کنیم:

۱. برخی با انکار هرگونه پیوند میان دین و سیاست، تداخل یکی از آن دو را در دیگری، موجب ناکارایی طرف مقابل دانسته‌اند و به جدایی کامل آن دو توصیه می‌کنند. به نظر این گروه سیاست، علم اداره روابط میان نیروهای اجتماعی است؛ یعنی به کنش‌های عملی انسان مربوط می‌شود. درحالی‌که دین امری معنوی است، که به باورهای شخصی و درونی هر فرد با منبع فرازمینی که امری کاملاً خصوصی است، توجه دارد. این دیدگاه به بینش سکولار معروف است و از پایه‌های نظری دموکراسی خواهی غربی به شمار می‌رود.

۱. فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۷۷.

۲. برخی دیگر نیز با بیان استدلال‌های گوناگون و مستند به وجود رابطه‌ای عمیق بین دین و سیاست معتقدند. هر چند این گروه در کیفیت و نوع رابطه دین و سیاست با هم اختلاف نظر دارند ولی در این اصل یعنی وجود رابطه، کنش و واکنش متقابل میان دین و سیاست، هم نظر هستند. بیشتر نظام‌های دینی به این دیدگاه گرایش دارند. به نظر این گروه دین نظامی همبسته و کامل، شامل تمام امور زندگی است، پس می‌پرسند دین چگونه می‌تواند از سیاست که خود بخشی از زندگی عملی است، جدا باشد؟ از این رو عالم سیاست باید تابع دین باشد و یک فرد مؤمن ناگزیر است تمام کنش‌های سیاسی خود را طبق معیارهای دینی تنظیم کند.

علی‌رغم وجود استدلال‌های طرح شده از سوی هر یک از دو گروه، در مکتب اسلام میان دین و سیاست، علاوه بر رابطه مفهومی و نظری، رابطه‌ای نهادی و ساختاری نیز برقرار است و این دو نوع رابطه نیز با هم هماهنگ و مرتبط هستند.^۱

این نکته‌ها رابطه دین و سیاست را توضیح می‌دهد

۱. نظریه تفکیک امری صرفاً تاریخی و نه انسانی است که برساخته فرهنگ غرب در قرون وسطی و دوره جدید است. این در حالی است که در مباحث فکری جهان اسلام، اساساً بحث دوگانگی و تفکیک دین و سیاست در صدر اسلام یا دوره‌های بعدی هیچ‌گاه مطرح نبوده است. بلکه این مسئله به عنوان امری تاریخی، در دوران معاصر - تحت تأثیر فرهنگ غرب - ایجاد شده است.

۲. در دوران جدید استعمارگران از ابزار جدایی دین و سیاست برای تحقق

۱. زحمتکش و جعفری، رابطه دین و سیاست در اسلام، ص ۷۵۷ - ۷۸۳.

اهداف و مقاصد خویش در جهان اسلام استفاده کرده و آن را تشویق و رایج نموده‌اند. پس جدایی دین و سیاست امری است که به لحاظ سیاسی به نفع دشمنان اسلام و غالباً از سوی آن‌ها مطرح شده و پدیده‌ای استعماری است.

۳. اکثر آیاتی که مخالفان برای رد رابطه دین و سیاست استفاده می‌کنند، بیشتر آیات مکی می‌باشند که مربوط به زمانی است که دغدغه اصلی رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت مردم به اسلام بود نه زمانی که آن حضرت در مدینه حکومت تشکیل داد.

۴. موضوع دین و سیاست، انسان و پرورش انسان است و انسان موجودی واحد و دارای ساختار و نهاد واحدی است در نتیجه دین و سیاست که باید به تدبیر و هدایت و پرورش او بپردازند چاره‌ای ندارند جز اینکه متحد و با هم باشند یا در ارتباط با هم برای اداره زندگی و پرورش انسان برنامه‌ریزی کنند تا بتوانند از عهده رسالت خویش یعنی پرورش، هدایت و تدبیر امور انسان برآیند.

اکنون در پایان برای اینکه بدانیم چرا نظام سیاسی اسلامی در کشورهای اسلامی اجرا نشد، باید به این دو نکته توجه کنیم:

۱. ملاک دین‌داری در نظام سیاسی ایران، مراجعه به اصول و منابع دینی است و الگوبرداری از عملکرد سایر کشورها ملاک نیست. رفتار کشورها باید با قرآن و سنت تطبیق شود، نه بالعکس که ما اسلام را از رفتار سایر کشورها درک کنیم. در بسیاری از کشورهای به اسم مسلمان، تعالیم اسلامی اجرا نمی‌شود؛ برای نمونه آیا کشتار مردم یمن توسط عربستان می‌تواند مجوز اسلامی برای این کار به شمار برود؟ یا اجرا نشدن حجاب در بسیاری از کشورهای اسلامی دلیل این نیست که دستور حجاب در اسلام وجود ندارد؛ راه شناخت جایگاه حجاب در اسلام مراجعه به متون

و منابع دینی است. بنابراین عمل سایر کشورها که عنوان اسلامی را یدک می‌کشند، ملاک قضاوت نیست.

۲. اکثر قریب به اتفاق کشورهای اسلامی سکولار هستند یعنی نظام سیاسی در این کشورها دینی نیست و مسائل اسلامی و دینی محدود به امور فردی و مناسکی است.

پرسش:

۴. اگر انقلاب کار خود غربی‌ها نبود، پس چرا شاه از وقتی گفت: «ما دیگر به چشم‌آبی‌ها باج نمی‌دهیم» انقلاب شد؟

پاسخ:

این دیدگاه یا نظریه مبتنی بر تئوری توطئه، اساساً با ماهیت حکومت پهلوی و نیز ماهیت انقلاب و آنچه قبل و بعد از انقلاب روی داد، تطابقی ندارد و به دور از واقعیت است. گاهی انسان آن قدر تحت تأثیر رسانه‌ها قرار می‌گیرد که چشمش را بر روی تمام واقعیت‌ها می‌بندد، به تحلیل‌های بدون پشتوانه و عجیب تکیه می‌کند و به تحلیل‌های عمیق‌تر هم توجه نمی‌کند. در ادامه نکاتی در توضیح این مطلب بیان می‌کنیم:

از همان بدو پیروزی انقلاب اسلامی، یک جریان یا تفکر سیاسی، با نادیده گرفتن عوامل دخیل در وقوع انقلاب و سقوط پهلوی، این انقلاب را حاصل اراده انگلیس و آمریکا می‌دانست. این نظریه درباره سقوط رژیم پهلوی در قالب دو معنا ظهور می‌یابد: اول اینکه، احساس خطر کشورهای استعماری از رشد و توسعه رژیم پهلوی، باعث اقدام آنان در جهت سقوط شاه شده است. دوم اینکه، اقدامات کشورهای استعماری به منظور سقوط رژیم پهلوی برای جلوگیری از شکل‌گیری یک نظام کمونیستی یا نظامی خارج از

چهارچوب انتظارات امپریالیسم انجام شده است.

مطرح‌کننده معنای اول عموماً سلطنت‌طلب‌ها و به طور خاص، خانواده پهلوی هستند.^۱ محمدرضا پهلوی در مصاحبه با یک نشریه آمریکایی و بعدها در کتاب «پاسخ به تاریخ»، به دسیسه آمریکا برای سقوط رژیمش و نقش انگلستان در این دسیسه اشاره کرده است.^۲ پس از آن، گروه‌های مختلف منتسب به این مشی و جریان، این تحلیل را باز تولید کردند؛ آن‌ها در توجیه ادعای خود، به برخی گزارش‌های شبکه‌ها و مطبوعات انگلیسی و آمریکایی استناد می‌کنند که هماهنگ با نیت نیروهای انقلابی عمل می‌کردند.^۳

۲۹

برمدار امید

این سخنان و شبهات در حالی مطرح می‌شود که سیاست کلی دولت آمریکا در قبال ایران همواره مبتنی بر حمایت از رژیم پهلوی بوده است. آمریکا توانسته بود از رهگذر تجهیز نظامی ایران، هم مشتری مناسبی برای تسلیحات خود بیابد و هم امنیت اسرائیل و منافع خویش در منطقه غرب آسیا را تأمین کند. این دولت اگرچه به تغییر مشی رژیم پهلوی نظر داشت، اما هیچ‌گاه تغییر این رژیم را در دستور کار نداشت. دولت آمریکا قبلاً اصلاحات ارضی را برای دفع جنبش‌های دهقانی و انتخابات ملی آزاد را برای راضی نگاه داشتن مخالفان ملی، به رژیم پهلوی دیکته کرده بود، اما آمریکا تا آخرین روزهای رژیم پهلوی، حامی آن رژیم بود. سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی آمریکا در تابستان ۱۳۵۷ وضعیت ایران را چنین ارزیابی کرده بودند: «ایران در شرایط انقلابی و حتی شرایط ماقبل انقلاب نیز قرار ندارد».^۴

۱. هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، ج ۵، ص ۴۶۲.

۲. پهلوی، پاسخ به تاریخ، صص ۲۴۲-۲۷۴.

۳. همان، ص ۲۳۶؛ همچنین اشرف، خواهر شاه و فرح دیبا، بیوه او، در مصاحبه‌هایی خود به کرات بر این نکته تأکید کرده‌اند.

۴. خرمشاد، رفتارشناسی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی، صص ۳۱۳-۳۴۲.

حتی پس از قتل عام مردم در ۱۷ شهریور، کارتر با ارسال نامه‌ای رسمی، پشتیبانی آمریکا از شاه را یادآور شد.^۱ شعار «شاه سگ زنجیری کارتر» که در همان ایام، بر در و دیوارهای شهر نوشته می‌شد، برداشت مردم کشورمان از رابطه آمریکا و شاه را نشان می‌داد.^۲ سفیران آمریکا و انگلیس متفقاً به دیدار شاه رفتند و به او گفتند: «کشورهای ما در کنار شما قرار دارند و از رژیم ایران پشتیبانی می‌کنند».^۳ اساساً سرنگونی شاه برای کارتر، یک فاجعه سیاسی به شمار می‌آمد.^۴ پیش‌بینی آمریکایی‌ها، ماندگاری محمدرضا پهلوی بر سریر قدرت تا یک دهه بعد بود.^۵ اما تقریباً از اواسط آبان‌ماه ۱۳۵۷ نگاه غربی‌ها به رژیم پهلوی تغییر کرد و آن‌ها به این اطمینان رسیدند که این رژیم، دیگر به شکل سابق امکان پایداری ندارد و از این روی بود که به فکر تحمیل یک مهره جدید به نام «شاپور بختیار» افتادند که سابقه‌ای در «جبهه ملی» داشت و حتی به امام خمینی رحمة الله علیه اخطار کردند که با بختیار همکاری کند، اما بنیانگذار جمهوری اسلامی به این تهدید توجهی نکرد و نهایتاً انقلاب به پیروزی رسید.

درباره دولت انگلیس هم باید به نکاتی اشاره کرد. به دلیل منافع سیاسی و اقتصادی بی‌شماری که انگلستان در نزدیکی با شاه داشت، تا آنجا که می‌توانست تلاش کرد به بقای سلطنت محمدرضا پهلوی یاری برساند؛ به تعبیر دقیق‌تر، سیاست انگلستان در آن مقطع زمانی، حفظ و بقای رژیم سلطنت در ایران بود و برای این کار به دنبال تمهیداتی به همراه

۱. آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۶.

۲. فوران، مقاومت شکننده، ص ۵۸۲.

۳. «پشتیبانی مستمر انگلستان از دیکتاتوری پهلوی‌ها»، مجموعه مقالات همایش بررسی علل فروپاشی

سلطنت پهلوی، ص ۶۹۲.

۴. برژینسکی، قدرت و اصول، ص ۵۲۸.

۵. خرمشاد، رفتارشناسی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی، صص ۳۱۳-۳۴۲.

دولت آمریکا بود. این واقعیت را از اظهار نظر مقام‌های رسمی بریتانیا نیز می‌توان فهمید؛ به عنوان مثال در ۳۰ مهرماه سال ۱۳۵۷، وزیر امور خارجه بریتانیا «دیوید اوئن» ضمن اعلام دفاع و پشتیبانی انگلستان از شاه ایران اظهار داشت: سقوط شاه در ایران پیشرفتی در امور حقوق بشر این کشور به وجود نخواهد آورد، بلکه نوعی شکست و عقب‌نشینی محسوب می‌شود.^۱ همچنین در ۱۰ آبان‌ماه سال ۱۳۵۷ ملکه بریتانیا در مراسم افتتاح پارلمان به صورت رسمی اعلام کرد: بریتانیا آرزومند بقای رژیم سلطنت در ایران است.^۲

آن‌ها برای عملی کردن این خواست و هدف خود تا آخرین روزهای سلطنت شاه فعالیت کردند. مهم‌ترین طرح آن‌ها نیز تلاش برای روی کار آوردن نخست‌وزیری نزدیک به خود یعنی «شاپور بختیار» در آخرین روزهای سلطنت شاه بود. لندن با این کار خود قصد داشت از فروپاشی کامل رژیم سلطنت در ایران و به خطر افتادن منافع خود جلوگیری کرده و به نوعی مسیر انقلاب را منحرف کند، اما در نهایت چندان طرفی نبست و این امواج انقلاب بود که تمام نقشه‌های آن‌ها را نقش بر آب کرد و از میان برداشت.^۳

انگلیسی‌ها برای سرکوب مبارزات مردمی و مهار حرکت انقلابی، کمک‌های گوناگونی را به رژیم پهلوی عرضه کردند. فروش تسلیحات نظامی به ایران از جمله: تجهیزات ضد شورش، باتوم‌های برقی و وسایل بازجویی و شکنجه، اعزام کارشناسان ضد شورش، عدم پوشش خبری اعتراض‌ها و اعتصاب‌های مردمی، سکوت در قبال نقض حقوق بشر و آزادی‌های مدنی و سیاسی و حمایت از روحانیت غیرسیاسی در مقابل روحانیت سیاسی و

۱. اخوان توکلی، گاهشمار روابط ایران و انگلستان، ص ۳۵۰.

۲. هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۵۷، ص ۴۹۰.

۳. راتین، اسناد خانه سدان، ص ۳۹۷.

انقلابی از اقداماتی بود که دولت انگلستان برای جلوگیری از فروپاشی نظام پهلوی انجام داد. آن‌ها باصراحت از این اقدامات خود دفاع می‌کردند؛ به عنوان نمونه وزیر دفاع انگلستان در اردیبهشت سال ۱۳۵۷ در مجلس عوام از فروش تسلیحات به ایران دفاع کرد. دولت انگلستان همچنین با وجود فشارهای حزب کارگر، پشتیبانی خود را از حکومت نظامی در ایران اعلام کرد.^۱ این در حالی است که انگلستان خود را پیشرو و طلایه‌دار آزادی و مردم‌سالاری در دنیا می‌دانست.^۲

بنابراین آمریکا و انگلیس در ایران دوره پهلوی منافع بی‌شماری داشتند و هرگز راضی نبودند که در همسایگی شوروی، این پایگاه مهم را از دست بدهند. لذا این توهم که این دو کشور در پیروزی انقلاب اسلامی نقش ایفا کرده‌اند، جز بیهوده‌گویی و تلاش برای فرار از واقعیت، چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

برای فهم بهتر چگونگی مواجهه کشورهای غربی با انقلاب اسلامی باید به این نکته هم توجه کنیم که وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ باعث به خطر افتادن منافع استراتژیک و راهبردی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس شد. این منطقه به دلایل استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اهمیت بسیاری برای آمریکا داشت و رژیم پهلوی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان آمریکا، تأثیر فراوانی در تأمین منافع این کشور در منطقه داشت. وقوع انقلاب اسلامی ایران و از بین رفتن رژیم پهلوی، اثرات غیرقابل انکاری بر آینده منافع آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه برجای گذاشت. به دلیل روابط گسترده

۱. برای مطالعه بیشتر رک چیت ساریان، مواضع انگلستان در قبال انقلاب اسلامی؛ آیا انگلستان از انقلاب در ایران حمایت کرد؟، سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بخش مقالات.

۲. اخوان توکلی، گاه‌شمار روابط ایران و انگلستان، ص ۳۴۸.

آمریکا و رژیم پهلوی و ضرورت حفظ این روابط برای تأمین منافع آمریکا، سیاستمداران و دیپلمات‌های این کشور هیچ‌گونه ارتباطی با مخالفان رژیم پهلوی نداشته‌اند و این مسئله منجر به غافلگیری آن‌ها در روزهای منتج به انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شد.

با توجه به مطالب فوق، نوعی تردید و سردرگمی میان سیاستمداران و دیپلمات‌های این کشور دربارهٔ موضع‌گیری و نحوه مواجهه با تحولات انقلاب ایران، ایجاد شد؛ عده‌ای گمان می‌کنند که رویکرد آمریکا در بحبوحه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران رویکردی توأم با تساهل بوده و با توجه به مشکلات داخلی رژیم پهلوی و اقداماتی که این رژیم در مقابل منافع آمریکا (مانند تشکیل اوپک و افزایش قیمت نفت) انجام می‌داد، دولتمردان آمریکایی از جمله «سولیوان» آخرین سفیر آمریکا در ایران، مخالفتی با وقوع انقلاب اسلامی در ایران نداشتند. اما عده‌ای دیگر با این دیدگاه مخالفند و معتقدند که آمریکا به دنبال مقابله با انقلاب ایران و انجام کودتا علیه آن بوده است و از این طریق به دنبال حفظ رژیم پهلوی و تداوم حضور خود در منطقه و در واقع حفظ منافع ملی آمریکا برآمده است. نمایندهٔ افرادی که چنین دیدگاهی را در آمریکا دارند «برژینسکی» مشاور امنیت ملی آمریکا است.

در بررسی و جمع‌بندی این دو دیدگاه باید گفت که وقوع انقلاب اسلامی ایران بسیاری از برنامه‌های آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه را بر هم زد و لذا این مسئله نمی‌توانست برای آمریکا پذیرفتنی باشد. بنابراین دولت ایالات متحده تا لحظه آخر در کنار محمدرضا شاه پهلوی ایستاد و با انقلاب اسلامی در ایران مخالفت کرد، اما تلاش‌های این کشور به جایی نرسید و انقلاب مردم ایران پیروز شد. در نتیجه، آمریکا ناچار شد که از طریق پذیرش نظام سیاسی جدید و برقراری روابط با ایران، وارد شود. اما با توجه به تشدید

درگیری میان دو کشور و وقوع حوادثی چون تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، دشمنی میان انقلاب ایران و دولت آمریکا دو چندان شد و این کشور به دنبال مخالفت با ایران برآمد. به همین دلیل، آمریکا در دهه اول پس از پیروزی انقلاب، با اقداماتی از قبیل حمایت از عراق در جنگ با ایران به دنبال تضعیف و شکست انقلاب اسلامی برآمد، اما ناکامی ایالات متحده باعث شده است که از آن زمان تاکنون با اهرم‌های مختلفی از قبیل تهدید و تحریم به دنبال تغییر رفتار ایران بوده و حتی بنا به گفته مسئولان آمریکا، سیاست تغییر رژیم در ایران را نیز دنبال کند.

کسانی که معتقد به نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری کشورهای غربی در پیروزی انقلاب هستند باید به این پرسش پاسخ بدهند که چرا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این کشورها از هیچ تلاشی برای از بین بردن انقلاب، فروگذاری نکردند؟ ضمن اینکه انقلاب اسلامی از همان ابتدا روحیه و رویه ضد استکباری داشته و این روحیه با تسخیر سفارت آمریکا در تهران، کاملاً بروز پیدا کرده است. این موضوع برای انقلاب اسلامی آن قدر مهم بود که حتی به استعفای دولت موقت نیز منجر شد.

پرسش:

۵. جمهوریت یا اسلام؟ مسئله کدام است!!

پاسخ:

بدون شک دین اسلام کامل‌ترین دین و خاتم ادیان است که در عرصه‌های فردی و اجتماعی تمامی آنچه بشر از یک دین نیاز دارد، را داراست. با این وصف بدیهی است که خداوند متعال تنها به حاکمیتی رضایت دارد که طبق قوانین اسلام اجرا شود.

اما باید توجه داشت که «جمهوریت» به معنای دخالت دیدگاه جمهور یا عامه مردم در تصمیم‌گیری‌ها نیز یک امر برآمده از خود این دین است، به همین خاطر تضادی با «اسلامیت» ندارد. تضاد در جایی است که ما چیزی را خارج از دین به آن اضافه کنیم که دین بدان راضی نیست، درحالی‌که این موضوع چیزی نیست که به خاطر شکل‌گیری توقع در نسل‌های معاصر و یا اندیشه‌های سیاسی غربی به ساختار حاکمیت دینی اضافه شده باشد. مطالعه اندیشه‌های سیاسی اسلام و سیره پیشوایان، گواه این مطلب است که جمهوریت به معنای دخالت نظر مردم در سرنوشتشان در ذات اسلام وجود دارد و اسلام هرگز راضی به نادیده گرفتن آن نیست. اسلام آمده است تا مردم را تشویق کند که نه با زور و فشار بلکه با اختیار و انتخاب خودشان به خودسازی و کارهای نیک بپردازند، زیرا کار انسان وقتی ارزش پیدا می‌کند که از انتخاب و اراده آزاد خود سرچشمه گیرد.^۱ البته این به معنای آزادی خارج از چارچوب و ولنگاری نیست، چراکه هر جامعه‌ای متناسب با باور حاکم بر خودش چارچوب‌ها و ضوابطی دارد. چارچوب‌ها و ضوابط نباید به‌گونه‌ای باشد که حکومت را از رسیدن به اهدافش دور کند، عدم اجبار مردم را نباید به معنای رها کردن عرصه جامعه و مسموم شدن فضای عمومی آن معنا کرد، بلکه مقصود این است که در حاکمیت آن چارچوب‌ها و ضوابط نظر مردم است که نقش اساسی دارد و هر مسیر دیگری به‌غیر از همراه کردن مردم و برانگیختن ایشان برای اقامه حق بی‌ثمر است، به همین خاطر قرآن کریم در تبیین وظایف انبیا می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛^۲ «همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان

۱. مصباح یزدی، حکیمانه‌ترین حکومت، ص ۲۸۹.

۲. حدید: ۲۵.

کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند».

بنابراین اسلام در عین اینکه به دنبال گسترش حاکمیت خود بر زمین است، می‌داند که این هدف جز از رهگذر جمهوریت و خواست عمومی جامعه میسر نیست، اگر باشد هم مطلوب نیست، چراکه پذیرش حاکمیت دین باید از سررضایت باشد؛ به عبارت دیگر اسلام نیز یقیناً تحقق یک جامعه ایده‌آل مادی و معنوی را نه تنها می‌پسندد بلکه آن را به صلاح مردم نیز می‌داند، اما راه رسیدن به چنین جامعه‌ای را جبر نمی‌داند، بلکه آن را در گرو مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها می‌داند. این امر جز با اختیار و آزادی خود مردم محقق نمی‌شود.

خداوند متعال در عین حال که پیامبر ﷺ را سرپرست مردم می‌داند که نظر معصومانه‌ی او بر نظر دیگران اولویت دارد: «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^۱ اما در عین حال او را به مشورت و شنیدن دیدگاه‌های دیگران دعوت می‌کند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^۲.

امام علی علی‌ه السلام در عین اینکه خویشتن را مستحق خلافت و جانشینی پیامبر ﷺ می‌دانستند تا زمانی که چنین اقبالی از جانب مردم ندیدند به در دست گرفتن حکومت مبادرت نورزیده و همواره تلاش کردند تا ابتدا اندیشه مردم را نسبت به این امر اصلاح کنند. زیرا خوب می‌دانست که اگر اندیشه مردم اصلاح شود، حاکمیت دین نیز به دست مردم رقم خواهد خورد.

۱. احزاب: ۶.

۲. آل عمران: ۱۵۹.

پرسش:

۶. چطور غربی‌ها که پیشرفته‌ترند و آزادی بیشتری هم دارند مشکلی ندارند؟ محدودیت فقط برای ایران است؟

پاسخ:

آزادی به معنای درست آن به عنوان یک ارزش، مطلوب واقعی انسان‌هاست، هرچند گاهی در مصادیق و میزان آن اختلاف نظر وجود دارد که قابل گفتگو است. پاسخ این پرسش ابعاد مختلفی دارد. جواب در این چند نکته است:

۱. در همه کشورها بر اساس قواعد و ضوابط نظام حاکم، اصول و قوانینی وجود دارد که باید رعایت شود و تخلف از آن‌ها پیگرد قانونی دارد. در ایران نیز قواعد شرعی و قانونی محدودیت‌هایی دارد که تخلف از آن‌ها افزون بر تخلف از قانون و شرع مقدس، بی‌احترامی به ارزش‌های اجتماعی نیز محسوب می‌شود؛ بنابراین اینکه برخی در مورد مصادیق آزادی دچار اشتباه شده و ولنگاری اخلاقی و فساد جنسی را به معنای آزادی بدانند اشکالی را متوجه حاکمیت اسلامی نمی‌کند، بلکه برداشت آن‌ها از آزادی اشکال دارد. آنچه که در نگاه دین و عقل اصالت دارد آزادی نیست، بلکه مصلحت است، تا آنجا که ما خودمان به خاطر مصلحت حتی گاهی آزادی خودمان را نیز محدود می‌کنیم؛ مثلاً گاهی برای سلامتی، از مصرف آنچه که دوست داریم، پرهیز می‌کنیم. آنچه این محدودیت در آزادی را پذیرفتنی می‌کند، مصلحت‌هایی است که ایدئولوژی و باور ما به ما می‌گوید. آزادی جنسی جز فروپاشی خانواده در غرب و بحران‌های ناشی از آن چه ارمغانی برای غرب آورده است که ما به خاطر نبود آن احساس کمبود

کنیم؟ حتی بسیاری از اندیشمندان و فعالان اجتماعی در غرب نیز نسبت به انقلاب جنسی و لجام گسیختگی شهوت اعتراض داشته و بر لزوم بازگشت به حیا و عفت اجتماعی تأکید دارند. اما چرا در کشور ما برخی با تکرار تجربه شکست خورده فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی در غرب، به عوارض جبران ناپذیر سخنانشان توجه ندارند؟!

۲. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ شناختی دشمن در جنگ رسانه‌ای تأکید بر این است که «در ایران آزادی وجود ندارد» این تأکید برای آن است تا با تغییر نظام ادراک مخاطبان آن‌ها را نسبت به نظام اسلامی بدبین کند. این رسانه‌ها هیچ گاه به سانسور شدید رسانه‌ای و اجتماعی در غرب اشاره نمی‌کنند. با اینکه موارد متعددی از سانسور و برخورد با مخالفان در این کشورها وجود دارد. در بسیاری از کشورهای دنیا بر اساس اهداف و منافع ملی، سیاست فیلترینگ اجرا می‌شود. آمریکا نیز بسیاری از مطالب را در شبکه‌های اجتماعی با حساسیت بالا پیگیری می‌کند و با متخلفان برخورد می‌کند. در آنجا نیز حضور در شبکه‌های اجتماعی تابع قوانین خاصی است. بسیاری از کشورهای دنیا نیز شبکه‌ها و سایت‌های آمریکایی را بر اساس لحاظ شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورشان فیلتر می‌کنند.

این نمونه‌ها را بخوان تا مطلب را بهتر دریابی:

❖ در جشنواره کن، لارس فون تریه در نشست خبری گفت: «ضدیهود نیستم؛ اما اسرائیل موی دماغ است». بلافاصله مسئولین جشنواره طی بیانیه‌ای او را عنصر نامطلوب خواند و از جشنواره اخراج کرد. او با تهدید مجبور به عذرخواهی شد.

❖ جینا کارانو بازیگر جنگ ستارگان و سومین بوکسور زن دنیا به خاطر توئیتی در نقد هلوکاست اخراج شد.

❖ مل گیbson کارگردان مشهور، به خاطر انتقاد از رفتار یهودیان کنار گذاشته شد.

❖ کلت کلر صاحب ۵ مدال المپیک برای آمریکا به خاطر شرکت در اعتراضات کنگره به ۳۰ سال زندان محکوم و برای همیشه از تیم ملی کنار گذاشته شد.

❖ توئیتر در دی ماه ۱۳۹۹ اکانت ترامپ و ۷۰ هزار طرفدارش را مسدود کرد.

❖ کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال فرانسه ادیسا گوئیبه بازیکن تیم پاری سن ژرمن را به خاطر حمایت نکردن از همجنسگرایی احضار کرد.

❖ مردی که با اتومبیل روی پرچم همجنس بازان نقاشی شده کف تقاطع، رد لاستیک انداخته بود به ۵ سال زندان و ۱۲۰۰۰ دلار جریمه محکوم شد.

❖ باشگاه بارسلونا عبدالصمد ازازولی بازیکن خود را مجبور به حذف استوری‌های اینستاگرامش در حمایت از حقوق فلسطینی‌ها کرد.

❖ یوتیوب، مصاحبه تولسی‌گابارد نماینده کنگره با فاکس نیوز را که در آن بایدن و هیلاری کلینتون را به برافروختن جنگ در افغانستان و تحریک اوکراین علیه روسیه متهم کرده بود، حذف کرد.

با اندک دقت و تحلیلی از برخورد کشورهای غربی با آزادی‌هایی که خلاف منافع آن‌ها باشد، می‌توان فهمید این آزادی تا زمانی است که به نفع ایشان باشد، مثل ماجرای کاریکاتور کشیدن از پیامبر ﷺ که در فرانسه آزاد است اما همین کاریکاتور وقتی از مکرون کشیده می‌شود، جریمه مالی سنگینی برای طراح آن وضع می‌شود. کشورهای مدعی آزادی هرگاه تاج و تخت خود را در خطر ببینند، معنای آزادی را عوض کرده و به بدترین صورت با مخالفان برخورد می‌کنند؛ برای مثال در کشور ترکیه در سال ۲۰۱۶ کودتای نافرجامی اتفاق افتاد. دولت وقت ترکیه پس از کودتا، ۳۰ استاندار از ۸۱ استان در کل

کشور، ۲۷۴۵ قاضی و دادستان (توأم با ضبط دارایی نقدی، خانه و املاک ایشان به نفع دولت)، ۱۷۵۵ ارییس و معاون رییس دانشگاه، ۴۹۲ نفر از کانون مذاهب، ۳۰۰ کارمند وزارت امور اجتماعی، ۲۷۵ کارمند دفتر ریاست جمهوری، ۲۵۴ کارمند وزارت ورزش و جوانان، ۴۸۱ کارمند وزارت اقتصاد، ۱۸۰ کارمند اطلاعاتی، ۲۱۷۰۰ معلم غیردولتی، ۱۵۲۰۰ معلم و کارمند وزارت فرهنگ، ۱۳۰۰ کارمند وزارت کار و ۹۰۰۰ کارمند وزارت داخله را اخراج کرد و تمامی آکادمیسین‌ها را تا اطلاع ثانوی ممنوع الخروج اعلام نمود. دولت ترکیه تا تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶، بیش از ۱۸۰۰۰ نفر را دستگیر و زندانی کرده که از این تعداد ۷۵۰۰ نفر ارتشی و ۱۴۰ نفر قاضی دیوان عالی کشور هستند. در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۶ دولت حکم جلب و حبس ۴۲ روزنامه‌نگار معروف را صادر کرد. همچنین دولت ترکیه تا تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶ گذرنامه بیش از ۵۰۰۰۰ نفر را باطل کرد تا نتوانند کشور را ترک کنند.

خوب است این قبیل برخوردها را با برخورد جمهوری اسلامی با فتنه سال ۸۸ مقایسه کنیم. جمهوری اسلامی به حبس خانگی سران فتنه بسنده کرد. حتی برخی از کسانی که در این فتنه علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرده بودند، چندی بعد در مناصب حکومتی به کار گرفته شدند. توجه کنید که فتنه ۸۸ سبب شد تحریم‌های گسترده‌ای علیه ایران وضع شود.

۳. اینکه موفقیت‌های علمی و اقتصادی را در برخی کشورهای غربی به آزادی‌ظاهری و ولنگاری فرهنگی آن‌ها ربط بدهیم، اشتباهی عجیب و راهبردی است. نه دلیل منطقی دارد و نه آمارها چنین واقعیتی را اثبات می‌کند. اگر برهنگی و آزادی‌های این چنینی عامل پیشرفت بود چرا در بقیه کشورهای جهان نیست؟ اکثریت کشورهای دنیا که آزادی‌های غربی را دارند، چرا فقط نام ۱۵ تا ۲۰ کشور به عنوان کشورهای پیشرفته

مطرح می‌شود؟ آیا همگی کشورهای جهان سوم و یا در حال توسعه
کشورهایی محدودند؟

معلوم است که هرگونه پیشرفت و بهره‌مندی منوط به کار و تلاش و
نظم و برنامه‌ریزی است و بی‌قید و بند بودن شرایط اجتماعی، هیچ گاه به
پیشرفت منجر نمی‌شود.

❧ فراندوم چه مفهومی دارد؟

۴۱

برمدار امید

پرسش:

۷. آقای جمهوری اسلامی چرا فراندوم نمی‌گذاری؟

پاسخ:

به فراندوم گذاشتن قانون اساسی اگرچه در ظاهر ممکن است خوب به
نظر برسد و نشانه اعتماد یک حکومت به مقبولیت خود تلقی شود اما در
نگاه دقیق‌تر می‌توان فهمید عواقب بسیار مخربی دارد که نمی‌توان آن‌ها را
نادیده گرفت که در قالب چند نکته قابل بیان است:

❧ کشور ثبات لازم دارد

قانون اساسی هر کشوری محور ثبات و امنیت آن کشور است، چشم‌اندازی
است که اهداف و مسیر حرکت یک ملت و کشور را تعیین می‌کند؛ به همین
خاطر به رأی گذاشتن آن ثبات و پیشرفت یک کشور را به چالش می‌کشد.
فراندوم اصل قانون اساسی و ساختار حکومت مانند این است که یک
دانشجو بخواهد در پایان هر ترم برای تغییر رشته یا ادامه تحصیل در همان
رشته از دوستانش نظرخواهی کند و واقعاً به نظر اکثریت عمل کند! خب
این برنامه‌ریزی برای نظرخواهی‌ها، او را در تحصیلش دچار تزلزل جدی

خواهد کرد، چراکه هیچ ثباتی در ادامه کار نخواهد بود. چنین دانشجویی نخواهد توانست برنامه‌ریزی جدی و انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل داشته باشد؛ به همین خاطر در هیچ کشوری اصل قانون اساسی به فراندوم و رأی مردم گذاشته نمی‌شود.

همچنین با برگزاری فراندوم مسئله تمام نمی‌شود، بلکه برای همیشه در عمر جمهوری اسلامی این باب گشوده خواهد شد و نسل‌های آینده در هر برهه‌ای خواهند گفت ما در فراندوم پیشین حضور نداشتیم و بدین ترتیب فراندوم‌های متعدد ثبات را از کشور خواهند گرفت.

علاوه بر آن، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو مزیت نسبت به سایر کشورها دارد. اول اینکه در ابتدا به فراندوم و نظرخواهی مردم گذاشته شده است و مقبولیت اثبات‌شده پیشینی دارد و دوم اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی جزو جوان‌ترین قوانین اساسی دنیاست. درحالی‌که از تصویب قوانین اساسی برخی کشورها گاهی چند قرن گذشته است. البته استدلال درباره فراندوم اصل قانون اساسی است و گرنه اصلاح قانون اساسی مشکلی ندارد و در جمهوری اسلامی هم اتفاق افتاده است.

❦ اگر باز هم فراندوم شود مردم اسلام را انتخاب می‌کنند

اگر بنا بر برگزاری فراندوم و نظرخواهی مردم میان جمهوری اسلامی و جمهوری سکولار و غیردینی باشد، طبیعتاً مردم طبق اعتقاد و باور خویش رأی خواهند داد. همان‌طور که در سال ۵۸ طبق باور خود رأی دادند. از آنجا که عموم مردم ایران مسلمان هستند، رأی به جمهوری سکولار توجیهی ندارد. اساساً معنا ندارد کسی به اسلام معتقد باشد اما خواهان خروج اسلام از حاکمیت باشد. بله چنین کسی که به حقانیت اسلام باور دارد،

می‌تواند معترض باشد که چرا اسلام در جامعه و از سوی مسئولین اجرا نمی‌شود، اما طبق اعتقادش مشکل را از اسلام نمی‌داند، وگرنه مسلمان بودنش معنا نخواهد داشت.

بنابراین خود مسلمان بودن مردم ایران بزرگ‌ترین رفرا ندوم به نفع جمهوری اسلامی است، البته که خواهان عمل به اسلام هستند و اگر اعتراضی هم هست به جهت رویگردانی از عمل به اسلام است، نه اعتراض به اصل اسلام.

۴۳

بر مدار امیر

اگر حکومت بده چطور رفرا ندومش خوبه؟

نکته دیگر اینکه طبیعتاً کسی که حکومتی را قبول داشته باشد خواستار رفرا ندوم نیست و کسی که آن را قبول نداشته باشد، نتیجه رفرا ندوم آن حکومت را نخواهد پذیرفت، مگر آنکه نتیجه مطابق میل خودش باشد و این توقع که ناظران بین‌المللی بر رفرا ندوم نظارت کنند غیر از اینکه خلاف عزت و غرور ملی است اشکال دیگری دارد و آن اینکه خود ناظران بین‌المللی نیز از هر منطقه یا سازمانی انتخاب شوند، باز نسبت به آن حکومت خالی از نظر نیستند و به‌هر حال دیدگاهی دارند که بر اعتبار آن رفرا ندوم تأثیر خواهد گذاشت.

در پایان گفتنی است ملاک سنجش مقبولیت یک حکومت در ادبیات سیاسی جهان، میزان مشارکت و تجمعات حمایتی از آن حکومت است، نه برگزاری رفرا ندوم و همه‌پرسی از مردم؛ با این شاخص مقبولیت جمهوری اسلامی روشن و واضح است.

مراجعه به میانگین مشارکت مردمی در انتخابات در ایران، یا آمار تجمعات حمایتی سالانه در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و حماسه ۹ دی و یا تشییع جنازه حاج قاسم سلیمانی- که نمونه بارز یک مسئول تراز اول جمهوری اسلامی بود- برای اثبات مقبولیت نظام اسلامی کافی است.

مفهوم اعتراض را بشناس

پرسش:

۸. حالا که می‌گوییم این نظام مقبولیت دارد پس این اعتراضات نشانه چیست؟

پاسخ:

اعتراضی نشانه عدم مقبولیت نیست

در طول تاریخ شاید نتوان حکومتی را یافت که علیه آن اعتراضی صورت نگرفته باشد، به حکومت‌های دیکتاتوری - که یک شخص طبق میل خودش بر مردم حکومت می‌کند - تا حکومت معصومین علیه السلام - که کامل‌ترین انسان‌ها طبق خواست و اراده الهی بر مردم حکومت کرده‌اند، اعتراض‌هایی شده است؛ بنابراین اگر اعتراضات به منزله عدم مقبولیت یک نظام معنی شود، اساساً در گذشته و در آینده حکومتی نیست که مقبولیت مردمی داشته باشد.

با این وصف روشن می‌شود که صرف اعتراضات نمی‌تواند علامت عدم مقبولیت باشد، بلکه شرایطی دارد که در نکات بعدی خواهد آمد. حکومت‌های مدعی دموکراسی در غرب نیز بارها و بارها شاهد تجمعات گسترده و گاه هفتگی و طولانی مدت بوده‌اند، درحالی‌که مقبولیت اولیه آن‌ها نیز هرگز اثبات نشده است، یعنی حتی سرکوب اعتراضات با تکیه به یک مقبولیت حداکثری اولیه هم نیست.

برعکس، جمهوری اسلامی ایران - علی‌رغم اینکه این حجم خشونت پلیس غربی در نیروهای امنیتی آن دیده نمی‌شود - مقبولیت ابتدایی خودش را نیز با رأی ۹۸ درصدی مردم در سال ۱۳۵۸ اثبات کرده است.

❧ خیلی از معترضین اصل نظام را قبول دارند

اعتراضات مردمی لزوماً اعتراض به اصل یک نظام نیست، بلکه بسیاری از اعتراضاتی که در کشور اتفاق می‌افتد اعتراض به یک تصمیم خاص یا یک اتفاق خاص است، مانند اعتراضات ۸۸ که به‌منظور اعتراض به نتیجه انتخابات درون نظام بود یا اعتراضات سال ۹۸ که بابت گرانی بنزین بود و مانند آن. اگرچه بخشی از معترضین شعارهای ضد حکومتی سر می‌دادند اما این را نمی‌توان به همه معترضین سرایت داد. برخی از معترضین از بدنه نظام بوده و معتقد به حفظ این حکومت بوده و هستند.

اعتراضات به اصل نظام با شعارهای همگانی و آشکار-مانند آنچه در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ دیدیم- با اهداف ضد حکومتی نشان داده می‌شود، اما چنددستگی در اهداف و شعارها در اعتراضات داخلی بعد از انقلاب نشان می‌دهد؛ همه معترضین به اصل نظام اعتراض ندارند. برخی از معترضین گاهی از جانبازان دفاع مقدس هستند که به برخی تصمیم‌گیری‌ها معترض بوده‌اند. حتی گاهی برخی از اعتراضات صنفی و برای رفع مشکلات یک صنف خاص است، مانند اعتراض بازنشستگان، اعتراض معلمین، دامداران و مانند ایشان.

❧ حامیان هم حق تجمع دارند

اگر قرار است از اجتماعات مردمی میزان مقبولیت یک نظام سنجیده شود، باید به تجمعات حمایتی که برای حمایت نظام می‌شود، هم نگاهی داشت. ما هرگز تجمعاتی به گستردگی ۹ دی یا تشییع جنازه حاج قاسم سلیمانی یا راهپیمایی ۲۲ بهمن را در اعتراض به نظام نمی‌بینیم.

﴿مگر معترضین از همه مردمند که همه حکومت را بخواهند؟﴾

۴۶

مردمان

در هیچ حکومتی شکل‌گیری انقلاب و تغییرات بنیادین از طریق اعتراضات حداقلی یا همه‌پرسی و به‌صورت مسالمت‌آمیز اتفاق نمی‌افتد. زیرا هر حکومتی وظیفه دارد در حد توان، باورش را ترویج و برای استقرار تلاش کند. اینکه اصل این حکومت مبتنی بر چه باور و چه تفکری است در جای خود باید گفتگو شود، اما عمل به این اصل که بخواهد ضدش را نپذیرد و علیه خود رفتاری نکند، کاملاً منطقی و عقلی است.

به همین علت حکومت‌ها در برابر اعتراضات ایستادگی می‌کنند و هرگز حکومت را به اقلیت معترض واگذار نمی‌کنند. حتی پس از اینکه حکومت امام علی علیه السلام به خواست مردم مقبولیت یافت و حاکم شد، در برابر اعتراضات، حکومت را واگذار نکرد و در مقابل آشوب‌طلبی، چاره‌ای جز جنگ و سرکوب مخالفین نداشت.

تفاوت حکومت‌های الهی و غیرالهی در این است که حکومت‌های غیرالهی که متکی به نظر الهی نبوده و نظر مردم برای آن‌ها جایگاهی ندارد، حتی با اکثریت قاطع مردم مبارزه می‌کنند و اعتراضات را سرکوب می‌کنند، اما حکومت دینی اگر اکثریت قاطع مردم را به‌صورت آشکار در ضدیت بامبانی خویش دید - نه ضدیت مردم با این حکومت - حاکمیت را رها می‌کند.

اما این ضدیت باید از سنخ گُنش باشد، نه از سنخ سکوت. یعنی اگر حتی مردم مخالف باشند، حکومت اسلامی وظیفه دارد تفکر الهی را در جامعه گسترش دهد. اما اگر بقای خود را در گرو ایستادگی و رویارویی با اکثریت قاطع مردم ببیند، آنجا دیگر خداوند به چنین حکومتی اذن نمی‌دهد.

با این اوصاف روشن می‌شود حکومت جمهوری اسلامی با این اعتراضات

پراکنده با خواسته‌های متفاوت - که لزوماً معنی ضدیت با نظام ندارند - و با وجود حامیان حداکثری، مقبولیت بالا دارد و به همین دلیل واگذاری حکومت به معترضین توقعی منطقی نیست. خصوصاً با توجه به بهای سنگینی که برای این حکومت پرداخت شده است. از شهادت، شکنجه و رنج اسارت چند صد هزار نفر از انسان‌های مخلص و نیز فداکاری خانواده‌های ایشان و مادرانی که هنوز منتظر بازگشت جنازه فرزندان‌شان هستند. این موارد حق مردم بر حکومت است و دلیلی است تا دولت و ملت این راه را ادامه دهند و دست از آن نکنند.

۴۷

برمدار امید

مفهوم انقلاب اسلامی را بشناس

پرسش:

۹. خودتان که تظاهرات می‌کردید، اموال دولتی را خراب می‌کردید. حالا چرا به اغتشاش‌گرها می‌گویید خرابکار؟

پاسخ:

هر از گاهی با بروز و ظهور اغتشاشات خیابانی و برخورد فراجا این سؤال رایج و پرتکرار مطرح می‌شود که: اگر اغتشاش بد است پس چرا انقلاب ۵۷ شکل گرفت؟! فرض سؤال این است که انقلاب ۵۷ از جنس اغتشاشات این روزها بوده است. با این حال دو دسته پاسخ وجود دارد که هردو لازم است اما عمق آن‌ها یکسان نیست.

ظاهر یکسان رفتارها به معنی شباهت آن‌ها نیست. داعشی‌ها عملیات انتحاری انجام می‌دهند. شهید حسین فهمیده هم عملیات استشهادی انجام داد این دو یکی است؟ اسرائیلی‌ها آدم می‌کشند، نیروی مقاومت نیز سربازان صهیونیستی را به هلاکت می‌رسانند، این دو یکی است؟ چه آنکه

اغتشاش برای به هم زدن طاغوت و حکومت جور و ظلم پهلوی، تلاش برای برقراری نظم و دعوت به انضباط است.

برای اینکه تفاوت این دو بهتر روشن شود به موارد زیر توجه کنید:

﴿اعتراض با اغتشاش چه فرقی دارد؟﴾

لازم است بین اعتراض و اغتشاش فرق گذاشت. این دو با هم تفاوت مفهومی و در هدف، تعارض دارند. قطعاً در کشور نواقص و کمبودهایی وجود دارد که زمینه اعتراض را فراهم می‌کند ولی باید بین اعتراض به حق که هدف اصلاح است با اغتشاش تخریب‌گرایانه فرق گذاشت.

هدف اغتشاش‌گران ایجاد یک نظم و نظام جدید نیست. بسیاری از آن‌ها- خصوصاً کسانی که پشت پرده، رهبری این جریان را بر عهده دارند، بر خلاف تصور جوانان حامی، به فکر منافع شخصی خودشان هستند و منافع ملی و مصلحت مردم برایشان اهمیت ندارد. همچنین آن‌ها هیچ برنامه اصلاحی مشخصی ندارند که بخواهند مملکت را ارتقا دهند و برای پیشرفت آن تلاش کنند.

نکته دیگر اینکه اغتشاش با ایجاد ناامنی و تخریب اموال عمومی و شخصی همراه است. درحالی‌که اعتراض به هیچ وجه مخرب نیست. حاضران در اعتراض می‌کوشند به نحو مسالمت‌آمیز به حق خود برسند. اما اغتشاش‌گران به بهانه حق با ایجاد هزینه، با انحراف افکار عمومی تخریب می‌کنند. لذا در همه حکومت‌ها با اغتشاش‌گران برخورد می‌شود؛ زیرا آن‌ها هدف‌های اصلاحی ندارند و تخریب‌گر هستند.

شورش و اغتشاش با انقلاب فرق دارد

در بحث قبل و پیش از آن گفتیم که انقلاب با اغتشاش تفاوت‌های بنیادینی دارد از جمله: ۱. انقلاب حرکتی سازمان‌یافته است درحالی‌که شورش یک خشونت زودگذر است که سازماندهی و کشش لازم برای تداوم را ندارد. ۲. لازمه انقلاب وجود رهبر و ایدئولوژی است که شورش این عنصر را ندارد. ۳. عاملان یک انقلاب دست به تخریب اموال عمومی و شخصی نمی‌زنند اما عاملان آشوب- به دلیل نداشتن برنامه‌ریزی و ایده مشخص- تخریب و آسیب زیادی دارند. ۴. انقلابیون دارای عقیده راسخی در پس عمل خود بوده و حتی زندان و شکنجه را به جان می‌خرند درحالی‌که عوامل شورش دقیقاً برعکس‌اند. با این ویژگی‌ها مشخص است که شورش و اغتشاشات ۱۴۰۱ هیچ یک از عناصر انقلاب را ندارد.

در سال ۵۷ براندازان حکومت دیکتاتوری پهلوی دارای ویژگی‌های زیر بودند:

❖ وحدت و اتحاد در هدف: هدف اصلی براندازان ۵۷ نابودی رژیم منحوس پهلوی و جایگزینی جمهوری اسلامی بود. از شعارهای مردم ایران مشخص است که آنچه را نمی‌خواهند (رژیم پهلوی) و آنچه را می‌خواهند (نظام اسلامی) به خوبی شناخته و طلب می‌کنند.

❖ آرمان قوی: آرمان مردم در سال ۵۷ برگرفته از دینشان بود و اگر دین‌داری و دین‌خواهی مردم نبود، قطعاً عنایت خداوند هم شامل این ملت نمی‌شد و پیروزی غیر ممکن بود.

❖ رهبری معنوی: تمام کارشناسان و تحلیل‌گران داخلی و خارجی معتقدند که اگر امام خمینی رحمة الله علیه نبود، نهضت اسلامی ایران به پیروزی نمی‌رسید.

❖ آداب و رفتار براندازان: خصوصیت مشترک مردم مخالف حکومت پهلوی

این بود که هیچ‌گاه در قیام خود به اموال عمومی و شخصی دیگران تعدی نکردند. همچنین در تظاهرات علیه شاه و دربار، از الفاظ رکیک استفاده نکردند. تا آنجا که حتی امام خمینی رحمه الله علیه هم در سخنرانی‌های خود، شاه را «آقای شاه» خطاب می‌کرد. در این ایام، حتی به نیروهای گارد شاهنشاهی نیز جسارت نشد و کسی از نیروهای پلیس یا ژاندارمری توسط براندازان کشته نشد و برعکس؛ یکی از شعارهای براندازان سال ۵۷ این بود که: «ارتش برادر ماست...».

❖ واقعاً مردمی بود: انقلاب ۵۷ واقعاً مردمی بود و از دل مردم جوشید. اساساً انقلاب ۵۷ انقلاب به شیوهٔ اغتشاش و آشوب نبود. انقلاب ۵۷ بروز و ظهور حضور اعتراضی مردم بود. به معنی واقعی، انقلاب مردم بود و اعتراض عده‌ای اقلیت علیه اکثریت نبود. به همین دلیل، وقتی برخی افراد برای اخذ مجوز با هدف راه اندازی عملیات مسلحانه خدمت امام رحمه الله علیه رسیدند، با مخالفت صریح امام رحمه الله علیه مواجه شدند و از ایشان شنیدند که: انقلاب ما انقلاب آگاهی‌ها است نه اسلحه. این تأکید امام رحمه الله علیه بارها در خاطرات آقایان رفیق دوست، الویری، داعی، شبیری، مرحوم پسندیده، مرحوم هاشمی و شخصیت‌های دیگر آمده است. وقتی اعضای سازمان مجاهدین با امام رحمه الله علیه در نجف دیدار کردند امام رحمه الله علیه به آن‌ها صریحاً فرمود: با اقدام مسلحانه مخالفم.

امام در ابتدای دهه ۴۰ حتی مبارزه با رژیم را در چارچوب قانون طاغوت آغاز کرده و در ادامه با آگاهی‌بخشی و بصیرت‌بخشی، مردم با ایشان همراه شدند. یعنی مردم ابتدا در درون متحول و در ادامه، این تحول درونی را به تحول سیاسی تبدیل کردند. بر همین اساس بود که امام رحمه الله علیه بارها فرمودند انقلاب ملت ما برآمده از تحول درونی مردم بود.

کسی با اعتراض مدنی و قانونی مخالف نیست، اما تخریب اموال عمومی

توسط عده‌ای اقلیت و تقابل آن‌ها با مردم، یعنی دیکتاتوری اقلیت در مقابل اکثریت. حتی اگر این عده، شعار آزادی و عدالت سر دهند، باز هم این حرکت بیش از آنکه مقابله با حکومت باشد اغتشاش در برابر ارادهٔ مردم است؛ طبیعی است که نظام برآمده از مردم، مهم‌ترین وظیفه‌اش صیانت از ارادهٔ ملت است.

ویژگی اغتشاش‌گران خصوصاً در سال ۱۴۰۱ را می‌توان چنین برشمرد:

۵۱

برمدار امید

❖ **تفرقه در هدف:** برخی براندازان به دنبال آزادی بی حد و حصر از جنس فولادی و عریانی هستند. بعضی‌ها مثل مریم رجوی و علی نژاد به دنبال عنوان ریاست جمهوری هستند. بعضی از اغتشاش‌گران شاید بدانند که چه چیزی نمی‌خواهند ولی نمی‌دانند چه چیزی قرار است جایگزین شود! یعنی فقط می‌گویند «این رژیم آخوندی باید برود!» اما نمی‌دانند حکومت آینده چه ساختاری خواهد داشت!

❖ **نداشتن آرمان:** اگر بگوییم که براندازان فعلی هیچ آرمانی ندارند، گزاف نگفته‌ایم. تاکنون اگر چیزی هم به عنوان آرمان مطرح شده است، ملغمه‌ای متناقض و غیر قابل ارائه است و در عمل، بر خلاف آن رفتار می‌شود، مثلاً می‌گویند که «می‌خواهیم حجاب اجباری نباشد و پوشش آزاد باشد!» اما از سر دیگران چادر می‌کشند! می‌گویند که مسئله ما حجاب است، اما به دنبال عریانی هستند. می‌گویند «همه این‌ها به خاطر مردم است» اما اموال عمومی مردم را به آتش می‌کشند و همنوا با تروریست‌های ذاتی مثل منافقین که مردم را به گلوله می‌بستند، سخن می‌گویند. می‌گویند «جانم فدای ایران» اما با تجزیه‌طلبان ایران همسو هستند. شعار آزادی سر می‌دهند اما بازاریان را با تهدید مجبور به تعطیل کردن مغازه‌ها می‌کنند و مخالفین را با شعار «بی شرف» بدرقه می‌کنند.

❖ **نداشتن رهبر واحد:** در جریان برانداز امروز، از رضا پهلوی و مریم رجوی

و مسیح علی‌نژاد تا علیزاده رییس حزب کومله و...داعیه‌دار براندازی هستند. البته ناگفته نماند که یک رهبر واحد پنهان در پشت سر آن‌ها همیشه وجود داشته و دارد.

❖ رفتار خارج از عرف: براندازان امروزی برخلاف ادعایی که دارند، به راحتی از قتل و کشتن حرف می‌زنند و از انواع و اقسام دشنام‌های رکیک علیه نظام و رهبری و... استفاده می‌کنند. برخی نه تنها به اموال عمومی حمله می‌کنند و آن‌ها را از بین می‌برند، بلکه اموال خصوصی و ماشین‌های مردم را نیز به آتش می‌کشند و از کار خود ابایی هم ندارند.

❖ غیر مردمی بودن: بر اساس آمارهای رسمی حداکثر نفراتی که در سراسر کشور در اعتراضات اخیر حاضر شدند، به بیش از صد هزار نفر نمی‌رسد. تازه این نفرات هم عمدتاً از بدنهٔ مردم نبودند بلکه بیشتر اراذل و اوباشی بودند که در قبال دریافت پول، دست به آشوب زدند. این در حالی است که تمام رسانه‌های بیگانه و معاند با حداکثر توان، وارد معرکه شده بودند. اما در انقلاب سال ۵۷ بدون داشتن رسانه خاصی، مردم از تمام اقشار در تظاهرات علیه رژیم پهلوی حضور داشتند. همچنین در برابر اغتشاشات اخیر، میلیون‌ها نفر در شهرهای مختلف علیه آشوبگران و در حمایت از نظام، راهپیمایی کردند، اما در سال ۵۷ کسی برای فرو نشاندن خشم مردم و حمایت از پهلوی، تظاهراتی نکرد. شاه و نظام پهلوی هیچ جایگاه مردمی نداشتند. آن‌ها با رأی و نظر مردم به قدرت نرسیده بودند لذا انقلاب مردمی سال ۵۷ برای کنار زدن آن‌ها و روی کار آمدن نظام مردمی شکل گرفت. از این رو همه مردم پای کار انقلاب ایستادند و با رژیم پهلوی که از حمایت خارجی برخوردار بود، مبارزه کردند.

❖ وابستگی به خارج: انقلاب ۵۷ کاملاً بومی بود و به هیچ یک از کشورهای

خارجی وابسته نبود، اما در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ ارتباط برخی از رهبران اغتشاش‌گران با خارج از کشور، واضح و علنی است. بنابراین بر خلاف آنچه بعضی‌ها گمان می‌کنند این حرکت‌ها مردمی نبوده و نیست.

● دیدگاه رهبر کبیر انقلاب دربارهٔ عدم اقدام مسلحانه و تخریب اموال

۵۳

بر مدار امید

اگرچه با وجود جریان‌ها و گروه‌های مختلف فکری در جریان مبارزات انقلابی، برخی از گروه‌ها با الگوگیری از سایر انقلاب‌ها، بدون درک ماهیت و هویت اسلامی انقلاب اسلامی اقدام به رفتارهای خشونت‌آمیز و تخریب اموال عمومی کرده و دست به اسلحه بردند، اما رهبر کبیر انقلاب و توده نیروهای انقلابی و پیرو امام، اعتراض خود را با راهپیمایی و اعتصاب نشان دادند.

حضرت امام با تخریب اموال عمومی در جریان مبارزه موافق نبودند و در پاسخ به سؤال خبرنگاران مختلف به این امر اشاره کردند که به چنین رفتارهایی توصیه نکرده و آن‌ها را مشروع نمی‌دانند.^۱

حجة الاسلام والمسلمین موسوی بجنوردی در این باره می‌گوید: «امام رحمة الله علیه با ترور و اقدام مسلحانه به شدت مخالف بود. هدف ایشان این بود که باید از راه حرکت مردمی و اکثریت آرا مبارزه را پیش برد. امام از ابتدای نهضت، همین حرف‌ها را می‌زدند؛ یعنی از همان اول دو رکن را برای حکومت اسلامی همیشه در کنار هم بیان می‌کردند و می‌گفتند که حکومت اسلامی بر دو رکن استوار است: یکی احکام اسلام و دیگری مردم».^۲

۱. خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۵۷؛ مصاحبه با مجله آلمانی اشپیگل، ۱۶ آبان ۱۳۵۷؛ ج ۴، ص ۵۰۲.

۲- ۵۰۳؛ مصاحبه با خبرنگار رادیو - تلویزیون سوئیس، ۱۳۵۷/۸/۲۴.

۲. فلاحی، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات امام خمینی رحمة الله علیه، ص ۱۳۳.

همچنین حضرت امام، هیچ‌گاه با وجود اصرار دیگران، حاضر به تأیید گروه‌های التقاطی نشدند. مانند گروهک مجاهدین خلق (منافقین) که حتی در شرایطی که هنوز انحراف این گروه مشخص نشده بود و نماینده‌ای برای گرفتن تأییدیه نزد امام فرستاده بودند، امام به هیچ عنوان حاضر به تأیید آنها نشدند.^۱

۵۴

برمدار امید

پرسش:

۱۰. زمان شاه به خشونت می‌گفتید انقلابی‌گری؛ حالا نوبت اغتشاش‌گرها که رسید، شد جرم؟

پاسخ:

ملاک سنجش یک رفتار، فقط شکل ظاهری آن رفتار نیست، بلکه متکی بودن آن رفتار به دلیل و حقانیت داشتن آن است؛ به عنوان مثال، وقتی دیدیم کسی دارد انسان دیگری را به قتل می‌رساند به صورت مطلق نمی‌توانیم بگوییم که این کار خوبی است یا کار بدی است، بلکه باید دید آیا این قتل به حق است یا به ناحق؟ کشتن انسان بی‌گناه ظلم است و کشتن انسان جانی عین عدالت است. بنابراین نمی‌توان گفت اگر آنجا قتل خوب است، چرا اینجا خوب نباشد؟! اگر آنجا خشونت بد است، چرا خشونت در اینجا بد نباشد؟!

در تمامی دنیا مجازات‌هایی برای مجرمین در نظر گرفته شده است که اجرای آن در مورد افراد مجرم، عین عدالت و اجرای آن برای یک انسان بی‌گناه، عین بی‌عدالتی است.

اصلاً قرآن کریم اوصاف مؤمنین واقعی را در دو رفتار متضاد در دو جایگاه

۱. پاشازاده، مبارزات امام خمینی (ره) به روایت اسناد در دوران تبعید در نجف، ص ۱۰۹.

متضاد معرفی می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾^۱ «محمد فرستاده خدا و کسانی که با او هستند بر کافران شدید و بین خودشان رؤوف و مهربان‌اند» بنابراین، اگر حکومتی با شعار ضد دینی روی کار آمده و به دنبال اجرای فرامین الهی نیست باید با آن مبارزه کرد و اگر حکومتی با شعار الهی روی کار آمده و به دنبال فرامین الهی باشد نباید آن را تضعیف کرده و با آن مبارزه کرد.

۵۵

برمدار امید

جراحی یک انسان در واقع نوعی خشونت است اما در جایی قابل توجیه است که جراحی برای درمان ضرورت داشته باشد، نه در جایی که علیه سلامت بیمار باشد؛ بنابراین بحث خشونت علیه یک حکومت به این برمی‌گردد که ما می‌خواهیم با این جراحی چه حکومتی را جایگزین چه حکومتی کنیم، اگر آن ایدئولوژی ما توجیه منطقی و دینی داشته باشد، خشونت به مقدار معمول که لازمه تغییر یک حکومت است هم توجیه خواهد داشت، اما اگر کسی بخواهد یک ایدئولوژی غیردینی را جایگزین یک ایدئولوژی دینی کند که در آن به نسبت بیشتری دارد به دین عمل می‌شود، این کار توجیهی نخواهد داشت و انسان روز قیامت در برابر خدا نمی‌تواند برای این خشونت دلیل موجهی داشته باشد.

نکته دیگر اینکه اندیشمندان دینی که رهبری انقلاب ۵۷ را بر عهده داشتند مانند امام خمینی رحمة الله علیه، شهید مطهری رحمة الله علیه، شهید بهشتی رحمة الله علیه همگی در اوج اخلاق و نگرش‌های اخلاقی بودند و هرگز در مکتب ایشان خشونت‌های بی‌جا و غیرانسانی پذیرفتنی نبود؛ به عنوان نمونه، شهید مطهری صراحتاً در آثار خویش این بحث را به صورت مبسوط و گسترده طرح می‌کند که هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند و نمی‌توان برای رسیدن به اهداف مقدس، رفتارهای نامشروع و غیراخلاقی به کار برد، با اینکه از این

طریق می‌توان به هدف و نتیجه‌ای نیکو رسید.^۱ با تکیه بر همین مبانی اعتقادی بود که امام خمینی رحمۃ الله علیه با مبارزه مسلحانه مخالفت می‌کرد.

درباره شهید بهشتی رحمۃ الله علیه آمده است که گاهی بعد از ابراز نظر، از حضار رأی‌گیری می‌کردند و نظر مخالف ایشان رأی می‌آورد و ایشان نظر جمع را می‌پذیرفت و رفتار ایشان ذره‌ای تغییر نمی‌کرد که بخواهد طعنه بزند یا دوباره رأی‌گیری کند.^۲ هرگز روحیه دیکتاتوری و عدم تحمل مخالف در ایشان نبود و حتی ویژگی‌های مثبت را در دشمنان خودشان تحسین می‌کردند.^۳ همچنین به شدت قانون‌مدار بودند، یکی از دوستان شهید بهشتی در بیان خاطراتی از ایشان می‌گوید: پیش از انقلاب همراه شهید بهشتی در یک خودرو در حرکت بودیم که به چهار راهی رسیدیم و چراغ راهنمایی در آن لحظه قرمز بود، با توجه به خلوت بودن خیابان، من خواستم از چراغ قرمز عبور کنم که شهید بهشتی جلوی من را گرفت و گفت «چراغ قرمز یعنی اینکه باید بایستید، این قانون هم مال شاه نیست، بلکه برای جامعه است».

در مکتب اسلام و پرورش‌یافتگان این مکتب، اسراف و هدر دادن سرمایه‌های ملی، خسارت به اموال عمومی و به کار بردن ادبیات سخیف و خلاف ادب حتی در راه مبارزه با یک حکومت ستمگر هم جایگاهی نداشته و ندارد.

اما در اعتراضات ضد حکومتی علیه جمهوری اسلامی، نبود رهبری واحد در بین معترضین و سوءاستفاده برخی از افرادی که این جریان را رهبری می‌کردند، این اعتراضات را به سمت و سویی برد که برخی از معترضین

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، صص ۹۲ و ۹۳.

۲. مجله شاهد یاران، ویژه‌نامه شهید بهشتی، ش ۸، تیرماه ۱۳۸۵، ص ۱۶.

۳. همان، ص ۲۸.

تحت تأثیر این تفکرات، هیچ خط قرمز اخلاقی برای مخالفت خود احساس نکردند؛ از برهنه کردن مأموران امنیتی و آتش زدن آنها تا به کار بردن الفاظ رکیک جنسی و فحش‌های زشت تا رفتارهای خشن با مردم برای اعتصاب اجباری و تخریب اموال عمومی و حتی اصرار به مردم برای اسراف در مصرف گاز به منظور افت فشار گاز و فشار به حکومت که هرگز در انقلاب ۵۷ سابقه نداشته است و اگر هم چنین مسائلی در انقلاب ۵۷ وجود داشت قطعاً با لحن شدیدی از سوی امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ مورد نهی قرار می‌گرفت.

۵۷

برمدار امید

اکنون نیز همین قاعده حاکم است؛ اگر کسی در فضای مجازی در دو صفحه مختلف، در یکی به دفاع از انقلاب و در صفحه دیگر به حمله به انقلاب مشغول شود از ادبیات مخالفینش به خوبی درک می‌کند که کدام جبهه نسبت به رعایت اخلاق متناسب با ایدئولوژی خودش پایبندی بیشتری دارد، چراکه اساساً اسلام اجازه چنین رفتارهایی به مدافعان خودش نمی‌دهد، اما مکاتب سکولاریستی گاهی به صراحت از جواز استمداد به هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف می‌گویند.

حرف حساب اعتراضات پیاده‌شدن قانون اساسی است

پرسش:

۱۱. اگر اجازه راهپیمایی نمی‌دهید پس چرا قانون اساسی اصل ۲۷ دارد؟

پاسخ:

آزادی اجتماعات از جمله آزادی‌های اساسی بشر و حقی طبیعی است که به هر فرد این توانایی را می‌دهد تا در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی

جامعه خویش تأثیر بگذارد و بتواند مطالبات و سخنان خود را با سایر افراد در اجتماعات به گوش زمامداران برساند.^۱

آزادی اجتماعات ازجمله آزادی‌هایی است که در اکثر قوانین اساسی کشورها به‌عنوان حقوق اساسی ملت، تضمین‌کننده سایر آزادی‌ها و مانعی برای جلوگیری از خودکامگی احتمالی حکومت‌ها است. با توجه به محدودیت‌های رژیم پهلوی در اعطای آزادی‌ها و اجتماعات سیاسی و اجتماعی، قانون‌گذار به دنبال حفظ حق عمومی در بیان نظرات اجتماعی بوده است. بر این اساس قانون اساسی ایران، آزادی اجتماعات را در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته است. بنابراین اصل «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است».

در مورد این اصل قانون اساسی سؤالات و ابهاماتی درباره ابزار حقوقی کسب اجازه، قیود حاکم بر حق تجمعات، مقام صالح به رسیدگی وجود دارد،^۲ اما مهم‌ترین شبهه در مورد ضرورت کسب اجازه قبل از برگزاری تجمع است که برخی معتقدند با مطلق بودن این اصل منافات دارد. برای حل این چالش توجه به موارد زیر مناسب است:

۱. سیستم‌های حقوقی درباره اجرا یا اعمال محدودیت آزادی اجتماعات و تشکیلات، - ازجمله لزوم یا عدم لزوم کسب مجوز- سه دسته هستند:

❖ سیستم پیش‌بینی اجازه (پیشینی): در این سیستم قبل از اجتماع باید از یک مرجع یا مقام خاص کسب اجازه کرد.

۱. رک: اسلامی و کمالوند، چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۱۸۸-۱۹۲.

۲. رک: رفیعی علوی، بررسی فقهی حقوقی اصل ۲۷ قانون اساسی در پرتو طرح تقنینی «نحوه برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات».

❖ سیستم اطلاع قبلی: باید مراجع مربوط را قبل از اجتماعات مطلع کرد. این سیستم اعلامی است و کسب اجازه نیست.

❖ سیستم تعقیب پسینی: در این سیستم اجازه یا اطلاع لازم نیست؛ ولی در صورت ضرر رساندن به دیگران یا عدم رعایت قانون، قابل پیگرد است.

در همه کشورها یکی از محدودیت‌های فوق اجرا می‌شود. با در نظر گرفتن این واقعیت که بسیاری از حقا و آزادی‌ها مطلق نبوده و در جوامع مختلف محدودیت‌هایی دارند، آزادی اجتماعات نیز با محدودیت‌هایی از جمله مسالمت‌آمیز بودن^۱ روبه‌روست. همچنین اطلاع دادن جهت برگزاری اجتماعات یا اخذ مجوز از دیگر چالش‌ها و موانعی است که در این آزادی برای افراد متصور است.^۲

۲. علاوه بر قوانین حقوق داخلی (ملی)، در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها حقوق و آزادی‌های افراد، مطلق و بدون قید و شرط نیست. بلکه با مؤلفه‌های گوناگونی چون عدم مغایرت با نظم و مصالح عمومی یا مشروط به عدم مغایرت و تعدی به حقوق دیگران و اخلاق جامعه محدود شده است.^۳

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های مسالمت‌آمیز بودن عبارتند از: عدم حمل سلاح، منع به‌کارگیری بیان تنفرآمیز و تحریک به خشونت، نقش و عملکرد پلیس در مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات.

۲. اسلامی و کمالوند، چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۱۹۳-۲۲۲.

۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک:

Michael Hamilton, "Freedom of Assembly; Consequential Harms and the Rule of Law: Liberty- Limiting Principles in the Context of Transition", Oxford Journal of Legal Studies, vol. 27, Issue 1, Spring 2007, pp. 75 - 100.

O'Dowd, John, "Pilate's Paramount Duty: Constitutional 'Reasonableness' and the Restriction of Freedom of Speech and Assembly", in S. Khilnani, V. Raghavan, and A. Thiruvengadam, eds. Comparative Constitutionalism in South Asia, Oxford University Press, India, 2010.

نظام بین‌المللی حقوق بشر به دولت‌ها برای آزادی اجتماعات برای اعمال محدودیت‌های اداری و بخشنامه‌ای از طریق نهادهای اجرایی ذی‌ربط اختیار داده است؛ به عبارت دیگری از ویژگی‌های خاص آزادی اجتماعات، اعمال تصمیمات اداری و بخشنامه‌های دستگاه‌های اجرایی مربوطه، مبنی بر اعمال تعدادی از محدودیت‌ها در اجرای این آزادی است. به همین دلیل یکی از این محدودیت‌های قانونی اطلاع‌رسانی و اخذ مجوز برای برگزاری اجتماعات است.^۱

اگر چه بر اساس متن اصل ۲۷ قانون اساسی، به شرط عدم حمل سلاح و مخل نبودن به مبانی اسلام، تشکیل اجتماعات مجوز لازم ندارد اما سیستم حقوقی و در رأس آن مجلس باید با مراجعه به این اصل، قانون جامعی راجع به اجتماعات تدوین می‌نمود. با تصویب قانون؛ فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی و آیین‌نامه اجرایی آن قانون‌گذار عادی، قیود و محدودیت‌هایی را بر آزادی اجتماعات افزود که افزون بر اصل ۲۷ بود که مهم‌ترین آن لزوم کسب اجازه و مجوز برای تجمعات است.

۳. در قانون اساسی ایران، برای تشکیل اجتماعات موقتی یا عمومی، دو شرط «عدم حمل سلاح» و «عدم اخلاف به مبانی اسلام» ضروری است. شاید به همین دلیل باشد که با وجود عدم تصریح قانون اساسی به ضرورت اطلاع وزارت کشور، این امر برای تشکیل راهپیمایی که روشن‌ترین مصداق تشکیل اجتماعات موقتی در کشور ماست، الزامی بیان شده است تا بر حصول این دو شرط نظارت شود.^۲

۱. اسلامی و کمالوند، چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۲۰۴.

۲. علیزاده و صالحی، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها در پرتو اصل ۲۷ قانون اساسی ایران،

این اجتماعات و تظاهرات با توجه به اوضاع و احوال حاکم ممکن است حالت اعتراضی داشته باشد و موجب اخلاص در نظم عمومی شود، به همین جهت برگزاری مسالمت‌آمیز این اجتماعات به وضوح درک می‌شود. از طرف دیگر ممکن است القائنات اجتماع‌کنندگان که بر محور یک عقیده و تفکر مشترک گرد هم آمده‌اند، بر افکار عمومی تأثیرات منفی وارد کند.

ایراد دیگری که در مورد این اصل گرفته می‌شود این است که این حق تنها برای گروه‌های شامل این قانون در نظر گرفته شده است و سایر افراد نمی‌توانند درخواست مجوز نموده و اجتماعی تشکیل دهند و تنها گروه‌های رسمی، حق درخواست و تشکیل تجمع یا راهپیمایی دارند.

هرچند اصل ۲۷ با قید مطلق است ولی مراجعه به متن سایر اصول قانون اساسی این اصل را مقید تفسیر می‌کند. بر این اساس اصل ۲۷ قانون اساسی در خصوص آزادی اجتماعات تنها در مورد احزاب و جمعیت‌های شناسایی شده در اصل ۲۶ مورد پذیرش است؛ بنابراین اگر احزاب و تشکلهای سیاسی و صنفی با مبانی قانونی تشکیل شده باشند، می‌توانند نسبت به برگزاری اجتماعات اقدام کنند.

با استناد به قوانین عادی یا اساسی بسیاری از کشورها، اساساً دعوت به راهپیمایی و تجمعات، توسط احزاب، اصناف و اشخاص حقوقی امکان دارد؛^۱ حتی در برخی از قوانین اساسی جهان این تجمعات تنها در سایه آزادی انجمن‌ها پذیرفته شده است.^۲

در پایان ذکر این نکته لازم است که تابه‌حال دولت‌ها عزمی برای اجرای اصل

1. Venice Commission and OSCE/ODIHR, Guidelines on Freedom of Peaceful Assembly (2nd edition) 2010, p49.
2. Constitution of Russia, Article 30: Adopted at National Voting on December 12, 1993.

۲۷ نداشته‌اند. ولی مدیر کل امور سیاسی وزارت کشور دولت سیزدهم در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۴۰۱ اعلام کرد: طبق اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است؛ اما در اجرا، دستورالعمل مشخصی وجود ندارد به همین دلیل وزارت کشور این موضوع را پیگیری کرد و دستورالعملی برای برگزاری تجمعات قانونی تهیه شد. در این دستورالعمل باید مرجع صدور مجوز و کسی که مجوز را دریافت می‌کند، همچنین تأمین‌کننده نظم و امنیت مراسم و وظایف دستگاه‌های امنیتی و انتظامی برای برگزاری این مراسمات مشخص شود.^۱

مفهوم انقلاب را بشناس

پرسش:

۱۲. یعنی می‌شود باز انقلاب شود؟ انقلاب کردن چه جور است؟

پاسخ:

برای پاسخ باید ضمن بررسی شرایط موجود به تعریف انقلاب و مؤلفه‌های لازم برای تحقق آن نیز اشاره کرد، چراکه انقلاب تعریف مشخصی دارد و به‌صرف شکل‌گیری اعتراض علیه یک حکومت نمی‌توان گفت انقلابی در حال شکل‌گیری است.

انقلاب یک تغییر بنیادین در ساختار حاکمیت و ساختارهای اجتماعی است که مبتنی بر ارزش‌های جدید است، یعنی هم هدف مشخص است و هم جهت‌دهی به سمت آن هدف دارد.^۲ در مقابل جایی که هدف مشخصی

1. <https://dolat.ir/detail/405295>.

۲. رجوع کنید به: عیوضی و هراتی، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، صص ۲۱-۲۴.

از اعتراضات نباشد، آن اعتراض و جنبش هرگز انقلاب خوانده نمی‌شود، بلکه به آن «شورش»^۱ گفته می‌شود. در شورش هدف، فقط اعتراض به وضع موجود است، یعنی یک اعتراض از وضع موجود بدون تکیه بر مبانی ایدئولوژیک.^۲

با این اوصاف تحقق انقلاب در گرو این است که هدف جایگزینی وجود داشته باشد و اکثریت مطلق مردم از سوی یک رهبری واحد به صورت بسیج درآمده باشند تا آن هدف را محقق سازند؛ بنابراین میزان موفقیت یک انقلاب در گرو قوی‌تر بودن ایدئولوژی و همچنین توانایی رهبر آن است که چه اندازه در توجیه افکار عمومی نسبت به آن ایدئولوژی و همراه کردن مردم به لحاظ عملی موفق باشد.

طبق آنچه گذشت روشن می‌شود اعتراضات علیه یک حکومت زمانی می‌تواند مقدمات یک انقلاب به شمار آید که شرایط فوق را دارا باشد، اما در اتفاقات معاصر در ایران هیچ‌کدام از گزینه‌ها و شرایط انقلاب مشاهده نمی‌شود.

اول اینکه ایدئولوژی واحد و مشخصی در عرض جمهوری اسلامی نیست. اعتراضات علیه جمهوری اسلامی متأثر از دیدگاه تجزیه‌طلبان یا سلطنت‌طلبان و یا کسانی است که ادعای دموکراسی سکولار در ایران دارند و این تفاوت آشکار در نگرش خط دهندگان، گاهی به اختلافات و زدوخوردهایی میان طرفداران، در تجمعات ضد حکومتی منجر می‌شود.

دوم اینکه در بین مخالفین هرگز رهبری واحد و مشخصی که مردم را به سمت انقلاب سوق دهد، دیده نمی‌شود؛ یعنی به تبع تفکرات و ایدئولوژی‌های مختلف، رهبران متعددی هستند که مردم را بدان سمت

1. Riote.

۲. عبوضی و هراتی، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۶.

جهت‌دهی می‌کنند. نکته مهم‌تر اینکه رهبر یک جنبش باید به لحاظ ایدئولوژیک فردی اندیشمند و صاحب‌نظر باشد، درحالی‌که رهبران اپوزیسیون اعتراضات ایران، عموماً انسان‌هایی در اصناف گوناگون هستند که نه تنها نظریه‌پرداز نیستند، بلکه از نظریات و اندیشه‌های سیاسی نیز کم اطلاعند و صرفاً به دلیل اختلاف‌نظرهایی با حکومت جمهوری اسلامی، ایران را ترک کرده‌اند.

در مورد مؤلفه سوم یعنی بسیج عمومی نیز چنین شرایطی محقق نشده است، تجمعات حمایتی نظام با اختلاف، پرشمارتر از تجمعات اعتراضی علیه نظام است. در انقلاب سال ۵۷ در برابر حضور گسترده و میلیونی مردم، هیچ تجمع حمایتی از حکومت پهلوی وجود نداشت، تمام بسیج شکل‌گرفته مردمی در برابر حکومت پهلوی بود و این به خوبی نویدبخش وقوع یک انقلاب به شمار می‌رفت. اما اکنون در تجمعات امروزی، تجمعات حمایتی نظام بسیار پررنگ‌تر از تجمعات اعتراضی است. علاوه بر آن بسیاری از تجمعات، اعتراض به یک تصمیم خاص است، نه اعتراض به اصل نظام. گاهی در اعتراضات صنفی چهره‌هایی دیده می‌شوند که خودشان از رزمندگان دوران جنگ بوده‌اند. خبر روشن است که این‌ها درصدد اعتراض به اصل نظام نیستند، درحالی‌که در تجمعات عظیم انقلاب اسلامی در سال ۵۷، شعارها، شعارهای اعتراضی به اصل رژیم بود، چراکه مردم به رهبری امام خمینی رحمة الله علیه و با انگیزه جانشینی یک ایدئولوژی جایگزین به میدان آمده بودند و چون این هدف را مقدس و الهی می‌دانستند، سخت‌ترین شکنجه‌ها و رنج تبعید و مانند آن را تحمل می‌کردند.

آنچه برخی از افراد را در محاسبه دقیق حجم اعتراضات دچار اشتباه می‌کند، حباب رسانه‌ای است؛ یعنی یک تفکر مشخص شکل گرفته در یک فضای خاص، در فضای مجازی حضور دارند و این دیدگاه اقلیتی که در آن غرق

هستند را اکثریت حقیقی جامعه می‌پندارند. درحالی‌که در فضای مجازی یک نفر می‌تواند با کاربری‌های مختلف به اندازه صدها نفر اعلام نظر کند و برخی نوجوانان و جوانان را که در سواد رسانه و تحلیل‌های رسانه‌ای قدرت کافی ندارند دچار محاسبات غلط کند. درحالی‌که ملاک درست برای سنجش بسیج عمومی، فضای حقیقی جامعه است که هر کسی فقط می‌تواند به ازای خود در آن حضور پیدا کند و به وضوح کم شمار بودن معترضین به اصل نظام در تجمعات را مشاهده کند؛ البته معترضین اقلیت فعلی هم گاهی کاستی‌ها را درست تشخیص داده‌اند اما در تشخیص مقصر اشتباه کرده‌اند و گمان می‌کنند با روی کار آمدن جمهوری سکولار در ایران این مشکلات نخواهد بود، درحالی‌که این امر هرگز قابل اثبات نیست. علاوه بر آن این افراد، درباره سنجش نقاط قوت و خدمات این انقلاب نیز اطلاعات کافی ندارند و این امر آن‌ها را در محاسباتشان دچار اشتباه می‌کند که در بحث‌های آینده اشاره خواهد شد.



ساختار جمهوری اسلامی

فصل دوم



پرسش:

۱۳. وقتی این همه تحصیل کرده در رشته‌های مختلف فنی، اقتصادی، سیاسی و علوم اجتماعی وجود دارد؛ چرا باید کسی که فقط فقه خوانده است بر همه مردم حکمرانی کند؟

پاسخ:

توانایی‌های لازم برای هر مسئولی باید متناسب با مسئولیت او باشد، بنابراین برای پاسخ به این سؤال باید به وظایف ولی فقیه توجه کرد. برخی گمان می‌کنند که شایستگی برای حکومت، به معنای توانایی اظهار نظر در رشته‌های مختلف علمی است! که اگر این گونه باشد، هیچ‌کسی نمی‌تواند حاکم جامعه بشود! چون شما کسی را پیدا نمی‌کنید که در همه رشته‌ها متخصص باشد تا بتوانید او را حاکم بر جامعه کنید؛ بنابراین اساساً این نگرش اشتباه است.

برای سعادت یک شخص و سعادت یک جامعه، دو چیز لازم است: یکی آشنایی با علوم مختلف که در رشته‌های تخصصی تحصیل می‌شود و دیگری جهت‌گیری این علوم که در خود آن علوم از آن سخن گفته نمی‌شود، بلکه بستگی به باور و ایدئولوژی ما دارد. زیرا همه علوم تجربی، اعم از علوم طبیعی که به کشف طبیعت می‌پردازند یا علوم مهندسی که به بشر آموزش

می‌دهند که چگونه از این مواهب طبیعی به نفع اهداف خود بهره‌برداری کند، اساساً خنثی و خالی از جهت هستند! حتی علوم انسانی هم وابسته به یک سری مبانی فکری و فلسفی هستند که جهت آن را تعیین می‌کند، بنابراین در یک کلام می‌توان گفت ایدئولوژی و باور انسان‌ها تعیین می‌کند که این علوم در چه جهتی به کار گرفته بشوند.

به عنوان مثال، علم پزشکی روش تشخیص بیماری و راه درمان آن را به انسان می‌آموزد، اما اینکه این علم در چه مسیری به کار گرفته شود، در راه خدمت به بشریت یا در راه آسیب زدن به آن، درگرو اعتقادات و باورهای حاکم بر این علم است. همچنین درباره علوم هسته‌ای هم به کارگیری آن در جهت منافع صلح‌آمیز یا منافع تسلیحاتی، بستگی به باور انسان‌ها دارد. بنابراین سخن از دو عرصه و حوزه متفاوت است که هرکدام متولی خاص خودش را می‌طلبند، نه آن کسی که متخصص علمی است می‌تواند به صورت کلان و عمیق، جهت‌دهی کند و نه آن کسی که با نگاه کلان، جهت‌دهی می‌کند، می‌تواند نقش یک متخصص در علوم مختلف را ایفا کند، به همین خاطر در همه حکومت‌ها این وظایف دوگانه، تقسیم شده است.

در جمهوری اسلامی هم عرصه‌های تخصصی برای پیشبرد علوم مختلف، به وزارتخانه‌ها واگذار شده است که موتور محرک کشور در رشته‌های مختلف علمی هستند، وزارت بهداشت و تصمیم‌گیری‌های اجرایی آن به پزشکان واگذار شده است، وزارت صنعت به مهندسان، وزارت اقتصاد به اقتصاددانان، وزارت خارجه به دیپلمات‌ها و... اما کسی که قرار است در رأس حکومت باشد، باید جهت‌شناس باشد، او وظیفه‌اش ابراز نظرهای تخصصی در موضوعات مختلف علمی نیست، او می‌خواهد جهت حرکت را تعیین کند، البته برای آگاهی از علوم و استفاده درست از آن‌ها می‌تواند از مشاورینی کمک بگیرد، اما آنچه برای چنین شخصی لازم است، جهت

شناسی است و از آنجا که حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت دینی است، کسی که در رأس قرار می‌گیرد باید یک اسلام‌شناس باشد.

شخص ولی‌فقیه، در عرصه‌های تخصصی و علمی، از متخصصین پیروی می‌کند، به‌عنوان نمونه، رهبر انقلاب در موضوع استفاده از واکسن، واردات یا عدم واردات محصولات تراریخته، افزایش یا عدم افزایش قیمت بنزین و مسائلی مانند آن، از متخصصین پیروی و حتی حمایت می‌کند، اما در مواقعی که نیاز به جهت‌گیری باشد، با توجه به دیدگاه اسلام، جهت‌گیری صحیح را تعیین می‌کند، مثلاً از حرکت کشور به سمت تسلیحات اتمی و کشتار جمعی که نمی‌توان بین انسان‌های بی‌گناه و نظامیان تفکیک قائل شد، ممانعت کرده و ساخت آن را حرام اعلام می‌کند.

۷۱

برمدار امید

شرایط رهبری در قانون اساسی ایران را بشناس

پرسش:

۱۴. چرا دوره رهبری در قانون اساسی محدود نشده است؟

پاسخ:

در نظام حاکمیت دینی، طبق اصل توحید در حاکمیت، تنها خداوند است که حق حکومت و حاکمیت دارد، چراکه هیچ انسانی بر انسان دیگری از این جهت برتری ندارد که زمام امور و اختیار او را به دست بگیرد، این برتری ذاتی مختص خداوند است که مالک انسان‌ها و مالک تمام هستی است و تنها اوست که می‌تواند انسان‌ها را با قوانین حاکمیتی محدود کند.^۱ از آنجاکه خود پروردگار، امکان حاکمیت اجرایی در دنیا را ندارد، به دیگران «اذن

۱. سبحانی، الالهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل، ج ۲، ص ۷۳.

حکومت» می‌دهد، بنابراین هر کسی که می‌خواهد حاکمیت را در اختیار بگیرد، باید از جانب خداوند متعال، اذن حکومت داشته باشد.

این حاکمیت، ابتدا به انبیای الهی و سپس اوصیا و امامان و درنهایت در نبود امامان، به عالمان دینی واگذار شده است. در منابعی که به این موضوع اختصاص دارد، به صورت تفصیلی اصل ولایت فقیه با دلایل عقلی و نقلی اثبات شده است.^۱

اگر حاکمیت بر مردم باید به اذن و اجازه الهی باشد، بدیهی است که خداوند متعال راضی نخواهد شد با وجود فرد اصلح و شایسته‌تر، فرد دیگری حاکم شود، بنابراین ملاک حاکمیت یک شخص در رأس حکومت، اصلح و برترین بودن اوست.

با این توصیف، روشن می‌شود که طبق دین و قانون اساسی، حاکمیت ولی فقیه محدودیت دارد، اما محدودیت آن کیفی است، نه کمی! ولی فقیه لحظه به لحظه باید رصد بشود، چراکه اگر حتی یک لحظه از دایره اصلح بودن خارج شد، دیگر از جانب خداوند اذن حاکمیت نخواهد داشت و اگر ده‌ها سال هم اصلح بودن او حفظ شود، شخص دیگری از جانب خداوند اذن حاکمیت نخواهد داشت.

بنابراین برخلاف مسئولان اجرایی و دیگر مدیران مملکت که در صورت خطای جزئی و تصمیم‌گیری‌های غلط، یا حتی در صورت اصلح نبودن، باز هم لازم است که مردم تا پایان دوره مسئولیت وی صبر کنند، در مورد ولایت فقیه چنین نیست، ولایت فقیه در گرو حفظ اصلح بودن آن فقیه است و با خروج او از دایره صلاحیت، حتی یک لحظه هم برای حکومت، اذن

۱. رجوع کنید به: موسوی خمینی، ولایت فقیه؛ جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت؛ مصباح یزدی، حکیمانه‌ترین حکومت.

و مشروعیت نخواهد داشت لذا نمی‌توان برای جایگاه ولایت فقیه، یک دوره چند ساله در قانون تعریف کرد.

پرسش:

۱۵. چرا نباید مردم خودشان مستقیماً ولی فقیه را انتخاب کنند؟

پاسخ:

۷۳

برمدار امید

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مشروعیت ولایت و حاکمیت فقیه از جانب خداوند متعال و با تکیه بر اصل توحید در حاکمیت است و خداوند فقط به حاکمیت فقیهی رضایت دارد که اصلح و برتر از سایرین باشد، بنابراین شیوهٔ انتخاب چنین فقیهی نباید سلیقه‌ای باشد، بلکه باید مورد اعتمادترین راه برای رسیدن به فقیه اصلح باشد تا خداوند از نتیجه‌ای که حاصل شده است، رضایت داشته باشد. برای تشخیص فرد اصلح، دلیل خاص یا روش خاصی در شرع وارد نشده است که لازم باشد از روی تعبد به آن پایبند باشیم، بلکه بر ما لازم است طبق سیرهٔ عقلا مسیر انتخاب اصلح را بیماییم، یعنی از آن مسیری استفاده کنیم که عقلاً آن را روش مناسبی برای کشف فقیه اصلح می‌دانند.^۱

فقیه اصلح توانمندی‌ها و اوصاف متعددی دارد که برخی از این توانمندی‌ها، اموری تخصصی محسوب می‌شود؛ مانند «تشخیص توانمندی فقیه در فقهات و اجتهاد علمی» و این هم امری نیست که افراد و اشخاصی که تحصیلات فقهی ندارند بتوانند به‌صورت اعتمادآوری در آن اظهار نظر کنند، به همین خاطر، چاره‌ای جز «کشف غیرمستقیم چنین فقیهی از میان فقها» نخواهد بود.

۱. مصباح یزدی، حکیمانه‌ترین حکومت، ص ۲۲۳.

یعنی مردم فقهایی را که امین و متخصص می‌دانند انتخاب کنند تا جمع فقها دور هم بنشینند و بهترین فقیه را کشف کنند، بدیهی است که این راه برای کشف بهترین فقیه، بسیار اعتمادآورتر است از اینکه مردم بخواهند مستقیماً برترین فقیه را انتخاب کنند. البته این روش انتخاب اصلح، اختصاصی به فقه و علوم اسلامی ندارد، در هر رشته دیگری که عرصه تخصص علمی محسوب می‌شود نیز همین است؛ یعنی اگر مردم بخواهند مستقیماً بهترین پزشک را انتخاب کنند یقیناً نتیجه بسیار دورتر از واقعیت خواهد بود نسبت به اینکه مردم، یک گروهی از پزشکان را انتخاب کنند تا این جمع پزشکان دور هم بنشینند و بهترین پزشک را انتخاب کنند، در رشته‌های دیگر نیز همین‌طور است. بر این اساس، بهترین راه برای تعیین رأس هرم قدرت در نظام اسلامی این است که خبرگانی نظر بدهند که خودشان از حداقل شرایط لازم در رهبری و از فقاقت و تقوا و مدیریت برخوردارند و با مسائل اجتماعی نیز آشنا هستند.^۱

🔗 قانون اساسی / شورای نگهبان قانون اساسی

پرسش:

۱۶. آیا انتخاب اعضای شورای نگهبان - ۶ فقیه توسط رهبری و ۶ حقوقدان توسط رئیس قوه قضاییه منتخب رهبری - سوء استفاده رهبری از قانون نیست؟ آیا حق با کسانی که شبهه دور در انتخابات را مطرح می‌کنند نیست؟

پاسخ:

برای پاسخ دادن به این سؤال باید به چند نکته توجه فرمایید:

● نکته اول

اگر این شبهه در پی از بین بردن مشروعیت رهبری باشد، به این معنا که «مشروعیت شورای نگهبان و خبرگان توسط رهبری ایجاد می‌شود و مشروعیت رهبری هم توسط شورای نگهبان محقق می‌شود»، در جواب باید دقت کرد که ولی فقیه مشروعیت خود را از جانب خدای متعال کسب می‌کند نه از ناحیه شورای نگهبان و خبرگان رهبری؛ در واقع خبرگان فقط ولی فقیه جامع‌الشرایط را کشف کرده و به مردم معرفی می‌نمایند.

● نکته دوم

در نظام جمهوری اسلامی ایران «شبهه دور» به معنایی که در سؤال مطرح شده است، وجود ندارد، زیرا امام خمینی رحمة الله علیه اولین شورای نگهبان را تعیین فرمودند و آن شورای نگهبان، صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری را تأیید کردند و آنان هم رهبر بعدی یعنی آیت‌الله خامنه‌ای را تعیین کردند، بنابراین رهبر فعلی به وسیله شورای نگهبان و خبرگانی که در دوره خود ایشان تشکیل شده باشد، انتخاب نشده است.

● نکته سوم

مسئله «دور» در تمام نظام‌های دنیا به گونه‌ای وجود دارد و نزد همه ملل دنیا موضوعی پذیرفته شده است، چون هر حکومتی، خودش ساختار و نحوه به قدرت رسیدن افراد را تعیین می‌کند، مثلاً در آمریکا، قضات عالی‌رتبه دیوان عالی فدرال ایالات متحده توسط رییس‌جمهور آمریکا منصوب می‌شوند و همین قضات بر عملکرد رییس‌جمهور آمریکا نظارت دارند. البته رییس‌جمهور پیشنهاد نصب آن‌ها را می‌دهد، اما عرف رایج در حقوق آمریکا این است که همان افراد پیشنهادی توسط رییس‌جمهور، تعیین می‌شوند و انتخاب نهایی آن‌ها با تصویب دوسوم سناتورها صورت می‌گیرد.

و این افراد هم به صورت مادام‌العمر به فعالیت می‌پردازند. همین قضات عالی‌رتبه بر عملکرد رییس‌جمهور نظارت دارند و حق دارند رییس‌جمهور را محاکمه کرده و در صورت تخلف، وی را عزل کنند.^۱ در انگلستان و فرانسه نیز مشابه این شرایط وجود دارد.^۲

● نکته چهارم

احتمال تبانی رهبر در انتخاب اعضای شورای نگهبان و به تبع آن مجلس خبرگان از یک سو با شرط عدالت و تقوای رهبر و نیز عملکرد سابق و فعلی ایشان، اساساً منتفی است و از سوی دیگر، شورای نگهبان و مجلس خبرگان متشکل از فقهایی است که چندین دهه امتحان خود را در علم و عمل پس داده‌اند و احتمال تبانی همه آن‌ها نزدیک به صفر است. عمده چنین ادعاهایی که گاهی در فضای مجازی بیان می‌شود، فاقد وجاهت علمی است که بتوان آن را اثبات کرد و عمدتاً با انگیزه ایجاد بدبینی طرح می‌شوند.

برخی در تحلیل و بررسی شورای نگهبان و شرایط ولی فقیه، امور را بر اساس دیدگاه رایج در علوم سیاسی و نظام قدرت در سایر کشورها ملاحظه و بررسی می‌کنند در حالی که باید دقت کنیم که ولایت فقیه، «ولایت فقه اسلامی به هدف اجرای احکام دینی» است و مهم‌ترین رکن آن تقوا و دین‌داری است. ولی فقیه و اعضای مجلس خبرگان مجتهدانی باتقوا هستند که هدفشان اجرای دین خداست و در این مسیر از جانب‌داری خارج از دایره تقوا و دین، پرهیز می‌کنند. همچنین ۶ حقوقدان معرفی شده توسط ریاست قوه قضاییه را نیز مجلس شورای اسلامی باید تصویب کند.^۳

۱. طباطبایی، سیاست و انتخابات در ایالات متحده آمریکا، ص ۹۰-۱۱۰.

۲. رک: مرندی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱۰-۱۱۳.

۳. اصل نود و یکم قانون اساسی: به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت

● نکته پنجم

شورای نگهبان علت تامه در تعیین خبرگان نیست، بلکه انتخاب مردم که امری خارج از اراده و اختیار هر سه نهاد است، در تعیین اعضای مجلس خبرگان نقش اصلی را دارد، اگر فقهای شورای نگهبان، صلاحیت فردی را تأیید کنند، ولی مردم به او رأی ندهند، وی به عضویت مجلس خبرگان در نمی‌آید.

۷۷

بر مدار امید

پرسش:

۱۷. شورای نگهبان همواره کاری می‌کند تا مردم بین بد و بدتر انتخاب کنند؛ چرا باید نظارت استصوابی باشد تا این همه مشکل درست شود؟

پاسخ:

بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی، یکی از وظایف اصلی شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات است که بخشی از این نظارت، مربوط به تأیید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی می‌باشد. شورای نگهبان قانون اساسی موظف است جهت ورود مدیران صالح به عرصه مدیریت کشور صلاحیت نامزدهای انتخاباتی را بررسی کرده و از مسائلی نظیر سلامت اقتصادی، سلامت اخلاقی و التزام به قانون اساسی، اطمینان حاصل کند و این اطمینان با بررسی سوابق افراد و استعلاماتی از مراجع قضایی و امنیتی حاصل می‌شود. بنابراین، اصل وجود شورای نگهبان کاملاً عقلانی و منطقی است، چراکه

مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن‌ها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری

است. ۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله

رییس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

هیچ حکومتی اجازه نمی‌دهد یک مسئول یا مدیر، که اصل آن حاکمیت و قانون اساسی آن را قبول ندارد بر روی کار بیاید و اداره امور را به عهده بگیرد؛ این در حقیقت نوعی خودزنی است!

اما در مقام قضاوت درباره وضعیت کشور با توجه به مشکلات فراوانی که خصوصاً در عرصه اقتصاد و معیشت وجود دارد و بخشی از آن یقیناً نتیجه سوء مدیریت افراد منتخب مردم است، این باور در ذهن برخی از مردم شکل گرفته است که شورای نگهبان انسان‌های لایق را رد صلاحیت و افرادی که شایستگی لازم را برای مسئولیت‌هایی چون ریاست جمهوری ندارند، تأیید صلاحیت می‌کند.

اما به نظر می‌رسد اصل این نگاه صحیح نباشد؛ چراکه ما هرگز در بین کسانی که احراز صلاحیت نشده‌اند، شخصیت شناخته شده‌ای سراغ نداریم که اولاً آن قدر مقبولیت داشته باشد که رأی بیاورد و ثانیاً آن قدر توانمند باشد که قطعاً مشکلات را حل بکند.

کسانی که چنین فکری به ذهنشان خطور می‌کند از خودشان سؤال کنند که به راستی در میان کسانی که احراز صلاحیت نشده‌اند در طول این سال‌ها، کدام شخصیت بوده است که اگر تأیید صلاحیت می‌شد حتماً وضعیت فعلی کشور ما غیر از این می‌بود و همچنین، آن فرد این قدر محبوب و شناخته شده بود که حتماً رأی می‌آورد!

از این رو به نظر می‌رسد چنین سؤالاتی به خاطر ناراحتی و نارضایتی از وضعیت موجود است؛ این ناراحتی‌ها آن قدر احساسات انسان را درگیر خودش می‌کند که در شناخت مقصر اصلی مسئله و علت این کاستی‌ها دچار مشکل می‌شود.

اما روی دیگر مسئله فوق این است که «چرا در بین تأیید صلاحیت شدگان

انسان ناکارآمد هم دیده می‌شود؟» در پاسخ باید گفت: اولاً کسی معتقد به عصمت شورای نگهبان نیست، ما چاره‌ای نداریم که تمامی مسئولیت‌هایی را که برای اداره کشور لازم است به انسان‌های غیرمعصوم بسپاریم؛ یعنی به کسانی که احتمال خطا در تشخیص آن‌ها وجود دارد، چراکه بی‌قانونی، نبود قانون یا نبود مجری قانون بدتر است از اینکه یک قانون به صورت کامل و صددرصدی اجرا نشود. بنابراین حتی اگر شورای نگهبان گاهی دچار خطا بشود باز هم بودن آن بهتر از نبودن آن است، چراکه ما هرگز به یک شخص معصوم برای سنجش صلاحیت‌ها دسترسی نداریم تا کار تأیید صلاحیت‌ها را به او بسپاریم.

نکته دیگر اینکه به نظر می‌رسد در برخی موارد، شورای نگهبان مصلحت‌هایی را در نظر می‌گیرد تا منافع ملی، اصل انقلاب و امنیت جامعه دچار آسیب نشود. برخی احزاب و اشخاص بانفوذی که در جامعه دارند، به گونه‌ای افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که شورای نگهبان مجبور می‌شود برخی کاندیدهای همسو با این افراد را تأیید صلاحیت کند. در این گونه موارد اگر شورای نگهبان کاندیدای آن جناح و حزب را تأیید نکند، بستر اغتشاش و جنگ داخلی و سپس فروپاشی نظام فراهم می‌شود. درحالی‌که اگر آن افراد را تأیید صلاحیت کند، هرچند کشور دچار مشکلاتی می‌شود اما درنهایت، خود مردم این جریان‌ها را بهتر می‌شناسند و در مراحل بعد به سوی انتخاب درست پیش می‌روند. آیا کسانی که می‌گویند شورای نگهبان نباید مصلحت‌سنجی کند، به تبعات این موضوع فکر کرده‌اند؟

شورای نگهبان با اشرافی که به شرایط کشور دارد، می‌داند مضرات و آسیب‌های رد صلاحیت برخی افراد، بسیار فراتر از تأیید صلاحیت آنان است. در چنین شرایطی واقعاً تکلیف چیست؟ چند راهکار را می‌توان برای این شرایط تصور کرد:

❖ یکی اینکه «ابتدا شورای نگهبان این افراد را رد صلاحیت کند، وقتی کشور دچار آشوب شد، آنگاه رهبری خود را سپر تأیید این افراد قرار دهد!» در این صورت بعد از آنکه این افراد به کشور لطمه زدند، چه کسی قانون انتقاد قرار می‌گیرد؟ در این صورت، آیا مردم، رهبری را مقصر کوتاهی‌ها و خیانت این افراد نمی‌دانند؟ آیا در این صورت اعتماد مردم به ستون اصلی انقلاب از بین نمی‌رود؟

❖ راهکار بعدی این است که شورای نگهبان این افراد را رد صلاحیت کند و تا آخر پای آن بایستد. در این صورت اگر کشور به جنگ داخلی کشیده شد و اصل انقلاب هم ساقط گردید و دشمن بر کشور سلطه یافت، آیا نتیجه مطلوب حاصل شده است؟!

❖ راهکار دیگر این است که شورای نگهبان برخی از این افراد را که پیشینه مجرمانه ندارند و نسبت به سایرین، صلاحیت بیشتری دارند، تأیید صلاحیت کند، از سوی دیگر، خواص و نخبگان جامعه به تبیین شاخص‌های فرد یا افراد صالح بپردازند تا خود مردم با انتخاب درست، مانع ورود افراد بی‌صلاحیت به مراکز حساس شوند. مسلماً در این موارد همه خواص جامعه باید حقایق را تبیین کنند تا راه انتخاب درست پیش روی مردم نهاده شود. با عنایت به توضیحات فوق، به نظر می‌رسد که تنها راهکار صحیح، همین مورد اخیر است و شورای نگهبان نیز همین مسیر را انتخاب می‌کند.

باید توجه داشت برخی از نامزدها قبل از انتخابات، سابقه کاری مناسبی دارند اما بعد از رسیدن به مقام بالاتر، تغییر می‌کنند. این موضوع عجیب نیست و نمونه‌های تاریخی آن، چه در صدر اسلام و چه در عصر حاضر

فراوان است،^۱ شورای نگهبان نیز نمی‌تواند تغییرات رفتاری بعدی اشخاص را دقیقاً پیش‌بینی کند زیرا گاهی آشکار شدن ناکارآمدی افراد در یک جایگاه، به گذشت زمان احتیاج دارد.

بنابراین شورای نگهبان ممکن است در برخی موارد به دلیل رعایت مصلحت‌هایی، برخی افراد را تأیید صلاحیت کند؛ در برخی موارد نیز افراد بعد از تصدی یک مسئولیت، دچار انحراف می‌شوند درحالی‌که قبل از آن، پرونده پاکی داشته‌اند.

۸۱

بر مدار امید

گذشته از مطالب فوق، تجربه تاریخی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، شورای نگهبان جهت ایجاد فضای رقابتی و ورود گروه‌های مختلف سیاسی در انتخابات، طیف گسترده و متنوعی از نامزدهای انتخاباتی را بر اساس ملاک‌های قانونی تأیید کرده است. آنچه تعیین‌کننده انتخابات و در نتیجه مدیریت کشور و رویدادهای آن است، انتخاب مردم است. در واقع، مردم با انتخاب‌های خود مسئولیت اداره کشور و مسائل آن را به دوش می‌کشند؛ به‌ویژه در دوره‌هایی که دو گفتمان مختلف در انتخابات حضور دارند که هر یک، اقتضائات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی خاص خود را دارد و مردم یکی از آن دو را بر دیگری ترجیح می‌دهند. در اینجا مردم باید مسئولیت انتخاب خود را بپذیرند و فرافکنی نکنند؛ به عبارت دیگر بیش از آنکه انتخاب اشخاص مهم باشد، انتخاب گفتمان‌ها و رویکردها مهم است و در هر انتخابات، معمولاً افراد مختلفی از گفتمان‌های مختلف حضور دارند.

۱. طلحه، زبیر، ابوالحسن بنی صدر و... نمونه‌های روشن این چرخش هستند.



مواضع و تصمیم‌گیری‌های جمهوری اسلامی

فصل سوم



پرسش:

۱۸. با وجود این همه فساد؛ چرا رهبری از مشکلات، چیزی نمی‌گوید و سکوت کرده است؟

پاسخ:

پیش از پاسخ به این سؤال لازم است که انسان نگاهی واقع‌بینانه به مشکلات و فسادهای جامعه داشته باشد؛ نه آن‌ها را بزرگ‌نمایی کند و نه کوچک‌نمایی، بلکه مشکلات و فسادها را آن‌گونه که هست بشناسد، نه آن‌گونه که گاهی رسانه‌ها القا می‌کنند. اما در خصوص مواضع رهبر انقلاب نسبت به مشکلات موجود، این مسئله از ابعاد مختلف قابل بررسی است که در قالب چند نکته بیان می‌شود:

هر سکوتی علامت رضانیست!

اولین نکته در پاسخ به سؤال فوق، این است که آیا اساساً رهبری در برابر مشکلات موجود، سکوت کرده است؟ به نظر می‌رسد که علنی نشدن تذکرات رهبری، به منزله سکوت ایشان تلقی شده است که این تلقی، اشتباه است. چراکه خود ایشان هم بارها نسبت به تذکرات غیرعلنی خودشان به مسئولین اشاره فرموده‌اند، به عنوان نمونه در دیدار با مردم

قم فرمودند: «بعضی‌ها گله می‌کنند که چرا فلانی تذکر نمی‌دهد؛ نه خیر، بنده زیاد تذکر می‌دهم. اینکه می‌بینید من گاهی علناً یک چیزی می‌گویم، این یک‌دهم تذکرات و اوقات تلخی‌ها و هشدارهای ما با این آقایان نیست»^۱.

و نیز در موضع دیگری می‌فرمایند: «آن جایی‌که جای تذکر است، تذکر می‌دهم؛ اما تذکر به شخص چیزی نیست که از تلویزیون پخش شود. آن مقدار که شما می‌بینید بنده در سخنرانی‌ها، نماز جمعه و در دیدار با هیأت دولت تذکر می‌دهم و نصیحت می‌کنم - که در خبرها پخش می‌شود - چند برابرش را گاهی با زبان‌های بسیار تلخ، در جلسات خصوصی به مسئولان می‌گویم؛ لیکن بنا نیست که هرچه به مسئولان تذکر می‌دهیم و می‌گوییم یا تلخی نشان می‌دهیم، حتماً پخش شود تا مردم مطلع شوند. هدف این است که آن شخص، راهنمایی شود»^۲.

در اینجا باید به عواقب تذکرهاى علنی رهبری به مسئولین توجه داشت که چه مفاسدی خصوصاً در عرصه بین‌المللی خواهد داشت. تذکرات دائمی ایشان به مسئولین اگر رسانه‌ای شود، موجب سوءاستفاده رسانه‌ای مخالفین برای بزرگنمایی اختلافات داخلی و تضعیف نظام می‌شود. عقل سلیم، این مطلب را به‌وضوح درک می‌کند که با وجود دشمنان بیرونی برای هر مجموعه‌ای، اختلافات درونی در آن مجموعه، هرگز نباید علنی شود، این علنی شدن اختلاف‌ها نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه به شدت مضر است، همان‌طور که مقام معظم رهبری به این ضررها اشاره کرده و می‌فرمایند: «به بنده گاهی می‌گویند شما چرا به دولت تشر نمی‌زنید؛ مرادشان لابد تشر در معرض عام است، وَاَلا از جلسات خصوصی ما که خبر ندارند! بنده اقلاً

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.

۲. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

ده برابر آن مقداری که در رسانه‌ها بعضی جلسات ما منعکس می‌شود، جلسات دیگری داریم با مسئولین مختلف - نظامی، غیرنظامی، دولتی، قضایی و غیره- خب از آن‌ها که مطلع نیستند، دلشان می‌خواهد که بنده در معرض عام تشر بزنم. خب فایده این تشر چیست؟ فایده این تشر این است که دل شما خنک می‌شود، همین! یعنی بیش از این فایده‌ای ندارد؛ اما ضررهای بزرگی دارد؛ این ضررها را باید بسنجید. دعا کردن، راه اصلاح نیست»^۱.

۸۷

برمدار امید

حدود و اختیارات و وظایف رهبر را بشناسیم و بعد ایراد بگیریم

بسیاری از کسانی که در برخورد با مشکلات و مفاصد موجود در کشور، شخص رهبر را مقصر دانسته یا ایشان را به سکوت متهم می‌کنند، عموماً از وظایف رهبری آگاه نیستند یا به آن توجه کافی ندارند! همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد وظیفه رهبری بر عهده گرفتن وظایف سایر قوا و دخالت در موضوعات علمی و تخصصی نیست که بر عهده دولت و وزارتخانه‌های مختلف است، بلکه وظیفه ایشان جهت‌دهی حرکت کلان کشور است.

مقام معظم رهبری درباره توجه دادن به این وظایف رهبری می‌فرمایند: «دستگاه‌های گوناگون - قوه قضاییه، قوه مجریه، قوه مقننه - مثل همه دنیا، کارهای موظف قانونی خودشان را دارند انجام می‌دهند، با اختیارات کاملی که در قانون اساسی معین شده؛ اما حرکت کلان و کلی نظام اسلامی به سمت آن آرمان‌ها باید منحرف نشود؛ اگر منحرف شد، باید گریبان رهبری را گرفت، او را بایستی مسئول دانست؛ او مسئول است که نگذارد»^۲.

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «رهبری نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌های موردی دستگاه‌های گوناگون دولتی مدام وارد بشود و مدام بگوید این باشد، این نباشد؛ این نمی‌شود. نه قانون این اجازه را می‌دهد، نه منطق این اجازه را می‌دهد»^۱.

در خصوص مسئولیت‌های گوناگون و سایر وظایفی که بر عهده قوای مختلف بوده و هر کدام مسئولینی دارد، نباید توقع داشت که رهبری همه آن‌ها را بر عهده بگیرد، بلکه باید مسئولین آن عرصه را به سمت عمل، سوق داد، همان‌طور که رهبر انقلاب می‌فرمایند: «در این جور مواردی که حرکت کلی نظام را منحرف می‌کند و اشکال ایجاد می‌کند، البته رهبری موظف است وارد بشود و [اگر] ان شاء الله خدا کمک کند و توفیق بدهد، وارد هم می‌شویم؛ اما این جور نیست که انسان در موارد گوناگون بتواند بگوید آقا، هواپیمای ایرباس [بخرید یا نخرید]. البته من تذکر دادم؛ هم به خود وزیر راه، هم به رییس‌جمهور، هم در جلسات گوناگون گفتم. ما حتی به همین قرارگاه به اصطلاح اقتصاد مقاومتی گفتیم شما موظفید نگاه کنید ببینید خرید این هواپیماها در کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد. این را گفته‌ایم، تذکر می‌دهیم، اما اینکه جلو برویم و مانع بشویم، نه این تکلیف و وظیفه ما نیست»^۲.

ممکن است برخی بگویند «چرا رهبری نباید در این امور، دخالت کند؟» ورود رهبری به تکتک مسئولیت‌ها برای اصلاح آن‌ها اگرچه در ابتدای امر ممکن است خوب و درست به نظر برسد، اما عواقب و پیامدهای جدی دارد:

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲.

۲. همان.

۱. رهبر از دیدگاه عموم مردم دفاع می‌کند نه از سلیقه خودش

اقتضای جمهوریت این است که دیدگاه مردم در چارچوب اسلام و قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد. هر مسئولی که با رأی مردم روی کار آمده است، حق دارد تیم اقتصادی و تیم فرهنگی مورد نظر خود را انتخاب کرده و سیاست‌های خودش را در چارچوب نظام دنبال کند و رهبری نباید به صرف اختلاف نظر با آن مسئول، در امور دولت و مجلس دخالت کند. وظیفه رهبری به عنوان بالاترین مقام سیاسی که قرار است از جمهوری اسلامی دفاع کند دو چیز است: یکی «اسلامیت نظام» و دیگری «جمهوریت نظام»؛ یعنی رهبری باید از نظر مردم در چارچوب اسلام و نظام دفاع کند، حتی اگر این نظر برخلاف دیدگاه خود ایشان باشد. به همین خاطر رهبری همواره از رؤسای جمهور برآمده از رأی مردم دفاع و حمایت کرده است؛ حتی با وجود اختلاف نظرهای مصداقی با آن اشخاص.

به عنوان نمونه در ماجرای مذاکرات برجامی، رهبر انقلاب با وجود اظهار نظر علنی و تذکر دربارهٔ بدعهدی در سوابق آمریکا و دولت‌های غربی، اما با مذاکرات از سوی دولت، مخالفت نکردند، چراکه این نگاه برآمده از رأی و نظر مردم بود.

همچنین دربارهٔ عدم توجه مسئولین به «ساده‌زیستی» هم رهبر انقلاب بارها نسبت به این مسئله هشدار داده بودند، ولی اگر مردم به هر دلیلی شخصی را که اهل ساده‌زیستی نیست، اصلح تشخیص داده و به مسئولیت انتخاب کردند، طبیعتاً رهبری نمی‌تواند و نباید این حق را از مردم سلب کند.

● ۲. رهبر، مردم را رشد می‌دهد تا دیکتاتور نخواهند

جمهوریت و نظر مردم در ذات اسلام است، اسلام هیچ توصیه‌ای برای اجبار مردم و وادار کردن آن‌ها برای حرکت به سمت مصلحتشان ندارد، بلکه خواهان رشد مردم است تا خودشان با اختیار خود، مسیر درست را انتخاب کنند. چون مجبور کردن مردم به پیمودن یک مسیر مشخص، بر خلاف رشد و تکامل آن‌ها است. از این رو، اسلام به جای اجبار مردم برای رسیدن به نتیجه مطلوب، خواهان انتقال مقدماتی است که به نتیجه‌گیری مطلوب از سوی خود مردم منتهی شود. به همین خاطر، شرط تشکیل حکومت اسلامی، مقبولیت حکومت از جانب خود مردم است و حتی حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بدون خواست و اراده مردم، مورد رضایت الهی نیست و لذا امام معصوم علیه السلام هم امر به صبر می‌شود.

هر پدر و مادری و سرپرست هر مجموعه‌ای به وضوح می‌داند که بی‌توجهی به نظر افراد تحت آن مجموعه موجب شکاف و تزلزل می‌شود و آن‌ها را از رشد باز می‌دارد. باید اجازه داد آن‌ها نیز انتخاب کنند، حتی اگر اشتباه می‌کنند، چراکه هزینه این اشتباه، کمتر از هزینه عدم مشارکت مردم است، شهید مطهری در این خصوص می‌گویند:

«بسیاری از مسائل اجتماعی هست که اگر سرپرست‌های اجتماع، افراد بشر را هدایت و سرپرستی نکنند گمراه می‌شوند. اگر این هدایت و سرپرستی، ولو با حسن نیت و به بهانه اینکه مردم قابل و لایق نیستند، آزادی را از مردم بگیرند، این مردم تا ابد در بی‌لیاقتی می‌مانند. مثلاً در انتخابات، ممکن است شما که در فوق این جمعیت قرار دارید و ممکن است دارای حسن نیت هم باشید، ممکن است تشخیص شما این باشد که این ملت خوب است فلان شخص را انتخاب کند و فرض می‌کنیم که این فرد منتخب هم شایسته است؛ اما اگر شما بخواهید به مردم این فرد را

تحمیل کنید و بگویید شما نمی‌فهمید و حتماً باید فلان شخص را انتخاب کنید! این‌ها تا دامنه قیامت رشد اجتماعی را پیدا نخواهند کرد؛ رشدش به این است که آزادش بگذاریم ولو در آن آزادی ابتدا اشتباه هم بکند. صد بار هم اگر اشتباه کند باز باید آزاد باشد»^۱.

● ۳. رهبری، خوب می‌داند که دخالت خارج از مجاری قانونی و محدودۀ وظایف مسئولان، باعث تضعیف قواست

۹۱

برمدار امید

دخالت‌های رهبری در امور اجرایی و تقنینی و سایر مسئولیت‌ها نوعی موازی‌کاری در عرض این قوا به حساب می‌آید که خودشان متولیان دارند و این هرگز مطلوب نیست، همان‌طور که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «کار جهادی باید انجام بگیرد، اما به وسیله چه کسی؟ به وسیله خود مسئولین؛ در مجاری قانونی باید این کار انجام بگیرد... کار موازی در کنار دستگاه دولتی کار موقفی نیست؛ این تجربه قطعی این حقیر است در طول این سال‌ها... دعوا کردن، راه اصلاح نیست، همچنان که ایجاد تشکیلات موازی با دولت هم راه اصلاح نیست»^۲.

بزرگ‌ترین مفسدۀ این دخالت‌ها، تضعیف قوای سه‌گانه است. اگر انسان مسئولیت را از روی دوش کسی بردارد موجب ضعف او خواهد شد؛ به‌عنوان نمونه اگر امام خمینی رحمۃ‌الله‌علیه مستقیماً به برکناری بنی‌صدر ورود کرده بودند، مجلس هرگز قدرت و جایگاه خودش را نمی‌یافت، اما درایت امام خمینی رحمۃ‌الله‌علیه در اینکه وظیفۀ مجلس را بر عهده نگرفت، موجب شد که مجلس شورای اسلامی جایگاه واقعی خودش را پیدا کند و تصمیمی بگیرد که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی شد.

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، صص ۳۹۰ و ۳۹۱.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵.

مقام معظم رهبری بارها به این موضوع که مسئولین باید خودشان وظایفشان را انجام دهند اشاره می‌فرمایند: «دستگاه‌ها مسئولینی دارند، اگر چنانچه یک مسئولی در یک موردی اشتباهی دارد، [کار] غلطی انجام می‌دهد، خب وظیفه مجلس است و باید مجلس استیضاح کند؛ یا اگر چنانچه کار، کار غلطی است، در دولت بایستی مورد مذاقه قرار بگیرد؛ رئیس‌جمهور بایستی مانع بشود و جلواش را بگیرد. این جور نیست که حالا این همه دستگاه‌های اجرایی هستند و هرکدام هم دارند یک تصمیمی می‌گیرند -تصمیم‌های گوناگون- رهبری نگاه کند ببیند کدام درست است، کدام غلط است و بگوید آقا، این درست است، آن غلط است؛ این جوری نمی‌شود. این هم خلاف قانون است، هم ناممکن است، هم نامعقول است، معقول نیست»^۱.

پرسش:

۱۹. چرا همه گروه‌ها از جمله بهائیت اجازه کاندیداتوری مجلس و ریاست جمهوری را ندارند؟

پاسخ:

برای پاسخ به این سؤال، باید به چند نکته توجه بفرمایید:

۱. جمهوری اسلامی؛ یک حکومت ایدئولوژیک

اولین نکته‌ای که باید توجه کنید این است که در حکومت‌های سکولار که بر یک تفکر خاص، متکی نیست، همین‌که یک شخص به عنوان کاندیدا، اصل قانون را قبول داشته باشد کافی است، اما در حکومتی که متکی بر

یک دین و باور است نمی‌توان کسی را به عنوان مجری آن دین انتخاب کرد که اصل آن دین را قبول نداشته باشد. این تناقض است و هر انسان عاقلی که در آن بیندیشد، این تناقض را درک خواهد کرد.

ازاین‌رو، بر خلاف حکومت غیردینی، در حکومت دینی اعتقادات آن کسی که می‌خواهد مسئولیت ادارهٔ امور را بپذیرد، بسیار اهمیت دارد. طبیعتاً در جایی که مسئولیت و مدیریت آن شخص یک مدیریت کلان باشد، اعتقاد او به صورت جدی‌تری مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در جایی که این مسئولیت، یک مسئولیت منطقه‌ای باشد، این حکم فرق می‌کند. از این جهت در اصل ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی حقوق اقلیت‌های مذهبی و همچنین اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده است. اقلیت‌های دینی و مذهبی طبق اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی از ملت ایران محسوب شده و طبق اصل ۳ و ۱۴ قانون اساسی کاملاً از حقوق مساوی با مسلمانان و شیعیان برخوردار هستند.

۲. آزادی و حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی

فارغ از اصول متعدد قانون اساسی دربارهٔ ایفای حقوق اقلیت‌ها، در مقام عمل هم جمهوری اسلامی اثبات کرده است که به این اصول پایبند بوده است. این برابری در حقوق، ابعاد مختلفی دارد که بحث مورد ابعاد مختلف آن، مجال دیگری را می‌طلبد.^۱ اما به عنوان نمونه در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

تعداد نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس به نسبت جمعیتشان بیش از مسلمانان است؛ مسلمانان حدوداً به ازای هر ۲۸۰ هزار نفر یک نماینده در مجلس دارند اما اقلیت‌های دینی که حدود ۰/۲ درصد از جمعیت ایران

۱. سیاهپوش، شفیعی فرو راجی، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها، دستاوردها و آسیب‌ها، صص ۱۲۴-۱۳۰.

را تشکیل می‌دهند، ۵ نماینده در مجلس دارند. ۲٪ یعنی چیزی حدود ۱۶ هزار نفر که نسبت به جمعیت، حتی به حد نصاب برای داشتن یک نماینده هم نمی‌رسد.

در مورد عبادتگاه و فضاهای عبادی مخصوص اقلیت‌های مذهبی هم وضعیت به همین صورت است؛ به عنوان نمونه از نظر آماری و به نسبت جمعیت، اقلیت‌های دینی در ایران دو برابر مسلمانان، فضای عبادتگاه دارند، مثلاً به ازای هر ۵۰۰ نفر مسیحی یا حتی کمتر، یک کلیسا در ایران وجود دارد، درحالی‌که به ازای هر ۱۰۰۰ مسلمان شیعه، یک مسجد وجود دارد.^۱

درباره مساجد اهل سنت نیز همین‌گونه است، مساجد برادران اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی ۴ برابر شده است.^۲ برخی از آمارها، تعداد مساجد اهل سنت را نسبت به بعد از انقلاب ۷ تا ده برابر اعلام کرده‌اند.^۳ تا سال ۹۶ اگر به تعداد مراکز عبادی شیعیان و اهل سنت نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم ۶۲ هزار مسجد در مناطق شیعه نشین وجود دارد که سرانه مساجد (به ازای هر هزار و ۱۱۲ شیعه یک مسجد)، ۱۰ هزار مسجد در مناطقی که اکثریت اهل سنت هستند (به ازای هر ۵۲۵ نفر جمعیت اهل سنت یک مسجد).^۴

۳. بهائیت؛ یک جریان استعماری و سازماندهی شده

با عنایت به مطالب فوق، مشکل جمهوری اسلامی با فرقه بهائیت، از باب تفاوت دیدگاه یک دین در برابر دین دیگر نیست، مسئله اینجاست

1. <https://www.irna.ir/news/82590583>.

2. <https://www.farsnews.ir/news/13970830000279>.

3. <https://www.farsnews.ir/razavi/news/1399112001108>.

4. <https://iqna.ir/fa/news/3766414> / مساجد-ایران-در-یک-نگاه-آماري

که بهائیت اساساً یک دین ساختگی است که مرکز آن در اسرائیل است و همین امر به خوبی ابعاد و انگیزه‌ها برای ترویج آن را روشن و شفاف می‌سازد.

بهائیت یک دین الهی نیست، بلکه در تفکر حقیقی هم‌رده کفر خواهد بود، اشکالات متعدد توحیدی و اجتماعی دارد که در جای خودش به طور مفصل درباره آن سخن گفته شده است. اندیشه‌های اسلام‌ستیزانه دارد و به صورت سازماندهی شده ترویج می‌شود و کاملاً سازوکار تشکیلاتی دارد؛ یعنی بیشتر یک سازمان و تشکیلات است تا یک دین و تفکر مستقل.

از این جهت مناظره و گفتگو درباره بهائیت در مراکز علمی اشکالی ندارد؛ کما اینکه این گفتگوها گاهی برگزار می‌شود و اعتقادات بهائیت به بحث و تبادل نظر گذارده می‌شود، اما این طور نیست که بهائیت به عنوان یک دین، به رسمیت شناخته بشود.

پرسش:

۲۰. جریان‌های سیاسی مبارز با رژیم پهلوی، چرا از همان اول انقلاب، بدون دادن مسئولیت کنار گذاشته شدند؟

پاسخ:

در روزهای ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همه گروه‌هایی که به نوعی در مبارزات قبل از انقلاب حضور داشتند، به کار گرفته شدند اما جریان نهضت آزادی، وقتی به قدرت رسید، سایر گروه‌ها را کنار زد و آن‌ها را در دولت به کار نگرفت. با اینکه امام خمینی رحمة الله علیه تأکید کرده بود که دولت، به صورت فرا جناحی تشکیل شود اما برخی گروه‌ها کنار گذاشته شدند.

گروه‌های مختلف سیاسی در مبارزات پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

حضور داشتند؛ هم اسلام‌گرایان و هم نیروهای چپ مانند حزب توده و هم گروه‌های لیبرال و همچنین نیروهای ملی‌گرا. اما هویت اصلی انقلاب را جنبش‌های مردمی تشکیل می‌دادند که دغدغه اصلی آن‌ها مسائل دینی و مذهبی بود و رهبری این نهضت عظیم به دست روحانیون و در رأس آن امام خمینی رحمة الله علیه بود. افزون بر این، ارتباط همه این گروه‌ها با اهداف و شعارهای انقلاب، یکسان نبود. بر این اساس، پس از انقلاب برخی از گروه‌ها به تدریج و برخی نیز در همان ابتدای پیروزی انقلاب، با اهداف و آرمان‌های انقلاب فاصله گرفتند یا بهتر است بگوییم که تفاوت دیدگاه آن گروه‌ها با هویت اصلی انقلاب برای همه مشخص شد و در نتیجه از انقلاب جدا شدند. در واقع آن‌ها از همان ابتدا نیز قرابت مفهومی و هویتی چندانی با انقلاب نداشتند و در ادامه، به دلیل اینکه اصول و ارزش‌های انقلاب را نپذیرفتند، توسط جریان عظیم انقلاب، کنار زده شدند. آن‌ها نمی‌توانستند تمایز و تعارض اصول و اهدافشان با انقلاب را ترمیم کنند.

مهم‌ترین گروهی که در انقلاب مشارکت داشت و بعد از انقلاب هم در تصدی پست‌های حکومتی، حضور مؤثری داشت اما به دستور امام خمینی رحمة الله علیه کنار گذاشته شد، نهضت آزادی بود. اعضای این حزب که عمدتاً نیروهای مذهبی ملی‌گرا بودند از همان ابتدای انقلاب در دهه چهل، همراه انقلاب بودند و مواضع انقلابی داشتند اما این مواضع هیچ‌گاه منطبق بر ایده‌های انقلابی امام خمینی رحمة الله علیه نبود.^۱ البته بخشی از جریان ملی مذهبی هم، اساساً همراه انقلاب نشدند.^۲

۱. جعفری و کروبی، «بررسی عملکرد نهضت آزادی و مواضع آنان نسبت به رهبری امام خمینی»، شماره ۱۵.

۲. ملائی توانی و باوریان، «بررسی روند همراهی جبهه ملی با انقلاب اسلامی از فضای باز سیاسی تا دیدار با

امام خمینی رحمة الله علیه» مندرج در:

از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، رویارویی و مخالفت لیبرال‌ها با پرچمداری جبهه ملی و نهضت آزادی در مقابل انقلاب اسلامی شروع شد که این مخالفت‌ها در مقاطع و زمان‌های حساس، شدت و نمود بیشتری می‌یافت؛ چه در ایام تشکیل مجلس خبرگان، چه در روزهای تصویب قانون اساسی کشور و مخالفت آن‌ها با اصل ولایت فقیه و چه در ایام جنگ تحمیلی، این تقابل‌ها را می‌بینیم.

از همان ابتدای انقلاب این تعارض‌ها مشخص بود و امام خمینی رحمة الله علیه قاطعانه در مقابل این نظرات ایستاد که توانست انقلاب را به پیروزی برساند. بازگان در اواخر مهرماه ۱۳۵۷ در پاریس، خدمت امام رحمة الله علیه رسید و تلاش کرد تا به اصطلاح، مواضع امام رحمة الله علیه را تعدیل کند. وی در حضور امام خمینی رحمة الله علیه سه انگشت خود را جلوی امام گرفت و گفت: «آقا! ایران سه رکن دارد: شاه، ارتش و آمریکا. شما می‌گویید شاه برود، اولاً کجا برود؟ شاه رفتنی نیست، به فرض اینکه شاه برود، با آمریکا و ارتش چه می‌کنید؟ فکر این دو رکن را کرده‌اید؟ حضرت امام رحمة الله علیه با تبسم فرمودند: شما بگویید شاه باید برود، با مردم هم صدا بشوید، وقتی که رفت، ارتش هم فرزندان همین مردمند، به دامن انقلاب برمی‌گردند، آمریکا هم گورش را گم می‌کند. شما غصه اینها را نخورید، شما موضع ملت را بپذیرید که شاه باید برود»^۱.

امام خمینی رحمة الله علیه بعد از ملاقات بازگان با ایشان در یک سخنرانی، ضمن اشاره به «سیاست گام به گام» بازگان فرمودند: گاهی «بعضی از محترمین» پیشنهادهایی می‌دهند که «اصل رژیم باقی باشد»، ولی شاه برود یا باشد، اما طبق قانون اساسی «سلطان باشد و حکومت نکند» و «بعد کم‌کم، یک قدم به جلو برویم». امام خمینی رحمة الله علیه این سیاست را جزء «اشتباهات» خواندند و تأکید کردند با همه حسن نیتی که حامیان این سیاست دارند،

۱. صدر شیرازی، ویژه‌نامه ۳۰ سالگی انقلاب اسلامی، خبرگزاری فارس.

این سیاست یک اشتباه محض است. امام خمینی رحمته الله علیه یک بار دیگر نیز به این ملاقات اشاره کردند و فرمودند: «بعضی از این آقایان که آمده بودند و می‌گفتند سیاست قدم به قدم... گفتم اگر شما این قدم را سست کنید در قدم دوم، قدم‌های شما را می‌شکنند»^۱.

به طور کلی جریان ملی‌گرایی در ایران بر سر موضوعاتی مانند اسلام‌گرایی، حضور مردم در انقلاب و رابطه با آمریکا با جریان انقلابی اختلاف نظر داشت و این سبب واگرایی آن‌ها از انقلاب شد. در واقع آن‌ها تعریف و تصور درستی از انقلاب مردم ایران نداشتند و نتوانستند با آن همراهی کنند.^۲

در نهایت امام خمینی رحمته الله علیه پس از تسخیر لانه جاسوسی که منجر به اعتراض و استعفای دولت موقت شده بود، انقلابی‌گری را بر مصلحت‌اندیشی لیبرال‌ها غلبه دادند و یکی از مهم‌ترین اصول انقلاب در مبارزه با نظام سلطه را محقق کردند. در اینجا بود که اختلاف مبانی و هویتی انقلاب و نهضت آزادی به وضوح خود را نشان داد و منجر به جدا شدن نهضت آزادی از انقلاب شد.^۳

در آستانه انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی و سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، نهضت آزادی با سابقه‌ای که در تخریب دفاع مقدس و مسئولین، خصوصاً در بحبوحه جنگ داشت و شاهد مثال آن هم انتشار جزوه «تحلیلی پیرامون جنگ و صلح» بود که به منظور زیر سؤال بردن مسئولان و ابراز مخالفت با ادامه دفاع از سرزمین ایران از

۱. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/11/01/242618>.

۲. رک: شهرام نیا، «تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران».

۳. جهت مطالعه بیشتر در مورد اختلاف مبانی، روش و اهداف نهضت آزادی و انقلابیون، رک: <https://www.mashreghnews.ir/news/930162>; <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/11/01/242618>.

سوی نهضت آزادی چاپ و انتشار یافته بود، در صدد شرکت در انتخابات بودند.

با توجه به همین سیاست‌های متضاد نهضت آزادی با ارزش‌های انقلاب و جمهوری اسلامی، علی اکبر محتشمی‌پور، وزیر کشور دولت میرحسین موسوی، در نامه‌ای که در تاریخ ۳۰ بهمن ۶۶ به امام خمینی رحمة الله علیه می‌نویسد، در خصوص صلاحیت یا عدم صلاحیت اعضای نهضت آزادی برای حضور در سومین دوره انتخابات مجلس سوم، از ایشان کسب تکلیف می‌کند. امام خمینی رحمة الله علیه در پاسخ به این نامه، ضمن رد صلاحیت نهضت آزادی در پایان نامه می‌فرماید: نتیجه آنکه، نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن، چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، باید با آن‌ها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند.^۱

۹۹

برمدار امید

پرسش:

۲۱. چرا همه رؤسای جمهور پس از پایان دوره ریاست جمهوری طرد شده و خائن تلقی می‌شوند؟ این‌ها اگر خائن بوده‌اند چرا از ابتدا شورای نگهبان تأییدشان کرد؟

پاسخ:

برخی افراد، چالش‌های تعامل رییس جمهور با حاکمیت را ناشی از ماهیت نظام، یعنی عدم تجانس «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام می‌دانند. عده‌ای دیگر، این مشکل را ناشی از نقص در قانون اساسی معرفی می‌کنند و گروهی نیز آن را به گردن رهبری نظام می‌اندازند و می‌گویند که «ایشان

1. <https://www.rajanews.com/news/306660>.

نمی‌تواند با کسی بسازد!»^۱ برخی نیز ریشه مشکل را به دایره اختیارات، تکالیف و وظایف رهبر جمهوری اسلامی و رییس‌جمهور برمی‌گردانند. منتقدین معتقدند که رهبری اختیارات بسیار زیادی دارد و رییس‌جمهور با اینکه اختیارات کمی دارد ولی باید پاسخگوی همه مسائل اجرایی کشور باشد. برخی نیز ریشه مشکل را این‌گونه عنوان می‌کنند که اختلاف بین دو نهاد انتصابی و انتخابی است.^۲

پدیده‌های اجتماعی، موضوعات پیچیده‌ای هستند که عوامل متعددی در بروز آن نقش دارند و نگاه تک‌بعدی، واقعیت مطلب را بیان نمی‌کند. در اینجا بر اساس سه رویکرد علمی، به بررسی این پدیده می‌پردازیم:

۱- رویکرد روان‌شناختی (رفتارگرایانه)

بر اساس این رویکرد، مشکل پدیدآمده برای بعضی از مسئولین کشور؛ مانند برخی از رؤسای جمهور و قائم‌مقام رهبری، ناشی از مشکلات شخصیتی این افراد است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

❖ عدم خودسازی و تهذیب نفس و نداشتن آمادگی برای تصدی مسئولیت‌های بزرگ؛

❖ عدم تبعیت از قانون و خود را فرا قانون دانستن. در انتخابات سال ۲۰۰۰ آمریکا با وجود اینکه آرای مردمی «آل‌گور» بیشتر از «جرج بوش» بود ولی بر اساس کارت الکتروال و به حکم دادگاه قانون اساسی، جرج بوش رییس‌جمهور شد و آل‌گور با پذیرش این حکم قانونی، بدون اقدام به شورش و قیام، کنار رفت و سال‌های بعد نیز تلاشی برای کسب قدرت نکرد.

1. 8.ir/001tA8.

2. <https://www.aa.com.tr/fa/815110>.

رییس‌جمهور کره جنوبی که با آرای زیاد مردم انتخاب شد، پس از چند ماه به اتهام سوءاستفاده از قدرت برای کمک به یکی از دوستانش به حکم دادگاه قانون اساسی از ریاست جمهوری برکنار و زندانی شد و به حکم دادگاه به چند سال زندان محکوم گردید.^۱

اما در ایران؛ قائم مقام رهبری به خاطر حکم دادگاه در مورد یکی از نزدیکانش که چندین انسان بی‌گناه را به قتل رسانده بود، علیه امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و نظام قیام می‌کند. آقای احمدی‌نژاد، اطرافیان خود را خط قرمز اعلام می‌کند و آقای روحانی پیام می‌دهد که اگر برادرم را محاکمه کنید، جنگ به راه می‌افتد و انتخابات را برگزار نخواهد کرد.

○ قدرت‌طلبی و تمایل به بقادر قدرت

در طول ۳۰ سال تاریخ آمریکا هیچ‌یک از ۴۰ رییس‌جمهور این کشور، به جز یک نفرشان که در دور دوم انتخابات رأی نیاورده بود، دوباره به قدرت برنگشته و هیچ تلاشی هم برای بازگشت به قدرت نکرده‌اند اما اغلب رؤسای جمهور ایران پس از اتمام دوره هشت‌ساله، حتی در سن ۷۰-۸۰ سالگی یا علی‌رغم منع چندین باره رهبری، برای بازگشت به قدرت اقدام کرده‌اند.

۲- رویکرد جامعه‌شناختی (ساختارگرایانه)

○ عدم تفکیک پست‌های سیاسی از اداری

در ایران پس از انتخاب رییس‌جمهور، نیروهای جدید به صورت اتوبوسی وارد می‌شوند و پست‌های مدیریتی به‌ویژه در رده مدیران

1. <https://www.mehrnews.com/news/5122330>.

رییس - جمهور - سابق - کره - جنوبی - به - ۲۲ - سال - حبس - محکوم - شد.

تغییر می‌کنند. این شیوه جایگزینی مدیران، مضرات بسیاری دارد؛ مانند ترجیح سیاسی‌کاری بر تخصص‌گرایی، حذف نیروی متخصص و جایگزینی همفکران، نادیده گرفتن تجربه و شایستگی مدیران، عدم ثبات در اداره امور و...؛ ولی مهم‌ترین ایراد، وجود ساختاری است که اجازه می‌دهد فرد پیروز این همه تغییرات را در سطح کشور انجام دهد. قاعدتاً پس از ۸ سال یک‌ه‌تازی در رأس امور کشور، دیگر قادر به دل‌کندن از این تنعمات نخواهند بود.

○ عوام‌گرایی افراطی

جذب آرای مردم در انتخابات، معمولاً به روش عوام‌گرایانه است نه نخبه‌گرایانه که نتیجه آن، آرای عجیب‌وغریب و گاه متضاد مردم ایران در انتخابات است؛ زیرا افرادی با بهره‌گیری از شگردهای عوام‌فریبانه به راحتی بر موج احساسات مردم سوار می‌شوند و رأی کسب می‌کنند.

○ وجود ساختارینابینی (تذبذب بین نظام ریاستی و پارلمانی)

در کشورهایی که انتخابات برگزار می‌شود، چهار نوع نظام سیاسی رواج دارد:

۱. نظام ریاستی؛

۲. نظام پارلمانی؛

۳. نظام نیمه پارلمانی؛

۴. نظام نیمه ریاستی.

اما نظام جمهوری اسلامی، دقیقاً مثل هیچ‌یک از چهار نظام فوق نیست. نکته جالب آن است که معمولاً هر یک از رؤسای سه قوه، از رهبری می‌خواهند که ایشان در این تعارضات و مشاجرات، تمام و کمال از آن‌ها

حمایت کند و از اینکه رهبری ضمن حمایت از هر سه قوه، نواقص هریک را گوشزد می‌کند، دلخور می‌شوند و بعضاً به موضع‌گیری خلاف رهبری دچار می‌شوند.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل ساختاری که رؤسای جمهور ایران را با کلیت نظام دچار مشکل می‌کند، وضعیت بینابینی است. هر رئیس‌جمهوری تمایل دارد، علاوه بر قوه مجریه، بر دو قوای دیگر نیز تسلط داشته باشد. درحالی‌که بر اساس تفکیک قوا، دو قوه مقننه و قضاییه، مستقل از قوه مجریه هستند. این استقلال هم در اغلب موارد به تعارض بین آن‌ها منجر شده است.

○ نبود احزاب مقتدر و فراگیر در ایران

اگر احزابی مقتدر و فراگیر با هدفی خدایی و پایگاهی مردمی، مبتنی بر فرهنگ بومی و اسلامی شکل بگیرند، ضمن جلب حمایت مردمی، قادر خواهند بود قبل از تصدی مسئولیت (با تربیت کردن)، حین مسئولیت (با مشورت دادن و نظارت) و بعد از مسئولیت (با حمایت کردن) در کنار رئیس‌جمهور قرار بگیرند و از تبدیل شدن رؤسای جمهور به اپوزیسیون جلوگیری کنند.

۳- رویکرد کارکردگرایانه

مجلس و قوه قضاییه وظیفه نظارت بر عملکرد مسئولین و رئیس‌جمهور را دارند ولی این وظیفه در مقام عمل، به خوبی انجام نمی‌شود، در نتیجه پس از دوره خدمت با پرونده تخلفات و جرائمی روبه‌رو می‌شوند که اگر مراجع نظارتی در طول دوران مسئولیت آن‌ها، به‌طور مستمر بر عملکردشان نظارت و کنترل می‌داشتند، کار به اینجا نمی‌کشید.

افزون بر نکات فوق، توجه به این نکته ضروری است که انقلاب اسلامی از اصول و ارزش‌هایی برخوردار است که هویت آن را می‌سازد. هر کس از این ارزش‌ها تخطی کند، از قطار انقلاب پیاده می‌شود و این نشان‌دهنده قدرت بالای گفتمانی و ساختاری انقلاب است که بر اساس اشخاص تعریف نمی‌شود بلکه بر اهداف و اصول خود تکیه داشته و بر آن باقی می‌ماند.

نخستین رئیس‌جمهوری ایران که فرمانده کل قوا نیز بود، در خرداد ۱۳۶۰ و در بحبوحه جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان، با رأی عدم‌کفایت مجلس از مقام خود عزل شد و از ایران گریخت. انقلاب در اوایل دوران خود بود و به استقرار و ثبات نیاز داشت اما در این شرایط سخت، رئیس‌جمهور کشور در خدمت منافع آمریکا بود. این وضعیت نشان داد که ایران به حدی قدرتمند است که آمریکا برای ضربه زدن به آن باید از مهره‌های درشت و حربه‌های قوی استفاده کند. از طرف دیگر انقلاب آن قدر قوی بود که با این ضربه سخت و سنگین هم از پا نیفتاد.

۱۵۴

برمدار امیر

پرسش:

۲۲. طبق وعده امام خمینی رحمة الله علیه آب و برق مجانی چه شد؟

پاسخ:

عباس امیرانتظام (سخنگوی دولت موقت) برای اولین بار وعده آب و برق مجانی را مطرح کرد. در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۵۷، انتظام از تصویب لایحه‌ای خبر داد که بر اساس آن آب و برق برای اقشار کم‌درآمد مجانی می‌شد.^۱ متن چاپ‌شده سخنرانی‌های امام خمینی رحمة الله علیه در روز پنج‌شنبه ۱۲ بهمن‌ماه

سال ۵۷ (که ۱۴ بهمن منتشر شد) نشان می‌دهد، امام خمینی در بهشت‌زهرا علیه‌السلام درباره آب و برق مجانی سخنی نگفته‌اند.

امام خمینی در سخنرانی‌های بعدی‌شان به لایحه دولت موقت چنین پاسخ دادند: «ما علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشود، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید. معنویات ما را بردند این‌ها. دل خوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند، اتوبوس را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند، دل خوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دهیم؛ شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم»^۱.

امام خمینی در این سخنرانی افرادی را که افق انقلاب را به این‌که قبض آب و برق برایشان مجانی شود، تقلیل می‌دهند، تحقیر می‌کند. رویکرد امام این بود که ابعاد انقلاب را در سطح دنیوی و مادی خلاصه نکند و سطح بینش مردم را ارتقا دهد. برای نمونه به سخن زیر دقت کنید:

«من میل دارم که همه باورشان آمده باشد که این نهضتی که از اول تا آخرش - قریب پانزده شانزده سال، طول کشید و زحمات‌ها کشیده شد، خون‌ها داده شد و جوان‌ها از دست رفت، خانه‌ها از دست رفت، خانمان‌ها خراب شد و خصوصاً در این یکی دو سال آخر که همه شاهد بودید که چه شد، باورمان آمده باشد که این همه برای اسلام بود. هیچ من نمی‌توانم تصور کنم و هیچ عاقلی نمی‌تواند تصور کند که بگویند ما خون‌هایمان را دادیم که خربزه ارزان بشود! ما جوان‌هایمان را دادیم که خانه ارزان بشود. هیچ عاقلی جوانش را نمی‌دهد که خانه ارزان

گیرش بیاید. مردم همه چیزشان را برای جوان‌هایشان می‌خواهند؛ برای خانمانشان می‌خواهند. این منطق، یک منطق باطلی است که شاید کسانی انداخته باشند، مغرض‌ها انداخته باشند توی دهن مردم که بگویند ما خون دادیم که مثلاً کشاورزی‌مان چه بشود. آدم خودش را به کشتن نمی‌دهد که کشاورزی‌اش چه بشود. چرا همان منطقی که خود مردم در تمام طول مدت و خصوصاً در این آخر، منطقشان بود، آن را ذکر نمی‌کنند؟ همه دیدید که تمام قشرها، خانم‌ها، ریختند توی خیابان‌ها، جوان‌ها ریختند توی خیابان‌ها، در پشت‌بام‌ها، در کوچه و بَرَزَن و همه‌جا، فریادشان این بود که ما اسلام را می‌خواهیم و جمهوری اسلامی می‌خواهیم. برای اسلام است که انسان می‌تواند جان‌اش را بدهد. اولیای ما هم برای اسلام جان دادند، نه برای اقتصاد، اقتصاد قابل این نیست. آدم، اقتصاد را برای خودش می‌خواهد؛ خودش را به کشتن بدهد که اقتصادش درست بشود! این معقول نیست یا جوان‌هایشان را به کشتن بدهند که نان ارزان گیرش بیاید!^۱

البته امام رحمته‌الله علیه دو جای دیگر نیز در این مورد سخنرانی کردند که در هردو مورد به اختصاص رایگان این منابع تنها برای مستمندان و کم‌درآمدها تأکید داشتند: «من به دولت راجع به مجانی کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلاً برای طبقات کم بضاعتی که در اثر تبعیضات خانمان برانداز رژیم شاهنشاهی دچار محرومیت شده‌اند و با برپایی حکومت اسلامی- به امید خدا- این محرومیت‌ها برطرف خواهد شد؛ سفارش اکید نمودم که عمل خواهد شد».^۲

«هر چه زودتر باید مشکل مسکن برای بی‌خانمان‌ها و فقرای ایران حل

۱. خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۹ و ۴۵۰.

۲. نهم اسفند ۱۳۵۷ برابر اول ربیع‌الثانی ۱۳۹۹، تهران، منزل آقای محمود بروجردی.

گردد و برای هر خانواده، مسکن مورد نیازشان تأمین شود، آب و برق برای فقرا و بی‌بضاعت‌ها باید مجانی گردد»^۱.

فارغ از این مسئله باید به این نکته هم توجه داشت که انقلاب، نقطه آغاز حرکت برای تحقق وعده‌هاست، نه نقطه پایان حرکت. چشم‌اندازی که در ابتدای انقلاب ترسیم شده‌است، خط سیر و اهداف حکومت را تبیین می‌کند؛ اما مدت‌زمان رسیدن به آن بستگی به شرایط و علل و عوامل مختلف دارد؛ بنابراین اگر تحقق هر وعده‌ای به خاطر یک سری علل پیش‌بینی نشده عقب افتاد، لزوماً وعده دهنده زیر سؤال نمی‌رود؛ به عنوان مثال، وقوع جنگ که به لحاظ اقتصادی خسارت سنگینی به کشور زد را نمی‌توان در کاهش توان حکومت برای تحقق وعده‌هایش نادیده گرفت. طبق برخی گزارش‌ها مثل آنچه خانم «سوزان مالونی» در کتاب اقتصاد سیاسی ایران نوشته است، خسارت این جنگ برای ایران چیزی نزدیک به ۶۰۰ میلیارد دلار بوده است، یعنی بیش از تمام فروش نفت ایران از اول انقلاب تا پایان دولت آقای خاتمی! بنابراین باید همه شرایط - خصوصاً شرایط غیرمترقبه و پیش‌بینی نشده - را سنجید.

۱۰۷

برمدار امید

پرسش:

۲۳. حالا که انرژی هسته‌ای در جهان «چراغ نفتی» شده و همه سراغ انرژی‌های خورشیدی رفته‌اند، ما چرا باید این همه برایش هزینه کنیم؟

پاسخ:

این دو دهه برخی از کشورهای دنیا با دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای

۱. یازدهم اسفند ۱۳۵۷ برابر سوم ربیع‌الثانی ۱۳۹۹، قم المقدسه، کتابخانه مدرسه فیضیه.

مخالفت کرده‌اند که البته ایران به خواسته‌های آنان برای محدودسازی فعالیت هسته‌ای خود تن نداده است، در مقابل، ایران با بعضی تحریم‌های این کشورها و شورای امنیت سازمان ملل مواجه شده که اثرات آن بر اقتصاد کشور و وضعیت معیشتی مردم کاملاً مشهود است؛ این فرایند این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا ارزش دارد برای دستیابی به انرژی هسته‌ای سختی‌های تحریم را تحمل کنیم؟ در پاسخ باید به چند نکته توجه کرد:

۱۵۸

برمدار امید

۱. ضرورت انرژی هسته‌ای

این سخن که امروزه انرژی هسته‌ای ضرورتی ندارد، حرف بی‌پایه و اساسی است که یا از دوستان نادان و یا دشمنان دانا مطرح می‌شود. «استیون هاوکیנג» فیزیکدان معروف انگلیسی در آخرین اثرش - «پاسخ‌های کوتاه به پرسش‌های بزرگ» که در سال ۲۰۱۸ منشر شد- به پرسش‌هایی در مورد آینده بشر نیز می‌پردازد و با اشاره به انرژی‌های مختلف - اعم از خورشیدی و مانند آن - باز هم انرژی هسته‌ای را مهم‌ترین انرژی بدون جایگزین معرفی می‌کند. این بدیهی است که منابع سوخت‌های فسیلی علاوه بر تخریب محیط زیست و سلامتی انسان، محدود است. از این‌رو استفاده از انرژی هسته‌ای در آینده نه چندان دور جایگزین سوخت‌های فسیلی خواهد شد؛ چنان که امروزه ۲۱ درصد مصرف انرژی آمریکا و ۱۱ درصد انرژی فرانسه و ۱۱ درصد کل انرژی جهان از صنعت هسته‌ای تأمین می‌شود.^۱

از انرژی هسته‌ای در زمینه‌های گسترده‌ای می‌توان بهره برد. یکی از

۱. آقا میری، «انرژی هسته‌ای؛ نیاز قطعی امروز و فردای ایران»، (رییس دانشکده هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی)، پایگاه دفتر حفظ و نشر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، دسترسی در، ۱۳ اسفند

مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کاربردهای انرژی هسته‌ای، حوزه تولید برق است. علاوه بر آن، از این انرژی در پیشران‌ش زیردریایی‌ها، ناوهای دریایی، کشتی‌های یخ شکن و سفینه‌های فضایی استفاده می‌شود. انرژی هسته‌ای همچنین در بخش پزشکی و بهداشتی برای بررسی مراکز عفونی بدن، تهیه و تولید کیت‌های هورمونی، تشخیص بیماری‌های تیروئید و درمان آن‌ها، تهیه و تولید رادیوداروها، تشخیص و درمان سرطان، تشخیص کم‌خونی، استریل کردن لوازم پزشکی کاربرد دارد.

۱۰۹

برمدار امید

در بخش صنایع غذایی و کشاورزی، در طرح‌های باردهی و جهش ژنتیکی گیاهانی چون گندم، برنج و پنبه، کنترل و از بین بردن حشرات و آفات گیاهی، به تأخیر انداختن زمان رسیدن محصولات غذایی و افزایش زمان نگهداری آن‌ها، کاهش میزان آلودگی میکروبی و از بین بردن ویروس‌ها استفاده می‌شود. کاربردهای انرژی هسته‌ای محدود به این موارد نیست. علاوه بر اینها، در بخش کنترل و تشخیص بیماری‌های دامی برای پیشگیری، بهبود فرآیند تولیدمثل و اصلاح نژاد دام و بهداشت محصولات دامی و در بخش مدیریت منابع آب در اموری همچون شناسایی حوزه‌های آبخیز زیرزمینی، هدایت آب‌های سطحی و زیرزمینی، کشف و کنترل آلودگی‌ها، شیرین کردن آب شور و کنترل نشت و ایمنی سدها، کاربرد دارد.

از انرژی هسته‌ای در بخش صنعت به منظور شناسایی منابع نفت و گاز، کشف عناصر نایاب در معادن، چگالی‌سنجی آسفالت، بتن، خاک و دیگر مواد معدنی، سنجش شدت تشعشعات نور، سنجش پرتویی میزان ساییدگی و خوردگی قطعات، نشت‌یابی لوله‌های انتقال نفت و حس‌گرهای دود، مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱

۱. «اصلاً انرژی هسته‌ای به چه درد می‌خورد؟»، خبرگزاری صدا و سیما، دسترسی در ۲۱ فروردین ۱۴۰۰:

<https://www.iribnews.ir/fa/news>.

اینها تنها بخشی از کاربردهای انرژی هسته‌ای است که امروزه موضوع تحقیق دانشمندان است و شواهد، نشان از آن دارد که به دلیل نوپدید بودن این انرژی، هنوز فواید بسیار دیگر آن ناشناخته مانده است. همانگونه که انرژی الکتریسیته، نفت و... نیز در ابتدای کشف، مشخص نبود که در آینده چقدر در بخش‌های مختلف زندگی بشر تأثیرگذار خواهند بود.

رهبر انقلاب در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم‌السلام^۱، با انتقاد از «روشنفکرنماهایی» که می‌گویند «ما صنعت هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم»، فرمودند: «این شبیه همان حرفی است که زمان قاجارها وقتی نفت کشف شده بود و انگلیسی‌ها آمده بودند می‌خواستند نفت را ببرند، این‌جا دولتمرد قاجاری می‌گفت ما این ماده‌ی بدبوی غبن را می‌خواهیم چه کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند!»^۲

امروزه نیز متأسفانه عده‌ای از روی جهل یا عناد، نیاز امروز و آینده کشور به انرژی هسته‌ای و کاربردهای گسترده آن را نادیده گرفته و دوگانه کاذب «هسته‌ای یا اقتصاد» را مطرح می‌کنند و خواستار کنارگذاشتن صنعت هسته‌ای در کشور هستند. اگر این اتفاق رخ دهد، قطعاً آیندگان ما را توبیخ خواهند کرد؛ همانگونه که ما در زمینه نفت گذشتگان را سرزنش می‌کنیم.

آن زمان کشورهایی که این صنعت را نداشته باشند زیر دست و خوار می‌شوند و فرهنگ و دین خود را در مقابل کشورهای سلطه‌گر خواهند فروخت، فقط برای آن که زنده بمانند؛ آیا اکنون که ما می‌توانیم این صنعت را به دست آوریم عاقلانه است از ترس تحریم خود را عقب مانده کنیم؟ اگر

۱. فروردین ۱۳۹۴.

۲. برای بررسی بیشتر در این مورد رک: «رد پای تفکر دولتمرد قاجاری؛ از نفت تا اورانیوم»، محمد

پورغلامی، دسترس در:

امروز که قدرتمندیم این صنعت را به دست نیاوریم نسل آینده ما دارو و غذا را نیز باید از غرب و دشمنان اسلام گدایی کند. آیا رواست فرزندانمان را خوار کرده و اسباب بی دینی آنان را فراهم کنیم؟

۲. علت تحریم رادرست تشخیص دهیم

همان طور که در پاسخ به سؤالات پیشین گذشت، تحریم هسته‌ای یک اختلاف حقیقی نیست، بلکه ریشه دشمنی و تحریم‌های ایران به مبانی و منافع میان ایران و غرب برمی‌گردد.

بنابراین تحریم به دلیل صنعت هسته‌ای فقط یک بهانه است. دشمن به خوبی می‌داند رویکرد نظام اسلامی در استفاده از انرژی هسته‌ای، صلح‌آمیز است؛ زیرا با توجه به آموزه‌های دینی مبنی بر حفظ محیط زیست و حفظ جان غیرنظامیان، استفاده از بمب هسته‌ای ممنوع است و از همین روی مقام معظم رهبری حکم به حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای داده‌اند. بنابراین مشکل غرب با جمهوری اسلامی ایران انرژی هسته‌ای نیست و اصل موجودیت این نظام، هدف است.

رهبر فرزانه انقلاب به خوبی این موضوع را تبیین کرده‌اند: «علت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی این است که جمهوری اسلامی دست سلطه آمریکایی را از کشور کوتاه کرد؛ همه مسئله این است. آمریکایی‌ها بر یک کشوری با ثروت، با امکانات و در موقعیت راهبردی حساس جغرافیایی مثل ایران، به طور کامل مسلط بودند؛ انقلاب و جمهوری اسلامی آمدند دست اینها را کوتاه کردند؛ اینها می‌خواهند انقلاب و جمهوری اسلامی را نابود کنند به خاطر این؛... توجه بفرمایید. اینها نکته مهمی است؛ مسئله، مسئله احساسات نیست؛ مسئله، مسئله این نیست که انسان ناگهان به خاطر یک حادثه دفعی مثلاً فرض کنید موضع‌گیری بکند؛ مسئله،

مسئله اساسی و ریشه‌ای است... آن‌ها می‌خواهند حکامی وجود داشته باشند که پولشان را بگیرند، از امکاناتشان استفاده کنند، دستور آن‌ها را اطاعت بکنند، هر وقت هم که آن‌ها میل داشتند اینها عوض بشوند؛ مثل اینکه یک روزی انگلیس‌ها همین نقش را در منطقه داشتند، یک روز رضاخان را آوردند، یک روز هم رضاخان را به دلایلی مایل بودند ببرند و بردند و پسرش را سر جایش گذاشتند؛ آن‌ها این را می‌خواهند...»^۱

۳. دوگانه دروغ اقتصاد و هسته‌ای

با دست برداشتن از صنعت هسته‌ای تحریم‌ها لغو خواهد شد، چنان که در دوران یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری، علی‌رغم اینکه ایران تمام حُسن نیت خود را نشان داد اما با این حال صنعت هسته‌ای را متوقف کردند و ایران دستاوردی جز تحریم نداشت. رهبر انقلاب در این باره فرمودند:

«جمهوری اسلامی از انرژی هسته‌ای هم کوتاه آمد و برجام را پذیرفت ولی آن‌ها تحریم را لغو نکردند. بنده به آن‌ها می‌گفتم مسئله ایرادگیری آمریکا و تحریم‌هایی که علیه ما اعمال می‌کنند و دشمنی که با ما می‌کنند، مربوط به انرژی هسته‌ای نیست، این بهانه است؛ این را اگر گذاشتیم کنار، یک بهانه دیگر پیدا می‌کنند و همین دشمنی را می‌کنند. می‌گفتند -نه آقا اینجوری نیست- حالا ملاحظه کردید که اینجوری است. مسئله انرژی هسته‌ای را ما در برجام به شکلی که مخالفین ما می‌خواستند، زیر بار رفتیم و قبول کردیم اما دشمنی‌ها تمام نشد؛ مسئله حضور ما در مناطق خاورمیانه را مطرح می‌کنند، مسئله موشک را مطرح می‌کنند. شما اگر فردا اعلام کنید که ما دیگر موشک درست نمی‌کنیم یا بیشتر از فلان مقدار بُرد، موشک تولید نمی‌کنیم، این قضیه [هم] تمام خواهد شد اما یک قضیه دیگر درست

خواهد شد، یک موضوع دیگر را مطرح می‌کنند. دعوا، دعوای بنیادی است؛ با نظام جمهوری اسلامی مخالفند»^۱.

بنابراین مقاومت و بردباری در برابر تحریم‌ها برای حفظ دانش هسته‌ای و گسترش آن از چند جهت قابل بررسی است. دستیابی به انرژی هسته‌ای از بُعد دانشی، ضروری است. توسعه علم در طول تاریخ بشریت همواره با سختی همراه بوده است و به دلیل تحریم‌های امروز، نمی‌توان آیندگان را از پیشرفت محروم کرد. در بعد اقتصادی نیز شکستن انحصار قدرت‌های صنعتی در زمینه هسته‌ای مطلوب است و می‌تواند ضامنی برای تأمین انرژی کشور در آینده باشد و در واقع از تحریم‌های آینده جلوگیری کند.

انرژی هسته‌ای به عنوان منبعی در کنار سایر منابع پاک انرژی، برای کشور ضروری بوده و حذف آن به معنای آسیب‌های شدید به محیط زیست و پذیرفتن صدمات جبران ناپذیر آتی است که از تحریم‌های امروز به مراتب مخرب‌تر هستند. همچنین با توقف فعالیت‌های هسته‌ای تحریم‌ها لغو نخواهد شد، آن‌چنان که در دوره‌ای، دولت برجام را پذیرفت اما تحریم‌ها لغو نشدند.

📖 وقتی رفتار با ادعای خواند!

پرسش:

۲۴. چرا بابا در بند «مرگ بر آمریکا» و آقا زاده‌اش شهروند غرب و اروپاست؟!

پاسخ:

یکی از آفت‌های مباحث علمی نگاه‌های صفر و صدی یا برداشت‌های کلی از مصادیق جزئی است. اگرچه برخی از فرزندان مسئولان در خارج از کشور ساکن هستند، اما این موضوع مورد اعتراض برخی از مردم قرار گرفته است. این افراد که برخی از آن‌ها از دلسوزان انقلاب هستند، بر موارد زیر تأکید دارند^۱ که می‌توان آن‌ها را در دو بخش سیاسی-امنیتی و فرهنگی-اجتماعی طبقه‌بندی کرد:

۱. زندگی و تحصیل فرزندان مسئولان در خارج از کشور به‌ویژه در کشورهایی مانند آمریکا و انگلیس مخالف روش و روحیه انقلابی در استکبارستیزی است.

۲. این اقدام به‌نوعی پذیرش سبک زندگی غربی در مقابل سبک زندگی اسلامی می‌باشد (مسئولان نتوانسته‌اند فرزندان‌شان را به ماندن در ایران و پذیرش سبک زندگی ایرانی-اسلامی متقاعد کنند).

۳. با وجود پیشرفت‌های علمی گسترده ایران، مگر در موضوعات و شرایط خاص، نیازی به تحصیل در خارج از کشور نیست.

۴. زندگی و تحصیل فرزندان مسئولان در خارج از کشور به‌نوعی به رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی آن‌ها دامن می‌زند (بسیاری از افراد جامعه توان مالی تحصیل در خارج از کشور را ندارند).

۵. دشمنان انقلاب همواره به دنبال فرصتی برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی هستند. حضور فرزندان مسئولان در خارج از کشور می‌تواند به بهانه‌ای برای نفوذ و ضربه زدن به انقلاب تبدیل شود.

در مورد تحصیل و اقامت فرزندان مسئولان در خارج از کشور علاوه بر توجه به دغدغه‌های دلسوزانه، توجه به موارد زیر مفید است:

۱. اگرچه فرزندان برخی از مسئولان در خارج از کشور اقامت دارند اما واقعیت این است که اگر آمار واقعی در این زمینه گرفته شود، درصد آن نسبت به کسانی که در داخل کشور اقامت داشته و یا به تحصیل مشغول‌اند، بسیار کم خواهد بود؛ به‌ویژه اینکه بسیاری از آمار و اطلاعاتی که در این زمینه در فضای مجازی ارائه شده و حتی برای آن مستندات تهیه می‌شود، واقعی نیستند. از این‌رو باید مراقب باشیم که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای قرار نگیریم.

۲. اقامتگاه و محل تحصیل، یکی از حقوق اولیه هر انسانی است و در شرایط عادی هر فرد شخصاً حق تعیین آن را بر عهده دارد به‌طوری‌که در ماده سیزده اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز این موضوع مطرح شده و در قوانین داخلی نیز مخالفتی با این موضوع برای شرایط عادی نشده است، از این‌رو تحصیل و اقامت هر کسی در خارج از کشور در شرایط عادی اشکالی ندارد و فرزندان مسئولان نظام اسلامی و حتی خود مسئولان نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

۳. هرچند رفتار فرزندان تا حد زیادی در ارتباط با والدین قابل تحلیل است ولی نمی‌توان صرفاً بر اساس عملکرد فرزندان در مورد والدین قضاوت کرد. به همین دلیل صرف این مسئله مانعی در برابر صلاحیت مسئولین نظام اسلامی نمی‌باشد، اما این مسئله تبعات دیگری دارد که برای مصون ماندن از آن‌ها در گزینش مسئولان این موضوع، نه به‌عنوان یک الزام قانونی، بلکه به‌عنوان یک الزام احتیاطی و تدبیری باید مدنظر قرار گیرد.

۴. اگر موضوع اقامت و تحصیل فرزندان مسئولان در خارج از کشور تبدیل به یک معضل سیاسی، تبلیغی، امنیتی علیه کشور شود، ممکن است در آینده قوانینی در این زمینه وضع شود همچون قانون

ممنوعیت به‌کارگیری مسئولان دو تابعیتی در رده‌های بالای مدیریتی که امروزه وجود دارد.

مجلس و قوه قضاییه بر عملکرد مسئولین ناظرند و تاکنون هر دو نهاد نسبت به این مسئله حساس بوده و طرح‌هایی آماده کرده‌اند. بر این اساس درباره تحصیل فرزندان مسئولان در خارج، پس از موضع‌گیری معاون حقوقی دستگاه قضا (حجت‌الاسلام محمد مصدق)، حجت‌الاسلام نوروزی، سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس از الحاق تبصره‌ای مبنی بر «ممنوعیت تحصیل فرزندان مقامات در خارج و لزوم استعفای این دسته از مسئولان» به «طرح ممنوعیت به‌کارگیری دو تابعیتی‌ها در پست‌های محرمانه و سری» خبر داد.^۱

۱۱۶

برمدار امید

چگونه کارآمدی حکومت‌ها را ارزیابی کنیم؟

پرسش:

۲۵. آیا ۴۰ سال زمان کافی برای نشان دادن کارآمدی یک حکومت نیست؟ چرا پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی هنوز مردم ایران این همه فقر و بدبختی دارند؟

پاسخ:

قضاوت پیرامون موفقیت و کارآمدی پدیده مهمی چون حکمرانی و کشورداری، نظام سیاسی یا فرد بر اساس سه شاخصه اهداف، امکانات و موانع آن پدیده مشخص می‌شود. با توجه به این سه شاخصه هرچه یک پدیده در تحقق اهدافش موفق باشد، به همان نسبت تواناتر و کارآمدتر است.

1. <https://kayhan.ir/fa/news/167325>.

از سوی دیگر در سنجش، داوری و ارزیابی کارآمدی پدیده‌ها، توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

۱. هر پدیده اهداف، امکانات و موانع خاص خود را دارد، پس به راحتی می‌توان دریافت که کارآمدی امری نسبی است و مختص خود آن پدیده است. از سوی دیگر با توجه به این که اهداف، امکانات و موانع یک پدیده خاص نیز می‌تواند تغییر کند، کارآمدی هر پدیده خاص در حالات و شرایط گوناگون متفاوت است. از این رو، کارآمدی نظام سیاسی را باید در شرایط و مراحل گوناگون، جایگزینی، استقرار، تثبیت اولیه، گذار و ثبات را به صورت جداگانه بررسی و ارزیابی کرد. البته کارآمدی کل برابر با حاصل جمع (جبری) کارآمدی‌های مراحل گوناگون است.

۲. در مقام ارزیابی کارآمدی یک پدیده مرکب، نظیر نظام سیاسی، به هیچ وجه نمی‌توان به روش کارآمدی یا ناکارآمدی یک جزء، آن پدیده را کارآمد یا ناکارآمد دانست؛ برای مثال، نمی‌توان از کارآمدی یکی از اجزای نظام سیاسی لیبرال، کارآمدی کل این نظام را نتیجه گرفت و یا از ناکارآمدی یکی از اجزای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ناکارآمدی کل این نظام را استنتاج کرد؛ زیرا کارآمدی یک پدیده مرکب، امری است مجموعی که از حاصل جمع (جبری) کارآمدی اجزا به دست می‌آید.

۳. اهداف یک پدیده می‌تواند از نظر کمی و کیفی متفاوت باشد؛ از این رو در برآورد کارآمدی آن پدیده باید به تفاوت میان آن اهداف و سهم و ارزش هر یک توجه داشت. دلیل تفاوت اهداف نیز وابسته به نوع ارزش آن‌ها است. از این رو باید گفت که نظام ارزشی تعیین‌کننده اهداف است؛ برای مثال، در نظام‌های لیبرال که مادی‌گرا هستند، ارزش‌ها بر

اساس رفاه مادی سنجیده می‌شود ولی در نظام‌های دینی و الهی به اهداف معنوی نیز توجه ویژه می‌شود.

اکنون با توجه به مطالب فوق می‌توان این سؤال را مطرح کرد که با وجود مشکلات و مفاسد و عملکردهای نادرست در کشور چگونه می‌توان به کارآمدی نظام معتقد بود؟ در پاسخ می‌توان گفت:

الف. با وجود برخی کمبودها و مشکلات در کشور، کارنامه نظام در بخش‌های مختلف قابل دفاع است زیرا:

❖ امروز با وجود همه مشکلات و نارسایی‌ها، کشور ما در بخش‌های مختلف پزشکی، الکترونیکی، هوافضا، نانو، هسته‌ای و نظامی، دارای دستاوردهای چشم‌گیری شده است و در این بخش‌ها جزو چندین کشور برجسته دنیا قرار دارد. وقتی ارزش این پیشرفت‌ها بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم، این دستاوردها با وجود همه دشمنی‌ها و مانع‌تراشی‌های جبهه استکبار و تحریم‌ها و فشارها به دست آمده است.

❖ امروز، نظام جمهوری اسلامی از کشوری وابسته و سرسپرده و حافظ منافع غرب، در منطقه و جهان به کشوری مستقل، مقتدر و تأثیرگذار تبدیل شده است و در تحولات جهانی و منطقه‌ای نمی‌توان نقش کشور ما را نادیده گرفت و یکی از دلایل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی همین تأثیرگذاری و نفوذ بوده که مانعی بر سر راه زیاده‌خواهی‌ها و اهداف استکباری است. کسی منکر وجود مشکلات و کاستی‌ها - به‌ویژه در بخش اقتصادی - نیست، اما کدام کشور است که با مشکلات و چالش روبه‌رو نباشد؟ آیا کشورهایی که داعیه پیشرفت و توسعه دارند با مشکلات متعدد دست به گریبان نیستند؟ بنابراین نباید به‌گونه‌ای وانمود کرد که تنها کشور ما دارای این مشکلات است. ارزیابی منصفانه درگرو توجه به مجموعه اقدامات مثبت و نقاط ضعف در کنار هم بدون

هرگونه بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی مشکلات و نادیده‌گرفتن نقاط قوت است.^۱

ب. کسی منکر وجود مفاسد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی کشور نیست و این وضعیت به‌هیچ وجه زیبنده نظامی که داعیه‌دار اجرای اسلام است، نیست، ولی باید به این موارد نیز توجه داشت:

❖ در مورد وضعیت مفاسد و ناهنجاری‌ها در کشور ضمن واقع‌بینی از هرگونه بزرگ‌نمایی پرهیز شود.

❖ وضعیت کنونی کشور به‌عنوان نقطه مطلوب و آرمانی و تمام توانایی نظام تلقی نشود زیرا تا رسیدن به نقطه قابل قبول و تحقق نظام اسلامی کامل فاصله زیادی وجود دارد.

❖ گرچه نقش دولت در مقابله با مفاسد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی قابل انکار نیست، اما همه مسئولیت را نباید به گردن دولت و نظام گذاشت و مسئولیت فردی و اجتماعی افراد را در بروز این مشکلات نادیده گرفت.

❖ وجود مشکلات و ضعف‌ها در کشور نشانه برخی کم‌کاری‌ها و ضعف عملکردی است نه ناکارآمدی نظام؛ زیرا دستاوردها و پیشرفت‌های کشور نشان داده که در صورت مدیریت صحیح منابع و مصرف و برنامه‌ریزی مناسب، می‌توان با کسب موفقیت در بخش‌های مختلف، بر مشکلات فائق آمد.

❖ کشوری که توانسته است با وجود همه مشکلات و موانع، در بخش‌های مختلف پزشکی، نانو، فضایی، هسته‌ای و نظامی دستاوردهای

۱. برای مطالعه پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور، برای نمونه رک: راجی و خاتمی، صعود چهل ساله (مروری بر دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمارهای بین‌المللی).

چشمگیری داشته باشد، آیا قادر نیست مشکلات اقتصادی را حل کند؟ بی تردید اگر مسئولان نظام با همت و تلاش مضاعف، برنامه ریزی مناسبی داشته و در مسیر تحقق کامل اقتصاد مقاومتی گام بردارند، حل این مشکلات چندان دشوار نخواهد بود.

پاسخ و جمع بندی پرسش فوق را می توان در این بیان مقام معظم رهبری نیز مشاهده کرد:

«بنده اعتقاد این است که نظام اسلامی از همه دولت هایی که در دوران استعمار و دوران نزدیک به استعمار در کشور ما وجود داشته، قوی تر عمل کرده است. بدون تردید نظام جمهوری اسلامی در همه بخش ها قوی عمل کرده است. عناصر مؤمن و کارآمد در نظام وجود داشته اند؛ پشتوانه مردمی هم به آن ها کمک کرده است. در بخش هایی ما با قدرت وارد میدان شده ایم که فکرش را نمی توانستیم بکنیم. در همه بخش ها این طور است. البته اقتضای این دوره از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار بیشتر، انقلابی تر، مؤمنانه تر و همه امکانات را بیش از این به میدان آوردن است؛ این را قبول داریم. البته کم کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد؛ بین این ها باید تفکیک قائل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام اسلامی کارایی دارد... کارآمدی نظام غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است؛ نظام، نظام کارآمدی است. البته کارآمدی نظام، مجموعه عملکرد مثبت و منفی ای است که دستگاه های نظام دارند؛ اما این برآیند مثبت است»^۱.

پرسش:

۲۶. چرا امام قطعنامه‌های اتمام جنگ را نمی‌پذیرفت؟ چرا سخنان تحریک‌آمیز علیه صدام زد تا عراق به ایران حمله کند؟ آیا خود ما عامل ایجاد جنگ و ادامه آن نبودیم؟

پاسخ:

۱۳۱

برمدار امید

تهاجم رژیم بعث عراق به ایران ارتباطی با انقلاب نداشت و سابقه آن به قبل از انقلاب بازمی‌گردد. امام خمینی رحمته‌الله هم به هیچ عنوان عامل این تهاجم نبود؛ عامل اصلی را باید در روحیه سلطه‌گرایانه و توسعه‌طلبانه صدام جستجو کرد. افزون بر این، نیروهای بازمانده از رژیم پهلوی نقش مهمی در تهییج صدام و آغاز تهاجم به ایران اسلامی داشتند.

درگیری‌های مرزی عراق و ایران حدوداً از یک دهه قبل از انقلاب آغاز شد؛ از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ بیش از ۶۰ درگیری کوچک و بزرگ رخ داد. در اسفند ۱۳۵۲ جنگی تمام‌عیار بین ایران و عراق اتفاق افتاد که در آن ۴۱ ایرانی کشته و ۸۱ نفر نیز زخمی شدند.^۱

۱. بعد از انقلاب نیز صدام بارها به مرزهای ایران حمله کرد. پس از پیروزی انقلاب، یک درگیری ۱۹ ماهه بین عراق و ایران در جریان بود که طی آن، صدام به طمع تجزیه بخشی از ایران، تجاوزهای متعدد و پراکنده به خاک کشورمان انجام داد؛ به عنوان نمونه از تاریخ ۸ اسفند ۱۳۵۷ تا ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ نیروهای عراقی ۱۵ مرتبه به استان کردستان ایران تجاوز کردند. طبق گزارش وزارت امور خارجه، ارتش عراق در دوره ۱۹ ماهه فوق، در مجموع ۳۹۷ بار به مرزهای زمینی، هوایی و دریایی ایران

۱. رک: جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶؛ پارسادوست، زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق.

حمله کرده است.^۱

بعد از انقلاب اقدامات خصمانه صدام علیه ایران به این موارد محدود نشد، بلکه او در طراحی کودتای نوژه نیز مشارکت داشت.^۲ بنابراین حمله عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، اولین بار نبود و این خصومت از سوی رژیم بعث عراق، پیشینه طولانی در قبل و بعد از انقلاب داشته است.

۲. در حمله عراق به ایران حضور و دخالت نیروهای وابسته به رژیم پهلوی کاملاً آشکار است؛ وطن‌فروسانی که برای ضربه زدن به انقلاب مردم ایران، بیگانگان را برای حمله به کشورشان تهییج کردند. آن‌ها ضعف ارتش ایران را دستاویزی برای حمله عراق به ایران قرار داده بودند.^۳

۳. صدام شش ماه پیش از جنگ، آیت‌الله سید محمدباقر صدر، رهبر سیاسی شیعیان عراق؛ و خواهر ایشان را به قتل رساند و به این ترتیب، بهانه «ترس از ایجاد یک انقلاب اسلامی در عراق متأثر از انقلاب ایران» عملاً منتفی شد، چراکه شخصیت بانفوذی که می‌توانست رهبری شیعیان را در جریان یک انقلاب و قیام مردمی به عهده بگیرد را حذف کرده بود.

۴. علت اصلی حمله صدام به ایران، روحیه تجاوزکارانه و کشورگشایی او بود. رژیم عراق که بعد از قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره خود را مغبون می‌دید، به دنبال موقعیتی مناسب می‌گشت تا ضربه نهایی خود را به ایران وارد سازد. وقوع انقلاب اسلامی ایران این فرصت را برای عراق به وجود آورد.

۱. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تحلیلی بر جنگ تحمیلی، نقل از پارسادوست؛ ما و عراق از گذشته‌های دور تا امروز، ص ۵۵، وزارت امور خارجه.

۲. رک: درویشی، ریشه‌های تهاجم، ص ۱۳۸.

۳. پهلوی‌ها در کنار صدام/ برشی از خیانت‌های دربار شاه به مردم ایران، دسترسی در ۷ مهر ۱۳۹۹:

<https://www.farsnews.ir/news/13990707000694>.

پیروزی انقلاب اسلامی که موجب تغییر ساختار قدرت در خاورمیانه شده و نظام امنیتی دوقطبی حاکم بر جهان را به چالش کشیده بود، علاوه بر اینکه ایران را از صف حامیان ایالات متحده و بلوک غرب خارج کرد، رهبران عراق را نیز به حمله نظامی به ایران ترغیب نمود.

۵. اگرچه به ظاهر موضوع اختلافات مرزی به عنوان دلیل اصلی تجاوز عراق به خاک ایران محسوب می شود، اما در واقع این تجاوز، نتیجه نارضایتی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی از انقلاب اسلامی ایران و نگرانی از گسترش آن به دیگر کشورهای منطقه و همچنین حمایت از منافع دولت های محافظه کار عربی نیز بود.^۱ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در واقع یک توطئه مشترک از طرف آمریکا و کشورهای عربی بود که توسط رژیم بعث عراق و با حمایت و طرفداری بقیه کشورهای جهان، صورت گرفت. ریشه این توطئه هم احساس خطر استکبار به سرمداری آمریکا بود نسبت به استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران و صدور ارزش ها و آرمان های اسلامی به قلمرو تحت کنترل و سیطره آن ها از جمله عراق، فلسطین، لبنان، افغانستان، منطقه خلیج فارس، کشورهای آفریقایی و...^۲

۱۳۳

برمدار امید

پرسش:

۲۷. چرا حکومت ایران کاری کرده است که یک دوست، بین کشورهای مهم و بزرگ جهان ندارد؟

پاسخ:

۱. بخشایشی اردستانی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ص ۹۷.
۲. ساداتی نژاد، علل و انگیزه های آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ص ۲۲.

پیش از پاسخ دادن به این پرسش باید به این نکته توجه کرد که اصل این سؤال، اساساً درست نیست. اما در سؤال فوق، این پیش فرض که ایران یک دوست هم در بین کشورهای مهم ندارد، به عنوان یک امر مسلم در نظر گرفته شده و بعد از چرایی آن سؤال شده است! در اینجا آمریکا و چند کشور غربی تمام جهان قلمداد می شوند.

اما به هر حال، درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ذکر چند نکته لازم به نظر می رسد:

۱۲۴

برمدار امید

الف) اصل تعامل گرایی و تنش زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی: نظام جمهوری اسلامی ایران که برآمده از یک انقلاب دینی و بر پایه آموزه های متعالی شیعی است، نه تنها به دنبال دشمنی با جهان نیست، بلکه بر اساس همان تعالیم نجات بخش اسلام و بر پایه قواعد فقهی در عرصه روابط خارجی (همچون اصل دعوت)، تعامل گسترده با کشورهای جهان را در دستور کار خود قرار داده است. اصول اعتقادی فقه شیعه، تعامل با کشورهای جهان را مشروط به نفی پذیرش سلطه گران عالم کرده است؛ بنابراین ما به دنبال نفی سلطه هستیم نه نفی تعامل.

از این رو جمهوری اسلامی ایران به دنبال تعامل حداکثری در جهان است، اما همچون بسیاری از کشورهای جهان این تعامل، محدود به قواعدی است؛ از جمله آن قواعد و اصول این است که برای تعامل با یک کشور خارجی، اولاً کشور مورد نظر باید نظام و ملت ایران را به رسمیت بشناسد و به این ملت احترام بگذارد، و ثانیاً در این تعامل می بایست منافع کشورمان در یک رابطه دوسویه اقتصادی یا سیاسی لحاظ شود. در این صورت مانعی برای تعامل با کشورهای دیگر وجود ندارد. البته همانند هر اصل کلی، همواره استثنا نیز وجود دارد که در این باره آن استثنا «رژیم جعلی صهیونیستی»

است که طبق یک قاعده درست و صحیح شکل نگرفته و شکل‌گیری آن بر اساس اشغالگری است. این موضوع نیز منحصر به ایران نیست، بلکه در حال حاضر، کشورهای متعددی در جهان وجود دارند که رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسند. بنابراین، تعامل گسترده با کشورهای دیگر، در سیاست خارجی کشورمان بر اساس قواعد مشخص و اصول محوری است.

۱۲۵

برمدار امید

سیاست ایران، تنش‌زدایی با سایر کشورها به هر قیمت و هزینه‌ای نیست. تنش‌زدایی به معنای کاهش اختلافات و منازعات سیاست خارجی، از طریق تعامل و گفتگو در عرصه بین‌الملل و در چارچوب حفظ منافع ملی و مصالح نظام جمهوری اسلامی از اهداف سیاست خارجی ایران است.^۱

نظام جمهوری اسلامی، عقلانیت و دوراندیشی لازم در راستای تأمین منافع ملی را دارد و بر اساس همین عقلانیت، کشور را بی‌جهت دچار تنش و چالش نمی‌کند، اما گاهی از اوقات، ایستادگی بر اصول انقلاب و منافع ملی، تنش‌هایی را به دنبال دارد که نمی‌توان برای خوشامد نظام سلطه از آن پرهیز کرد. از این‌رو، هرچند نباید به دنبال تنش بود اما تنش‌زدایی به هر قیمت نیز در دستور کار جمهوری اسلامی نیست؛ مثلاً نمی‌توان برای جلوگیری از تنش، توسعه قدرت دفاعی کشور را متوقف کرد. مقام معظم رهبری این نکته راهبردی را چنین بیان می‌کند:

«ساده‌لوحانه‌تر و ناشیانه‌تر از پیشنهاد کسی که می‌گوید قدرت دفاعی را برای حساس نشدن دشمن، کاهش دهیم وجود ندارد... اگر به کسانی که می‌خواستند برخی بازوهای قدرت ملی را قطع کنند، اجازه این کار داده می‌شد، ایران امروز با خطرات بزرگی مواجه بود».^۲

۱. دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۴۷.

۲. بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹.

ب) تنش‌زدایی به چه قیمتی و تا کجا؟ اساساً منطقی و عقلانی نیست که برای جلوگیری از ایجاد تنش، از اصول و مبانی هویتی و ارزشی خود عدول کنیم. ادامه این روند سازشکارانه سبب می‌شود دشمن هر روز بهانه جدیدی بگیرد و ما همیشه در موضع ضعف و انفعال باشیم.

طبیعی است که مقاومت و ایستادگی بر اصول انقلاب که در تعارض با اهداف نظام سلطه است، ممکن است تنش ایجاد کند ولی اولاً تنش‌ها فقط به دلیل مقاومت نیست و ثانیاً دست برداشتن از مقاومت هم تنش را از بین نمی‌برد.

برای این سخن که برخی می‌گویند: «مقاومت سبب تنش و اقدامات دشمن می‌شود»، نقض‌های تاریخی فراوانی وجود دارد. میلیون‌ها نفر از مردم هند و آفریقا که سال‌ها توسط غربی‌ها استعمار شدند، هیچ اقدام تنش‌زایی را انجام نداده بودند بلکه هویت سلطه‌گرایانه استعمارگران سبب دخالت و استثمار آن‌ها شده بود. این موضوع دربارهٔ سرخ‌پوستان بومی آمریکا، مردم ویتنام و مردم فلسطین نیز که قربانی روحیه سلطه‌جویانه و استعمارگرایانه نظام سلطه شدند، صدق می‌کند. در تاریخ ایران نیز از این موارد، بسیار هست.

تجربه و رویکرد تنش‌زدایی ایران در دولت‌های سازندگی، اصلاحات و تدبیر و امید نیز نشان داد که سازش با دشمن به منظور تنش‌زدایی، نتیجه‌ای جز افزایش مطالبات و بهانه‌های دشمن ندارد.^۱

ج) اقتضائات عرصه بین‌الملل: اساساً هر کشوری که در نظام بین‌الملل به‌عنوان یک کنشگر فعال، تأثیرگذاری منطقه‌ای و جهانی داشته باشد (صرفی کنشگری، بدون در نظر گرفتن مسائل ایدئولوژیک)، باعث

۱. ر.ک: صلاحی، ایران و آمریکا در چهل سال، ص ۷۲۷-۷۴۳.

جذب دوستان و دشمنان متعدد می‌شود. زیرا این یک امر طبیعی است که در مقابل هر کنشی در عرصه روابط بین‌الملل، همواره گروهی هستند که به دنبال آن امر، منافع کسب می‌کنند و در مقابل، ممکن است منافع گروه دیگری به خطر بیافتد و این مسئله منحصر به ایران نیست. تعامل کشورهای بزرگ جهان، همچون مواجهه روسیه و غرب در جریان اوکراین، چین و آمریکا در جریان تایپه و ایران و آمریکا در جریان اسرائیل، بخشی از وجوه این تعاملات گسترده است.

۱۲۷

برمدار امید

با توجه به منطق آنارشیک عرصه بین‌الملل و رویکرد یک‌جانبه‌گرایی نظام سلطه^۱ و با توجه به اینکه مواجهه نظام سلطه با دیگران مبتنی بر حذف دشمن^۲ و سیاست قدرت^۳ است، تنش‌زدایی فقط با موازنه قدرت ایجاد می‌شود.

در این شرایطی که نظام بین‌الملل دارد، کنشگران ضعیف، محکوم به سازش یا حذف از عرصه هستند. پس ما برای بقای عزت‌مندانه، چاره‌ای نداریم جز اینکه مقاومت کنیم و قوی باشیم؛ بنابراین مسئله چالش با نظام سلطه با سازش حل نمی‌شود بلکه مقاومت است که می‌تواند این مسئله را حل کند.

د) چه کسی سلطه‌گری و تنش را آغاز کرد؟ باید دید در تعامل بین ایران و غرب، نخست این ایران بوده که دست به قطع ارتباط زده است یا این غربی‌ها بودند که ابتدا به مخاصمه و مواجهه با ایران برخاسته‌اند؟ تجارب تاریخی در بیش از چهار دهه گذشته حاکی از آن است که

۱. دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۴۷.

۲. رک: تجربیات تاریخی که نمی‌توان از آن چشم‌پوشید؛ چرا تداوم الگوی سازش محکوم به شکست است؟
<https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D35761+&cd=1&hl=fa&ct=clnk&gl=ir>

۳. رک: متقی، «اخلاق دیپلماتیک و فرهنگ راهبردی در ایالات متحده»:
<https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D24352+&cd=1&hl=fa&ct=clnk&gl=ir>

در مرحله نخست رویارویی ایران و غرب، ابتدا غربی‌ها به مقابله با انقلاب مردم ایران برخاستند و اکنون نیز بعد از گذشت بیش از چهل سال به این نبرد ادامه می‌دهند. بنابراین پیش از طرح این ادعا باید پرسید: آیا این ایران بود که دروازه تعامل با برخی کشورهای غربی را بست یا آن‌ها بودند؟! آیا این آمریکا و چند کشور اروپایی پیرو آمریکا نبودند که با تحریم‌های ظالمانه از ابتدای انقلاب تاکنون مانع تعامل شده‌اند؟! آیا این غربی‌ها نبودند که در انقلاب مردم ایران به حمایت از دیکتاتوری شاه در ایران پرداختند؟! حمایت از کودتا، پشتیبانی از براندازان، حمایت از صدام در جنگ تحمیلی، راه انداختن شورش، فتنه و اغتشاش در ایران از جمله مواردی است که ابتدا از سوی غربی‌ها رقم خورده است.

تنش‌های متعدد بین نظام سلطه-که آمریکا محور آن است- و انقلاب اسلامی، سه دلیل اصلی دارد:

۱. ذات قدرت طلب و سلطه‌گر آمریکا؛
 ۲. هویت استقلال طلبانه و ضداستعماری انقلاب؛
 ۳. قدرت جمهوری اسلامی و به چالش کشیدن منطق لیبرال دموکراسی؛
- هـ) روابط گسترده جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل: با مرور تاریخ سیاسی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد روابط سیاسی و رویدادهای مهمی هستیم که حاکی از تعامل گسترده جمهوری اسلامی با جهان است؛ از جمله:
- ❖ هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران با حضور قریب به اتفاق سران کشورهای اسلامی و مقامات عالی‌رتبه پنجاه و پنج کشور مسلمان در شانزدهم آذرماه ۱۳۷۶؛

- ❖ شانزدهمین دوره نشست جنبش غیرمتعهد‌ها در تهران از پنجم تا دهم شهریورماه ۱۳۹۱ با حضور بیش از ۱۰۰ کشور از ۱۲۰ کشور عضو؛
- ❖ پیوستن به پیمان شانگهای در بیست و ششم شهریورماه ۱۴۰۰؛
- ❖ رسمی شدن عضویت ایران در گروه اقتصادهای نوظهور (بریکس) از اول ژانویه ۲۰۲۴.

۱۳۹

برمدار امید

و) مقصر ما نیستیم؛ تا به اینجا مشخص شد که جمهوری اسلامی ایران، در راستای گسترش تعاملات با همه کشورهای جهان-به‌جز رژیم صهیونیستی- حرکت کرده است. اما شاید منظور پرسشگر سؤال فوق، این باشد که «چرا جمهوری اسلامی با آمریکا ارتباط ندارد؟ به این معنا که ایران باید با تغییر رویکرد خود (تن دادن به سازش و پرداخت هزینه آن) روابطش را با آمریکا برقرار کند!» در پاسخ باید گفت؛ با توجه به اینکه علت تنش در روابط ایران و آمریکا، از طرفی به هویت ضدسلطه‌گرایانه انقلاب و از طرف دیگر به ذات و هویت سلطه‌گرانه آمریکا بازمی‌گردد، سازش در مقابل آمریکا برای کشورمان بی‌فایده بلکه بسیار خسارت‌بار و مغایر با منافع ملی خواهد بود.

بسیاری از تحلیل‌گران و سیاست‌مداران آمریکایی تصریح کرده‌اند که مشکل اصلی آمریکا با ایران، سر‌مسائل هسته‌ای و حتی منطقه‌ای نیست که با مذاکره حل شود، بلکه با حل شدن هر یک از این مسائل، مسئله جدیدی مطرح خواهد شد.^۱ مقام معظم رهبری درباره بی‌فایده بودن

۱. برای نمونه ر.ک:

<http://www.thetower.org/article/dare-say-mullahs-must-go/>

[http://online.wsj.com/news/articles/SB1000142412788-](http://online.wsj.com/news/articles/SB1000142412788-7323501004578389150205542648)

7323501004578389150205542648

<http://www.thetower.org/article/dare-say-mullahs-must-go/>

<http://www.washingtontimes.com/news/2008/jul/15/the-war-with-iran/>

<http://www.aei.org/article/containing-and-deterring-a-nuclear-iran/>

سازش به منظور رفع تنش با آمریکا به ریشه اصلی مشکلات ما با آمریکا اشاره کرده و می‌فرماید: «آیا (بعد از توافق) آمریکا تحریم را برداشت؟ آیا آمریکا ثروت‌های مسدود شده ما را به ما پس داد؟ نه، آمریکا به تعهد عمل نمی‌کند... مشکل ما را با آمریکا یک چیز حل می‌کند، چه چیزی؟ اینکه به آمریکا باج بدهیم. اگر می‌خواهید مشکل‌تان با آمریکا حل شود باید به آمریکایی‌ها باج بدهید...»^۱

۱۳۰

برمدار امپد

جایگاه و نقش سیاست خارجی را بشناس

پرسش:

۲۸. تاریخ می‌گوید فلسطین سرزمین یهود بوده است. حالا ما چرا باید از فلسطینی‌هایی که خودشان به اسرائیل زمین فروختند حمایت کنیم؟

پاسخ:

بعد از شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، سرزمین‌های تحت سلطه امپراتوری عثمانی تجزیه شد و قیمومیت بخش‌های مختلف آن به انگلیس و فرانسه رسید. انگلیس قیمومیت فلسطین را بر عهده گرفت و درحالی‌که قرار بود در مدت ۱۰ سال، زمینه تشکیل دولت فلسطینی را فراهم کند، در طول ۲۸ سال، زمینه تشکیل دولت غاصب صهیونیستی را فراهم کرد.

در دوران قیمومیت انگلیس حدود ۲ میلیون دونم^۲ از ۲۷ میلیون دونم

۱. بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۴۰۱/۰۹/۰۵.

۲. هر دونم تقریباً ۱۰۰۰ مترمربع و معادل یک جریب است.

سرزمین فلسطین در اختیار یهودیان قرار گرفت^۱ که تفصیل آن به شرح زیر است:

۱. کمتر از دو درصد این مقدار توسط فلسطینی‌ها به صهیونیست‌ها فروخته شده بود.^۲

۲. ۶۵۰ کیلومتر مربع در اختیار یهودیانی بود که در دوره امپراتوری عثمانی در فلسطین زندگی می‌کردند و اساساً فلسطینی محسوب می‌شدند.^۳

۳. حدود ۶۸۰ کیلومتر مربع نیز از برخی خانواده‌های غیر فلسطینی خریداری شد که از ضعف نظارتی امپراتوری سوءاستفاده کرده و زمین‌ها و آبادی‌هایی را در فلسطین به نام خود کرده بودند؛ مانند آل اسحاق و آل سرسوق که در بیروت و پاریس زندگی می‌کردند.^۴

۴. حدود ۵۰۰ کیلومتر مربع را هم فرماندار نظامی انگلیس به آژانس یهود واگذار کرد که البته بخشی از این زمین‌ها را به‌زور از فلسطینیان مصادره کرده بود.^۵

۵. مقدار اندکی از زمین‌ها هم توسط مهاجران ظاهراً مسلمان غیر فلسطینی خریداری شده و در اختیار آژانس یهود قرار گرفت. کسانی مانند «سید ضیاء طباطبایی» که رقابت قدرت را به رضاخان در ایران باخته بود و به فلسطین رفته بود.^۶

۶. اکثر زمین‌هایی که در این مدت به دست یهودیان افتاده، توسط افراد

۱. صفاتاج، «آیا فلسطینیان زمین‌هایشان را فروخته‌اند؟»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۷۰، دسترسی در:

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/89/7921/103108>

۲. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/03/07/2020460>.

۳. <http://qodsna.com/fa/340922>.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

غیر فلسطینی بوده است. در زمان قیمومیت انگلیس بر فلسطین، زمین‌داران و ملاکان بزرگ عمدتاً لبنانی با اکثریت «دروزی» بودند که بسیاری از زمین‌های فلسطینیان در دست آنان بود. بیشتر این افراد در لندن زندگی می‌کردند و برای استفاده از آب‌وهوای ناب مدیترانه‌ای فلسطین، فقط تابستان‌ها به فلسطین رجوع می‌کردند. آن بخش کمی از سرزمین فلسطین که با کمک انگلیسی‌ها به یهودیان فروخته شد از این ملاکان و با قیمت چند ده برابری خریداری شد نه از مردم و ساکنان اصلی سرزمین فلسطین.^۱

بنابراین اکثر این اراضی از مردم فلسطین خریده نشده بود. واقعیت آن است که اکثر این اراضی به صورت هبه از سوی دولت انگلیس به یهودیان واگذار شد یا از طریق ملاکان بزرگ غیر فلسطینی که در خارج سکونت داشتند به فروش رسید.^۲

اندکی از مردم فلسطین نیز که به طمع پول‌های هنگفت با یهودیان معامله کرده بودند، با واکنش مسلمانان روبرو شدند. علامه الحسینی، رهبر بزرگ دینی فلسطین به همین دلیل، طی نامه‌هایی از علمای جهان اسلام درخواست فتوا درباره فروش زمین فلسطین به یهودیان کرد که به اتفاق، رأی به حرمت دادند. مرحوم کاشف الغطاء، مرجع بزرگ شیعیان نیز شدیدترین فتوا را صادر کرد و فروش زمین به یهودیان را حرام و فروشنده را به نوعی مرتد اعلام کرد و دفن او را در قبرستان مسلمانان جایز ندانست. پس از این فتوا فلسطینیان، برخی کسانی را که به یهودیان زمین فروخته بودند، به قتل رساندند و حتی جنازه آن‌ها را پس از دفن، از قبرستان مسلمین بیرون افکندند. برخی از صاحب‌نظران، مرگ مشکوک مرحوم

۱. صفاتاج، «آیا فلسطینیان زمین‌هایشان را فروخته‌اند؟»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۷۰، دسترسی در:

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/89/7921/103108>

۲. <http://qodsna.com/fa/328563>.

کاشف الغطاء را ترور وی از سوی صهیونیست‌ها به دلیل همین فتوا می‌دانند.^۱

اکنون سؤال اینجاست که بقیه سرزمین فلسطین چگونه در اختیار رژیم اشغالگر قدس قرار گرفت؟

سازمان ملل در نوامبر ۱۹۴۷ طی قطعنامه‌ای ۵۵ درصد خاک فلسطین را به رژیم اشغالگر قدس واگذار کرد. بعد از این قطعنامه، با حمله و تجاوز صهیونیست‌ها به ساکنان فلسطین، دولت جعلی اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تشکیل شد.

در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۸ فلسطینیان با ده‌ها انتفاضه و هزاران شهید در مقابل اشغالگران ایستادند، بدون اینکه زمینشان را به آن‌ها فروخته باشند.^۲ بر فرض که عده کمی از فلسطینیان هم بخشی از زمین خود را به صهیونیست‌ها فروخته باشند؛ این موضوع، دلیل بر اشغالگری نمی‌شود. آن‌ها صرفاً بخش اندکی از سرزمین خود را فروخته بودند، حاکمیت کشورشان را که نفروخته بودند!

رژیم جعلی اسرائیل با حمله و تجاوز، حاکمیت خود را بنا نهاد. آن‌ها با جنگ و خونریزی، ۷۸ درصد سرزمین فلسطین را به اشغال درآوردند و فقط ۲۲ درصد از فلسطین، من جمله کرانه باختری، نوار غزه و قدس شرقی از این تجاوز در امان ماند. در این جنایت بیش از یک میلیون و دویست هزار فلسطینی آواره شدند و هزاران فلسطینی هم کشته شدند.

عده‌ای نیز شبهه فوق را به این صورت مطرح می‌کنند که «فلسطین سرزمین یهود بوده است»؛ درحالی‌که یهودیان و صهیونیست‌ها اولین

۱. <http://qodsna.com/fa/340922>.

۲. البدیری، اراضی فلسطین، ص ۹۷.

ساکنین فلسطین نبودند، بلکه زمانی بسیار طولانی، قبل از اینکه آن‌ها به این سرزمین بیایند، فلسطین دارای سکنه بوده است. در ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد، اقوام سامی از قلب حجاز به سوی سرزمین‌هایی مانند فلسطین کوچ نموده و اقوامی چون اعراب کنعانی در فلسطین سکنی گزیدند. در واقع اولین ساکنین شناخته شده در فلسطین، کنعانی‌ها بوده‌اند. حدود هزار سال پیش از میلاد، اقوامی به نام فلسطینی که از دریای «اژه» آمده بودند، به این ناحیه راه یافته و جای کنعانیان را گرفتند. مدت‌ها پس از مهاجرت کنعانیان و فلسطینی‌ها به سرزمین فلسطین، قوم بنی‌اسرائیل، به همراه حضرت موسی علیه السلام در فلسطین سکونت کردند؛ بنابراین، سرزمین فلسطین، سرزمین اصلی یهودیان و صهیونیست‌ها نبوده است.^۱

پرسش:

۲۹. وقتی خودمان غرق مشکل اقتصادی هستیم کمک به فلسطین و لبنان و سوریه چه معنی دارد؟

پاسخ:

کمک جمهوری اسلامی به محور مقاومت دلایل مبنایی مختلفی دارد که در اینجا چند نمونه از آن‌ها بیان می‌شود:

۱. دلیل دینی: کمک به محور مقاومت و هم‌دینان و مسلمانان چند مبنای مهم دینی دارد: خداوند در قرآن می‌فرماید:

۱. کتان، فلسطین و حقوق بین الملل، ص ۱۳؛ گلی زواره، سرزمین اسلام (شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین جهان)، ص ۱۱۶.

تورات نیز به این مطلب، در (سفر اعداد، باب ۳۴، آیه ۱؛ و باب ۳۵، آیه ۱۰؛ و در سفر خروج، باب ۳، آیه ۱۷) تصریح دارد.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛^۱ همانا مؤمنان برادرند، پس بین برادرانتان آشتی برقرار کنید و تقوای الهی داشته باشید؛ امید است که مورد رحمت خداوند قرار گیرید.

افزون بر این، در روایات نیز به این مسئله مهم پرداخته شده است که به دو روایت از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اکتفا می‌کنیم:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يَا لِمُؤْمِلَيْنِ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛^۲ هر کس ندای مردی را بشنود که فریاد برآورد که «ای مسلمانان به دادم برسید» اما اجابتش نکند، هرگز مسلمان نیست.

«مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛^۳ هر کس صبح کند و به فکر هم‌کیشان مسلمانانش نباشد مسلمان نیست.

بر این اساس، می‌توان گفت که از نظر دینی و انسانی کمک به مظلومین فلسطینی همان قدر اهمیت دارد که کمک به فقیر ایرانی اهمیت دارد؛ زیرا مبنای کمک به دیگران، نیاز آن‌ها است نه ملیت آن‌ها.

افزون بر مبنای دینی کمک به مظلومان ستم‌دیده در مقابل ظالمان اشغالگر، یک امر انسانی است. همان‌طور که مقام معظم رهبری می‌فرماید مسئله فلسطین فقط مسئله جغرافیا نیست؛ مسئله بشریت و انسانیت است.^۴

۲. از نگاه امنیت ملی: کمک جمهوری اسلامی به نیروهای محور مقاومت

۱. حجرات: ۱۰.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۴۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸. دسترسی

برای تأمین امنیت ملی ایران است و صرفاً کمک به آن کشورها یا مردم آن مناطق نیست.

کمک مالی ایران به محور مقاومت، از محل بودجه رفاهی، بهداشتی و نیازهای مردم نیست بلکه بخشی از بودجه دفاعی کشور برای تأمین امنیت کشور و مصونیت مرزهای ایران است. اسرائیل به نیابت از آمریکا و حزب الله هم به نیابت از ایران وارد جنگ شده‌اند. اگر ما در جنگ نیابتی به این کشورها کمک می‌کنیم در حقیقت از مرزهای خومان دفاع کرده‌ایم. طبق دکترین امنیتی، باید تهدید را به خارج از مرزها برد تا امنیت ملی ما دچار آسیب نشود. اگر اسرائیل به حال خود واگذار شود، برای ما تهدید است، اما اگر رزمندگان حماس و حزب الله در برابرش بایستند، به نوعی محصور کردن اسرائیل در مرزهای جعلی خودش محسوب می‌شود و این کار، قطعاً امنیت ما را افزایش می‌دهد.

به کشورهای اطراف خود در منطقه خاورمیانه نگاه کنید: عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان، یمن، بحرین، فلسطین و... همه درگیر جنگ و آشوب و ناامنی‌اند در صورتی که جمهوری اسلامی ایران در امنیت کامل قرار دارد. بدون شک، امنیت کشورمان در دل این ناامنی‌های منطقه و جهان، اولاً نتیجه تدابیر هوشمندانه رهبر انقلاب و ثانیاً محصول همین کمک‌ها و هزینه‌هایی است که در خارج از ایران پرداخت می‌کنیم؛ چه هزینه‌های مالی چه انسانی چه سیاسی. اگر ایران در جبهه‌های عراق و سوریه حضور پیدا نمی‌کرد، بدون شک، داعش تا به حال به مرزهای ما رسیده بود و می‌توانست در کشورمان ناامنی ایجاد کند.

می‌توان گفت که عراق و سوریه خاک‌ریزهای جلوی ما هستند و این جنگ، در واقع جنگ ایران و قدرت‌های جهانی است که در خارج از خاک و سرزمین ما در جریان است و مردم مظلوم عراق و سوریه به جای مردم ما دارند به

خاک و خون کشیده می‌شوند، پس این کار برای تأمین امنیت ایران نیز اهمیت بلکه ضرورت دارد.

دکتر علی‌اکبر ولایتی در این باره می‌گوید: «بخشی از امنیت ملی هر کشوری در خارج از مرزهایش تأمین می‌شود، یعنی شما نمی‌توانید در محدوده خاک ایران بمانید و توقع داشته باشید که امنیتتان تأمین شود. این امری همیشگی است؛ این واقعیت همیشه تاریخ است. وقتی می‌بینید دشمن در کشورهای همسایه یا منطقه علیه شما زمینه‌سازی می‌کند، شما نباید آن قدر بنشینید که طرح‌های دشمن از مرحله تئوری به عمل درآید و به خاک شما حمله کند. تعرض و تهاجم، بهترین دفاع است.... ما باید در لبنان، فلسطین، خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی، قفقاز، افغانستان، آفریقا، بالکان و در هر کجا که می‌توانیم، حضور داشته باشیم تا بتوانیم از منافع ایران دفاع کنیم.... سوریه متحد ما است، در لبنان، حداقل حزب الله لبنان دوست و متحد ما است و این‌ها کنار مرز اسرائیل اند. اگر اسرائیلی‌ها آمدند در کشورهای همسایه ما نفوذ کردند، یکی از اهدافشان فشار آوردن بر ما است. ما هم باید کار متقابل کنیم تا نوعی توازن منطقه‌ای به وجود آید. در بسیاری از موارد، امنیت کشورها در سایه توازن استراتژیک نیروهای مختلف و عوامل ایجادکننده قدرت در منطقه ایجاد می‌شود»^۱.

اگر بازوهای امنیتی‌مان در بیرون از مرزها نجنبند باید در داخل کشورمان با چند صد برابر هزینه بیشتر بجنگیم. خسارت‌هایی که در هشت سال جنگ تحمیلی به کشورمان وارد شد، حدود ۴۴۰ میلیارد دلار بود^۲ که این رقم اصلاً با هزینه‌های ما برای کمک به محور مقاومت قابل مقایسه نیست؛ یعنی

۱. ولایتی، «چرا به فلسطینی‌ها کمک می‌کنید؟»، پرسمان، شماره ۳، دسترسی در:

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4892/4942/41732>.

2. <https://www.khabaronline.ir/news/313910>.

این هزینه‌ها بسیار کمتر از خسارت جنگ تحمیلی است. از این جهت، کسانی که شعار «نه غزه نه لبنان» سر می‌دهند، درواقع دارند به نفع «جنگ داخل ایران» شعار می‌دهند که این خیانت به منافع و امنیت ملی است.

۳. دلیل نظامی: در همه کشورها بودجه نظامی از مهم‌ترین ردیف‌های بودجه است که حتی در شرایط بحران اقتصادی نیز کاهش نمی‌یابد. انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم، «سیپری» در گزارشی اعلام کرد که هزینه‌های نظامی کشورهای جهان در سال ۲۰۲۱ و با وجود پیامدهای اقتصادی همه‌گیری ویروس کرونا به روند صعودی خود برای هفتمین سال متوالی ادامه داده و با رشد ۷٪ درصدی و با ثبت رکوردی تازه به ۲۰۱ تریلیون دلار رسیده است.^۱

در این بین شایان توجه است که هزینه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۱ به‌تنهایی بیشتر از مجموع هزینه‌های نظامی ۹ کشور چین، روسیه، هند، انگلیس، فرانسه، کره، ژاپن، عربستان و آلمان بوده است؛ این بودجه هنگفت نظامی در شرایطی است که در داخل آمریکا ۶۰۰ هزار کارتن‌خواب، ۵۰ میلیون فقیر و زیرساخت‌هایی به‌شدت فرسوده و نیازمند بازسازی وجود دارد^۲ و آمریکا با بیش از ۳۰ تریلیون دلار (۳۰ هزار میلیارد دلار)، بدهکارترین دولت جهان است.^۳

ایران در مقایسه با رقبای منطقه‌ای خود کمترین بودجه نظامی را دارد. بودجه نظامی ایران کمتر از نه میلیارد دلار است درحالی‌که بودجه نظامی عربستان در سال ۲۰۲۲، ۵۷/۵ میلیارد دلار و امارات ۲۲/۷ میلیارد دلار، رژیم صهیونیستی ۲۷/۱ میلیارد دلار و ترکیه ۱۷/۷ میلیارد دلار بوده است. حتی

1. <https://per.euronews.com/2022/04/25/military-spending-reaches-record-levels-in-2021-2-1-trillion>.

2. <https://www.mashregnews.ir/news/1368123>.

3. <https://donya-e-eqtesad.com>; <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2009528>.

کرونا هم روند افزایشی بودجه نظامی کشورها را متوقف نکرده است. کره جنوبی با ۴۵/۷ میلیارد دلار، دهمین کشور دنیا از جهت بودجه نظامی است که ۵ برابر بودجه نظامی ایران محسوب می‌شود.^۱

هرچند هزینه‌هایی که ایران برای محور مقاومت صرف می‌کند محرمانه است و منتشر نمی‌شود ولی می‌توان به تخمین‌هایی که از طرف دشمنان محور مقاومت منتشر می‌شود، رجوع کرد. البته طبیعی است که این ارقام با هدف جنگ رسانه‌ای علیه ایران از طرف دشمنان کشورمان با بزرگ‌نمایی منتشر می‌شود.^۲

۱۳۹

بر مدار امید

نهادهای متعدد غربی تخمین‌ها و آمار متعددی در زمینه هزینه ایران در منطقه انجام داده‌اند. «برایان هوک» در نشست بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها اعلام کرد ایران هر سال ۷۰۰ میلیون دلار در اختیار حزب‌الله قرار می‌دهد و جمعاً ۱۶ میلیارد دلار هزینه حمایت از نیروهای نیابتی در سوریه، عراق و یمن کرده است (که این عدد متعلق به یک بازه ۶ ساله است لذا به‌طور متوسط برای یک سال حدود ۲ و نیم میلیارد دلار می‌شود). وی میزان کمک ایران به گروه‌های فلسطینی را ۱۰۰ میلیون دلار اعلام کرد.

«ناتان سیلرز» معاون هماهنگ‌کننده ضد تروریسم در وزارت خارجه آمریکا نیز مدعی است که ایران سالانه ۱ میلیارد دلار برای حمایت از نیروهای نیابتی هزینه می‌کند. یک مقام دیگر وزارت خارجه آمریکا نیز کمک ایران به حوثی‌ها را چند صد میلیون دلار در سال عنوان کرد. گزارش دیگری به نقل از

1. <https://www.hamshahrionline.ir/news/643924>.

همچنین ر.ک:

<https://per.euronews.com/2022/04/25/military-spending-reaches-record-levels-in-2021-2-1-trillion>

<https://mdeast.news/2022/01/25>

۲. ر.ک: منطق برنامه منطقه‌ای ایران، وطن امروز، ۲۷ بهمن ۱۳۹۷.

نهادهای اطلاعاتی اسرائیل اذعان می‌دارد که ایران ۷۵۰ میلیون دلار جهت استقرار نیروهای سپاه در سوریه هزینه کرده است.

با فرض اینکه آمارهای فوق درست باشد و بزرگ‌نمایی نکرده باشند، این سطح از هزینه‌کرد ایران در مقایسه با دشمنان و رقبای کشورمان اصلاً قابل مقایسه نیست و بسیار کمتر است. آمریکا در جنگ عراق و افغانستان حدود ۶ تریلیون دلار هزینه کرده است. نخست‌وزیر سابق قطر در مصاحبه با بی‌بی‌سی از تلف شدن ۱۳۷ میلیارد دلار برای براندازی حکومت بشار اسد در سوریه خبر داد. جنگ در یمن برای عربستان و امارات، ماهانه ۵ تا ۶ میلیارد دلار هزینه داشته است.

حضور مقتدرانه و اثرگذار ایران در منطقه‌ای پرتنش مانند جنوب غرب آسیا طبیعتاً به هزینه زیادی نیاز دارد تا امنیت را برای کشورمان به ارمغان بیاورد؛ چنانکه سایر بازیگران منطقه‌ای هزینه می‌کنند. اما ایران بسیار کمتر از سایر رقبای هزینه کرده است و بسیار بیشتر از آن‌ها دستاورد داشته است.

برای روشن شدن این مطلب، خوب است که دو سؤال از طرفداران گفتمان سازش پرسیده شود:

❖ چه مقدار هزینه اقتصادی را برای برنامه دفاعی، تولید امنیت و مقابله با دشمنان کشور منطقی می‌دانید؟

❖ چه نگاهی به هزینه‌کرد اقتصادی در این حوزه دارید؟ هزینه برای امنیت را یک سرمایه‌گذاری پیشگیرانه برای جلوگیری از پرداخت هزینه‌های سنگین‌تر در بحران‌های بزرگ‌تر می‌دانید یا دور ریختن پولی که می‌تواند صرف امور روزمره شود در حالی که تهدیدها به حال خود رها شده و هر روز به کشور نزدیک‌تر می‌شود؟

۴. توجه به دوگانه امنیت-معیشت: کمک جمهوری اسلامی به محور مقاومت به معنای نادیده گرفتن و توجه نکردن به مشکلات داخلی نیست. بلکه ما با دو مسئله و ضرورت متفاوت مواجه هستیم که توجه به هر یک از آنها به معنای نادیده گرفتن دیگری نیست. بلکه هر دو مهم و ضروری است و باید هر دو را انجام دهیم.

کسانی که در جهت مخالفت با کمک‌های جمهوری اسلامی به محور مقاومت، بر مسائل اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم تأکید دارند، به نوعی دارند «دوگانه امنیت-معیشت» را مطرح می‌کنند که برای روشن شدن این موضوع، باید توجه آن‌ها را به نکات زیر جلب کرد:

الف) «امنیت» و «معیشت» دو نیاز مهم جامعه است که نباید هیچ‌یک را فدای دیگری کرد. بدون تردید امنیت جمهوری اسلامی ایران دشمنان متعددی دارد و تأمین این امنیت اقتضای کند که مرزهای دفاع از مردم را فراتر از مرزهای جغرافیایی خود و در نزدیکی دشمن بنا کنیم. منطقی نیست که از بودجه امنیت خود برای تأمین معیشت‌مان استفاده کنیم بلکه باید از طریق دیگری معیشت را هم تقویت کرد تا هم امنیت و هم معیشت برقرار باشد. ضمن اینکه تضعیف امنیت، معیشت جامعه را به مخاطره جدی می‌اندازد و تقویت امنیت، سبب تقویت معیشت مردم می‌شود. از این جهت می‌توان گفت که امنیت، مقدمه و لازمه معیشت است.

مقام معظم رهبری عوامل مهمی مانند «امنیت و قدرت دفاعی»، «اقتصاد و رفاه عمومی و آسودگی معیشتی مردم»، «قدرت سیاست‌ورزی و چانه زنی برای تأمین منافع ملی در عرصه منطقه و جهان»، «فرهنگ و سبک زندگی» و «منطق جذاب و تأثیرگذار بر دیگر ملت‌ها» را به عنوان بازوهای قدرت ملی معرفی کرده و می‌فرماید: جذب ملت‌ها برای هر کشوری عمق راهبردی

ایجاد می‌کند و هیچ‌کدام از این بازوهای قدرت ملی نباید به نفع یک رکن و بازوی دیگر قطع شود.^۱

بنابراین، اگر برخی وزارتخانه‌های اقتصادی و رفاهی به‌درستی عمل نمی‌کنند و کارایی لازم را ندارند، نباید بهانه‌ای بشود برای اینکه نسبت به بودجه نظامی کشور ایراد بگیریم. اگر در مسائلی مانند اشتغال و رفع بیکاری و فقر، حمایت از تولید، بیمه و خدمات درمانی و... مشکلاتی وجود دارد، باید مسئولان همان بخش‌ها پاسخگو باشند نه بخش نظامی و دفاعی کشور که با کمترین بودجه، بیشترین بهره‌بری را داشته است.

ب) حضور منطقه‌ای ایران هیچ ارتباطی به برخی مشکلات اقتصادی ما ندارد؛ مشکلات اقتصادی کشورمان، علل و ریشه‌های دیگری دارد و گره زدن مشکلات اقتصادی به حضور منطقه‌ای ایران، در واقع آدرس اشتباه دادن است.

ج) اکنون جریان مقاومت به بلوغ و قدرتی دست یافته است که دیگر برای بقا و ادامه فعالیت خود نیازی به ایران ندارد؛ به عبارت دیگر هزینه‌های محور مقاومت بر عهده جمهوری اسلامی نیست و محور مقاومت در این مورد به خوداتکایی و خودبنیادی دست یافته است.

د) حضور منطقه‌ای ایران و گسترش ارتباطات در ذیل محور مقاومت برای جمهوری اسلامی، ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی متعددی را ایجاد کرده است؛ به‌ویژه در فرایند گذار از تحریم‌ها. چنانکه حضور گسترده ایران در عراق ظرفیت‌های اقتصادی فراوانی را برای جمهوری اسلامی فراهم کرد. ضمن اینکه در فرایند حضور منطقه‌ای، زمینه دستیابی به تکنولوژی‌های متعدد هم برای کشورمان میسر شد که هر یک می‌تواند مبنای دانش‌های مولد ثروت شود.

ه) خدشه وارد کردن در کارکرد امنیت بخشی محور مقاومت از طریق چالش های اقتصادی که با افکار و مسائل عموم جامعه مرتبط و نزدیک است، بدون تردید از اهداف و برنامه های تبلیغاتی نظام سلطه است. دشمنان قصد دارند با اعمال تحریم و ایجاد مشکلات و نارسایی های اقتصادی، این تصور را در ذهن مردم ایجاد کنند که جمهوری اسلامی به جای اینکه برای تقویت محور مقاومت هزینه کند، برای رفع نیازها و چالش های اقتصادی ملت خود هزینه کند که اولویت بیشتری دارد.

۱۴۳

برمدار امید

و) بودجه کمک ایران به محور مقاومت از دو جهت تأمین می شود: ۱. بودجه دولتی که بخشی از همان بودجه نظامی کشور است. ۲. کمک های داوطلبانه مردمی که بسیاری از آنها نیز توسط افراد متوسط و نیازمند جامعه تأمین می شود؛ در واقع بخش عمده ای از کمک های جمهوری اسلامی به مسلمانان سایر کشورها توسط همان مردمی جمع آوری می شود که مورد توجه در این سؤال است.

پرسش:

۳۰. چرا با آمریکا مذاکره نمی کنیم تا از این فلاکت های اقتصادی نجات پیدا کنیم؟

پاسخ:

گاهی اوقات، آثار روانی ناشی از مشکلات مختلف فردی و اجتماعی به گونه ای است که انسان سعی می کند به هر چیزی که احساس می کند او را نجات می دهد چنگ بزند، یعنی فارغ از اصل مشکل، گاهی ناراحتی ناشی از آن در تصمیم گیری ها نیز تأثیر می گذارد و هیجانات را بر عقلانیت حاکم می کند، از همین جهت است که می گویند اولین گام در برخورد با حوادث،

حفظ خونسردی است برای اینکه انسان بتواند بهتر بیندیشد و تصمیم درست و منطقی بگیرد.

در اینجا با نگاه واقع‌بینانه چند نکته را بیان می‌کنیم که نشان می‌دهد گفتمان سازش هرگز از مشکلات ما گرگ‌گشایی نخواهد کرد:

● نکته اول

همانطور که رهبر انقلاب بارها در سخنان خود اشاره کرده‌اند، جنگ ما با غرب یک جنگ ایدئولوژیک است که به تضاد منافع منتهی شده است، بنابراین دشمنی‌هایی که علیه کشورمان وجود دارد، به همین ریشه بر می‌گردد و پافشاری دشمنان ما بر بسیاری از مواضع و مسائل، از باب بهانه‌جویی است. یعنی اگر ما در یک مسئله‌ای از موضع خودمان عقب‌نشینی کنیم، زیاده‌خواهی دشمن در آنجا متوقف نخواهد شد. در حقیقت مواجهه آمریکا با انقلاب ما مواجهه یک هژمون با یک نظام ایدئولوژیک است. یک هژمون به دنبال تسلیم طرف مقابل بلکه به دنبال حذف آن است. لذا در این شرایط، سازش مشکلی را حل نمی‌کند.^۱

اینکه از گفتمان و مواضع خودمان به صورت پله پله عقب‌نشینی کنیم، هیچ ثمره‌ای جز جلو آمدن دشمن نخواهد داشت. کسی که علت دشمنی آمریکا و ایران را درست تحلیل کند به این واقعیت بدیهی دست خواهد یافت؛ به عبارت دیگر، علت تحریم ایران طبق قانون جامع تحریم‌ها (قانون سیسادا) ترکیبی از بهانه‌هایی مانند تروریسم، مسائل موشکی، هسته‌ای و حقوق بشر است. طبیعی است که عقب‌نشینی در یک موضوع مانند مسائل هسته‌ای، مشکل تحریم را حل نمی‌کند.^۲

۱. حجت شمامی، تضاد ایده‌ها، ص ۱۱۷.

۲. براتی، سراب مذاکره، ص ۲۵.

● نکته دوم

الف) اساساً تحریم، ابزار فشار دشمن است و دشمن هیچ وقت ابزار فشار خود را کنار نمی گذارد مگر اینکه این ابزار، دیگر برایش کارایی نداشته باشد. در نتیجه، روند امتیاز دادن دشمن به ما در فرایند سازش در راستای کانالیزه شدن ما توسط دشمن است.^۱ بنابراین، مذاکره در گفتمان سازش، سبب می شود که دشمن ما را مدیریت کند. در این شرایط، تحریم ها هوشمند می شود و دور زدن تحریم هم دشوارتر خواهد شد. یکی از ابزارهای دشمن در این مسیر، درخواست شفافیت است که بهانه و مجالی برای نفوذ است.^۲

۱۴۵

بر مدار امید

ب) مواجهه با دشمن با رویکرد سازش، این ادراک را در دشمن تقویت می کند که فشارها و تحریم ها مؤثر بوده است؛ در نتیجه، این پیام به دشمن مخابره می شود که می تواند از ما امتیاز بیشتری بگیرد. گویا ما در فشار و مضیقه هستیم و نیازمند سازش. طبیعی است که دشمن، ابزار فشار (ساختار تحریم) را حفظ می کند. تنها راه خارج شدن از فشار دشمن، افزایش قدرت است.^۳

● نکته سوم

فلسفه رفتار در غرب، متأثر از تفکر اندیشمندان فلسفه سیاست و مبتنی بر خواست قدرت است. اگر کسی به جای اینکه در دام رسانه ها و تبلیغات فریبده آن ها اسیر بشود، با اندیشه های فلسفی در حوزه سیاست آشنا

۱. کانالیزه کردن از چند طریق اتفاق می افتد: ۱. نظارت بر فرایند مالی؛ ۲. محدود کردن پیمان کاران و

افراد طرف حساب (مانند تعیین شرکت های خاص و محدود برای انعقاد قرارداد اقتصادی و تجاری)؛

۳. تعیین نوع و هزینه کرد (مانند هزینه برق در مقابل غذا)؛ رک: براتی، سراب مذاکره، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۸۰-۸۶، ۹۰-۹۷، ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳. همان، ص ۴۵ و ۴۶.

بشود، متوجه این اصل خواهد شد که آنچه حرف یک کشور را در سطح بین‌المللی به کرسی می‌نشانند، نه منطق و مسائلی مانند آن، بلکه «قدرت» است. قانون «وتو» نمونه‌ای از همین حاکمیت قدرت بر جهان است.

بنابراین، هر نوع گفتگویی که از سر ضعف و سازش انجام شود، نه تنها گره‌گشایی نخواهد کرد، بلکه دشمن را که به دنبال قدرت و سیطره بیشتر است، جری‌تر کرده و خوی آن را تهاجمی‌تر خواهد کرد. فقط کافی است برای درک این واقعیت، حجم سرمایه‌گذاری خارجی را در دوران دولت‌های مختلف با هم مقایسه کنیم! میزان حجم سرمایه‌گذاری هیچ ارتباط معناداری با مذاکرات نداشته است، بلکه در هر برهه‌ای که ایران مقتدرتر رفتار کرده، حجم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران افزایش پیدا کرده است، حتی با وجود بی‌نتیجه ماندن مذاکرات؛ به عنوان مثال در موضوع «برجام» بررسی شاخص‌های اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد که بعد از برجام، ایران ۱۸ رتبه در رتبه‌بندی میزان سرمایه‌گذاری خارجی افول داشته است.^۱ علی‌رغم انتظارات اقتصادی مردم از برجام، اقدامات متعدد روانی و اقتصادی آمریکا مانع از حصول دستاوردهای اقتصادی برجام برای ایران شد.

گفتمان سازش معتقد است پس از برجام، شرایط اقتصادی کشور بهبود یافت و اگر برجام نبود، ایران به ونزوئلایی دیگر تبدیل می‌شد. اما واقعیت این است که برجام عملاً گشایش اقتصادی خاصی را برای کشور به دنبال نداشت. هرچند طرفداران برجام و سازش با آمریکا بر آثار اقتصادی این ارتباط تأکید دارند ولی آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد که تأثیر برجام بر اقتصاد ایران چندان محسوس نبوده است.^۲

۱. اندیشکده برهان، عبرت‌های برجام، ص ۵۴.

۲. رک: شقاقی شهری، «آیا الگوی برجام راه نجات اقتصاد ایران است؟»

● نکته چهارم

طرف مقابل ایران در مذاکرات، با توجه به مبانی فکری و سیاسی خاص خودش، هیچ ضمانتی برای اجرای تعهداتش ندارد و ما این عهدشکنی را به وضوح در مذاکرات برجام مشاهده کردیم که علی‌رغم پایبندی ایران به تعهداتش برای مدت طولانی باز هم این آمریکا بود که در نهایت از این تعهد خارج شد. در این میان از کشورهای اروپایی هم کاری برنمی‌آمد چرا که این کشورها اراده مستقلی از خود ندارند و تابع آمریکا هستند. در چنین شرایطی چگونه و با چه توجیهی می‌توان مذاکره با این دشمن بدعهد و زیاده‌خواه را، راه‌هایی از مشکلات دانست؟!

گفتمان سازش در مذاکره، منجر به نامتوازن شدن تعهدات طرفین می‌شود؛ در نتیجه تعهدات ما با طرف مقابل از جهت برگشت‌پذیری، ضمانت اجرا و زمان آغاز تعهدات، یکسان نیست. گویا تعهدات ما بیشتر است و باید زودتر آغاز شود و ضمانت اجرا برای پایبندی دشمن وجود ندارد.^۱ بنابراین گفتمان سازش برای کشورمان فایده و نتیجه‌ای نداشته و مطابق با منافع ملی نیست.

● نکته پنجم

اشکال دیگر این دیدگاه، گره‌زدن مشکلات اقتصادی به تحریم‌ها است. آنچه امروز گفتمان سازش برای حل مشکلات کشور ارائه می‌دهد، در گذشته تاریخی ما در زمان حکومت پهلوی تجربه شده و قابل مشاهده است. در این دوران ارتباط ایران و آمریکا در بالاترین سطح قرار داشت ولی مشکلات اقتصادی کشورمان هم فراوان بود؛ به عنوان مثال، جهش

قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ از بشکه‌ای ۱/۹ دلار به ۱۰/۴۱ دلار، سبب افزایش نرخ تورم از ۹/۹ درصد در سال ۱۳۵۴ به ۲۵/۱ درصد در سال ۱۳۵۶ شد.^۱

● نکته ششم

فارغ از نکات پیشین، برای اینکه نگاهی ملموس‌تر و واقع‌بینانه‌تر به موضوع مذاکره و سازش پیدا کنیم، دوباره به تجربهٔ پرهزینهٔ «برجام» نگاهی بیندازیم.

۱۴۸

برمدار امید

● اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا پس از برجام، این اقدامات را علیه ایران اجرا کرد

الف) صدور ویزا را برای ایرانیان محدود کرد؛

بر اساس این قانون کسانی که در ۵ سال قبل به ایران سفر کرده بودند، دیگر نمی‌توانستند مانند گذشته بدون ویزا وارد آمریکا شوند. این قانون محدودیت‌های زیادی را برای شرکت‌ها و فعالان اقتصادی به دنبال داشت که مانع جدی بر سر تعامل‌های اقتصادی ایران ایجاد می‌کرد.

ب) در ۲۵ آذر ۱۳۹۴ تحریم‌های موشکی جدید علیه ایران برقرار کرد؛

جان کری (وزیر امور خارجه آمریکا) در نشست در دانشگاه شیکاگو با تأکید بر سیاست آمریکا مبنی بر حفظ اصول تحریم گفت: «تحریم تسلیحاتی پابرجا ماند... ما در عین حال، تحریم‌های ایالات متحده علیه حمایت ایران از تروریسم را هم نگه داشتیم. بنابراین ما هیچ یک از چیزهایی را که در این ارتباط در اختیار داشتیم، کنار نگذاشتیم. در واقع از زمان توافق به این دلیل که آن‌ها موشک شلیک کردند، ما تحریم‌هایی هم اضافه کردیم».^۲

۱. ر.ک: شقایق شهری، «آیا الگوی برجام راه نجات اقتصاد ایران است؟

<https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D34148.&cd=1&hl=fa&ct=clnk&gl=ir>

2. <https://www.farsnews.ir/news/13950809001637>.

ج) لغو تحریم را به قانون شفافیت حمایت مالی ایران از تروریسم گره زد؛

بر اساس این قانون، لغو تحریم‌های اعمال شده علیه برخی اشخاص و نهادهای ایرانی در صورتی اجرا می‌شود که اثبات شود در برنامه موشکی ایران نقش نداشته‌اند. همچنین این قانون رییس جمهور آمریکا را از خارج کردن بانک‌های ایرانی خاص از فهرست تحریم‌ها منع می‌کند تا زمانی که رییس جمهور به کنگره گواهی همراه با تضمین بدهد که آن بانک در راستای برنامه موشکی ایران خدمات مالی نداده باشد.

د) خرید آب سنگین ایران را ممنوع کرد؛

ه) پرداخت پول از محل منابع مالی فدرال آمریکا به ایران را ممنوع کرد؛

و) بانک‌ها را از همکاری با ایران ترساند؛

علی‌رغم اینکه مهم‌ترین هدف برجام برطرف شدن تحریم‌های بانکی و مالی بود ولی اقدام مؤثری در این عرصه انجام نشد. بسیاری از بانک‌های بزرگ تمایلی برای همکاری مجدد با ایران نداشتند و آمریکا مجوزهای لازم را به بانک‌های معتبر ارائه نکرد.

واقعیت آن است که برجام موجب لغو تحریم‌های ایران نشد، بلکه صرفاً برخی تحریم‌های ثانویه ایران را «تعلیق کرد» اما تحریم‌های اولیه، حتی روی کاغذ هم لغو نشد.^۱

● برجام نه تنها تحریم‌ها را رفع نکرد بلکه دو مشکل جدید هم ایجاد کرد

الف) برجام روند تحریم‌ها را متوقف نکرد و در پس‌ابرجام نیز تحریم‌ها ادامه پیدا کرد.^۱ قانون کاتسا (قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم) از مهم‌ترین این موارد است که در ۱۱ مرداد ۱۳۹۶ به وسیله ترامپ امضا و از ۹ آبان اجرا شد.^۲

ب) برجام نه تنها از بازرسی و نظارت‌های آژانس انرژی هسته‌ای نکاست بلکه ایران را به بزرگ‌ترین استثنای آژانس در نظارت و بررسی تبدیل کرد.^۳ تجربه خطرناک عراق در این مورد، درز اطلاعات محرمانه امنیتی - نظامی و مقدمه‌چینی برای حمله به عراق بود که در مقابل چشمان ما قرار داشت ولی به نحو شایسته و بایسته به آن توجه نشد.^۴ برخی اعضای تیم مذاکره‌کننده آمریکا به اعضای کنگره گفتند: اگر خواهان بمباران ایران هستید، از توافق [برجام] حمایت کنید. بازرسی از تأسیسات ایران طبق توافق، جزئیات مهمی را آشکار می‌کند که می‌تواند برای هدف‌گیری بهتر به کار برده شود.^۵

بنابراین سازش و مذاکره با دشمن، تحریم را رفع نکرد. مقام معظم رهبری در سخنان متعددی به این موضوع اشاره کرده‌اند، مثلاً می‌فرمایند: «سازش با آمریکا مشکلات کشور را به هیچ وجه حل نمی‌کند؛ نه مشکلات

۱. همان، ص ۴۰۲-۴۰۹ و ۴۲۵.

۲. ر.ک: قانون کاتسا چگونه اقتصاد ایران را هدف قرار داده است:

<https://www.mashregnews.ir/news/793154>.

۳. ایران کمتر از ۲ درصد ظرفیت اتمی جهان را در اختیار دارد اما ۲۵ درصد بازرسی جهان در ایران انجام شده است.

۴. ر.ک: صلاحی، ایران و آمریکا در چهل سال، ص ۴۱۰-۴۱۶، ۵۳۷ و ۵۳۸.

۵. <https://www.farsnews.ir/news/13980118000959>.

اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد»^۱. هر چند برخی در کشور از ضرر عدم اجرای برجام سخن می‌گویند ولی گزارش آقای جان کری به کنگره در مورد برجام مطلب دیگری را بیان می‌کند، او می‌گوید: «از ۱۴ جولای ۲۰۱۵ تا اکتبر ۲۰۱۷ برجام بیش از یک تریلیارد دلار به ما سود رسانده و حدود نیم تریلیارد به ایران ضرر مستقیم زده است»^۲.

۱۵۱

برمدار امید

خلاصه کلام این است که رویکرد صحیح، گفتمان مقاومت در مقابل تحریم، رفع تحریم و خنثی‌سازی تحریم است. ضمن اینکه همه مشکلات کشور را هم نباید به تحریم ربط داد. بر این اساس تحریم یک مانع و مشکل است که می‌توان آن را برطرف یا بی‌اثر کرد. مهم این است که عزم مقابله با تحریم و بی‌اثرکردن آن را داشته باشیم. البته در هر صورت تحریم‌های ظالمانه باید برداشته شود ولی این راهبرد که فقط برای برداشته شدن تحریم اقدام کنیم و به فکر بی‌اثر کردن آن نباشیم، اشتباه بزرگی است که سبب از دست رفتن فرصت‌ها و ظرفیت‌های کشور و مؤثر واقع شدن تحریم می‌شود.

● نکته هفتم

○ آیا مشکلات اقتصادی کشور به دلیل حمایت ما از محور مقاومت

است؟!

بعضی‌ها چنین وانمود می‌کنند که مشکلات کشورمان به‌خاطر گفتمان کمک ما به محور مقاومت است. به نظر آن‌ها محور مقاومت برای کشور هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم زیادی ایجاد می‌کند؛ مانع برقراری ارتباط اقتصادی و انتقال تکنولوژی به کشور می‌شود و از جذب سرمایه‌گذاری

۱. بیانات، ۱۳۹۵/۸/۱۲. همچنین ر.ک: بیانات، ۱۳۹۵/۳/۲۵، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.

2. <https://asrghanoon.ir/?p=6553>; <http://serateshgh.com/201352>.

خارجی و توريسم جلوگیری می‌کند ولی اگر این هزینه‌ها برای حل مشکلات اقتصادی به کار می‌رفت، فایده بیشتری داشت. طرح این مسئله در شرایط بد اقتصادی و معیشتی مردم، طبیعتاً بیشتر به چشم می‌آید.

درباره نتایج گفتمان سازش و گفتمان مقاومت، مطالبی بیان شد. اما در مورد این ادعا که گفتمان مقاومت در مسیر توسعه و پیشرفت کشورمان، مانع ایجاد می‌کند توجه به دو نکته ضروری است:

○ الف: نیاز به امنیت کمتر از نیاز اقتصادی نیست

اگرچه نیازهای اقتصادی از مهم‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌رود اما آنجایی که امنیت نباشد، انسان گرسنگی را فراموش خواهد کرد. بدون شک پدر یا سرپرستی که قرار است خانواده‌اش را میان گرگ‌ها نگه دارد، تمام بودجه‌اش را صرف اقتصاد نخواهد کرد، بلکه امنیت را در اولویت قرار خواهد داد.

بعد از این مقدمه، هر کسی اندک تحلیلی از اوضاع منطقه و سخنان تئوريسين‌ها و سیاستمداران دشمنان ایران داشته باشد، متوجه می‌شود که تسلط بر ایران، از اهداف مهم این دشمنان است؛ به عنوان مثال، وقتی داعش در منطقه قدرت گرفت، صراحتاً ایران را به عنوان بخشی از سرزمین خود و تحت عنوان استان خراسان خودش مطرح کرد. چشم طمع داشتن آن‌ها به خاک ایران، یک مبنای ایدئولوژیک دارد و به مواضع مسئولان کشورمان بر نمی‌گردد. درباره سایر جریان‌ها مثل نظام سلطه، صهیونیسم بین‌الملل، وهابیت، تجزیه‌طلبان، سلطنت‌طلبان و... نیز همین‌طور است.

○ ب: مغالطه دوگانه‌های دروغین

یکی از روش‌های القای شبهه در موضوعات مختلف، قرار دادن دو رفتار

خوب در برابر هم است، به گونه‌ای که به صورت غیر مستقیم مخاطب را وادار به دست برداشتن از یکی کند و نتیجه این کار، بازی دو سر بُرد برای سازندگان این شبهه خواهد بود.

علاوه بر موضوع قرارداد امنیتی در برابر اقتصاد، در موضوعات دیگری مانند قرار دادن مبارزه با بدحجابی در برابر مبارزه با اختلاس، یا قرار دادن موضوع هسته‌ای در برابر موضوع اقتصاد، یا قرار دادن موضوع کمک به فقرا در برابر ساخت حرم و عزاداری و... نیز نمونه‌های این مغالطه را می‌بینیم، درحالی‌که هیچ کدام از این دوگانه‌ها ناسازگاری با هم ندارند بلکه کاملاً سازگار هستند.

«حضور در محور مقاومت و سیاست‌های منطقه‌ای» و همچنین «توسعه اقتصادی و پیشبرد سیاست‌های داخلی» دو موضوع مستقل و البته مرتبط و متأثر از هم هستند. در این مورد توجه به چند نکته ضروری است:

۱. جمهوری اسلامی باید در هر دو بخش قوی و پویا باشد. قوی شدن در هر یک از این دو بخش لوازم و دستاوردهای خاص خود را دارد. ما مجبور نیستیم و نباید یکی از این دو عرصه را انتخاب کنیم و دیگری را رها کنیم بلکه باید با قوت، هر دو بخش را پی‌گیریم.

۲. برای موفقیت در یک بخش نباید بخش دیگر را تضعیف یا حذف کنیم؛ چون هر دو بخش ضروری و لازم است.

۳. موفقیت در یک بخش به این معنا نیست که برای موفقیت در بخش دیگر، مانع ایجاد شده است. بنابراین موفقیت در سیاست‌های منطقه‌ای و حمایت از محور مقاومت، به معنای مانع‌تراشی در پیشبرد توسعه اقتصادی نیست.

۴. هر یک از این دو بخش، نیروها و مسائل و اقتضائات خود را دارد

ولی اصول و کلیت موفقیت در هر دو یکسان است. با همان روحیه، عزم و اراده‌ای که در سیاست منطقه‌ای موفق شدیم، می‌توانیم توسعه اقتصادی را برای کشور به ارمغان بیاوریم. (به تعبیر دیگر؛ «خرمشهر»های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی نیز باید فتح شود).

۵. نظام سلطه برای جلوگیری از حضور منطقه‌ای ایران، در یک جنگ رسانه‌ای و شناختی، یک دوقطبی را ایجاد کرده است که حضور منطقه‌ای مانع پیشرفت و توسعه اقتصادی است و از این جهت تلاش می‌کند افکار عمومی را در مقابل نظام سیاسی کشور قرار دهد و با هزینه‌سازی و مانع‌تراشی در اهداف و برنامه‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، ایران را از این عرصه مهم دور کند.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم درباره ارتباط مشکلات اقتصادی و محور مقاومت، چنین فرموده‌اند: جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود.^۱

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

○ ج: گره زدن مشکلات اقتصادی به مقاومت، یک نوع مغالطه است

نکته دیگر اینکه مشکلات اقتصادی کشورمان ریشه در ساختار اقتصادی کشور دارد که به چند دهه قبل از انقلاب بازمی‌گردد نه به حضور منطقه‌ای و هزینه‌های نظامی و...؛ چنانکه در دوران حکومت پهلوی با وجود درآمدهای نفتی و بدون وجود هیچ‌گونه تحریم، شاهد انواع مشکلات اقتصادی بودیم، برای نمونه در سال ۱۳۵۶ تورم نسبت به سال ۱۳۵۴، ۲/۵ برابر رشد کرد.^۱

۱۵۵

برمدار امید

همان‌طور که تحریم‌های کشورمان در ابتدای امر به دلیل حضور ایران در محور مقاومت نبوده است، مسائل اقتصادی کشور نیز به دلیل سیاست‌های منطقه‌ای ایران نبوده و نیست. مشکلات اقتصادی ایران (مانند تورم و بیکاری) به برخی از چالش‌های کلان، ساختاری و زیربنایی در اقتصاد ایران بازمی‌گردد؛ مانند: اقتصاد تک محصولی و وابستگی به نفت، تصدی‌گری دولت و بنگاه‌های شبه‌دولتی در اقتصاد، رانت و فساد اقتصادی، قیمت‌گذاری دستوری، نظام یارانه‌ها و نظام بانکی. بنابراین یک اصلاح ساختاری و مبنایی در اقتصاد ایران لازم است تا مشکلات مردم حل شود. بر این اساس حتی اگر سیاست منطقه‌ای ایران نیز تغییر کند، مشکلات اقتصادی کشور حل نخواهد شد.

○ د: رابطه سازش و امنیت

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا لازم است، این است که برخی معتقدند به وسیله مذاکره و تعامل با کشورهای متخاصم، کشورمان از شرایط جنگی که در اثر مقاومت برای ما ایجاد شده بود، خارج شده است؛ مثلاً دربارهٔ برجام، طرفداران این گفتمان می‌گویند: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای برجام،

۱. ر.ک: شقاقی شهری، آیا الگوی برجام راه نجات اقتصاد ایران است؟

خارج کردن نام کشورمان از فصل هفتم منشور شورای امنیت سازمان ملل بود و این یعنی تأمین امنیت و خارج کردن ایران از زیر سایه جنگ؛ زیرا فصل هفتم به معنای قرار داشتن در معرض جنگ است.

در پاسخ به این شبهه باید گفت که اساساً نام ایران در ذیل بند هفتم منشور شورای امنیت نرفته بود که برجام بخواهد ما را از آن خارج کند.^۱ طرفداران گفتمان سازش معتقدند در شرایطی که سایه جنگ و تهدید بر سر کشور بود، برجام کشور را از شرایط جنگ و تهدید خارج کرد، اما این حرف درستی نیست چون بعد از برجام نیز تهدیدهای نظامی در مورد ایران از طرف آمریکا وجود داشت و حتی به فعلیت هم رسید؛ چنانکه ترور سردار سلیمانی در همین دوره اتفاق افتاد.

بنابراین رویکرد سازش نه تنها کشور را از شرایط جنگ خارج نکرد بلکه با زمینه سازی برای نفوذ دشمن، امنیت کشور را در معرض خطر قرار داد. یکی از اهداف و برنامه های دشمن از مذاکره «نفوذ» بود؛ چنانکه مقام معظم رهبری در ۲۶ مرداد ۱۳۹۴ فرمودند: «نیت آن ها (غرب) این بود که از این توافق راهی پیدا کنند برای نفوذ در کشور؛ ما این راه را بستیم».^۲

نفوذ برآمده از رویکرد تعامل سازش کارانه با دشمن، از دو جهت قابل تأمل است:

۱. نفوذ در نظام سیاسی؛ چنانکه باراک اوباما در گفتگو با رهبران اصلی جامعه یهودیان در آمریکا در ۶ شهریور ۱۳۹۴ (۲۸ اوت ۲۰۱۵) اهداف

۱. رک: آیا با برجام از ذیل فصل هفتم خارج شدیم؟

<https://www.nasim.news>

(۱۳/۰۹/۱۳۹۸ - کد خبر: ۲۳۴۱۳۰۰) همچنین رک:

<https://www.mashregnews.ir/news/1075377>

۲. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع): ۱۳۹۴/۰۵/۲۶.

آمریکا از برجام را روی کارآمدن غرب‌گراها در ایران با هدف تغییر رژیم بیان می‌کند.^۱

۲. گسترش نفوذ اطلاعاتی آمریکا از طریق آژانس و نظام راستی‌آزمایی؛ چنانکه اندیشکده بروکینگز در ماه می ۲۰۱۶ (خرداد ۱۳۹۵) گزارشی ۷۴ صفحه‌ای با عنوان «توافق هسته‌ای ایران: پیش‌درآمدی بر رژیم عدم اشاعه در خاورمیانه»، نوشته «رابرت اینهورین»^۲ و «ریچارد نفیو»^۳ منتشر کرد. در بخشی از این گزارش آمده است: «ایالات متحده باید به تقویت جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی از فعالیت‌های مرتبط با اشاعه هسته‌ای ایران بپردازد و اشتراک‌گذاری اطلاعات جاسوسی با شرکای کلیدی خود در منطقه را افزایش دهد».

در فصل ششم این گزارش در بخش توصیه‌ها آمده است: «درحالی‌که نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازرسی‌های آن حیاتی خواهد بود و به طور کلی سزاوار حمایت قوی توسط ایالات متحده و جامعه بین‌المللی است، تلاش آژانس باید توسط افرادی از جامعه اطلاعاتی جاسوسی آمریکا تکمیل شود».^۴

در متن برجام به آژانس توصیه شده است که نسبت به اطلاعات دریافتی از ایران، اصولی مانند رازداری و عدم سوء استفاده از اطلاعات را رعایت کند اما با توجه به اینکه آژانس، هیچ تعهد عملی و تضمین اجرایی خاصی در این باره ندارد، دولت آمریکا می‌تواند آژانس را تحت فشار قرار دهد تا اطلاعاتی را که از بازدیدهای هسته‌ای ایران به دست آورده است در اختیار آن‌ها قرار دهد.^۵

۱. رک: اندیشکده برهان، عبرت‌های برجام، ص ۸۹.

۲. دستیار وزیر خارجه و عضو تیم مذاکره‌کننده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای ۱+۵.

۳. معاون هماهنگ‌کننده سیاست‌های تحریمی وزارت خارجه آمریکا (معمار تحریم‌ها علیه ایران).

۴. اندیشکده برهان، عبرت‌های برجام، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۵. رک: صلاحی، ایران و آمریکا در چهل سال، ص ۴۱۲.

پرسش:

۳۱. با این همه شعار (مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم و شعارنویسی روی موشک و...) آیا مقصر دشمنی آمریکا و اسرائیل با ایران، خود مسئولین و مواضع جمهوری اسلامی نیست؟

پاسخ:

اینکه واقعاً کسی این حجم عظیم از دشمنی غرب و نظام سلطه با ایران را به شعارها، آتش زدن پرچم و شعارنویسی روی موشک تقلیل دهد، نشان‌دهنده اوج سطحی‌نگری به مسائل و مباحث سیاسی است. پیش از بیان پاسخ تفصیلی به این پرسش، دو قرینه را یادآوری می‌کنیم که این امر را به راحتی ابطال می‌کند:

• اول: تاریخ

اگر کسی تاریخ استعمار را بخواند به روشنی می‌بیند میلیون‌ها انسان در سرتاسر دنیا بوده‌اند که مانند مردم هند و کشورهای آفریقایی طی سالیان متمادی توسط غربی‌ها استعمار شده‌اند، بدون اینکه هیچ اقدام تنش‌زایی علیه غربی‌ها انجام داده باشند. در واقع این هویت سلطه‌جویانه استعمارگران است که سبب دخالت در امور کشورهای دیگر و استثمار آن‌ها می‌شود. این موضوع درباره سرخ‌پوستان بومی آمریکا، مردم ویتنام و فلسطین نیز صدق می‌کند که همگی قربانی روحیه سلطه‌جویانه و استعمارگریانه نظام سلطه شده‌اند.

در تاریخ ایران نیز این موارد فراوان است؛ مثلاً در جنگ جهانی اول با وجود اعلام بی‌طرفی ایران در این جنگ، خاک کشورمان اشغال شد و بر اثر قحطی ایجاد شده توسط انگلیسی‌ها، میلیون‌ها نفر از مردم کشورمان کشته

شدند.^۱ نمونه دیگر، نهضت ملی صنعت نفت بود که در نتیجه کودتای آمریکایی شکست خورد درحالی که مصدق با آمریکایی‌ها مذاکره کرده بود و علیه آن‌ها هم اقدامی انجام نداده بود. مصدق نه یک عنصر مذهبی بود، نه آخوند بود، نه بسیجی بود، نه سفارت آمریکا را اشغال کرده بود، نه دنبال صدور انقلاب بود و نه به جبهه مقاومت کمک می‌کرد! بلکه یک ناسیونالیست سکولار بود که فقط می‌خواست ذیل سایه شاهنشاه، صنعت نفت ایران را ملی کند.

۱۵۹

بر مدار امید

تأکید بر راهبرد مقاومت، عکس‌العمل عاقلانه کشورمان در مقابل رفتارهای تنش‌زای دشمنان و نظام سلطه بوده است، نه اینکه عامل تنش‌آفرینی باشد.^۲

ایران در طول تاریخ خود، همواره از طرف قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد تهدید و آسیب واقع شده است. برخی تجربه‌های تاریخی معاصر که این روند را در فرهنگ راهبردی ما ایجاد کرده است عبارتند از: عهدنامه گلستان و ترکمنچای، جدایی بحرین از خاک ایران، ادعای مالکیت سه جزیره جنوبی ایران توسط امارات و جنگ ایران و عراق.

● دوم: سخنان خود غربی‌ها

نکته دیگری که سطحی بودن چنین تحلیل‌هایی را نشان می‌دهد، سخنان خود غربی‌ها و تحلیل‌گران و تئوریسین‌های غربی است که ریشه اختلاف ایران با حکام کشورهای غربی را این امور نمی‌دانند. بسیاری از تحلیل‌گران و سیاست‌مداران آمریکایی تصریح کرده‌اند که مشکل آمریکا با ایران، سر

۱. رک: لطفی و دهقان‌نژاد، «کمبود موادغذایی و شورش‌های مردم ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم»، ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش/۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ م»، ص ۱-۱۶.

۲. رک: گودرزی، سلطانی‌نژاد، زهرانی «بررسی رابطه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در پرتو فرهنگ راهبردی»، ص ۱۱۹-۱۴۶؛ ذاکریان و احمدی، «بازنمود استمرار فرهنگ راهبردی ایران در ساخت و بنیان سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی»، ص ۹۷-۱۱۴.

مسئله هسته‌ای و حتی منطقه‌ای نیست که با مذاکره حل شود بلکه با حل شدن این مسئله، قطعاً مسائل جدیدی از سوی آمریکا مطرح خواهد شد.^۱ هنری پرکت (مسئول پیشین میز ایران در وزارت خارجه آمریکا) با صراحت این مطلب را بیان می‌کند: «عده‌ای هستند که اساساً ضد ایران هستند. این واقعیت است. مسئله اتمی هم‌اکنون مهم‌ترین و مناسب‌ترین موضوع است، اما بدون آن، مسئله دیگری مطرح خواهد شد؛ زیرا هدف اصلی، تغییر رژیم ایران است و مادامی که حکومت اسلامی ایران از خاورمیانه محو نشود، آن‌ها راضی نخواهند بود».^۲

اساساً ایراد آن‌ها بر ما همین نظام ارزشی و ایدئولوژیک ماست.^۳ هدف دشمن، در درجه اول تغییر نظام است و اگر نتواند به این هدف برسد، به دنبال وارد کردن خسارت مادی و معنوی به نظام اسلامی خواهد بود. آیات قرآن به خوبی این اهداف را تبیین کرده است.^۴

اگرچه رسانه‌های فارسی زبان خارجی که توسط دشمنان ما اداره می‌شود، برای جهت‌دهی افکار عمومی داخل ایران مسائلی مانند شعارنویسی و پرچم آتش زدن را پررنگ می‌کنند. اما فارغ از این نگرش‌های سطحی، تنش موجود بین ایران و نظام سلطه دلایل بسیار اساسی و عمیقی دارد که در قالب چند محور به آن اشاره می‌شود:

۱. برای نمونه رک:

<http://www.thetower.org/article/dare-say-mullahs-must-go/>

<http://online.wsj.com/news/articles/SB10001424127887323501004578389150205542648>

<http://www.thetower.org/article/dare-say-mullahs-must-go/>

<http://www.washingtontimes.com/news/2008/jul/15/the-war-with-iran/>

<http://www.aei.org/article/containing-and-deterring-a-nuclear-iran/>

2. http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2006/04/060403_wmt-iran-us-nuc.shtml.

۳. رک: مائده: ۵۹؛ بروج: ۸.

۴. رک: بقره: ۱۰۹؛ نساء: ۱۰۲.

الف) ذات قدرت طلب و سلطه گر آمریکا

رفتار آمریکا و نظام سلطه با ما بیش از آنکه متأثر از رفتار ما باشد، بر اساس هویت ذاتی خود آن‌هاست. ایدئولوژی نظام سلطه، شامل خودبرتربینی، خودبزرگ‌بینی و نوعی نگاه تحقیرآمیز به دیگران است که سبب تحمیل ارزش‌ها و مبانی آن‌ها به دیگران می‌شود.^۱ آمریکا به عنوان محور نظام سلطه، به دنبال تحمیل اهداف و برنامه‌های خود به ایران بوده است.

آمریکا بعد از فروپاشی نظام شوروی، برای حفظ هویت ملی و سیاسی خود، نیاز به یک دشمن جدی داشت.^۲ نظریه جنگ تمدن‌ها، اسلام را جایگزین شوروی کرد. بر این اساس، آمریکا موضوعاتی مانند هسته‌ای، تروریسم و حقوق بشر را دستاویزی برای مقابله با ایران قرار داد. به این ترتیب، تخاصم با ایران را بر اساس مبانی هویتی خود کلید زد.^۳

روند مداوم و بی‌وقفه خصومت آمریکا با ایران، مردم کشورمان را به یک باور جا افتاده ذهنی و یک آگاهی مشترک رسانده است که باید آمریکا را دشمن خویش پندارند و نسبت به آن بی‌اعتماد باشند؛ به عبارت دیگر، تجربه‌های متواتر تاریخی سبب شده است که ایرانیان انقلابی و استکبارستیز، هویت خود را در تعارض با هویت آمریکایی تعریف کنند. به همین جهت است که شعار مرگ بر آمریکا در کشور ایران همچنان یک شعار ملی محسوب می‌شود.^۴

۱. دهشیری و بهرامی، بازشناسی نظام سلطه، ص ۵۳.

۲. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: افتخاری، قدرت نرم نبرد نامتقارن، تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و ۲۲ روزه غزه؛ هانتینگتون، چالش‌های هویت در آمریکا.

۳. ر.ک: صلاحی، ایران و آمریکا در چهل سال، ص ۱۸۵-۱۹۳، همچنین ر.ک: همان، ص ۲۶۴-۲۷۱ و ۲۷۶.

۴. ر.ک: بررسی دلایل بی‌اعتمادی ما به آمریکا؛ بی‌اعتمادی چرا؟

بعد از انقلاب اسلامی، آمریکا ابتدا قصد سرنگونی این انقلاب را داشت. واقعه طبس، کودتای نوژه، حرکت‌های تجزیه‌طلبانه، اقدامات تروریستی و جنگ تحمیلی هشت ساله، نمونه‌هایی از تلاش آن‌ها برای سرنگونی انقلاب بوده است. اما در دهه دوم انقلاب، آمریکا در مقابل ایران دو سیاست کلی را در پیش گرفت: ۱. نفوذ؛ ۲. مهار (با بهانه حقوق بشر و مسائل هسته‌ای و حمایت ایران از تروریسم). نیکلاس برنز در تاریخ ۲۹ جولای ۲۰۱۵ می‌گوید: «باراک اوباما و جانشین او، یا حتی جانشین رییس جمهور بعد از اوباما باید تلاش کنند تا قدرت ایران را در منطقه مهار کنند... بنابراین ما باید قدرت دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی خود را برای انسداد ایران در شرایط فعلی و مهار قدرت این کشور در منطقه در سال‌های آینده به کار بگیریم... استراتژی مؤثرتر و هوشمندانه‌تر، فشار به آن‌ها از طریق مذاکرات است»^۱.

کودتای سال ۱۳۳۲ علیه دولت دکتر مصدق، حمایت تمام‌عیار از رژیم وابسته و مستبد پهلوی، کودتای نوژه، حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم از رژیم بعث عراق در تجاوز به ایران، تسلیح شیمیایی صدام، ورود عملی به جنگ علیه جمهوری اسلامی در سال‌های آخر جنگ تحمیلی با هدف قراردادن سکوهای نفتی ایران و هواپیمای مسافربری، اعمال سیاست تحریم اقتصادی علیه ایران از سال‌های آغازین انقلاب اسلامی که به مرور تشدید شده است، راه‌اندازی جنگ گسترده تبلیغاتی و رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون، برشمردن ایران به عنوان محور شرارت، تهدید کشورمان به حمله نظامی، اقدامات خصمانه گسترده علیه برنامه هسته‌ای ایران - از جمله تحریم‌های یک‌جانبه - تنها بخشی از کارنامه سیاه واشنگتن در قبال تهران بوده است.^۲

۱. اندیشکده برهان، عبرت‌های برجام، ص ۹۳.

۲. رک: شش اپیزود از تجربه بی‌اعتمادی ایرانی‌ها به آمریکا:

○ (ب) هویت استقلال طلبانه و ضد استعماری انقلاب

انقلاب اسلامی یک هویت دینی دارد که با هویت سکولاریستی و اومانیستی تمدن غرب و نظام سلطه در تعارض کامل است.^۱ افزون بر هویت دینی، هویت سیاسی انقلاب اسلامی نیز در تغایر با منافع نظام سلطه است. اصل انقلاب اسلامی بر نظریه «نه شرقی، نه غربی» و عدم پذیرش نظم موجود بین الملل مبتنی است و این طبیعتاً در نظم جهانی مورد نظر آمریکا و مقابله با نظام سلطه خلل ایجاد می‌کند. چراکه آمریکا به دنبال سلطه‌گری و هژمون شدن است و هر عنصری که این سلطه را نپذیرد، مانعی در مقابل آمریکا محسوب می‌شود و از این رو آمریکا با آن مبارزه می‌کند.^۲

مقام معظم رهبری نیز بارها به این نکات اشاره کرده‌اند:

«اینکه ما تصور کنیم با فلان تصمیم، با فلان تدبیر و اقدام، موجب شدیم که دشمنی به طرف ما جلب شود، این غلط است؛ این درست نیست. ملت ایران به خاطر جایگاه مستقل خودش، به خاطر تسلیم نشدن در مقابل نظام سلطه بین‌المللی، مورد این تهاجم‌هاست».^۳

«بعضی خیال می‌کنند ما دشمن را وادار به خود کرده‌ایم. ذاتِ جمهوری اسلامی ظالم را با خودش مخالف می‌کند. ما می‌گوییم با استکبار و ظلم مخالفیم و هر دولتی که این صفات را دارد دشمن ما می‌شود».^۴

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: عابد الجبیری، برخورد تمدن‌ها - آینده روابط، ماهنامه اسلام و غرب، شماره ۲۱.

Sands of Empire: Missionary Zeal, American Foreign Policy, and the Hazards of Global Ambition by Robert W. Merry, p 189; Sands of Empire: Missionary Zeal, American Foreign Policy, and the Hazards of Global Ambition by Robert W. Merry, p 189-190.

۲. ر.ک: صلاحی، ایران و آمریکا در چهل سال، ص ۱۸۹.

۳. بیانات، ۱۳۹۷/۷/۱۲.

۴. بیانات، ۱۴۰۱/۳/۱۴.

به همین دلیل، نظام سلطه از سرایت الگوی ایران به جهان بسیار نگران است. دانیل پایپس، رییس سابق انستیتو پژوهش‌های سیاست خارجی آمریکا و عضو ارشد شورای امنیت ملی آمریکا، معتقد است: «امروزه مسلمانان به ایران نگاه می‌کنند و از آن الگوبرداری می‌کنند. اگر این تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان کشورهای دیگر بیشتر خواهد شد و این برای ما قابل تحمل نیست»^۱.

○ ج) قدرت جمهوری اسلامی و به چالش کشیدن منطق لیبرال دموکراسی

هویت استقلال طلبانه انقلاب اسلامی اگر با ضعف و ناکارآمدی انقلاب اسلامی همراه باشد، برای غرب و نظام تمدنی آن تهدیدی محسوب نمی‌شود؛ زیرا در این شرایط، جمهوری اسلامی هم‌اوردی برای معارضة با غرب نخواهد بود. جهانیان نیز با دیدن معارضة جمهوری اسلامی و نظام سلطه، ضعف و عدم موفقیت جمهوری اسلامی را به عنوان نتیجه معارضة با غرب تلقی می‌کنند و از ورود به این عرصه و میدان خودداری خواهند کرد. آمریکا و نظام سلطه نیز برای برحذر داشتن سایر کشورها از معارضة با آمریکا و زیرپا گذاشتن نظم بین‌المللی آمریکایی، عدم موفقیت ایران را مثال خواهند زد. ایران ضعیف و ناتوان، بهترین گزینه برای غرب خواهد بود تا سرگذشت چنین کشور درمادهای را به عنوان عبرت‌آموز از سلطه لیبرال دموکراسی به رخ همه جهان بکشاند و همه دولت‌ها و ملت‌ها را به پیروی از هژمونی خود فراخواند.

در نقطه مقابل این حالت ضعف و سستی، اگر جمهوری اسلامی بتواند در برابر نظام غرب، الگو و نمونه موفق ارائه دهد، به شدت جایگاه غرب را در

1. <http://www.danielpipes.org/242/the-event-of-our-era>.

عرصه بین‌الملل به چالش خواهد کشید. ایران قوی و مستقل، بزرگ‌ترین و بهترین نشانه برای موفقیت ایده تمدنی انقلاب اسلامی در تغایر و تضاد با تمدن غرب است که به بهترین شکل، می‌تواند همه دولت‌ها و ملت‌های آزاده را به ایده انقلاب اسلامی جلب کند. بر این اساس، نظام سلطه وقتی نتوانست انقلاب اسلامی را نابود کند یا نظام اسلامی را تغییر بدهد، تمام تلاش خود را برای ضعیف کردن ایران و جلوگیری از قدرت گرفتن آن انجام خواهد داد.

بنابراین تصور اینکه با شعار ندادن علیه نظام سلطه، یا آتش زدن پرچم آمریکا یا حتی با سازش و کوتاه آمدن در مقابل آمریکا، قرار است مشکل ایران و آمریکا حل بشود نشأت‌گرفته از نگرش‌های سطحی و عوامانه به موضوعات عمیق سیاسی است.

۱۶۵

برمدار امید

پرسش:

۳۲. ایران قبل از انقلاب اسلامی، وابسته غرب بود، الآن هم که متمایل به شرق (روسیه و چین) است؛ پس چه فرقی کرد؟

پاسخ:

جهت‌گیری شرقی یا غربی، یکی از موضوعات چالشی در طرح‌ریزی راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده که همواره پس از انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از مسائل محوری، بر آن تأکید شده است. وجود کشورهای متعدد با حکومت‌های مختلف در نظام بین‌الملل، تعامل و برقراری رابطه با کشورهای دیگر را برای همه حکومت‌ها به یک امر ضروری تبدیل کرده و نظام اسلامی ما نیز از این قاعده مستثنا نیست. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام اسلامی باید روابط خود را با

کشورهای دیگر، در قالب چارچوب‌ها و اصول دینی در روابط بین‌الملل تنظیم‌کند. از این‌رو در ارتباط با کشورهای اسلامی یا غیراسلامی باید رویکرد متفاوتی داشته باشد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است: چرا جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت دینی، روابط خود را با کشورهای غربی که عمدتاً از پیروان ادیان ابراهیمی هستند، بر اساس منازعه و مواجهه تنظیم کرده است، اما با کشورهای شرقی، که عمدتاً پیروان ادیان انحرافی هستند یا بعضاً مانند کمونیست‌ها «ضد دین» هستند، روابط خود را بر اساس همگرایی تنظیم کرده است؟

تمایل جمهوری اسلامی ایران به شرق و زاویه گرفتن آن از غرب، ریشه در عوامل متعددی دارد اما پیش از بیان این عوامل، باید خاطر نشان کرد که این مسئله دارای پیش‌فرض‌های نادرستی است که قبل از ورود به آن می‌بایست تبیین شود. پس از تشریح این پیش‌فرض‌های نادرست، هر یک از عوامل انتخاب این رویکرد، به شکل مجزا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در خصوص پیش‌فرض‌های نادرست این مسئله باید گفت:

۱. تصویر کمونیستی از کشورهای چین و روسیه، یک روایت مخدوش از وضعیت کنونی این دو کشور است؛ زیرا در این دوران دیگر نمی‌توان از چین و روسیه با عنوان یک «کشور کمونیستی» یاد کرد. کشور چین در حال حاضر، رویکرد لیبرالی را در مناسبات اقتصادی در پیش گرفته است و صرفاً ظاهر یک کشور کمونیستی را دارد. درباره روسیه هم باید گفت که همین وجه ظاهری نیز، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ بسیار کم‌رنگ‌تر از کشور چین است.

۲. بین یهود و صهیونیسم و همچنین بین مسیحیت و حکومت‌های غربی، تفاوت فاحشی وجود دارد که نوشته حاضر، به دنبال پاسخ دادن به این بخش از مسئله نیست، اما در خصوص محورهای تعاملی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دنیا لازم است به پنج محور مهم توجه شود که متأثر از همین تفاوت فاحش است:

محور اول: نخستین محور، ماهیت استکباری این حکومت‌ها است. در طرح‌ریزی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نقطه کانونی تعامل با کشورهای جهان، بیش از اینکه بر مفاهیمی چون ادیان و مذاهب استوار باشد، بر اساس یک مفهوم قرآنی است که معمار کبیر انقلاب آن را در سیاست خارجی جمهوری اسلام بنیان نهاده است و آن تقسیم‌بندی جهان بر اساس «مستضعف و مستکبر» است.^۱

مفهوم «مستضعف» دایره وسیعی دارد و شامل تمام انسان‌های ستم‌دیده و ظلم‌کشیده جهان می‌شود؛ حتی غیرمسلمانان و هر ملتی از شرق تا غرب عالم که زیر سلطه مستکبرین قرار دارند. همچنین «مستکبر» نیز شامل تمام سلطه‌طلبان عالم و ایادی آن‌ها و حتی کشورهای مسلمان حامی مستکبران نیز می‌شود.^۲ همچنین پیشنهاد امام خمینی رحمة الله علیه برای رابطه با کشورهایی که استکبار نمی‌ورزند و در میانه این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند، «روابط مسالمت‌آمیز» است.^۳

با این چارچوب تحلیلی، کشورهای شرقی از لحاظ گفتمانی، قرابت بیشتری با گفتمان انقلاب اسلامی ایران نسبت به کشورهای غربی که عمدتاً سکولار هستند، پیدا می‌کنند.

۱. خمینی رحمة الله علیه، صحیفه امام، ج ۷، ص ۲.

۲. همان، ص ۴۸۸.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۳۲۳.

محور دوم: محور دومی که باید به آن توجه کرد، بحث نزاع وجودی غرب در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران است. غرب و به شکل خاص، ایالات متحده آمریکا، از دوران پیش از شکل‌گیری انقلاب اسلامی، با حمایت همه‌جانبه از رژیم پهلوی، دست داشتن در کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، کمک به شاه حتی بعد از فرار از کشور، طرح‌ریزی کودتا پیش و پس از انقلاب اسلامی، به رسمیت نشناختن انقلاب مردم ایران، حمایت از صدام در جنگ تحمیلی، اعمال تحریم‌های ظالمانه، حمایت از گروه‌های ضدانقلاب و جدایی‌طلب و تأکید همیشگی بر تغییر نظام در ایران، باعث شده است که نظام جمهوری اسلامی همواره بدون خوش‌بینی با ایالات متحده تعامل کند. این در حالی است که کشورهای شرقی مانند چین و روسیه، در روابط خود با ایران، به دنبال براندازی نیستند.

محور سوم: محور دیگری که باید خاطر نشان کرد، تجارب تاریخی کشورمان است که محصول بیش از چهار دهه تعامل ایران با کشورهای غربی و شرقی است. هنگامی که به تعاملات تهران و واشنگتن در تحولات بعد از انقلاب می‌نگریم، همواره با بدعهدی ایالات متحده نسبت به کشورمان مواجه می‌شویم. توافق‌نامه الجزایر، مذاکرات مک فارلین، مذاکرات پیرامون آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان، همکاری با آمریکا در افغانستان و عراق و مذاکرات هسته‌ای که در نهایت منجر به امضای برجام شد؛ همه این موارد حاکی از بدعهدی آمریکا در تعامل با ایران است که در مورد آخر، خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه و به اصطلاح «فلج‌کننده» رابطه دو کشور را بیش از گذشته تیره و تار کرد؛ حال آنکه همکاری‌های ایران و کشورهای شرقی، حکایت از تجارب موفق‌تری دارد که مهم‌ترین آن، همکاری ایران اسلامی با روسیه در منطقه غرب آسیا بود که باعث شکست داعش شد. این تجارب، استراتژیست‌های جمهوری

اسلامی را مجاب می‌کند تا احساس قرابت بیشتری به شرق داشته باشند.

محور چهارم: وجوب تأمین نیازهای فراوان خارجی ایران، چهارمین محور تأثیرگذار در روابط با کشورهای دیگر است. ایران، نیازهای متعدد خارجی -از انتقال تکنولوژی نوین به داخل کشور گرفته تا توسعه زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه اقتصادی و رفع نیازهای نظامی- دارد. در چنین شرایطی، طبیعی است که وقتی دنیای غرب درهای خود را به روی ایران می‌بندد، تهران به سراغ کشورهایی برود که روی خوش نشان دهند و در حال حاضر این چین و روسیه هستند که ایران را به جمع خود پذیرفته‌اند.

عضویت در سازمان همکاری امنیتی شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اقدامات مؤثری است که می‌تواند بخشی از خسارت‌های ناشی از فشارهای تحمیلی و یک‌جانبه ایالات متحده را برطرف کند و بیش از هر کشور دیگری، این خود ایران است که می‌تواند از منافع آن‌ها بهره‌مند شود. در نتیجه تجارب تلخ اعتماد به غرب در این زمینه نیز باعث شده است که ایران اسلامی برای رفع نیازهای خود از کشورهای شرقی کمک بگیرد.

محور پنجم: آخرین محور، فهم دقیق ایران از تحولات نظام بین‌الملل بوده که حاکی از تغییر قدرت جهانی از غرب به شرق است. اکنون روسیه به عنوان پهناورترین کشور جهان از لحاظ جغرافیایی و به پشتمانه قدرت نظامی و امنیتی خود به عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور اقتصادی در جهان شناخته می‌شود. از سوی دیگر کشور چین نیز به عنوان قدرت اقتصادی مهم دنیا که در دو دهه اخیر رشد خیره‌کننده‌ای به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و نظامی داشته، در حال تبدیل شدن به قدرت نخست جهانی است. این امر، حاکی از چرخش هسته قدرت و مرکز ثقل نظام بین‌الملل از غرب به شرق است. فهم راهبردی تهران از آینده نظام بین‌الملل، باعث شده است تا رویکرد گردش به شرق، در دستور کار دستگاه سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. سخنان اندیشمندان بزرگ روابط بین‌الملل نیز مؤید فهم دقیق ایران پیرامون جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق است؛ امری که به گفته استراتژیست‌های غربی از بحران مالی سال ۲۰۰۸ شروع شده است و با سرعت فزاینده‌ای به پیش می‌رود.

بنابراین محورهای پنج‌گانه گفتمان قرآنی استکبار و استضعاف، نزاع وجودی بین ایران و غرب، تجارب تاریخی بین تهران و واشنگتن، لزوم تأمین نیازهای اساسی کشور و در نهایت، تحولات کلان نظام بین‌الملل، باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران، راهبرد کلان خود را بر اساس نزدیکی به کشورهای شرقی تنظیم کند. تجربه تاریخی بیش از چهار دهه تعامل با کشورهای غربی و شرقی حاکی از آن است که اتخاذ این راهبرد از سوی تهران، ثمرات بیشتری نسبت به راهبرد نزدیکی به غرب برای ایران به ارمغان می‌آورد.

پرسش:

۳۳. در زمان شاه، با پاسپورت معتبر، با تمام دنیا تعامل داشتیم، تازه ژاندارم منطقه هم بودیم؛ چرا جمهوری اسلامی تمام این‌ها را گرفت؟

پاسخ:

یکی از شبهاتی که درباره اعتبار و نفوذ اجتماعی و عزت ملی ایران مطرح می‌شود، اعتبار گذرنامه ایران است. رسانه چنین القا کرده است که اعتبار گذرنامه یک کشور، مساوی با عزت ملی و اعتبار آن کشور است؛ غافل از اینکه چنین یکسان‌انگاری بین اعتبار گذرنامه و عزت ملی، محصول تبلیغات رسانه‌ای در جنگ روایت‌هاست. نه عزت ملی و یک کشور لزوماً

درگرو اعتبار بالای گذرنامه‌اش است و نه اعتبار بالای گذرنامه یک کشور، لزوماً حاکی از عزت ملی و اعتبار آن کشور است. همه کشورها با گذرنامه و روادید، می‌توانند به کشورهای دیگر بروند؛ اما برخی کشورها، شرط داشتن روادید را حذف می‌کنند، که این تا حد زیادی به مناسبات میان دو کشور برمی‌گردد.

این مسئله هیچ ارتباطی به رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی و ثبات سیاسی و مسائلی از این دست ندارد. طبق آنچه گذشت، روشن می‌شود با توجه به قدرت سلطه در جهان، تنها معیار تعیین‌کننده در حذف روادید، بده بستانی است که با نظام سلطه دارید. به هر میزان که در نظام باشد هضم شده باشید، اعتبار گذرنامه شما بیشتر خواهد شد و به هر میزان که در مقابل این نظام باشید از اعتبار گذرنامه شما کاسته می‌شود؛ به عنوان مثال، شهروندان ژاپنی می‌توانند بدون روادید به ۱۹۱ کشور سفر کنند.^۱ شهروندان اماراتی می‌توانند بدون روادید، به ۱۷۵ کشور سفر کنند.^۲ اما شهروندان چینی، فقط می‌توانند به ۷۰ کشور سفر کنند. حتی اعتبار گذرنامه مالزی از گذرنامه چین بیشتر است. باور می‌کنید شهروندان سنگاپور می‌توانند بدون روادید به ۱۹۰ کشور، سفر کنند^۳ ولی چین فقط به ۷۰ کشور بدون روادید می‌تواند سفر کند؟

تمام این‌ها نشان می‌دهد که اعتبار گذرنامه، در هویت و عزت ملی کشورها چندان معتبر نیست، بلکه حذف روادید میان دولت‌ها، نوعی بده بستان

۱. "اعلام رتبه‌بندی اعتبارگذرنامه‌های جهان در سال ۲۰۲۱؛ فاصله پاسپورت ایران و افغانستان ۹ پله شد."

<https://per.euronews.com/2021/01/06/the-world-most-powerful-passports-2021>.

۲. "اعتبار پاسپورت‌های جهان در ۲۰۲۲؛ گذرنامه ایران و افغانستان چندم شدند؟"

<https://per.euronews.com/2022/01/12/the-world-most-powerful-passports-for-2022>.

۳. همان.

است. اما برخی کشورها، بدون توجه به اینکه چیزی را از دست داده‌اند، به گذرنامه خود افتخار می‌کنند. این دقیقاً همان خدمت و هضم شدن در نظام سلطه (ارباب ظالم)، در ازای رفتن به همه کشورها (مهمانی‌ها) است. اگر امنیت، یک عامل تعیین‌کننده در اعتبار گذرنامه است، چرا گذرنامه رژیم اسرائیل در رتبه ۲۳، ولی گذرنامه فلسطین در رتبه ۱۰۵ قرار دارد؟^۱ اسرائیل با توجه به جنگ‌های متعددی که دارد یک کشور ناامن است و از نظر جغرافیایی، درون فلسطین قرار دارد؛ با این وصف تفاوت اعتبار گذرنامه به چه معناست؟

با توجه به این توضیحات، طبیعی است که گذرنامه ایران به دلیل تقابل با نظام سلطه مانند امارات و عربستان سعودی، معتبر نباشد. عربستان، منبع تولید ناامنی در منطقه و حتی جهان است و حتی برج‌های دوقلوی نیویورک توسط تروریست‌های عربستانی، منفجر شدند؛ درعین‌حال، گذرنامه معتبری دارد. همین عربستان، خاشقچی را به قتل می‌رساند و در همه جهان منفور می‌شود اما گذرنامه معتبری دارد! باید دید در مقابل این مقبولیت اعتباری، چه چیز ارزشمندی به نظام سلطه داده است؟ تمام منافع امارات، ذیل منافع آمریکا تعریف شده و البته گذرنامه باکیفیتی دارد. ولی گذرنامه چین، اعتبار عربستان و امارات را ندارد. از این رو به جای اینکه گذرنامه ایران را با سومالی و افغانستان مقایسه کنیم و بگوییم فاصله ایران با افغانستان، ۹ پله است^۲ دقت کنیم، اعتبار گذرنامه سنگاپور، بیشتر از چین است: سنگاپور ۱۹۰ و چین ۷۰!

نظام سلطه به سرکردگی آمریکا، با این حربه، جنگی رسانه‌ای و ادراکی راه انداخته است. کشورها و مردم آن‌ها آگاه نیستند، در ازای دریافت این

۱. همان.

۲. همان.

اعتبار گذرنامه‌ای، چه چیزی از دست داده‌اند؟ آیا برای امارات سفر بدون روادید به ۱۷۵ کشور ارزش آن را دارد تا در مقابل - بدون اینکه هیچ فایده‌ای از جنگ یمن ببرد- از آمریکا سلاح بخرد و جیب صاحبان کارخانه‌های اسلحه‌سازی آمریکا را پُر کند و سپس با یمن وارد جنگ شود؟ این مسئله برای امارات وقتی دردآور می‌شود که در میانه جنگ با یمن، نمی‌تواند پا پس بکشد. امارات آن قدر استقلال ندارد تا با مشاهده اینکه، با تداوم جنگ یمن، امنیت سرمایه‌گذاری و اقتصادی‌اش آسیب می‌بیند، از جنگ دست بکشد؛ چرا که منافع مستقل از منافع آمریکا برای خود تعریف نکرده و هویت ملی خود را در ذیل نظام سلطه تعریف کرده است و در مقابل، اعتبار گذرنامه‌ای دریافت کرده است. در زمان شاه نیز گذرنامه معتبری داشتیم؛ به همین دلیلی که امارات و سنگاپور، گذرنامه معتبری دارند.

۱۷۳

بر مدار امید

اما ایران اسلامی حاضر نیست در قبال اجازه سفر بدون روادید به چند کشور بیشتر، هویت و استقلال و منافع و در یک کلمه، «عزت» خود را از دست بدهد. ایران، ایران است؛ کشوری مسلمان با سابقه هفت‌هزارساله و پیشینه تمدنی بزرگ که منافع خود را داراست و هویتی مستقل از دیگران برای خود تعریف کرده و حاضر نیست با ورود به مناسبات نظام سلطه، ذیل این نظام تعریف شود. به همین دلیل فارغ از اعتبار گذرنامه که یک معامله میان حکومت کشورها - و نه مردم آن کشورها- است، عزت و اعتبار مخصوص خود را دارد.

اعتبار پاسپورت، عزتی اعتباری است که کشورها آن را تعیین می‌کنند و برخلاف عزت حقیقی که برآمده از اعتبار و قرارداد نیست، صرفاً اعتباری و قراردادی است. این عزت را ملت‌ها تعیین می‌کنند، نه دولت‌ها. کسی تردیدی ندارد که عزت ایران در میان ملت‌ها - خصوصاً ملت‌های منطقه - همواره رو به افزایش بوده است. گسترش محور مقاومت از شرق آسیا تا

شمال آفریقا که جهان غرب را به دشمنی بیشتر با ایران سوق داده است، به دلیل همین گسترش محبوبیت حقیقی تفکر انقلاب اسلامی در منطقه و جهان است.

استاد رحیم‌پور ازغدی در رابطه با مسئله گذرنامه به نکته جالبی اشاره می‌کند: «ایرانی چه موقع این قدر محترم و عزیز بوده است؟ می‌گویند پاسپورت‌های ایرانی بی‌احترام شده در دنیا؛ بله پاسپورت‌های زمان شاه که نوکرشان بودیم، اعتبار داشت. اگر اعتبار این است، یعنی شما هرچه نوکری بیشتری کنی اعتبارت بیشتر است. من در ۱۰ سال گذشته در ۵ قاره جهان دعوت داشته‌ام برای سخنرانی و تمام طرف‌های من هم روشنفکران و دانشگاہیان آن کشورها بوده‌اند. بنده در هیچ‌کدام از این سفرها و دعوت‌ها حتی یک مورد ندیدم کسی دلش بسوزد که ایرانی‌ها آبرو ندارند. بدون استثنا می‌گویند همه دنیا روی ملت شما و انقلاب شما حساب می‌کند و همه حواس‌ها به شماست. محترم هستیم ولی احترام انقلابی. منتها این‌ها خیلی دنبال سفرهای خارجی‌اند، نگرانند که پاسپورت‌هایشان را دیر ویزا بدهند، چون آمریکا دیر به ما ویزا می‌دهد، ایران احترامش کم شده! اگر این‌طور است پس شاه خیلی محترم بود. نوکر محترم!»^۱

اما درباره مقایسه ویزای جمهوری اسلامی و پهلوی باید گفت آمار دقیقی از تعداد کشورهای بدون نیاز به ویزا در قبل و بعد از انقلاب وجود ندارد. طبق اخبار روزنامه‌های آن دوره برخی از کشورهای اروپایی و آفریقایی با ایران و دیگر کشورها، قرارداد لغو روادید داشتند و ایرانی‌ها برای رفتن به آمریکا، کانادا، کل کشورهای آمریکای لاتین، بسیاری از کشورهای آسیایی و اروپایی مثل سوئیس و اتریش و... به ویزا نیازمند بودند. البته لغو روادید

۱. «روایت رحیم‌پور ازغدی از اعتبار پاسپورت ایرانی قبل و بعد از انقلاب»، دسترسی در:

<https://parsine.com/fa/news/191927>

برای عموم مردم، معنا نداشت؛ زیرا وضع اقتصادی آن‌ها اجازه سفرهای بین‌شهری را به آن‌ها نمی‌داد چه رسد به سفرهای خارجی و تنها درصد اندکی از جمعیت ثروتمندان ایران امکان استفاده از پاسپورت را داشتند.

از سوی دیگر اگر لغو روادید دلیل اعتبار و احترام و عزت ایرانیان در اروپا قلمداد شود، باید گفت موضوع احترام و اعتبار ایران در کشورهای اروپایی و غربی دروغ و توهم بزرگی است. فرح پهلوی می‌گوید وقتی در مونیخ گفتیم ما ایرانی هستیم، به ما گفتند آدم‌خوار.^۱ اروپایی‌ها برای شاه و ملکه ایران این احترام را قائل بودند چه رسد به مردم عادی و سایر شهروندان. شاه ایران چنان در دیگر کشورها منفور بود که در جریان سفر شاه به آلمان، موج عظیمی از اعتراض‌ها و تظاهرات بی‌سابقه - در تاریخ بعد از جنگ آلمان - در سراسر این کشور به راه افتاد. اعتراضات دانشجویی و صنفی علیه سفر شاه به آلمان، در ژوئن ۱۹۶۷ از آن زمان تاکنون، نقطه عطفی در تاریخ آلمان به شمار می‌رود و سرآغاز جنبش‌های چپ ۱۹۶۸ بوده است. در جریان این اعتراضات در دوم ژوئن، «اونه زورگ»، دانشجوی آلمانی توسط پلیس، در برلین کشته شد و از آن هنگام این رویداد سرآغاز جنبش‌ها و شورش‌های بزرگ دانشجویی ۱۹۶۸ و جنبش‌های موسوم به «خارج از پارلمان» و... در اروپا شده است.^۲

1. <https://aspb1.cdn.asset.aparat.com/aparat-video/db75c9d2d369e3f47ddbe4d7e8f-80bc113642028-360p.mp4>

2. https://www.bbc.com/persian/world/2009/05/090523_eh_germany_2june1967.



کارنامه و کارآمدی نظام



فصل چهارم



دستاوردهای انقلاب اسلامی

پرسش:

۳۴. اصلاً انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی دارد؟

پاسخ:

انقلاب اسلامی بر اساس اهداف و سیاست‌های تأسیسی و اصلاح‌گرانه‌ای که داشته، دستاوردهای فراوانی برای مردم به ویژه محرومان به ارمغان آورده است. البته هنوز مشکلات و نارسایی‌هایی در متن جامعه وجود دارد ولی آمار و واقعیت‌های عینی جامعه ایران نشان می‌دهد که تحولات و پیشرفت‌های بعد از انقلاب تقریباً در همه موارد، روند شتابانی به سوی پیشرفت دارد.

بیانیه گام دوم از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اسناد انقلاب اسلامی است که یک پنجم آن به بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی اختصاص یافته است. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت توجه به دستاوردهای انقلاب در فهم انقلاب و مواجهه این حوزه با انقلاب است. دستاوردهای مهم انقلاب بر اساس آنچه در بیانیه گام دوم ذکر شده، عبارتند از:

۱. ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران؛
 ۲. پیشرفت کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی؛
 ۳. به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی؛
 ۴. ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم؛
 ۵. سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛
 ۶. افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛
 ۷. ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان.
- تمام خدمات صورت گرفته در طول انقلاب اسلامی به شکل جهشی و با سرعت فوق‌العاده و پرشتاب انجام شده و نظام جمهوری اسلامی توانسته است در بسیاری از امور مانند توسعه مخابراتی یا گسترش راه‌های ارتباطی یا رساندن آب بهداشتی، برق و گاز به روستاها، جایگاه ایران را در بین کشورهای جهان، از قعر جدول بالا بیاورد و در ردیف ۱۰ تا ۲۰ کشور اول جهان قرار دهد.^۱ از این رونمی‌توان این نتایج را صرفاً یک روال عادی و کم‌شتاب تلقی کرد.^۲
- نظام جمهوری اسلامی ایران، در چهل سال گذشته با وجود موانع متعدد خارجی و داخلی (همچون ترورها، جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی و...) مستند به گزارش مراجع جهانی، در همه ابعاد توسعه (به عنوان هدف مشترک دولت‌ها) از پیشرفتی تحسین‌برانگیز برخوردار بوده و در رقابت‌های بین‌المللی در رتبه کشورهای با توسعه بالا قرار گرفته است.^۳ در مقابل، دشمنان کشورمان می‌خواهند این فکر انحرافی را به مردم القا کنند که «انقلاب، برای مردم دستاوردی نداشته است» و به این وسیله، مردم را

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: راجی، صعود چهل ساله.

۲. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>.

۳. سازمان برنامه و بودجه، ص ۲۶.

مأیوس کرده و نسبت به آینده کشور، بدبین کنند. دشمن بر روی نقاط ضعف تمرکز می‌کند یا اینکه با دروغ‌پردازی و بزرگ‌نمایی نقاط ضعف، نقاط قوت را نادیده می‌گیرد.

در ادامه، بخشی از دستاوردهای انقلاب را به صورت طبقه‌بندی‌شده بیان می‌کنیم:

• دستاوردهای فرهنگی

۱. استقلال و خودباوری فرهنگی

استقلال فرهنگی، به معنای حفظ فرهنگ و ارزش‌های جامعه از تهاجم فرهنگ بیگانه است؛ به تعبیر دیگر، عدم وابستگی فکری و ارزشی به کشورهای بیگانه، به ترتیبی که کشور بتواند با افکار و تمایلات و خصیصه‌های فکری خود زندگی کند.^۱

انقلاب اسلامی علیه رژیم وابسته‌ای شکل گرفت که بعد از جنگ جهانی دوم، سران متفقین برای حضور در ایران حتی لازم نمی‌دانستند از شخص اول مملکت یعنی «شاهنشاه» اجازه بگیرند! این حکومت خودباخته، به مردم القا کرده بود که «ما از نظر فرهنگی، حقیر هستیم و فرهنگ غربی بر فرهنگ ما برتری دارد پس باید پیرو آن فرهنگ باشیم». اسلام‌زدایی و ترویج فرهنگ غربی از برنامه‌های دستگاه‌های فرهنگی رژیم پهلوی بود، ولی پیروزی انقلاب اسلامی به خودباختگی فرهنگی پایان داد و ملت ایران را به این بلوغ فکری رساند که باید بر فرهنگ خودی و اسلامی تکیه کنند. از این رو، امام خمینی رحمۃ الله علیه فرمود: «ما باید تمام همتان را صرف کنیم که خودمان را از این وابستگی فکری بیرون بیاوریم».^۲

۱. هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۵۱۶.

۲. مبارزه با مظاهر فساد

سیاست‌های غرب‌گرایانه و ضددینی رژیم پهلوی سبب شده بود که سبک زندگی غربی در کشورمان تبلیغ شود و رواج پیدا کند؛ سبک زندگی که با ترویج مادی‌گرایی و زندگی مصرفی، افراد جامعه را به فساد و لذت‌پرستی سوق می‌دهد. در نتیجه اجرای این سیاست‌ها، مظاهر فساد در عرصه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی در کشور گسترش یافت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که با هدف تحقق دین در جامعه شکل گرفته بود، همه مظاهر فساد و بی‌بندوباری مانند شراب‌فروشی و مراکز فحشا و قمار در سطح جامعه، از میان رفت. در سایر عرصه‌های فرهنگی مانند محتوای کتب و متون درسی، مجلات، صدا و سیما و سینما نیز تحولات فراوانی روی داد.

۱۸۲

پرمدار امید

• دستاوردهای اخلاقی و معنوی

بی‌تردید، یکی از عوامل مهم معجزه‌آسای پیروزی انقلاب، معنویت بود؛ معنویتی که هم در پیروزی و هم در استمرار انقلاب، نقش بنیادی داشته است.

۱. احیای معنویت و دین‌اندیشی

ابعاد معنوی و اخلاقی انقلاب سبب جلب توجه نگاه‌های جهانیان به موضوعات اخلاقی و تربیتی شده است.

دکتر فوسبری می‌گوید: «آیت‌الله خمینی با استفاده از ریشه‌های فرهنگی اسلامی، موجب حرکت تاریخی ملت خویش گشت. وی توانست با یک انقلاب مذهبی سیاسی، حرکت عظیمی در کشورهای اسلامی به وجود آورد... و با

بازگشایی این راه، وجدان معنوی غرب را شدیداً به لرزه درآورد؛
از این رو، یکی از مهم‌ترین آثار انقلاب اسلامی، احیای اندیشه و
هویت دینی در جهان است»^۱.

۲. گسترش فرهنگ قرآنی

بعد از انقلاب، فعالیت‌های قرآنی بسیاری در قالب حفظ، قرائت، تلاوت،
مسابقه‌های کشوری و بین‌المللی، تدوین تفسیر و تربیت مفسران انجام
شده است^۲ که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. تربیت حدود ۲ میلیون حافظ قرآن از یک تا ۳۰ جزء؛
۲. تربیت قاریان و حافظان مشهور و شناخته شده در سطح جهان اسلام؛
۳. تأسیس رادیو تلاوت، ترتیل، معارف فارسی و انگلیسی و شبکه قرآن
و معارف؛
۴. تولید فیلم‌ها و سریال‌های فاخر قرآنی و دینی؛
۵. دوره‌های تربیت مدرس و مربی قرآن؛
۶. تأسیس دانشکده علوم قرآنی و ۲۵ هزار تشکل قرآنی؛
۷. تأسیس ۷۵۰ مرکز دارالقرآن و طرح‌های حفظ، تدبر و اندیشه در قرآن
کریم؛
۸. برپایی بیش از ۴۰۰ کرسی تفسیر قرآن کریم با رویکرد موضوعی؛
۹. احداث کتابخانه‌های تخصصی علوم و معارف قرآنی؛
۱۰. انتشار مجلات و مقالات علمی و فعالیت در فضای مجازی؛
۱۱. نگارش کتاب آموزش قرآن برای همه پایه‌های درسی؛
۱۲. برگزاری مسابقات و نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم؛

۱. سپهری، خورشید بی‌غروب، ص ۹۲.

۲. برای مطالعه بیشتر در این مورد رک:

۱۳. برگزاری مسابقات ملی در رشته‌های مختلف قرآنی، در آموزش و

پرورش، دانشگاه‌ها، سازمان‌ها، رادیو و تلویزیون؛

۱۴. تأسیس مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی؛

۱۵. تأسیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن (زیرمجموعه پژوهشگاه

علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی) که تدوین دایرة

المعارف قرآن کریم و فرهنگ قرآن از مهم‌ترین آثار این پژوهشکده

است.

۱۸۴

برمدار امید

۳. تقویت فرهنگ نمازودعا

بعد از انقلاب اسلامی با تقویت مساجد که نقش بسیار مهمی در پیروزی انقلاب داشتند، فرهنگ دعا و نماز توسعه بسیاری پیدا کرد و نماز وارد فرهنگ مردم شد. برگزاری نماز جمعه و نماز جماعت در مدارس و ادارات از مهم‌ترین این جلوه‌هاست تا جایی که روز «نهم ذی القعدة» به عنوان روز نیایش در تقویم ثبت شد تا همه بر سر سفره «دعای عرفه» از معارف الهی سیراب شوند. از این گذشته، حضور پرشور جوانان و اقشار مختلف مردم در مراسم اعتکاف و مراسم شب‌های قدر، یکی از جلوه‌های زیبای اخلاقی و معنوی است که بعد از انقلاب روی داده است.

۴. حماسه و عرفان در دفاع مقدس

شاید مهم‌ترین جلوه‌های عرفانی و اخلاقی جمهوری اسلامی در دفاع مقدس روی داد؛ جایی که جوانان حماسه و عرفان را در هم آمیختند و با الگوگیری از شهدای کربلا، پشتوانه عظیم معنوی برای نسل انقلاب اسلامی فراهم کردند.

رژیم پهلوی جوانان را به عشرت، فساد و فحشا دعوت می‌کرد. فضای کلی حاکم بر کشور به دور از اخلاق و معنویت بود و مراکز فساد و فحشا به

شکل علنی فعالیت می‌کردند، اما به برکت انقلاب اسلامی، تحولی عظیم در کشور ایجاد شد. انقلاب اسلامی ماهیتی دینی داشت که رهبری آن بر عهده یک عارف راستین بود. مردم تحت تأثیر شخصیت اخلاقی و معنوی رهبر الهی خود به سوی اخلاق و معنویت رهنمون شدند. این، معجزه بزرگ امام خمینی رحمة الله علیه بود که مقام معظم رهبری از آن به فتح الفتوح یاد کردند.^۱

برای درک بهتر این موضوع، بهتر است لحظه‌ای شخصیت و رفتار فسادانگیز و غیراخلاقی خاندان پهلوی را با شخصیت والای اخلاقی امام خمینی رحمة الله علیه و سایر شخصیت‌های برجسته انقلاب و یاران صدیق امام رحمة الله علیه مقایسه کنید.

• دستاوردهای اقتصادی

۱. بیست و دومین اقتصاد جهان

درحالی‌که قبل از انقلاب، ایران در زمینه اقتصاد و تولیدات صنعتی، جایگاهی در اقتصاد جهانی نداشت و فعالیت برخی صنایع موجود هم عمدتاً به مونتاژ محصولات خارجی محدود می‌شد، بعد از انقلاب، کشورمان توانست جایگاه مهمی در اقتصاد جهانی کسب کند. بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول، ایران در سال ۲۰۱۷ توانسته است جایگاه خود را در میان ۱۹۳ کشور به عنوان هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا حفظ کند.^۲ جایگاه اقتصاد ایران با ۸ رتبه ارتقا از جایگاه ۲۶ (در سال ۱۹۷۹) به جایگاه ۱۸ (در سال ۲۰۱۷) در جهان بهبود یافته است. بر اساس اعلام صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۲ بزرگ‌تر از ۱۷۱ کشور جهان شد و بین ۲۲ اقتصاد برتر جهان قرار گرفت.^۳

۱. رک: سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۱۲.

۲. <https://tejaratnews.com.2>

۳. <https://www.farsnews.ir/news/14020126000193>

۲. تلاش در راستای فقرزدایی و ارتقای رفاه

انقلاب اسلامی اساساً در حمایت از حقوق مستضعفان و مبارزه با مستکبران شکل گرفت. امام خمینی رحمة الله علیه پابرهنگان را صاحبان این انقلاب می‌دانست.^۱ بر این مبنا، پس از پیروزی انقلاب، فقرزدایی به یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های جمهوری اسلامی تبدیل شد. تأسیس کمیته امداد و جهادسازندگی از مهم‌ترین اقدامات در این مسیر بود.

سازمان بهداشت جهانی در گزارشی دربارهٔ ایران نوشته است: در دو دهه گذشته با کمک نظام یارانه‌ای، میزان فقر به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کرده است.^۲

در دوران پهلوی فاصله طبقاتی بسیار زیاد و توزیع درآمدها بسیار نابرابر بود.^۳ یکی از دلایل انقلاب نیز اعتراض به این شرایط بود. منشی امور بین‌الملل فرح پهلوی، درباره اوضاع شهر تهران در سال‌های قبل از انقلاب می‌گوید: هجوم روستاییان باعث گسترش حلی‌آبادهای متعدد در حاشیه شهرها شد و انبوه کارگرانی که در این مناطق فاقد امکانات، سکنی گزیدند به قدری ناراحت و بی‌تاب بودند که وقتی جرقه انقلاب درخشید همه به انقلاب پیوستند.^۴

آمارها گویای آن است که پس از انقلاب، به جز برخی اقشار جامعه، اکثر مردم به خصوص صاحبان مشاغل آزاد، از وضعیت معیشتی مناسب‌تری نسبت به قبل از انقلاب برخوردار شده‌اند، اما به دلایل متعددی همچون

۱. خمینی، صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت، ص ۶۷.

۳. آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ص ۲۵۲ و ۴۱۱.

۴. صمیمی، پشت پرده تخت طاووس، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

تغییر الگوی زندگی (مانند الگوی مسکن، خوراک و...) و به تبع آن، افزایش سطح انتظار آن‌ها از زندگی، ابراز نارضایتی و احساس محرومیت در آنان افزایش یافته است.

به عنوان نمونه، امروزه الگوی سکونت برای عموم مردم نسبت به قبل از انقلاب و سال‌های ابتدای انقلاب تغییر یافته است، مثلاً در گذشته اگر عروس یا دامادی به خانواده‌ای اضافه می‌شد، در یکی از اتاق‌های همان خانه جای می‌گرفت، اما اکنون عموماً زوج‌های جوان به زندگی در مسکن مستقل روی می‌آورند. در خصوص الگوی خوراک نیز شاهد تغییرات اساسی در جامعه خودمان در سال‌های اخیر هستیم. در حدود ۳۰ سال پیش و قبل از آن، قوت غالب و ماده غذایی اصلی خانواده‌های ایرانی نان بود و برنج یک غذای اعیانی محسوب می‌شد، درحالی‌که امروز الگوی خوراک اکثریت جامعه تغییر یافته و عموماً برنج در غذای روزانه آنان جایگاه خاصی پیدا کرده است.

آمارهای جهانی نیز گویای بهتر شدن وضعیت رفاه مردم در سال‌های پس از انقلاب است. با در نظر گرفتن ضریب افزایش نیازهای نوظهور جامعه در بخش اقتصادی، دریافت خدمات و... این واقعیت به اثبات می‌رسد که در چهار دهه اخیر، قدرت خرید مردم نیز به میزان قابل توجهی تقویت شده است. گزارش‌های بانک جهانی از اقتصاد ایران، حاکی از بهبود وضع معیشتی مردم ایران بعد از انقلاب است.^۱ بر اساس آمار بانک جهانی، سرانه قدرت خرید خانوارهای ایرانی بر اساس ارقام ثابت سال ۲۰۱۰، در دوران پیش از انقلاب اسلامی همواره زیر ۱۰۰۰ دلار بوده است.^۲

1. <https://www.mashreghnews.ir/news/829965>.

۳. افزایش زیرساخت‌های خدماتی

○ توسعه راه‌ها

در بخش راه‌سازی و حمل و نقل تا سال ۱۳۵۷ حدود ۵۶۵/۴ کیلومتر خطوط ریلی در ایران ساخته شده بود که این رقم در سال ۱۳۹۷ به ۱۰۰۰۰ کیلومتر خطوط ریلی رسید و این مقدار براساس سند چشم‌انداز باید به حدود ۲۰۰۰۰ کیلومتر برسد؛ به عبارتی، متوسط سالانه احداث راه‌آهن در ایران پیش از انقلاب اسلامی ۸۰ کیلومتر بوده و این عدد بعد از انقلاب به ۱۶۸ کیلومتر افزایش یافته است.

۱۸۸

بخش منابع

افزایش راه‌های اصلی و فرعی کشور از ۳۶ هزار کیلومتر به بیش از ۲۰۰ هزار کیلومتر، افزایش فرودگاه‌ها از ۲۲ فرودگاه به حدود ۱۰۰ فرودگاه، افزایش تعداد بنادر و توسعه ناوگان دریایی از ۲۲۱۷ تن ظرفیت در سال ۱۳۵۷ به ۱۷۸۷۶ تن در سال ۱۳۸۱ و در اختیار داشتن بزرگ‌ترین ناوگان دریایی منطقه، سایر دستاوردهای انقلاب در این زمینه است.^۱

طول آزادراه‌ها از ۱۳۷ کیلومتر در سال ۱۳۵۶ به ۲۴۰۱ کیلومتر در سال ۱۳۹۶ (۱۷/۵ برابر) و طول بزرگ‌راه‌ها از ۵۳۹ کیلومتر به ۱۶۸۲۰ کیلومتر (۳۲ برابر) افزایش پیدا کرده است.^۲

همچنین ظرفیت تخلیه و بارگیری بنادر کشور از ۱۹ میلیون تن در سال ۱۳۵۶ به ۲۳۲ میلیون تن در سال ۱۳۹۶ (۱۲/۲ برابر) افزایش یافته است.^۳

۱. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>.

۲. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت،

ص ۹.

۳. همان، ص ۱۰.

○ گازرسانی

امروزه توسعه بهره‌مندی از گاز در مصرف انرژی و گرمایش در کشور، بسیار گسترده شده است. این آمار در دوران پهلوی بسیار محدود بود، به حدی که می‌توان گفت خدمات گازرسانی که امروزه شهرها را پشت سرگذاشته و روستاهای کشورمان یکی پس از دیگری از نعمت گاز بهره‌مند می‌شوند، به طور کامل از برکات انقلاب اسلامی است. تعداد مشترکین استفاده از گاز طبیعی از ۵۱ هزار خانواده در سال ۵۷ به حدود ۱۵ میلیون خانواده (۲۶۳ برابر) رسیده است.^۱ بر این اساس، مصرف سالانه داخلی گاز طبیعی از ۵ میلیارد متر مکعب در سال ۱۳۵۶ به ۲۳۲ میلیارد متر مکعب در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است.^۲

۱۸۹

برمدار امید

○ آب‌رسانی

طول شبکه آب‌رسانی کشور در سال ۱۳۵۷ به میزان ۲۴/۵ هزار کیلومتر بود، اما در سال ۱۳۹۴ در کل کشور ۴۵۰ هزار کیلومتر شبکه آب‌رسانی شهری و روستایی وجود داشته است. تعداد شهرهای تحت پوشش آب شهری، از ۴۵ شهر به ۱۱۱۳ شهر در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. آب‌رسانی به روستاها، از ۱۲۰۰ روستا در سال ۱۳۵۷ به ۳۳۲۹۷ روستا در سال ۱۳۹۱ رسیده است.^۳

سایر دستاوردها در این بخش از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۹۶ عبارتند از:^۴

1. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>.

۲. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت، ص ۱۴.

3. <https://www.dana.ir/1027475>.

۴. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت، ص ۱۲ و ۱۳.

❖ افزایش برخورداری جمعیت شهری از آب شرب از ۷۴/۶ درصد به ۹۹/۴ درصد؛

❖ افزایش برخورداری جمعیت روستایی از آب شرب از ۱۲ درصد به ۷۴ درصد؛

❖ افزایش برخورداری جمعیت شهری از شبکه مدرن فاضلاب از ۸/۵ درصد به ۴۸/۹ درصد در سال ۱۳۹۶.

○ برقرسانی

تعداد مشترکین برق از ۳,۳۹۹,۰۰۰ در سال ۵۷ به بیش از ۳۰ میلیون مشترک در سال ۱۳۹۷ رسیده است و ۴۳۶۷ روستای برخورداری از برق در سال ۵۷ به بیش از ۵۸۰۰۰ روستا رسیده است؛ یعنی نه تنها تمام شهرها بلکه بیش از ۹۹ درصد روستاهای کشور نیز از نعمت برق برخوردار شده‌اند. علاوه بر این، ایران به صادرکننده برق تبدیل شده و توانسته است در ردیف سومین کشور صاحب فناوری نیروگاه‌های خورشیدی قرار بگیرد.^۱ بر این اساس، ظرفیت عملی نیروگاه‌ها از ۵۲۷۰ مگا وات در سال ۱۳۵۶ به ۶۸۳۲۱ مگاوات در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است.^۲

○ سدسازی

تا قبل از انقلاب، ۱۹ سد مخزنی در مجموع با حجم مخزن ۱۳ میلیارد متر مکعب (معادل ۲۵ درصد) و ظرفیت آب قابل تنظیم سالانه ۱۴ میلیارد متر مکعب در کشور بهره‌برداری می‌شد که این میزان پس از انقلاب و تا بهمن ماه سال ۱۳۹۵ به تعداد ۱۶۵ سد مخزنی با حجم کل حدود ۵۱ میلیارد متر مکعب (معادل ۷۵ درصد) و ظرفیت آب قابل تنظیم ۳۷ میلیارد متر

1. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>.

۲. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت،

مکعب، افزایش یافته است. همچنین تعداد ۱۵۰ و ۱۲۴ سد در کشور به ترتیب در مراحل مختلف مطالعاتی و اجرایی قرار دارد که مجموع ظرفیت حجم مخازن آن‌ها به ترتیب ۲۳/۷ و ۲۱/۶ میلیارد مترمکعب است.^۱

۴. توسعه کشاورزی

بخش کشاورزی یکی از بخش‌های مهم اقتصاد است که پس از انقلاب اسلامی، احیا شد. در دوران پهلوی به علت اتخاذ سیاست‌های نادرست مثل انقلاب سفید، بخش کشاورزی ایران تقریباً نابود و ایران به واردکننده بزرگ محصولات کشاورزی تبدیل شده بود.

پس از انقلاب به دلیل توجه ویژه نظام اسلامی به توسعه بخش کشاورزی، ایران به سمت خودکفایی در کالاهای استراتژیک مانند گندم حرکت کرد. به گونه‌ای که امروزه بالغ بر ۹۰ درصد از نیاز کشور به محصولات کشاورزی از داخل کشورمان تأمین می‌شود. در سال‌های ۵۶ و ۵۷ حدود ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تن گندم در کشور تولید و بیش از یک میلیون و ۱۴۰ هزار تن وارد می‌شد. اما پس از انقلاب با اجرای طرح خودکفایی گندم، در سال ۱۳۹۵ کشورمان با تولید ۱۴/۵ میلیون تن گندم به خودکفایی در تولید این محصول اساسی رسید و حتی بخشی از گندم مازاد کشور هم به کشورهای همسایه صادر شد.^۲ بر اساس آمارهای بانک جهانی شاهد رشد ۳۰۰ درصدی این شاخص نسبت به اواخر دوران رژیم پهلوی هستیم.^۳

سایر دستاوردهای کشاورزی ایران از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۶ عبارتند از:^۴

۱. <https://mazanddanab.ir/?app=content&catid.>

۲. <https://www.mashreghnews.ir/news/640108.>

۳. <https://www.mashreghnews.ir/news/829965.>

۴. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت،

- ❖ افزایش تولید گوشت مرغ از ۱۶۳ هزار تن به ۲۲۳۶ هزار تن؛
- ❖ افزایش صادرات بخش کشاورزی از ۲۸۵ میلیون دلار به ۵۷۷ میلیون دلار؛
- ❖ افزایش سطح گلخانه‌های کشور از ۵۰۰ به ۱۵۰۰۰ هکتار توسعه صنعتی.

۵. توسعه صنعتی

ایران در سال‌های قبل از انقلاب، روزانه بیش از ۵/۵ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد ولی درآمد هنگفت ناشی از صادرات نفت خام، مبنای توسعه و استقلال اقتصادی ایران قرار نمی‌گرفت. سران رژیم پهلوی انگیزه چندانی برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و کشاورزی نداشتند و بیشتر به دنبال واردات کالاهای خارجی بودند. در بخش‌هایی هم که سرمایه‌گذاری محدودی بر روی صنایع صورت می‌پذیرفت عمدتاً مربوط به صنایع مونتاژکار بود.^۱

مهم‌ترین دستاوردهای صنعتی بعد از انقلاب را می‌توان چنین برشمرد:^۲

۱. افزایش تولید سیمان از ۶/۳ میلیون تن به حدود ۸۰ میلیون تن؛
۲. افزایش تولیدات معدنی از ۲۰ میلیون تن به ۲۲۰ میلیون تن؛
۳. افزایش و توسعه تولید و صادرات انواع خودروهای سبک و سنگین؛
۴. افزایش و توسعه انواع کارخانجات لوازم خانگی و صنعتی؛
۵. توسعه پالایشگاه‌ها و مراکز پتروشیمی و ساخت بیش از ۴۰ کارخانه بزرگ نفت، گاز و پتروشیمی؛

1. <https://www.yjc.ir/fa/news/6431827>.

۲. گروهی از نویسندگان، انقلاب چهل ساله؛ نگاهی به دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۶-.

۶. ارتقای میزان خودکفایی کشور در صنعت نفت از ۴٪ به ۸۰٪؛

۷. افزایش نیروگاه‌های آبی از ۳۸ نیروگاه با ظرفیت ۷۰۲۴ مگاوات در سال ۱۳۵۷ به ۱۲۲ نیروگاه با ظرفیت ۳۵/۱۷۶ مگاوات در سال ۱۳۹۷؛

۸. افزایش قابل توجه تولید فولاد از نیم میلیون تن قبل از انقلاب به ۳۸ میلیون تن در سال ۱۳۹۷.^۱

بر اساس گزارش‌های سازمان برنامه و بودجه ریاست جمهوری، پیشرفت صنعتی ایران از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۶ در شاخص‌های زیر به این شرح بوده است:^۲

❖ افزایش سهم صادرات غیرنفتی به کل صادرات از ۱۷/۶ درصد به ۳۹/۳ درصد؛

❖ کاهش نسبت درآمدهای نفتی به منابع بودجه عمومی از ۷۳/۱ درصد به ۲۸/۷ درصد؛

❖ افزایش تولید سنگ آهن از ۱۲۵۰ هزار تن به ۳۴۴۷۶ هزار تن؛

❖ افزایش محصولات پتروشیمی از ۲/۷ میلیون تن به ۵۰/۷ میلیون تن؛

• دستاوردهای علمی و فناوری

۱. ارتقای سطح سواد

قبل از انقلاب اسلامی ۱۴ میلیون نفر در ایران بی‌سواد بودند؛ یعنی نیمی از جمعیت کشور! بعد از انقلاب با وجود مشکلات فراوان از جمله جنگ

۱. ایران در جایگاه چهاردهم تولید فولاد جهان قرار دارد. پس از انقلاب اسلامی، تولید فولاد در ایران ۱۸ برابر متوسط جهانی بوده است که جهش شگفت‌انگیزی را در تولید این محصول راهبردی نشان می‌دهد:

<https://www.farsnews.com/news/13971016000731>

۲. سازمان برنامه و بودجه، ص ۱۹ و ۲۰.

تحمیلی، تلاش‌های بسیاری برای باسواد شدن مردم انجام شد تا جایی که یونسکو، بارها ایران را از موفق‌ترین کشورها در مبارزه با بی‌سوادی معرفی کرد.

نرخ باسوادی گروه سنی شش سال و بالاتر که در سال ۱۳۵۵ از ۴۷/۲٪ فراتر نمی‌رفت، به حدود ۸۸٪ در سال ۱۳۹۵ رسید. قبل از انقلاب اسلامی، نزدیک به ۷۰٪ بزرگسالان کشور بی‌سواد بودند و کمتر از ۴۰٪ کودکان می‌توانستند به مدرسه بروند.^۱

طبق برخی آمارها، نرخ باسوادی جمعیت شش ساله و بالاتر در کشورمان از ۴۸/۸ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۸۸/۲ در سال ۱۳۹۶ افزایش پیدا کرده است.^۲ همچنین نرخ باسوادی جمعیت افراد ۱۰ ساله تا ۴۹ ساله از ۵۰/۳ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۹۵/۲ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است.^۳

تعداد دانشجویان آموزش عالی از ۱۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۶ به ۴ میلیون و ۷۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. بر این اساس، نسبت دانشجو به جمعیت (برای سنین ۱۸ تا ۲۴ سال) از ۴ درصد به ۴۷/۵ درصد افزایش یافته است.^۴

همچنین ایران در حوزه فناوری‌های فضایی در منطقه، در زمینه پرتاب و زیرساخت‌ها در رتبه دوم، در علوم اکتشافات در رتبه دوم و در بخش ناولبری هم در رتبه دوم قرار دارد.^۵

۱. رک: حشمت‌زاده، آثار و نتایج اسلامی ایران، ص ۵۵.

۲. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت،

ص ۲.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴.

۵. همان، ص ۶.

۲. رشد تعداد دانشگاه‌ها و مدارس

تعداد دانشگاه‌های کشور که پیش از انقلاب حدود ۱۵ واحد دانشگاهی بود، امروز به بیش از ۲۶۴۰ واحد رسیده است.^۱ همچنین تعداد مدارس کشور که پیش از انقلاب حدود ۴۷ هزار واحد بود، با رشد حدود پنج برابری، به ۲۲۰ هزار مدرسه رسیده است.^۲

۳. افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان

تعداد دانشجویان دانشگاه‌های کشور که پیش از انقلاب حداکثر ۱۵۵ هزار نفر بود،^۳ در سال ۱۳۹۳ از چهار میلیون و دویست هزار نفر گذر کرد.^۴ تعداد شاغلین به تحصیل در سال ۵۷ در مقطع کارشناسی ۹۸ هزار دانشجوی بود که در سال ۱۳۹۷ به ۲۸۱۹۶۶۲ نفر افزایش یافت. در مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) در سال ۵۷، ۶۳۴۰ نفر دانشجو داشتیم ولی برهه کنونی، سالانه ۷۲۰ هزار نفر فارغ‌التحصیل داریم. در مقطع دکترا نیز سالانه ۹۴ هزار نفر (حدود صد هزار نفر) فارغ‌التحصیل داریم.^۵

۴. تولید علم

تولیدات مقالات علمی پیش از انقلاب بسیار ناچیز بود ولی اکنون ایران با بیش از ۲۰۰ دانشمند مطرح در سطح دانشمندان برتر جهان،^۶ رتبه اول علمی (تعداد مقالات) در منطقه و رتبه شانزدهم را در جهان به دست آورده

1. <https://www.isna.ir/95050105835>.

2. <https://www.dana.ir/224173>.

۳. آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۹۴.

4. <https://www.dana.ir/224173>.

۵. خبرگزاری حوزه: <http://hawzahnews.com>، سخنان محمد رضا مخبر دزفولی دبیر شورای عالی

انقلاب فرهنگی در همایش مبلغان محرم، ۱۳۹۷/۰۶/۱۳.

6. <https://www.tabnak.ir/fa/news/831559>.

است.^۱ سهم ایران در تولید علم جهانی از یک صدم درصد در سال ۱۳۵۷ به ۱/۸۱ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. سهم ایران در تولید علم دنیا، افزایش ۱۸۰ برابری و آمار تولید مقاله توسط محققان ایرانی، رشد ۵۵ برابری داشته است. طبق آمار ۲۰۱۷ ایران دارای بیشترین ارجاعات علمی با رتبه «هفدهمین کشور» در این زمینه محسوب شده است.

بر اساس همین رشد چشمگیر تولیدات علمی است که نشریه نیوساینست در سال ۲۰۱۰ گزارش داد: نرخ رشد علمی ایران ۱۱ برابر میانگین جهانی است.^۲ طبق یافته‌های مراکز علم‌سنجی بین‌المللی، رشد علمی ایران با معیار جهانی، تنها طی ۱۲ سال (از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷) به ۱۸ برابر رسیده است و از این جهت، ایران سریع‌ترین نرخ رشد علمی را در میان کشورهای جهان داشته است.^۳

تعداد اختراعات ثبت شده در کشور تا سال ۱۳۹۶ بیش از ۳۰۰ هزار بوده است. بر این اساس، ایران شانزدهمین کشور دنیا در ثبت اختراعات محسوب می‌شود.^۴ «نانوتکنولوژی» یکی از مهم‌ترین این موارد است. تا سال ۱۳۹۵ در ایران ۳۳٪ محصول در حوزه فناوری نانو تولید شده است که این محصولات به ۱۵ کشور صادر می‌شود.^۵

انرژی هسته‌ای از مهم‌ترین عرصه‌های علم و فناوری است که جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب به آن دست یافت. ایران جزو ۱۳ کشور دارنده چرخه سوخت هسته‌ای در دنیا است که اکتشاف و استخراج اورانیوم،

۱. دانشگاه امام حسین، ایران ۲۰: برترین جایگاه‌های ایران در آمارهای بین‌المللی، ص ۷۰.

۲. همان، ص ۷۴.

3. <https://www.mehrnews.com>.

۴. روزنامه همشهری، ۵ تیر ۱۳۹۷، شماره ۷۴۱۵.

۵. سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «کارنامه علمی ایران در قاب انقلاب»، ۲۰ بهمن ۱۳۹۵.

نشانی: www.drt.msrt.ir

تولید کیک زرد و تبدیل آن به گاز UF₆ برای تولید سوخت هسته‌ای در آن صورت می‌گیرد. همچنین ایران جزو کشورهایی است که توانایی غنی‌سازی اورانیوم را دارند.^۱

۵. هوا و فضا

طبق اظهار نظر مؤسسه معتبر جهانی «فوتون»، ایران یکی از قدرت‌های نوظهور در عرصه فناوری هوا و فضا و یازدهمین کشور از نظر توسعه در عرصه فناوری فضایی است. همچنین ایران در جمع یازده کشوری است که دارای فناوری پرتاب ماهواره هستند.^۲

ایران در زمینه پرتاب و زیرساخت‌ها و همچنین در بخش‌های ناوبری و علوم اکتشافات رتبه دوم، در بخش سنجش از راه دور و بخش فناوری‌های ماهواره رتبه پنجم را از آن خود کرده است.^۳

• سلول‌های بنیادی

ایران در میان کشورهای متبحر در زمینه تحقیقات سلول‌های بنیادی پرتوان (I.S.P)، جزو ۱۰ کشور برتر جهان بوده و رتبه نخست را در منطقه دارد. محققان ایرانی توانسته‌اند با درایت و تلاشی تحسین‌برانگیز، پیشرفت‌های خوبی در این زمینه داشته باشند. آن‌ها توانسته‌اند از سلول‌های بنیادی حتی در پیوندهای مغز استخوان، پوست و ترمیم بافت آسیب‌دیده قلب استفاده کنند. همچنین در پژوهش‌کده رویان اصفهان، شبیه‌سازی سلول‌های بنیادی انجام شده است. هم‌اکنون تولید سلول‌های بنیادین جنینی و علم شبیه‌سازی در کشور به دانشی بومی تبدیل شده است و

۱. دانشگاه امام حسین، ایران ۲۰: برترین جایگاه‌های ایران در آمارهای بین‌المللی، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد ملی نخبگان: www.bmn.ir/76268

شبیه‌سازی حیواناتی چون بز، گوسفند و گوساله در سال‌های اخیر باعث شده است که ایران در زمینه سلول‌های بنیادی در جمع کشورهای مطرح این حوزه قرار بگیرد.^۱

برخی دیگر از دستاوردهای علمی کشور عبارتند از:^۲

۱. ورود موفقیت‌آمیز و همزمان با سایر کشورهای پیشرفته به عرصه علوم جدید مانند: لیزر، میکرو الکترونیک، علم ساخت ربات و کسب موفقیت‌های جهانی در مسابقات رباتیک؛

۲. توسعه سخت‌افزاری و ساخت ابررایانه؛

۳. کسب رتبه ۱۳ جهانی در زیست‌فناوری و رتبه اول در منطقه؛

۴. کسب رتبه ۱۷ در فناوری ارتباطات با ۴۲ میلیون کاربر اینترنتی و رتبه نهم در عرضه خدمات اینترنتی و کسب رتبه ۲۲ در عرضه تلفن همراه با ۷۴ میلیون دارنده در کشور.

● دستاوردهای پزشکی و سلامت

قبل از انقلاب سطح سلامت و خدمات پزشکی در کشور بسیار پایین بود. گسترش بیماری‌های واگیردار و کمبود پزشک به ویژه در شهرهای کوچک و روستاها، دو شاخص مهم رکود بخش سلامت در ایران بود، به طوری که پزشکی از کشورهای دیگر مانند: هند، بنگلادش و پاکستان به ایران می‌آمدند. بعد از انقلاب با گسترش دانشگاه‌های پزشکی و مراکز علمی و تحقیقاتی، ایران به یکی از مهم‌ترین قطب‌های پزشکی در منطقه و جهان تبدیل شده است. اگر قبل از انقلاب واردکننده محصولات و خدمات پزشکی بودیم، امروزه در این عرصه صادرکننده هستیم. افزون بر دارو،

1. www.royaninstitute.org

۲. دانشگاه امام حسین، ایران ۲۰: برترین جایگاه‌های ایران در آمارهای بین‌المللی، ص ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۱.

بسیاری از بیماران خارجی برای درمان به ایران سفر می‌کنند. گردشگری پزشکی در سال‌های اخیر به یکی از عرصه‌های مهم علمی و اقتصادی تبدیل شده است.

صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) پیشرفت پزشکی ایران بعد از انقلاب را چنین گزارش می‌کند: ایران در سه دهه گذشته، سیاست‌هایی را به منظور برطرف کردن نیازهای مردم در سطح کشور در پی گرفته است. ایران از زمان انقلاب اسلامی تاکنون شبکه بهداشتی را در تمام کشور و در هر شهر و روستا، گسترش داده است. ایران شاخص‌های بهداشتی خوبی دارد. بیش از ۸۵ درصد از جمعیت روستایی و مناطق محروم ایران، به خدمات مراقبت‌های اولیه دسترسی دارند. شاخص‌های بهداشت و درمان در جمهوری اسلامی در چهل سال گذشته، بهبود فراوانی یافته است و در حال حاضر از میانگین‌های منطقه‌ای آن بالاتر است. با توجه به گسترش خانه‌های بهداشت در سراسر کشور، این شاخص‌ها در مناطق شهری و روستایی ایران، با یکدیگر برابر است.^۱

در ادامه، مهم‌ترین شاخص‌ها در زمینه دستاوردهای پزشکی بعد از انقلاب را مرور می‌کنیم:

۱. در سال ۱۳۵۵، فقط ۵۱ درصد مردم ایران به آب بهداشتی سالم دسترسی داشتند، در حالی که این آمار در همان زمان در برخی کشورهای آفریقایی مانند لیبی ۸۷ درصد بود. در سال ۱۳۹۷ این آمار در ایران به ۹۰ درصد رسید. اکنون کشورهایی مانند: روسیه، چین و هند بعد از ایران قرار دارند.^۲

همچنین برخورداری جمعیت شهری از آب شرب از ۷۴/۶ درصد در سال

1. <http://hawzahnews.com/detail/news/460996>.

۲. خبرگزاری فارس، تاریخ ۱۳۹۷/۳/۳۰.

۱۳۵۶ به ۹۹/۴ درصد در سال ۱۳۹۶ و برخورداری جمعیت روستایی از ۱۲ درصد به ۷۴ درصد افزایش یافته است.^۱

۲. به گزارش «المانیتر» از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ شاخص توسعه انسانی (طول عمر، دسترسی به آموزش و استانداردهای زندگی) در ایران ۶۷ درصد رشد کرده است که دو برابر میانگین جهانی است.^۲

۳. یکی از دستاوردهای مهم حوزه پزشکی، افزایش تعداد پزشکان و متخصصان است. پیش از انقلاب اسلامی در کل کشور، تنها ۵ هزار و ۸۹۰ متخصص وجود داشت که ۶۸ درصد آنان در تهران بودند، اما در حال حاضر بر اساس آمار نظام پزشکی، ۸۷ هزار نفر پزشک عمومی، ۳۶ هزار نفر پزشک متخصص و فوق تخصص، ۲۴ هزار نفر دندانپزشک عمومی، ۲ هزار نفر دندانپزشک متخصص، ۱۹ هزار نفر دکتر داروساز، یک هزار و ۲۰۰ نفر دکترای علوم آزمایشگاهی، ۵۳ هزار نفر ماما و ۵۱ هزار نفر گروه‌های پروانه‌دار در کشور مشغول فعالیت هستند. همچنین در حال حاضر، ۳۰ هزار نفر دانشجوی رشته پزشکی عمومی مشغول تحصیل هستند و پیش‌بینی می‌شود که حدود ۴ هزار نفر سالانه به جمعیت پزشکان عمومی اضافه شود. از سوی دیگر، حدود ۱۰ هزار نفر از جمعیت پزشکان عمومی کشور در حال گذران تحصیلات تکمیلی در رشته‌های تخصصی هستند. این آمار در مقایسه با قبل از انقلاب، افزایشی ۱۵ برابری داشته است.^۳

۴. بعد از انقلاب، توسعه و رونق بسیار خوبی در صنعت داروسازی ایران

۱. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت،

ص ۱۲.

2. <http://hawzahnews.com/detail/news/460996>.

3. <https://www.mehrnews.com/news/3898873>;

<https://www.tahlileiran.ir/a/45920.html>.

اتفاق افتاد. اکنون ۳۴ داروی بیوتکنولوژیک تمام ایرانی در کشور تولید می‌شود. همچنین داروهای متعدد نو ترکیب برای بیماری‌های صعب‌العلاج در کشور تولید می‌شود؛ مانند فاکتور ۸ برای درمان بیماری‌های خونی، هموفیلی و داروی تراستوزومپ، هرسپیتین برای درمان سرطان سینه، واکسن هموفیلوس آنفولانزا، برای پیشگیری از مننژیت اطفال، داروی نو ترکیب برای درمان ناباروری، داروی هورمونی سینوپار برای درمان اختلال غدد پاراتیروئید، و داروی هورمونی لوپرولاید برای درمان سرطان پروستات و ریه و وارفارین به عنوان رقیق‌کننده خون.^۱

۵. تولید بیش از ۳ میلیارد دُز واکسن انسانی و دامی در ۶۵ نوع مختلف، از دستاوردهای محققان زیست‌فناوری ایران در دوران پس از انقلاب است که کسب رتبه نخست تولید واکسن و سرم در خاورمیانه را نصیب ایران کرده است.^۲

۶. امید به زندگی قبل از انقلاب در ایران، ۵۷ سال بود اما در سال‌های اخیر، این رقم در زنان به حدود ۸۰ سال و در مردان به حدود ۷۵ سال رسیده است.^۳

۷. پیش از انقلاب از هر ۵ کودک ایرانی، یک نفر تا قبل از ۵ سالگی فوت می‌کرد. این آمار بعد از انقلاب، یازده برابر کاهش یافته است.^۴

سایر نوآوری‌ها و اختراعات پزشکی پس از انقلاب اسلامی عبارتند از:

1. <https://www.mehrnews.com/news/3898873>;

<https://www.farhangesadid.ir/fa/news/63533>.

2. <https://www.mehrnews.com/news/3898873>.

۳. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، کد خبر: ۹۵۱۱۱۴۰۹۸۴۰، تاریخ ۹۶/۲/۱.

۴. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه‌هایی از پیشرفت،

ص ۸۷؛ دانشگاه امام حسین ایران ۲۰: برترین جایگاه‌های ایران در آمارهای بین‌المللی، ص ۱۹.

تولید سلول‌های بنیادی، تزریق سلول‌های شوآن (Schwann Cells) برای ترمیم آسیب‌های نخاعی به عنوان یک درمان بی‌خطر، تولید دستگاه شتاب‌دهنده خطی ایرانی برای تشخیص و درمان سرطان، تولید دارویی به نام آنژی پارس برای درمان زخم بیماران دیابتی، تولید داروی گیاهی درمان ایدز و همچنین نانوکریستال‌های مؤثر در ترمیم بافت‌های آسیب‌دیده داخل بدن.

● دستاوردهای سیاسی

۱. استقلال سیاسی

قبل از انقلاب قدرت‌های غربی به ویژه آمریکا در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند و سرمایه‌های کشور را به یغما می‌بردند. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و کاپیتولاسیون نمونه‌های بارز آن است. علت مخالفت و دشمنی نظام سلطه با انقلاب اسلامی نیز به این ویژگی مهم انقلاب اسلامی باز می‌گردد که برخاسته از قدرت ایمان و بصیرت انقلاب است.

۲. تشکیل حکومت اسلامی

استقرار حکومت اسلامی مهم‌ترین هدف نظام سیاسی اسلام است که پشتوانه اجرای حدود و شریعت اسلامی است. در طول تاریخ اسلام، این امر مهم صرفاً در برخی دوره‌های زمانی کوتاه، محقق شده است و امروزه انقلاب اسلامی محقق‌کننده هدف انبیاست. درحالی‌که در دوران رژیم پهلوی بر سکولاریسم تأکید می‌شد، انقلاب اسلامی حکومتی دینی را به ارمغان آورد.

۳. مردم سالاری دینی

رژیم استبدادی شاهنشاهی جایگاهی برای مردم در نظام سیاسی قائل نبود، ولی انقلاب اسلامی از همان ابتدا با ماهیتی کاملاً مردمی به عرصه آمد. اکنون انقلاب اسلامی با برگزاری بیش از ۴۰ انتخابات، ماهیت مردمی خود را تثبیت کرده است؛ درحالی که قبل از انقلاب اسلامی، اداره امور کشور توسط اقلیتی نظامی تحت عنوان رژیم شاهنشاهی و بدون هیچ گونه مراجعه حقیقی به رأی و نظر مردم انجام می شد.^۱

۴. ارتقای آگاهی سیاسی

تجربه انقلاب اسلامی و سال ها مقابله و مبارزه با نظام سلطه، سطح آگاهی و بصیرت سیاسی مردم را ارتقا داده است. افزون بر این، مشارکت سیاسی گسترده پس از انقلاب که حاکی از مردمی بودن انقلاب بوده نیز به ارتقای این آگاهی، کمک شایانی کرده است.

چگونه کارآمدی حکومت ها را ارزیابی کنیم؟

پرسش:

۳۵. آیا ۴۰ سال زمان کافی برای نشان دادن کارآمدی یک حکومت نیست؟ چرا پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی هنوز مردم ایران این همه فقر و بدبختی دارند؟

پاسخ:

قضاوت پیرامون موفقیت و کارآمدی پدیده مهمی چون حکمرانی و کشورداری، نظام سیاسی یا فرد بر اساس سه شاخصه اهداف، امکانات و

۱. آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ص ۳۷۲.

موانع آن پدیده مشخص می‌شود. با توجه به این سه شاخصه هرچه یک پدیده در تحقق اهدافش موفق باشد، به همان نسبت تواناتر و کارآمدتر است.

از سوی دیگر در سنجش، دآوری و ارزیابی کارآمدی پدیده‌ها، توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

۱. هر پدیده اهداف، امکانات و موانع خاص خود را دارد، پس به راحتی می‌توان دریافت که کارآمدی امری نسبی است و مختص خود آن پدیده است. از سوی دیگر با توجه به این که اهداف، امکانات و موانع یک پدیده خاص نیز می‌تواند تغییر کند، کارآمدی هر پدیده خاص در حالات و شرایط گوناگون متفاوت است. از این رو، کارآمدی نظام سیاسی را باید در شرایط و مراحل گوناگون، جایگزینی، استقرار، تثبیت اولیه، گذار و ثبات را به صورت جداگانه بررسی و ارزیابی کرد. البته کارآمدی کل برابر با حاصل جمع (جبری) کارآمدی‌های مراحل گوناگون است.

۲. در مقام ارزیابی کارآمدی یک پدیده مرکب، نظیر نظام سیاسی، به هیچ وجه نمی‌توان به روش کارآمدی یا ناکارآمدی یک جزء، آن پدیده را کارآمد یا ناکارآمد دانست؛ برای مثال، نمی‌توان از کارآمدی یکی از اجزای نظام سیاسی لیبرال، کارآمدی کل این نظام را نتیجه گرفت و یا از ناکارآمدی یکی از اجزای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ناکارآمدی کل این نظام را استنتاج کرد؛ زیرا کارآمدی یک پدیده مرکب، امری است مجموعی که از حاصل جمع (جبری) کارآمدی اجزا به دست می‌آید.

۳. اهداف یک پدیده می‌تواند از نظر کمی و کیفی متفاوت باشد؛ از این رو در برآورد کارآمدی آن پدیده باید به تفاوت میان آن اهداف و سهم و ارزش

هر یک توجه داشت. دلیل تفاوت اهداف نیز وابسته به نوع ارزش آن‌ها است. از این رو باید گفت که نظام ارزشی تعیین‌کننده اهداف است؛ برای مثال، در نظام‌های لیبرال که مادی‌گرا هستند، ارزش‌ها بر اساس رفاه مادی سنجیده می‌شود ولی در نظام‌های دینی و الهی به اهداف معنوی نیز توجه ویژه می‌شود.

اکنون با توجه به مطالب فوق می‌توان این سؤال را مطرح کرد که با وجود مشکلات و مفاصل و عملکردهای نادرست در کشور چگونه می‌تواند به کارآمدی نظام معتقد بود؟ در پاسخ می‌توان گفت:

الف. با وجود برخی کمبودها و مشکلات در کشور، کارنامه نظام در بخش‌های مختلف قابل دفاع است زیرا:

❖ امروز با وجود همه مشکلات و نارسایی‌ها، کشور ما در بخش‌های مختلف پزشکی، الکترونیکی، هوافضا، نانو، هسته‌ای و نظامی، دارای دستاوردهای چشم‌گیری شده است و در این بخش‌ها جزو چندین کشور برجسته دنیا قرار دارد. وقتی ارزش این پیشرفت‌ها بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم، این دستاوردها با وجود همه دشمنی‌ها و مانع‌تراشی‌های جبهه استکبار و تحریم‌ها و فشارها به دست آمده است.

❖ امروز، نظام جمهوری اسلامی از کشوری وابسته و سرسپرده و حافظ منافع غرب، در منطقه و جهان به کشوری مستقل، مقتدر و تأثیرگذار تبدیل شده است و در تحولات جهانی و منطقه‌ای نمی‌توان نقش کشور ما را نادیده گرفت و یکی از دلایل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی همین تأثیرگذاری و نفوذ بوده که مانعی بر سر راه زیاده‌خواهی‌ها و اهداف استکباری است. کسی منکر وجود مشکلات و کاستی‌ها - به ویژه در بخش اقتصادی - نیست، اما کدام کشور است که با مشکلات و چالش روبه‌رو نباشد؟ آیا کشورهایی که داعیه پیشرفت و توسعه دارند

با مشکلات متعدد دست به گریبان نیستند؟ بنابراین نباید به گونه‌ای وانمود کرد که تنها کشور ما دارای این مشکلات است. ارزیابی منصفانه درگرو توجه به مجموعه اقدامات مثبت و نقاط ضعف در کنار هم بدون هرگونه بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی مشکلات و نادیده‌گرفتن نقاط قوت است.^۱

ب. کسی منکر وجود مفاسد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی کشور نیست و این وضعیت به هیچ وجه زیبنده نظامی که داعیه‌دار اجرای اسلام است، نیست، ولی باید به این موارد نیز توجه داشت:

❖ در مورد وضعیت مفاسد و ناهنجاری‌ها در کشور ضمن واقع‌بینی از هرگونه بزرگ‌نمایی پرهیز شود.

❖ وضعیت کنونی کشور به عنوان نقطه مطلوب و آرمانی و تمام توانایی نظام تلقی نشود زیرا تا رسیدن به نقطه قابل قبول و تحقق نظام اسلامی کامل فاصله زیادی وجود دارد.

❖ گرچه نقش دولت در مقابله با مفاسد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی قابل انکار نیست، اما همه مسئولیت را نباید به گردن دولت و نظام گذاشت و مسئولیت فردی و اجتماعی افراد را در بروز این مشکلات نادیده گرفت.

❖ وجود مشکلات و ضعف‌ها در کشور نشانه برخی کم‌کاری‌ها و ضعف عملکردی است نه ناکارآمدی نظام؛ زیرا دستاوردها و پیشرفت‌های کشور نشان داده که در صورت مدیریت صحیح منابع و مصرف و برنامه‌ریزی مناسب، می‌توان با کسب موفقیت در بخش‌های مختلف، بر مشکلات فائق آمد.

۱. برای مطالعه پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور، برای نمونه ر.ک: راجی و خاتمی، صعود چهل ساله (مروری بر دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمارهای بین‌المللی).

❖ کشوری که توانسته است با وجود همه مشکلات و موانع، در بخش‌های مختلف پزشکی، نانو، فضایی، هسته‌ای و نظامی دستاوردهای چشمگیری داشته باشد، آیا قادر نیست مشکلات اقتصادی را حل کند؟ بی‌تردید اگر مسئولان نظام با همت و تلاش مضاعف، برنامه‌ریزی مناسبی داشته و در مسیر تحقق کامل اقتصاد مقاومتی گام بردارند، حل این مشکلات چندان دشوار نخواهد بود.

پاسخ و جمع‌بندی پرسش فوق را می‌توان در این بیان مقام معظم رهبری نیز مشاهده کرد:

«بنده اعتقاد این است که نظام اسلامی از همه دولت‌هایی که در دوران استعمار و دوران نزدیک به استعمار در کشور ما وجود داشته، قوی‌تر عمل کرده است. بدون تردید نظام جمهوری اسلامی در همه بخش‌ها قوی عمل کرده است. عناصر مؤمن و کارآمد در نظام وجود داشته‌اند؛ پشتوانه مردمی هم به آن‌ها کمک کرده است. در بخش‌هایی ما با قدرت وارد میدان شده‌ایم که فکرش را نمی‌توانستیم بکنیم. در همه بخش‌ها این‌طور است. البته اقتضای این دوره از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار بیشتر، انقلابی‌تر، مؤمنانه‌تر و همه امکانات را بیش از این به میدان آوردن است؛ این را قبول داریم. البته کم‌کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد؛ بین این‌ها باید تفکیک قائل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام اسلامی کارایی دارد... کارآمدی نظام غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است؛ نظام، نظام کارآمدی است. البته کارآمدی نظام، مجموعه عملکرد مثبت و منفی‌ای است که دستگاه‌های نظام دارند؛ اما این برآیند مثبت است»^۱.

فلسفه و روش مقایسه دستاوردها

پرسش:

۳۶. این همه کشور پیشرفته در جهان، چرا ایران را با همسایه‌هایش مقایسه می‌کنید؟

پاسخ:

جواب سؤال در این چند نکته است:

۱. در مقایسه باید تناسب را رعایت کرد. طبیعی است انقلاب اسلامی در تقابل با رژیم پهلوی بود و باید آن را با رژیم پهلوی سنجید. مقایسه حال و گذشته برای سنجش مسیر پیشرفت همواره مورد توصیه است.
۲. فارغ از این نکته، باز هم اگر قرار است کشوری با کشورهای دیگر مقایسه شود باید شرایط مقایسه در آن لحاظ شود. برخی از این شرایط عبارتند از:

الف) اول بین نقطه شروع یکی است؟

اگر قرار است دو دونده با هم مقایسه شوند، باید دقت کرد که هر دو حرکت را از یک نقطه شروع کرده باشند، در غیر این صورت مقایسه بین جایگاه فعلی آن‌ها اصلاً صحیح نیست. ما نمی‌توانیم کشورهای پیشرفته را که در ۴۰ سال پیش جزو برترین‌ها بودند را با کشور خودمان مقایسه کنیم که در نوعی استعمار غیرمستقیم بودیم. باید به گذشته‌ای که حکومت پهلوی برای ایران ساخت توجه کنیم.

میراث به‌جامانده از رژیم قبل (منابع اداری، سرمایه مادی و سرمایه انسانی) در تحولات پس از انقلاب مؤثرند. رژیم پهلوی نه تنها سرمایه‌ای

به جا گذاشت بلکه سرمایه‌های کشور را به یغما برد. محمدرضا شاه ۳۵ میلیارد دلار از کشور خارج کرد. برای درک اهمیت این مقدار پول خارج شده از کشور خوب است بدانیم، هزینه کشور در سال ۱۳۵۷ کمتر از ۱۸ میلیون دلار بوده است.^۱

ب) مقایسه در شرایط برابر

اگر قرار است دو شخص یا کشور با هم مقایسه شوند باید شرایط یکسان تصور شوند و موانعی که روبروی یکی هست و روبروی دیگری نیست در این مقایسه لحاظ شوند، وگرنه اگر در مسابقه دو خودرو با امکانات متفاوت اگر خودروی به روزتر، پیروز این رقابت شد، لزوماً به این معنا نیست که شخص پیروز راننده بهتری است. به همین ترتیب اگر قرار است هر کشوری با ایران مقایسه شود باید با همین شرایط جنگ و تحریم‌ها و حجم‌های رسانه‌ای و مانند آن لحاظ شود. اگر امارات، کره، ژاپن یا هر کشور دیگری این چنین مانند ایران تحت فشار جنگ، تحریم، تجهیز و تحریک گروهک‌های تروریستی و تجزیه طلب، ترور دانشمندان، حجم رسانه‌ای و کارشکنی‌های بین‌المللی قرار می‌گرفت امروزه چه وضعیتی داشت؟

در چهل سال اول انقلاب اسلامی، حدود ۶۰ تحریم دامنه‌دار علیه ایران در عرصه‌های مختلف وضع شده است.^۲ خسارت جنگ ایران و عراق بین ۴۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است درحالی‌که کل درآمد نفتی کشور در دوران جنگ حدود ۸۹ میلیارد دلار و بودجه عمومی کشور در طول این سال‌ها ۲۱۲ میلیارد دلار بوده است.^۳

۱. ر.ک: مقصودی و سعیدی، پیش‌رفته‌ایم، مروری بر پیشرفت‌های اقتصادی چهل ساله نظام با وجود

موانع و کاستی‌ها، ص ۸ و ۹.

۲. همان، ص ۱۰ و ۱۱.

۳. ر.ک: دژپسند و رثوفی، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی.

محدودیت‌های بین‌المللی شرایط نامساعدی را برای بازسازی جامعه از دولت‌های انقلابی ایجاد کرد. اقدامات دولت‌های ضدانقلاب از طریق فشارهای بیرونی نظیر حمله نظامی، اعمال تحریم‌ها یا تقویت ضدانقلاب داخلی مانع از انجام بسیاری از تغییرات مورد نظر کشور می‌شود.

بررسی اقتصاد ایران بر اساس پنج شاخص مهم اقتصاد کلان (ضریب جینی و نرخ بیکاری، نرخ تورم، رشد بخش‌های سه‌گانه و نرخ رشد اقتصادی) در دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۵ (با لحاظ عوامل اقتصادی و غیراقتصادی سیاسی و اجتماعی) و داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد، کلیه نتایج اقتصادی انقلاب اسلامی ایران از نظر شاخص‌های مورد بررسی در ده ساله اول منفی بوده‌اند، اما در بلندمدت به تدریج اندکی بهبود یافته‌اند. مهم‌ترین عوامل داخلی و خارجی که نتایج اقتصادی انقلاب ایران را متأثر ساخته‌اند عبارتند از: اقتصاد نفتی، تحریم‌های اقتصادی، جنگ ایران و عراق، افزایش ناگهانی جمعیت، دیوان‌سالاری متورم و ناکارآمد، نوسانات جهانی قیمت نفت، تحریم اروپا و آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران.

نتایج اقتصادی انقلاب ایران در موارد بسیاری با نتایج سایر انقلاب‌ها هم‌خوانی دارد و در مواردی هم‌خوانی ندارد.^۱

ج) مقایسه غیرگزینشی

مغالطه‌ای که ممکن است در مقایسه‌ها شکل بگیرد، مقایسه گزینشی است؛ به‌عنوان مثال، در سنجش یک انسان فقط به زیباتر بودن آن نسبت به دیگری تمرکز شود اما در مقابل به تنومندتر بودن آن دیگری توجهی نشود. باید تمام دو نفر و تمام دو کشور را با هم مقایسه کرد.

۱. محمد تقی سبزه‌ای، کریمی و مرادخانی، «تحلیل و تبیین نتایج اقتصادی انقلاب اسلامی در مقایسه بین‌المللی با برخی از انقلاب‌های اجتماعی»، ص ۵۶-۹۲.

یکی از روش‌های رسانه‌ها برای تضعیف عزت‌نفس ملی همین مغالطه در مقایسه است، یعنی تمرکز بر نقاط قوت دیگران و نقاط ضعف ایران است؛ به‌عنوان مثال، اگر قرار است امارات با ایران مقایسه شود فقط برج‌سازی‌های امارات نشان داده می‌شود اما از جایگاه علمی و فناوری و همچنین اقتدار بین‌المللی که مهم‌تر از این آپارتمان‌سازی‌هاست سخنی به میان نمی‌آید.

۲۱۱

برمدار امید

نمونه دیگری از مقایسه‌های مغالطه‌آمیز، مقایسه برترین‌های دنیا با ایران است، مثلاً در هواپیماسازی شرکت بوئینگ با ایران مقایسه می‌شود درحالی‌که اکثریت کشورهای دنیا این صنعت را ندارند، چرا فقط با ایران مقایسه می‌شود؟

به‌هرحال اگر قرار است ایران مقایسه شود باید به داشته‌های ایران هم توجه کرد، نه اینکه ایران را در نداشته‌هایش مقایسه کرد. برخی شاخص‌های توسعه در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه و جهان در وضعیت بهتری قرار دارد. ما در بسیاری از مؤلفه‌های صنعتی و اقتدار آفرین جزو معدود کشورهای جهان هستیم.

برخی موارد را مرور می‌کنیم:

— ایران رتبه ۴ علم نانو در دنیا و صادرات محصولات نانو ایران به ۴۵ کشور دنیا؛

— ایران جزو ۱۰ کشور صاحب بزرگ‌ترین تلسکوپ‌های جهان؛

— ایران جزو ۱۴ سازنده توربین‌های بادی بزرگ‌مقیاس در جهان؛

— ۱۸۷۰ پژوهشگر ایرانی در زمره پژوهشگران پر استناد ۲ درصد برتر جهان؛

— یکی از ۴ کشور دارنده موشک‌های هایپرسونیک، یکی از ۵ کشور حاضر

در باشگاه قاره‌پیماهای برد بلند^۱ و یکی از معدود کشورهای دارنده پیشرفته‌ترین نوع سامانه‌های پدافندی است.^۲ ایران در حوزه موشکی و پهپادی توانی فراتر از بیشتر ارتش‌های دنیا دارد.

ایران از جهت علمی بالاتر از کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای جهان است. تعداد اسناد و مدارک علمی کشور در سال ۲۰۱۷، حدود ۶۵ برابر سال ۱۹۹۶ بوده است که جایگاه ایران را به رده ۱۶ ارتقا داده است. ایران با نرخ رشد ۱۱ برابر متوسط جهانی، رتبه نخست رشد علمی را در بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۹ کسب کرد.

ساخت رصدخانه ملی ایران که شگفتی منجمان دنیا را به دنبال داشت.^۳ مجله ساینس در واکنش به ساخت بزرگ‌ترین تلسکوپ ایران نوشت: ساخت چنین تلسکوپی با وجود تحریم‌ها شگفت‌انگیز است.^۴

در علم پزشکی در جمهوری اسلامی ایران خصوصاً در حوزه سلول‌های بنیادین، ترمیم ضایعات نخاعی، تولید داروهای راهبردی، شبیه‌سازی حیوانات و... پیشرفت‌های چشمگیری داشته است.

در عرصه هسته‌ای نیز جمهوری اسلامی ایران با وجود تحریم‌های شدید و گسترده نظام سلطه توانسته است با تکیه بر دانشمندان جوان و پرتلاش خود، دانش هسته‌ای و انواع تجهیزات و مراحل دانش هسته‌ای را در کشور بومی کند. ساخت و نصب سانتریفیوژهای جدید و همچنین ارتقای توان غنی‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد، از جدیدترین جلوه‌های اقتدار دانش

1. <https://www.farsnews.ir/news/14010816000162>.

2. <https://kayhan.ir/fa/news/252975>.

۳. مریم ترکی از پژوهشگران این پروژه می‌گوید: ما با ناامیدی، تاریکی و همچنین با کلماتی که می‌توانست ما را دل‌سرد کند، جنگیدیم و در نهایت شاهد این تولد باشکوه بودیم.

(<https://www.farsnews.ir/news/14010728000527>)

4. <https://www.pishkhan.com/news/281599>.

هسته‌ای ایران است. مقام معظم رهبری درباره پیشرفت‌های چشمگیر هسته‌ای می‌فرمایند: «فناوری برتر که در دنیا با افتخار از آن یاد می‌شود، مجبور شدند علی‌رغم همه دشمنی‌ها بگویند ایران جزو ده کشوری است که توانسته چرخه سوخت هسته‌ای تولید کند. این چیز کمی نیست...». این پیشرفت‌های مهم به برکت نظام اسلامی به وجود آمده است.^۱

د) ملاک مقایسه

برای مقایسه باید ملاکی تعیین کرد که واقعاً ارزش باشد، چون در ارزشمندی رفتارها هم اتفاق نظر وجود ندارد؛ به عنوان مثال، لیبرالیسم توسعه را بر عدالت مقدم می‌شمارد و این را در قضاوت ارزش می‌داند. درحالی‌که در نگاه اسلامی چنین قضاوتی برای پیشرفت درست نیست. اهمیت این ملاک زمانی روشن می‌شود که توجه کنیم شاخص توسعه و پیشرفت در کشورهای لیبرال بیشتر به چشم می‌آید. زیرا مثل ذره‌بینی که نور را متمرکز می‌کند، ثروت را در یک نقطه متمرکز می‌کند و این موجب اشتباه در بررسی می‌شود. دقیقاً مانند نور ذره‌بین که بیش از نور شیشه به چشم می‌آید. بنابراین باید به ملاک و شاخص توسعه و پیشرفت توجه کرد. به اینکه ما چه تعریفی از پیشرفت و ارزش را ملاک قضاوت قرار دهیم و بررسی کنیم حاضریم چه هزینه‌ای برایش پردازیم. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «پیشرفت این نیست که خارجی‌ها بیایند پول یک کشوری را ببرند و برایشان برج درست کنند؛ این‌ها پیشرفت نیست. بعضی نگاه می‌کنند به بعضی از این کشورهای دوزور ما که ثروتشان نفت است و می‌بینند بله آنجا فرودگاه فلان‌جور یا برج فلان‌جور دارد! نه این پیشرفت نیست؛ اینکه خارجی‌ها بیایند پول یک کشوری را بگیرند، مردم آن کشور را تحقیر کنند و برایشان برج بسازند، این پیشرفت نیست، این

عقب‌رفت است، این خسارت است... این‌که پیشرفت نشد! پیشرفت این است که یک کشور، یک ملت، با توان خود، با اراده خود، با تصمیم خود، با دانش خود، با ظرفیت خود، خودش را به صفوف مقدّم برساند؛ این پیشرفت است و این در کشور ما بحمدالله اتفاق افتاده است. ما امروز قطب پزشکی و درمان هستیم، رتبه علمی بالایی در دنیا داریم، صاحب‌رأی در مسائل منطقه هستیم، در زمینه هسته‌ای دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینه نانو دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینه زیست‌فناوری دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینه دانش‌های مربوط به فضای مجازی رتبه بالایی پیدا کرده‌ایم، این‌ها پیشرفت است»^۱.

● نکته پایانی

باید توجه داشته باشیم که یکی از اقدامات مهم نظام سلطه در جنگ شناختی و جنگ رسانه‌ای این است که چنین وانمود کند که ما عقب‌مانده هستیم. اساساً سیاست دشمن این است که اعتماد به نفس و خودباوری ما را سرکوب کند تا زمینه تسلط بر ما را فراهم کند. مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «امروز دشمن، تمام این تبلیغات پُرخرجی را که علیه جمهوری اسلامی انجام می‌دهد برای این است که شما را از آینده خودتان ناامید کند»^۲. «امروز یکی از شگردهای مهم دشمن، تزریق و القا احساس عقب‌ماندگی و ناتوانی است»^۳. «امروز بیشترین نقشه‌ی دشمنان،... متوجه این است که ملت ایران این اعتماد به نفسی را که دارد از دست بدهد»^۴.

۱. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹.

۲. بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۷۷/۰۵/۲۷.

۳. بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.

۴. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۶/۱۰/۰۶.

پرسش:

۳۷. دستاوردهایی که برای نظام شمرده می شود چه ربطی به انقلاب دارد؟ اگر پهلوی هم می ماند همین پیشرفت ها بود!

پاسخ:

خلاصه پاسخ این سه نکته است:

۱. پس از انقلاب رتبه بالا آوردیم

طبق آمارها سرعت توسعه و پیشرفت در ایران بالاتر از متوسط جهانی است، که سبب شده است ایران در بسیاری از عرصه ها به قدرت برتر منطقه یا جهان تبدیل شود. چه بسا و شاید در دوره پهلوی هم مثلاً پزشکی رشد می کرد، اما در کوران رقابت جهانی، سرعت کم پیشرفت، هیچگاه جایگاه ایران را ارتقا نمی بخشید. ولی پس از انقلاب این سرعت رشد، باعث شد تا نه تنها از کشورهای مشابه، بلکه از بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز سبقت بگیریم.

نمونه هایی از سرعت چشم گیر رشد از این قرار است:

در فناوری نانو: از رتبه ۵۸ به ۱۶؛ در هوافضا: از ۴۵ به ۱۱؛ در فیزیک: از ۵۶ به ۱۳؛ در داروسازی: از ۴۹ به ۱۱؛ در ثبت اختراع: از ۳۸ به ۷؛ در علم انرژی: از ۵۵ به ۱۲؛ در علم انرژی هسته ای: از ۷۷ به ۱۲؛ در تولید علم: از بالای ۵۰ به ۱۵؛ در ژنتیک و سلول های بنیادی: رتبه ی دوم؛ و قدرت هشتم نظامی مستقل دنیا.

این آمار نشان می دهد که سرعت پیشرفت ایران پس از انقلاب بیشتر از

متوسط جهانی بوده که باعث شده رتبه‌های ایران افزایش یابد و گرنه با سرعت یکسان رتبه‌های جهانی تغییر نمی‌کرد.

۲. قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، نمودارها چه می‌گویند؟

رشد و پیشرفت در قالب نمودارها گویاتر است. اگر در دو برهه زمانی سرعت و صعود این نمودارها تغییر کرد، نشانگر آن است که رشد و تکامل یک کشور در یک برهه نسبت به برهه دیگر تغییر کرده است.

۲۱۶

نمودارها

بخش مهمی از توسعه و پیشرفت بعد از انقلاب را می‌توان همسو با روال توسعه کشور دانست که حتی اگر انقلاب هم نمی‌شد، این روند طی شده بود و شاهد تغییر و توسعه در کشور بودیم. ولی سرعت روند شاخص‌های توسعه و پیشرفت کشور در مقایسه با کشورهای مشابه بیشتر است؛ این روند با سرعت تحولات در دوره پهلوی قابل مقایسه نیست.

عدالت اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی: بر اساس گزارش سال ۲۰۱۸ شورای جهانی اقتصاد (WEF) نشان می‌دهد کشورهای ایسلند، نروژ، دانمارک، جمهوری چک و فنلاند ۵ کشور اول در برابری یا ۵ کشور با کمترین شکاف طبقاتی هستند. در این رده‌بندی، ایران با شاخص ضریب جینی ۰٫۳۸۸۰، رتبه ۶۳ جهان در شکاف طبقاتی را داراست. همچنین کشورهای ترکیه با رتبه ۷۰، روسیه با رتبه ۸۳، مصر با رتبه ۹۶، هند با رتبه ۹۷ و چین با رتبه ۱۰۳ در شکاف طبقاتی وضعیت بدتری نسبت به ایران دارند.^۱

توسعه انسانی: گزارش توسعه انسانی ۲۰۲۲ که بر پایه آمار و اطلاعات مربوط به سال ۲۰۲۱ تهیه شده است، نشان می‌دهد رتبه ایران از نظر توسعه انسانی، در میان کشورهای جهان طی این سال یک پله بهبود یافته است. در حالی که ایران در رده‌بندی توسعه انسانی طی سال ۲۰۲۰ در رتبه ۷۷ جهان

1. <https://www.pishkhan.com/news/152909>.

قرار گرفته بود در سال ۲۰۲۱ به رتبه ۷۶ ارتقا یافته است. بر این اساس، ایران همچنان میان کشورهای دارای توسعه انسانی بالا قرار دارد. بر اساس این گزارش، توسعه انسانی ایران از ۱۱۵ کشور جهان بیشتر است. برخی از این کشورها عبارتند از: چین، اوکراین، کوبا، برزیل، الجزایر، مصر، اردن، آفریقای جنوبی، اندونزی، لبنان، عراق و هند.^۱

ایران در توسعه انسانی در زمان پهلوی کمتر از اردن و هم سطح غنا و کنیا بود، ولی بعد از انقلاب در خصوص مؤلفه امید به زندگی، بالاتر از متوسط دنیا و هم تراز کشورهای توسعه یافته است.^۲

بر اساس معیار توسعه انسانی سازمان ملل، کشور ایران از یک کشور با سطح توسعه پایین با عدد ۵۱٫۲ درصد در زمان پهلوی، به یک کشور با سطح توسعه بالا با عدد ۷۹٫۷ درصد، در دهه چهارم انقلاب، ارتقا یافته است.^۳

تولید و بهره‌مندی از برق: ایران رتبه اول در صنعت برق منطقه را دارد و کشورهای همسایه همواره نیازمند و پذیرای حضور متخصصان و سازندگان ایرانی هستند.^۴ جدیدترین گزارش منتشرشده «مرور آماری انرژی جهان» که هر ساله از سوی بریتیش پترولیوم منتشر می‌شود، نشان می‌دهد تولید برق در ایران طی سال ۲۰۲۱ با رشد ۶٫۴ درصدی نسبت به سال قبل از آن مواجه شده و به ۳۵۷٫۸ تراوات ساعت رسیده است. ایران در سال پیش از آن ۳۳۷٫۲ تراوات ساعت برق تولید کرده بود. متوسط رشد سالانه تولید برق در ایران طی دوره ۱۰ ساله منتهی به سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۴٫۳

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/06/19/2772035>.

2. <https://www.farsnews.ir/news/13980519001042>.

3. <https://www.farsnews.ir/news/13991119000687>.

4. <http://shabestan.ir/detail/News/762393>;

<https://www.mashreghnews.ir/news/934962>.

درصد برآورد شده است. کل تولید برق دنیا در سال ۲۰۲۱ نیز ۱۳۹۹۴ تراوات ساعت گزارش شده است که این رقم نسبت به سال قبل از آن رشد ۸٫۴ درصدی داشته است. تولید برق دنیا در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۱۲۹۴۹ تراوات ساعت اعلام شده بود. بر اساس این گزارش، سهم ایران از کل تولید برق دنیا در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۱٫۳ درصد بوده که بر این اساس، ایران یازدهمین تولیدکننده بزرگ برق دنیا در این سال بوده است.^۱

رشد علمی: ایران از جهت رشد علمی، مقام اول در منطقه و جهان اسلام جایگاه ممتازی دارد و به واسطه انقلاب اسلامی، رشد علمی کشور یازده برابر متوسط رشد علمی دنیاست.^۲ جمهوری اسلامی ایران بر پایه آخرین اطلاعات تولید علم، در نظام بین‌المللی Web of Science در سال ۲۰۲۱ در رتبه پانزدهم دنیا قرار دارد.^۳

حکومت پهلوی بیش از ۵۳ سال فرصت داشت تا در شرایط عالی - فروش نفت و نبود جنگ و تحریم و همچنین بهره‌مندی از حمایت‌های بین‌المللی - اقدامات مؤثری را در کشور به ثمر برساند، ولی آمار بسیاری از شاخص‌های اقتصادی در کشور مانند تورم، فاصله طبقاتی و بیکاری در دوران پهلوی بسیار نامناسب است. مثلاً با وجود جهش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ از هر بشکه ۱/۹ دلار به ۱۰/۴۱ دلار، نرخ تورم از ۹/۹ درصد در سال ۱۳۵۴ به ۲۵/۱ درصد در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت.^۴ فروش نفت ایران در اوایل دهه ۵۰ به ۶ میلیون بشکه در روز رسید و درآمد نفت ایران ۲۰ برابر شد، ولی این درآمد خرج اقتصاد و رفاه مردم ایران نشد.^۵

1. <https://www.geicgroup.com..>

2. <https://karaj.iau.ir/fa/news/4674>.

3. <https://www.mehrnews.com/news/5380722>.

۴. رک: «آیا الگوی برجام راه نجات اقتصاد ایران است؟»، شقایق شهری:

<https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D34148+&cd=1&hl=fa&ct=clnk&gl=ir>

۵. «گزارشی مستند از غارتگری‌های پهلوی: درآمد کلان نفت در دوره شاه چگونه خرج می‌شد؟»، روزنامه

البته این بدان معنا نیست که در دوره پهلوی هیچ اقدامی صورت نگرفته است، ساخت و ساز همه جای دنیا بوده و هست. مقایسه‌ای بین وضعیت کنونی عقب مانده‌ترین کشورها با ۴۰-۵۰ سال گذشته آن‌ها نشان می‌دهد پل و جاده و اینترنت و... در همه جا ایجاد شده است. دوران پهلوی هم از این قاعده مستثنا نیست، یعنی ابتدای دوره پهلوی با انتهای آن وضع کشور ما یکسان نبوده و اگر بر فرض عمر این رژیم ادامه داشت، باز هم اقداماتی صورت می‌گرفت. مهم این است که آیا اقدامات صورت گرفته اولاً متناسب با ظرفیت کشور بوده؟ و ثانیاً سرعت قابل توجهی داشته است؟ و ثالثاً به چه قیمتی؟ و از همه مهم‌تر اینکه متأسفانه هیچ نشانه‌ای مبنی بر سرمایه‌گذاری یا تکیه بر دانش و نیروی بومی برای صنایع مهم و استراتژیک مشاهده نمی‌شد؛ اما امروز علوم و فناوری‌های مهم‌تر مانند: نانو، سلول‌های بنیادی، هسته‌ای، موشکی، هوا و فضا، پزشکی و... کاملاً بومی و در سطح اول جهانی است.

۳. توجه به وضعیت و ساختار حکومت‌ها مهم است

راه سومی که می‌توان از طریق آن فهمید که آیا اگر حکومت پهلوی هم بود ما به این پیشرفت‌ها می‌رسیدیم توجه به سیاست‌گذاری‌ها و چشم‌اندازهای یک حکومت است؛ که چقدر به استقلال علمی می‌اندیشد و چقدر برای آن سیاست‌گذاری می‌کند. با این مقایسه هم، باز تفاوت چشم‌گیری میان جمهوری اسلامی و حکومت پهلوی قابل برداشت است.

در طول ۵۳ ساله دوره پهلوی در بسیاری از امور شاهد پسرفت بوده‌ایم. طبیعی است تأخیر در رویداد انقلاب اسلامی ایران، تشدید خسارات ملی

بود.^۱ در دوره پهلوی تعداد بی‌سوادها بیشتر شد، فاصله طبقاتی افزایش یافت، اقتصاد وابسته‌تر شد و همچنین کشاورزی از بین رفت و ما به یک واردکننده بزرگ مواد غذایی تبدیل شدیم که به شدت امنیت غذایی را به خطر انداخت.^۲

همچنین در مورد اقتصاد باید توجه کرد که اقتصاد ایران در دوران پهلوی دوم یک اقتصاد وابسته به قدرتهای خارجی و کشورهای بیگانه بود^۳ و الگوی اقتصادی دهه ۴۰ و ۵۰ به‌گونه‌ای اتخاذ شده بود که تابع الگوی توسعه غربی و وابستگی به قدرتهای خارجی بود.^۴ این وابستگی اقتصادی به حدی بود که مارک گازیوروسکی بیان می‌کند، شاه در دهه ۴۰ و ۵۰ حتی قیمت‌های نفت را هم بر اساس سیاست تنظیم قیمت انرژی آمریکا تنظیم می‌کرد.^۵ کاتوزیان در کتاب "اقتصاد سیاسی ایران" تأکید دارد روابط اقتصادی محمدرضا شاه در دهه ۴۰ و ۵۰ با قدرتهای جهانی منجر به آشفته‌گی اقتصاد ملی و تاراج ثروت مردم ایران شد.^۶ جان فوران در کتاب "مقاومت شکننده" وابستگی اقتصادی ایران را این‌گونه توضیح می‌دهد:.... در امر بازرگانی خارجی، تراز بازرگانی، ماهیت واردات و صادرات و شرایط حاکم بر مبادله موضوع‌های محوری، گسترش عظیم میزان واردات و صادرات به دلیل افزایش تولید نفت و وقفه صادرات غیرنفتی در دوره ۱۳۳۲-۱۳۵۷

۱. برای اطلاعات بیشتر از جزئیات این امر رک: اگر انقلاب نمی‌شد، سیامک باقری، پژوهشگاه علوم

اسلامی امام صادق (ع)، انتشارات زمزم هدایت، قم، ۱۴۰۱.

۲. این موارد به صورت مفصل و مستند در پرسش‌های بعدی آمده است و برای جلوگیری از تکرار از ذکر آن در این بخش خودداری می‌کنیم.

۳. ازغندی، نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، ص ۱۷۵.

4. Andrew Scott Cooper, The Fall of Heaven: The Pahlavis and the Final Days of Imperial Iran, New York, Henry Holt and Company, 2016, p 62.

۵. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی، جعفر شریف امامی به روایت اسناد ساواک، ص ۵۵۰.

۶. همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۳۷۵-۳۷۴.

آمده است. تراز خارجی بازرگانی بدون نفت، غالباً منفی بوده و حتی با نفت نیز در اغلب موارد منفی بوده و این امر وابستگی مطلق ایران را به درآمد نفت نشان می‌دهد. هنگامی که حتی با نفت، تراز بازرگانی خارجی منفی می‌شد، ایران به اوراق قرضه خارجی روی می‌آورد. در دوره ۱۳۴۲-۱۳۵۱ میزان این وام‌ها به ۲/۶ میلیارد دلار رسید.^۱ در برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم، فعالیت‌های اقتصادی به گونه‌ای در نظر گرفته شده بودند که منجر به وابستگی عمیق به کشورهای خارجی می‌شد؛^۲ به عنوان مثال، کارخانه ارج با هشت هزار کارگر در سال ۱۳۵۶ به علت نداشتن پیچ متوقف می‌شود.^۳

۲۲۱

برمدار امید

🌱 کارآمدی فرهنگی انقلاب اسلامی

پرسش:

۳۸. واقعاً جمهوری اسلامی موجب دین زدگی مردم شده است؟

پاسخ:

این که گفته می‌شود تشکیل حکومت دینی باعث دین زدگی مردم شده است پیش فرض و ادعای اثبات نشده‌ای است. چنین قضاوت‌هایی نشأت گرفته از قضاوت‌های نادرستی است که می‌توان در قالب چند نکته نادرستی آن را بیان کرد.

۱. فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ص ۵۷-۵۶.

2. Esfandiar Bagheri & etc, "Economic situation of Iran during the reign of Hoveyda's prime minister (1973-1978)", Dilemas Contemporáneos: Educación, Política y Valore; Toluca Vol. VI, No 2, Jan 2019, pp. 4-5.

۳. پرخیده، «اوضاع اقتصادی ایران در دوران پهلوی دوم»، ص ۳۱.

۱. ظاهرگرایی در قضاوت

عمده انسان‌ها در قضاوت و سنجش میزان دین‌داری دیگران به ظواهر نگاه می‌کنند و به عنوان نمونه حجاب ضعیف برخی از بانوان را علامت دین زدگی معرفی می‌کنند، درحالی‌که ظاهر رفتار نمی‌تواند معیار درستی برای سنجش رفتار دیگران باشد. علاوه بر آن اگر قرار است ظاهر فرد هم ملاک قضاوت قرار گیرد نباید یکسویه قضاوت شود. امروزه در جمهوری اسلامی ابعاد ظاهری و شعائر دینی نیز بسیار پررنگ‌تر از گذشته شده است، تجمعات مذهبی مانند دعای عرفه، احیای شب‌های قدر و زائران اماکن زیارتی صدها برابر شده است.

۲. خطاهای شناختی

همان‌طور که برخی روانشناسان نیز اشاره کرده‌اند ذهن انسان نسبت به رفتارهای منفی و هنجارشکنانه توجه بیشتری دارد؛ چراکه این رفتارها خلاف هنجار و عادت است. به همین دلیل ذهن با مشاهده رفتارهای مثبت بسیار آن را عادی و طبق روال تحلیل می‌کند اما اگر چند رفتار منفی ببیند بر آن متمرکز شده و آن‌ها را غیر واقعی بزرگنمایی خواهد کرد و با تکیه به آن‌ها قضاوت‌های صفر و صدی خواهد داشت.

روشن است که رفتار هر انسان آمیخته‌ای از رفتارهای دینی و غیردینی است. ترکیبی از رفتارهای خوب و بد است، اما ذهن انسان اگر رفتار منفی از کسی ببیند به طبقه بندی او در دسته انسان‌های غیردینی تمایل بیشتری دارد و این یک خطای شناختی است؛ به عنوان مثال، ممکن است در عمده موارد، حجاب ضعیف یک خانم، بی‌دینی تلقی شود درحالی‌که ممکن است ۸۰ درصد سایر رفتارهای همین خانم، همسو با دین باشد. ولی هرگز به چشم نیاید و نشانه گسترش دین‌داری تلقی نشود.

۳. لازم است شرایط مقایسه را بسنجیم

حتی اگر بر فرض بپذیریم که دین‌داری مردم در مقایسه با گذشته کاهش داشته است لزوماً نمی‌توان آن را به پای تغییر حکومت گذاشت، این نتیجه‌گیری در صورتی صحیح است که سایر گزاره‌ها به جز حکومت ثابت باشد. درحالی‌که گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی و تبلیغات ضد دین قابل مقایسه با گذشته نیست. روند دین‌داری حتی در خود غرب - که حکومت دینی روی کار نیست - هم کاهشی است و برهنگی در تمام جهان روبه افزایش است. اگر قرار است میزان دین‌داری مردم با گذشته مقایسه شود این مقایسه نباید در خلأ و شرایط گلخانه‌ای انجام شود. بلکه باید گزاره‌های متغیر آن نیز در نظر گرفته شود.

یا اگر میزان نقش حکومت‌ها در گسترش دین یا بی‌دینی مردم مد نظر است، باید فقط حکومت‌ها و تصمیمات و رفتارهای آن‌ها در گسترش دین یا بی‌دینی را قضاوت کنیم تا میزان تأثیر شرایط در این مقایسه مشخص شود. با مقایسه جمهوری اسلامی و حکومت پهلوی به روشنی می‌یابیم که رویکرد دین‌مدارانه جمهوری اسلامی نسبت به حکومت پهلوی بسیار بیشتر است.

سیاست کلی حکومت پهلوی در مسیر تضعیف دین و علم بود، گسترش ابتذال به‌گونه‌ای هدفمند ترویج می‌شد که جشن هنر شیراز نمونه بارز آن است. وضع دینی و فرهنگی در حکومت پهلوی به‌گونه‌ای بود که تعداد زنان بدکاره ۵۰ هزار نفر و بیش از چهار برابر تمامی زنان دانشگاهی کل کشور بود.^۱ تعداد مشروب‌فروشی‌های فقط در تهران ۸۰۰ باب مغازه بود، یعنی سه برابر کتابخانه‌های کل کشور!^۲ تعداد ۱۱۲۰ خانه فساد وجود داشت

۱. مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۸۸.

۲. همان.

که به صورت رسمی فعالیت می‌کردند.^۱

اما هدف‌گذاری کلان جمهوری اسلامی در مسیر دین‌مدارانه بوده و در این مسیر سیاست‌گذاری شده است، کنترل و نظارت بر رسانه‌ها و همچنین ممنوعیت مراکز فساد و فروش مشروبات تا رویکرد آموزش دینی از دبستان تا دانشگاه که همگی ابعادی از عزم جمهوری اسلامی بر گسترش دین‌داری دارد.^۲

۴. توجه توأمان به فرصت‌ها و آسیب‌ها

شکی نیست، ضعف عملکرد برخی از مسئولین در جمهوری اسلامی موجب تضعیف دین‌داری در برخی از مردم شود که ایمان ضعیف‌تری دارند. برخی افراد به خاطر ضعف قدرت تحلیل دینی و عدم آگاهی کامل از اصل تعالیم دین‌گاهی ایمانشان را به اشخاصی به ظاهر مؤمن گره می‌زنند، که بدون شک یک آسیب برای حکومت دینی به شمار می‌رود که برخی با تمسک به آن خواهان حکومت سکولار می‌شوند. درحالی‌که چنین نگاهی صحیح نیست. این آفت اگر دلیل کافی برای تعطیل کردن حکومت دینی باشد حتی حکومت معصومین را هم شامل می‌شود، چراکه سوء تدبیرهایی از سوی کارگزاران در حکومت معصومین هم اتفاق افتاده است.

ضمن اینکه هر موضوعی که آسیب‌هایی با خودش دارد را نباید کنار گذاشت، بلکه باید بین نقاط مثبت و منفی آن را سنجید و مقایسه کرد. باید بین دافعه و جاذبه جمهوری اسلامی در موضوع دین سنجید. ابعاد گسترش دین‌داری در جامعه اسلامی ایران کم رنگ نیست! هیأت‌های

۱. همان، ص ۱۳۹.

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: سیاهپوش و همکاران، انقلاب اسلامی زمینه‌ها، دستاوردها و

آسیب‌ها، صص ۱۵۹-۱۷۲.

عظیم، مراکز فرهنگی، افزایش صدها برابر زائران اماکن زیارتی و مراسم معنوی مثل اعتکاف و احیای شب‌های قدر نشان از نتیجه دادن فعالیت‌های ترویجی دین دارد. علاوه بر اینکه در نگاه بین‌المللی نیز نقش جمهوری اسلامی در گسترش دین‌داری چشم‌گیر است، همان‌طور که آیت‌الله اعرافی رییس سابق جامعه المصطفی از شیعه شدن ۵۰ میلیون نفر در جهان سخن می‌گوید.^۱

۲۲۵

برمدار امید

همچنین آقای آنتونی گیدنز از جامعه‌شناسان مطرح معاصر در دنیا در کتاب جامعه‌شناسی خویش می‌نویسد: «در گذشته سه گول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر فرایند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند؛ ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرایند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود».^۲

بنابراین جمهوری اسلامی نه تنها در گسترش دین در جامعه داخلی، بلکه در گسترش دین‌داری در سطح جهان نیز تأثیر عمیقی داشته است، با این اوصاف آیا منطقی است که با این حد کارآمدی، به خاطر سوء رفتار برخی مسئولین در تضعیف مبانی اعتقادی مردم خواهان برپایی حکومت غیردینی به جای حکومت دینی شویم؟ باید آن آسیب برطرف شود، نه اینکه حکومت دینی با این آثار مثبت را تعطیل کرد! باید مردم را آگاه کرد که ایمان‌شان را به اشخاص گره نزنند، همان‌طور که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرکسی به خاطر مردم وارد دین شود، او را از دین خارج می‌کنند همان‌طور که او را به دین وارد کرده بودند و کسی که به خاطر کتاب و سنت وارد دین

1. <https://www.mehrnews.com/news/4045417>.

۲. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۷۵.

شود، حتی اگر کوه‌ها از جا کنده شوند، ایمان او نمی‌لرزد»^۱.
در همه اموری که در عین فایده، آسیب‌های جزئی دارد چنین است که باید
آن آفت‌ها را از میان برد یا آن‌ها را به حداقل رساند، نه اینکه به خاطر یک
آسیب حداقلی، آثار مثبت عظیم و حداکثری را کنار گذاشت.

۱. «مَنْ دَخَلَ فِي هَذَا الدِّينِ بِالرِّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ الرِّجَالُ كَمَا أَدْخَلُوهُ فِيهِ وَ مَنْ دَخَلَ فِيهِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يُزُولَ»: (نعمانی، الغیبه، ص ۲۲).

فهرست منابع

● کتب

۱. قرآن مجید
۲. تورات
۳. آبراهامیان، پرواند، **تاریخ ایران مدرن**، ترجمه: محمدابراهیم فتاحی، احمد گل محمدی، نشرنی، تهران، ۱۳۹۷.
۴. -----، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۶.
۵. اخوان توکلی، فرناز، **گاهشمار روابط ایران و انگلستان**، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶.
۶. ازغندی، علیرضا، **نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب**، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۵.
۷. افتخاری، اصغر، **قدرت نرم نبرد نامتقارن، تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب الله و ۲۲ روزه غزه**، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۸. اندیشکده برهان، **عبرت های برجام**، تهران، انتشارات دیدمان، ۱۳۹۸.
۹. باقری، سیامک، **اگر انقلاب نمی شد**، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، انتشارات زمزم هدایت، قم، ۱۴۰۱.
۱۰. بخشایشی اردستانی، احمد، **اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی**، تهران، آوای نور، ۱۳۷۹.
۱۱. البدیری، هندامین، **اراضی فلسطین**، انتشارات اتحادیه عرب، ۱۹۸۱.
۱۲. براتی، مسعود و سیدحامد ترابی و حسین حاجیلو، **سراب مذاکره: بررسی دلایل شکست رویکرد مذاکره برای رفع تحریم**، تهران، مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، ۱۴۰۰.
۱۳. برژینسکی، زیگنیو، **قدرت و اصول**، ترجمه مرضیه ساقیان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۹.

۱۴. پارسادوست، منوچهر، زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق، تهران، ۱۳۶۴.
۱۵. -----، ما و عراق از گذشته‌های دور تا امروز، وزارت امور خارجه، ۱۴۰۱.
۱۶. پاشازاده، غلام‌علی، مبارزات امام خمینی رحمته الله علیه به روایت اسناد در دوران تبعید در نجف، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۷. پرخیده، احمد، صنعت و تجربه سیاست‌گذاری صنعتی در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۸. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، بی‌جا، ۱۳۵۸.
۱۹. جعفری ولدانی، اصغر، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶:۱.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه: ولایت فقاها و عدالت؛ مصباح یزدی، حکیمانه‌ترین حکومت، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۷۹.
۲۱. حجت شمامی، رضا، تضاد ایده‌ها، تهران، انتشارات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۷.
۲۲. حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، ناشر مؤسسه آل البیت، ۱۳۸۵.
۲۳. حسینیان، روح‌الله، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۴. حشمت‌زاده، محمداقبر، آثار و نتایج اسلامی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.
۲۵. حمیدرضا ملک‌محمدی، از توسعه لرزان تا سقوط شتابان، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۲۶. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۲۷. -----، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۶.
۲۸. دانشگاه امام حسین، ایران ۲۰: برترین جایگاه‌های ایران در آمارهای بین‌المللی، تهران، ۱۳۹۷.
۲۹. درویشی، فرهاد، ریشه‌های تهاجم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸.
۳۰. دژپسند، فرهاد و حمیدرضا رئوفی، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، انتشارات مرکز تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۷.
۳۱. دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، نیمه پنهان: سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست: امیرعباس هویدا، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۶.
۳۲. دهشیری، محمدرضا و زهرا بهرامی، بازشناسی نظام سلطه، تهران، سمت، ۱۳۹۸.
۳۳. دهقانی فیروزآبادی، جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
۳۴. راجی، سیدمحمدحسین و سیدمحمدرضا خاتمی، صعود چهل ساله (مروری بر

- دستاورد های چهل ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمار های بین المللی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷.
۳۵. رائین، اسماعیل، اسناد خانه سدان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۳۶. رهبری، مهدی، اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۷. -----، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران، بابل سر، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۴.
۳۸. ساداتی نژاد، سید مهدی، علل و انگیزه های آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، قم، مجمع گروه های معارف اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۹. سازمان برنامه و بودجه، خلاصه اهم عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران: نمایه هایی از پیشرفت، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور، تهران، ۱۳۵۶-۱۳۹۶.
۴۰. سازمان برنامه و بودجه، لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور: ماده واحده و جداول منابع و مصارف بودجه، ناشر سازمان برنامه بودجه، ۱۳۹۷.
۴۱. سبحانی، جعفر، الاهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل، قم، ناشر مؤسسه الامام الصادق، ۱۳۷۲.
۴۲. سپهری، محمد، خورشید بی غروب، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۴۳. سیاهپوش، امیر و محمد شفیعی فر و محمد حسین راجی، انقلاب اسلامی، زمینه ها، دستاوردها و آسیب ها، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۹.
۴۴. صلاحی، سهراب، ایران و آمریکا در چهل سال، بوستان کتاب قم، ۱۳۹۹.
۴۵. صمیمی، مینو، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه: حسین ابوترابی ان، تهران، انتشارات تهران، ۱۳۷۲.
۴۶. طباطبایی، محمد، سیاست و انتخابات در ایالات متحده آمریکا، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۴۷. عسگری، شاداب، مستشاران نظامی آمریکا در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴.
۴۸. عیوضی، محمد رحیم و محمد جواد هراتی، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.
۴۹. غنی نژاد، موسی، اقتصاد و دولت در ایران: پژوهشی درباره ریشه ها و علل تداوم اقتصاد دولتی در ایران، تهران، انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، ۱۳۹۵.
۵۰. فردوست، حسین، ظهور و سقوط پهلوی: خاطرات ارتشبد فردوست، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۷.
۵۱. فلاحی، اکبر، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات امام خمینی (ره) در نجف، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۵۲. فوران، جان، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس

- از انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، تهران، انتشارات خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۸.
۵۳. کتان، هنری، فلسطین و حقوق بین الملل، ترجمه: غلامرضا فدائی عراقی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، قم، دارالحدیث، ۱۴۰۲.
۵۵. گازیوروسکی، مارک ج. سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه: فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۵۶. گروهی از نویسندگان، انقلاب چهل ساله؛ نگاهی به دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، تهیه و تدوین معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۷.
۵۷. گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام (شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین جهان)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
۵۸. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۴۰۰.
۵۹. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۹۵.
۶۰. مجیدی، عبدالمجید، خاطرات عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۱-۱۳۵۶)، تهران، نشر گام نو، ۱۳۸۲.
۶۱. مدنی، سیدجلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، تهران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴.
۶۲. مرکز بررسی اسناد تاریخی، امیرعباس هویدا به روایت اسناد ساواک، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۶.
۶۳. -----، جعفر شریف امامی به روایت اسناد ساواک، تهران، ۱۳۸۳.
۶۴. مرندی، مرتضی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پارسیان، ۱۳۸۲.
۶۵. مشیری، فرخ، دولت و انقلاب اجتماعی در ایران (چشم‌انداز نظری)، ترجمه: علی مرشدی زاد، انتشارات قصیده سرا، تهران، ۱۳۸۴.
۶۶. مصباح یزدی، محمدتقی، حکیمانه‌ترین حکومت کاوشی در نظریه ولایت فقیه، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.
۶۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار تهران انتشارات صدرا، ۱۳۹۵.
۶۸. مقصودی، حمیدرضا و علی سعیدی، پیش‌رفته‌ایم، مروری بر پیشرفت‌های اقتصادی چهل ساله نظام با وجود موانع و کاستی‌ها، معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۷.
۶۹. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مجموعه مقالات همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، مقاله: پشتیبانی مستمر انگلستان از دیکتاتوری پهلوی‌ها، تهران، ۱۳۸۴.
۷۰. میلانی، محسن، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی،

ترجمه: مجتبی عطارزاده، تهران، انتشارات گام نو، ۱۳۸۷.

۷۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ترجمه: سید احمد فهری زنجانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.

۷۲. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۷.

۷۳. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، بی جا، دادگستر، ۱۳۸۰.

۷۴. هانتینگتون، ساموئل، چالش های هویت در آمریکا، مترجم: محمودرضا گلشن پژوه و دیگران، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۸.

۷۵. همایون کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.

۷۶. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، نشر پیکان، ۱۳۸۴.

● نشریات

۷۷. اسلامی، رضا و محمد مهدی کمالوند، «چالش های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین المللی حقوق بشر»، ص ۱۸۸-۱۹۲، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵/ بهار - تابستان ۱۳۹۳.

۷۸. پرخیده، احمد «اوضاع اقتصادی ایران در دوران پهلوی دوم»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۷۵۷، نوزدهم مهر ۱۳۹۱.

۷۹. الجبری، محمد عابد، «برخورد تمدن ها - آینده روابط»، ماهنامه اسلام و غرب، شماره ۲۱.

۸۰. جعفری، علی اکبر و آرزو کروی، «بررسی عملکرد نهضت آزادی و مواضع آنان نسبت به رهبری امام خمینی»، تاریخ نامه خوارزمی، سال پنجم، بهار ۱۳۹۶، شماره ۱۵.

۸۱. چیت سزایان، محمد رضا، مواضع انگلستان در قبال انقلاب اسلامی؛ آیا انگلستان از انقلاب در ایران حمایت کرد؟، سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بخش مقالات.

۸۲. حسن دادگر، «فساد مالی در تاریخ معاصر ایران»، ماهنامه زمانه، شماره ۹، خرداد ۱۳۸۲.

۸۳. خرمشاد، محمد باقر «رفتارشناسی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی»، فصلنامه راهبرد، ش ۱۰، ۱۳۸۳.

۸۴. رفیعی علوی، سید احسان، بررسی فقهی حقوقی اصل ۲۷ قانون اساسی در پرتو طرح تقنینی «نحوه برگزاری راهپیمایی ها و تجمعات»، نشریه دانش حقوق عمومی دوره ۹، شماره ۴، ۱۳۹۹.

۸۵. روزنامه کیهان، ۸ اسفند ۱۳۵۷.

۸۶. روزنامه همشهری، ۵ تیر ۱۳۹۷، شماره ۷۴۱۵.

۸۷. زحمتکش، مهدی و علی جعفری، «رابطه دین و سیاست در اسلام»، فصلنامه سیاست

- خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰.
۸۸. سبزه‌ای، محمد تقی و محمد شریف کریمی، همایون مرادخانی، «تحلیل و تبیین نتایج اقتصادی انقلاب اسلامی در مقایسه بین‌المللی با برخی از انقلاب‌های اجتماعی»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۸۹. شهرام نیا، امیرمسعود، «تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۲، شماره ۵ - شماره پیاپی ۵، تیر ۱۳۹۲.
۹۰. صدرشیرازی، محمدعلی، ویژه‌نامه ۳۰ سالگی انقلاب اسلامی، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۱۷/۲۷.
۹۱. صفاتاج، مجید «آیا فلسطینیان زمین‌هایشان را فروخته‌اند؟»، مجله پاسدار اسلام، اول مهرماه ۱۳۹۱، شماره ۳۷۰.
۹۲. علیزاده، عبدالرضا و ریحانه صالحی، «آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها در پرتو اصل ۲۷ قانون اساسی ایران»، حقوق اسلامی، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۶.
۹۳. فایضی، علیرضا «هویت از آغاز تا پایان»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۱، اسفند ۱۳۷۸.
۹۴. گودرزی، سهیل و احمد سلطانی نژاد، مصطفی زهرانی، محسن اسلامی، «بررسی رابطه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در پرتو فرهنگ راهبردی»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۶.
۹۵. لطفی، الهام و مرتضی دهقان‌نژاد، «کمبود مواد غذایی و شورش‌های مردم ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش/۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ م»، پژوهش‌های تاریخی، سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۲۱)، بهار ۱۳۹۳.
۹۶. مجله شاهد یاران، ویژه‌نامه شهید بهشتی، ش ۸، تیرماه ۱۳۸۵.
۹۷. مسعود، علیرضا و مهدی ذاکریان، عبدالعلی قوام، حمید احمدی، «بازنمود استمرار فرهنگ راهبردی ایران در ساخت و بنیان سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۷، شماره ۲ (۶۶)، پاییز ۱۳۹۹.
۹۸. ملائی توانی، علی و فریده باوریان، «بررسی روند همراهی جبهه ملی با انقلاب اسلامی از فضای باز سیاسی تا دیدار با امام خمینی»، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره پیاپی ۲۵، ۱۳۹۰.
۹۹. وطن امروز، «منطق برنامه منطقه‌ای ایران»، ۲۷ بهمن ۱۳۹۷.
۱۰۰. ولایتی، علی اکبر، «چرا به فلسطینی‌ها کمک می‌کنید؟»، پرسمان، شماره ۳، آذر ۱۳۸۱.

● منابع انگلیسی و سایت‌ها

101. https://www.newscientist.com/article/dn18546-iran_showing_fastest_scientific_growth_of_any_country.
102. <https://scimagojr.com/countryrank.php?year=1996>

103. <https://kayhan.ir/fa/news/167325>;
<https://www.khabaronline.ir/news/1671600>.
104. <https://kayhan.ir/fa/news/167325>.
105. Michael Hamilton, "Freedom of Assembly; Consequential Harms and the Rule of Law: Liberty- Limiting Principles in the Context of Transition", Oxford Journal of Legal Studies, vol. 27, Issue 1, Spring 2007, pp. 75 - 100.
106. O'Dowd, John, "Pilate's Paramount Duty: Constitutional 'Reasonableness' and the Restriction of Freedom of Speech and Assembly", in S. Khilnani, V. Raghavan, and A. Thiruvengadam, eds. Comparative Constitutionalism in South Asia, Oxford University Press, India, 2010.
107. Venice Commission and OSCE/ODIHR, Guidelines on Freedom of Peaceful Assembly (2nd edition) 2010, p49.
108. Constitution of Russia, Article 30: Adopted at National Voting on December 12, 1993.
109. <https://dolat.ir/detail/405295>.
110. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/89/7921/103108>
111. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/03/07/2020460>.
112. <http://qodsna.com/fa/340922>.
113. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/89/7921/103108>
114. <http://qodsna.com/fa/328563>.
115. <http://qodsna.com/fa/340922>.
116. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4892/4942/41732>
117. <https://www.khabaronline.ir/news/313910>.
118. <https://per.euronews.com/2022/04/25/military-spending-reaches-record-levels-in-2021-2-1-trillion>.
119. <https://www.mashreghnews.ir/news/1368123>.
120. <https://donya-e-eqtesad.com>; <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2009528>.
121. <https://www.hamshahrionline.ir/news/643924>.
122. <https://per.euronews.com/2022/04/25/military-spending-reaches-record-levels-in-2021-2-1-trillion>
123. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8952>
124. <https://mdeast.news/2022/01/25>
125. <https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D34148+&cd=1&hl=fa&ct=clnk&gl=ir>
126. <https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D34148+&cd=1&hl=fa&ct=clnk&gl=ir>
127. <https://www.farsnews.ir/news/13950809001637>.
128. <https://www.mashreghnews.ir/news/793154>.
129. <https://www.farsnews.ir/news/13980118000959>.

130. <https://asrghanoon.ir/?p=6553>; <http://serateshgh.com/201352>.
131. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
132. <https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D34148+&cd=1&hl=fa&ct=-clnk&gl=ir>
133. <https://www.nasim.news>
134. <https://www.mashreghnews.ir/news/1075377>
135. <http://www.thetower.org/article/dare-say-mullahs-must-go/>
136. <http://online.wsj.com/news/articles/SB10001424127887323501004578389150205542648>
137. <http://www.thetower.org/article/dare-say-mullahs-must-go/>
138. <http://www.washingtontimes.com/news/2008/jul/15/the-war-with-iran/>
<http://www.aei.org/article/containing-and-deterring-a-nuclear-iran/>
139. . http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2006/04/060403_wmt-iran-us-nuc.shtml.
140. <https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D35761+&cd=1&hl=fa&ct=-clnk&gl=ir>
141. <https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D24352+&cd=1&hl=fa&ct=-clnk&gl=ir>
142. <http://www.thetower.org/article/dare-say-mullahs-must-go>
143. <http://online.wsj.com/news/articles/SB10001424127887323501004578389150205542648>
144. <http://www.thetower.org/article/dare-say-mullahs-must-go/>
145. <http://www.washingtontimes.com/news/2008/jul/15/the-war-with-iran/>
<http://www.aei.org/article/containing-and-deterring-a-nuclear-iran/>
146. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21393>
147. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=32894>
148. Sands of Empire: Missionary Zeal, American Foreign Policy, and the Hazards of Global Ambition by Robert W. Merry, p 189; Sands of Empire: Missionary Zeal, American Foreign Policy, and the Hazards of Global Ambition by Robert W. Merry, p 189-190.
149. <http://www.danielpipes.org/242/the-event-of-our-era>.
150. www.drt.msrt.ir
151. <https://www.irna.ir/news/82590583>.
152. <https://www.farsnews.ir/news/13970830000279>. <https://www.farsnews.ir/razavi/news/13991112001108>.
153. <https://iqna.ir/fa/news/3766414/>
154. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n157164>.
155. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/11/01/242618>.
156. <https://www.mashreghnews.ir/news/930162>; <https://www.tasnimnews>.

- com/fa/news/1392/11/01/242618.
157. <https://www.rajanews.com/news/306660>.
158. <https://www.aa.com.tr/fa/815110>.
159. <https://www.mehrnews.com/news/5122330>
160. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>.
161. <http://iqna.ir/fa/news/3651700>; <http://www.ibna.ir/fa/doc/report/257719>.
162. <https://tejaratnews.com>
163. <https://www.farsnews.ir/news/14020126000193>
164. <https://www.mashreghnews.ir/news/829965>.
165. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>.
166. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>.
167. <https://www.dana.ir/1027475>.
168. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>.
169. <https://mazanddanab.ir/?app=content&catid>.
170. <https://www.mashreghnews.ir/news/640108>.
171. <https://www.mashreghnews.ir/news/829965>.
172. <https://www.farsnews.com/news/13971016000731>
173. <https://www.farsnews.ir/news/13990707000694>.
174. <https://www.yjc.ir/fa/news/6431827>.
175. <https://www.isna.ir/95050105835>.
176. <https://www.dana.ir/224173>
177. <https://www.dana.ir/224173>.
178. <http://hawzahnews.com>
179. <https://www.tabnak.ir/fa/news/831559>
180. <https://www.mehrnews.com>
181. www.bmn.ir/76268
182. www.royaninstitute.org
183. <http://hawzahnews.com/detail/news/460996>.
184. <http://hawzahnews.com/detail/news/460996>.
185. <https://www.mehrnews.com/news/3898873>; <https://www.tahlileiran.ir/a/45920.html>.
186. <https://www.mehrnews.com/news/3898873>; <https://www.farhangesadid.ir/fa/news/63533>.
187. <https://www.mehrnews.com/news/3898873>.
188. <https://www.farsnews.ir/news/14010816000162>.
189. <https://kayhan.ir/fa/news/252975>.
190. (<https://www.farsnews.ir/news/14010728000527>)
191. <https://www.pishkhan.com/news/281599>.

192. <https://www.pishkhan.com/news/152909>.
193. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/06/19/2772035>.
194. <https://www.farsnews.ir/news/13980519001042>.
195. <https://www.farsnews.ir/news/13991119000687>.
196. <http://shabestan.ir/detail/News/762393>; <https://www.mashreghnews.ir/news/934962>.
197. <https://www.geicgroup.com..>
198. <https://karaj.iau.ir/fa/news/4674>.
199. <https://www.mehrnews.com/news/5380722>.
200. <https://farsi.khamenei.ir/others-note%3Fid%3D34148+&cd=1&hl=fa&ct=clnk&gl=ir>
201. <https://kayhan.ir/fa/news/259715>
202. Andrew Scott Cooper, The Fall of Heaven: The Pahlavis and the Final Days of Imperial Iran, New York, Henry Holt and Company, 2016, p 62.
203. Esfandiar Bagheri & etc, "Economic situation of Iran during the reign of Hoveyda's prime minister (1973-1978)", Dilemas Contemporaneos: Educacin, Poltica y Valore; Toluca Vol. VI, No 2, Jan 2019, pp. 4-5.
204. <https://irdc.ir/fa/news/5233>.
205. <https://per.euronews.com/2021/01/06/the-world-most-powerful-pass-ports-2021>.
206. <https://per.euronews.com/2022/01/12/the-world-most-powerful-pass-ports-for-2022>.
207. <https://parsine.com/fa/news/191927>
208. <https://aspb1.cdn.asset.aparat.com/aparat-video/db75c9d2d369e3f47dd-be4d7e8f80bc113642028-360p.mp4>
209. https://www.bbc.com/persian/world/2009/05/090523_eh_germany_2june1967.
210. <https://www.mehrnews.com/news/4045417>.
211. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=29454>